

فصلنامه علمی

راهبرد

۱۰۴

سال سی و یکم - شماره چهارم - پیاپی یکصد و پنجم - زمستان ۱۴۰۱

اعضاء هیئت تحریریه

دکتر محمدرحیم عیوضی

دکتر ابراهیم بیگ زاده

دکتر عزت الله نادری

دکتر علی بیگدلی

دکتر علی اصغر پور عزت

دکتر سهیلا پروین

دکتر علی مرشدی زاد

دکتر مجتبی امیری

نشانی: میرداماد، مصدق (نفت) شمالی، بین کوچه چهارم و ششم، پلاک ۱۰.

کدپستی: ۱۵۹۱۸۱۶۹۱۱ تلفن: ۲۲۲۵۸۹۲۱ نمابر: ۲۲۲۵۸۹۲۱

وبسایت: <http://rahbord.csr.ir>

پست الکترونیک: rahbordcsr@gmail.com

قیمت: ۲۰۰۰۰۰ ریال

این فصلنامه به استناد نامه شماره ۹۵/۲۵۵۹۰ مورخ ۱۳۹۰/۱۰/۴ هیئت نظارت بر مطبوعات منتشر می شود.

به استناد نامه شماره ۲/۱۸/۳۵۱۱ مورخ ۱۳۹۲/۰۳/۹۲ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری فصلنامه راهبرد دارای مرتبه علمی - پژوهشی است.

فصلنامه راهبرد در پایگاه های زیر نمایه می شود:

www.isc.gov.ir

پایگاه استنادی علوم جهان

www.sid.ir

مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

www.magiran.com

بانک اطلاعات نشریات کشور

www.csr.ir

پژوهشکده تحقیقات راهبردی

www.ensani.ir

پرتال جامع علوم انسانی

www.civilica.com

مرجع دانش

www.noomags.ir

پایگاه مجلات تخصصی نور

بلبل



پژوهشکده تحقیقات راهبردی

صاحب امتیاز

پژوهشکده تحقیقات راهبردی
مجمع تشخیص مصلحت نظام

مدیر مسئول

دکتر محمدرضا مجیدی

سر دبیر

دکتر محمدرحیم عیوضی

مدیر داخلی

عقیقه عابدی

صفحه آرا

رضا عبداللهی بجندی

ویراستار

رضا دبیا

شاپا: ۳۱۰۲-۱۰۲۸

شاپای الکترونیک: ۶۵۲۵-۲۵۸۸

تیراژ چاپی: ۱۵۰ نسخه

انتشارات

پژوهشکده تحقیقات راهبردی

• اهداف فصلنامه

۱. ایجاد زمینه برای انتشار مقالات علمی - پژوهشی در حوزه مسائل فرهنگی - اجتماعی کشور؛
۲. مساعدت به نظام سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری فرهنگی - اجتماعی کشور؛
۳. اشاعه و توسعه ادبیات مطالعات راهبردی و سیاست‌گذاری در میان محققان و پژوهشگران علوم اجتماعی؛
۴. ایجاد زمینه برای پیوند تحقیقات و مطالعات اجتماعی و فرهنگی با حوزه سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری کشور؛
۵. ارتقای کیفیت راهبردها و سیاست کلان کشور در حوزه‌های فرهنگی - اجتماعی

• راهنمای تدوین مقاله و شرایط پذیرش آن در فصلنامه راهبرد

فصلنامه راهبرد به‌منظور ایجاد زمینه برای انتشار مقالات علمی - پژوهشی در حوزه مسائل اجتماعی و فرهنگی کشور، تازه‌های پژوهشی صاحب‌نظران این حوزه را منتشر می‌کند تا در دسترس علاقه‌مندان قرار گیرد.

مقالات ارسالی باید شرایط زیر را دارا باشند:

الف) شرایط علمی

۱. مقاله باید دارای اصالت و نوآوری (Original research)، تحلیلی و نتیجه‌کاوش‌های نویسنده یا نویسندگان باشد.
۲. در نگارش مقاله باید روش تحقیق علمی رعایت شود و از منابع معتبر و اصیل نیز استفاده شده باشد.
- توضیح: مقاله پس از دریافت، نخست در هیئت تحریریه بررسی و ارزیابی می‌شود و در صورت داشتن شرایط لازم، برای داوران ارسال می‌گردد. پس از وصول دیدگاه‌های داوران، نتایج و امتیازات کسب شده، در هیئت تحریریه مطرح می‌شود و در صورت کسب امتیازات کافی و پذیرش آن، در نوبت چاپ قرار می‌گیرد.

ب) شرایط نگارش

۱. مقاله باید از جهت نگارش، ساختاری محکم و استوار داشته باشد و اصول فصاحت و بلاغت در آن رعایت شود.
۲. عنوان مقاله باید کوتاه و گویا باشد.
۳. نام مؤلف یا مؤلفان همراه با درجه علمی، نشانی محل کار و نشانی اینترنتی (Email) ذکر شود (ذکر شماره تلفن مسئول مکاتبات نیز لازم است).
۴. چکیده فارسی حداکثر پانزده سطر (۱۵۰ تا ۲۰۰ کلمه) باشد.
۵. کلیدواژه فارسی حداکثر شش کلمه باشد.
۶. مقاله باید دارای مقدمه روشن و دقیق باشد چنانکه خواننده را برای ورود به مبحث اصلی آماده سازد.
۷. بیان پیشینه تحقیق از شرایط مقاله است.
۸. در متن اصلی مقاله باید موضوع به‌طور روشن تحلیل شود.
۹. مقاله باید دارای نتیجه‌گیری دقیق باشد.
۱۰. چکیده انگلیسی حداکثر پانزده سطر (۱۵۰ تا ۲۰۰) کلمه باشد.
۱۱. کلیدواژه انگلیسی حداکثر پنج کلمه باشد.
۱۲. نام نویسنده و درجه علمی و محل کار به لاتین ذکر شود.
۱۳. ارجاعات متن باید داخل پرانتز به ترتیب نام نویسنده، سال و صفحه ذکر شود؛ مثال: (زرین کوب، ۱۳۷۲، ص. ۲۵۴) (Giddens, 2009, p. 14).
۱۴. منابع و مأخذ پایانی باید به ترتیب زیر ذکر شود:

الف: کتاب: نام خانوادگی (شهرت)، نام (سال انتشار)، نام کتاب. نام مترجم یا مصحح، شهر محل نشر: نام ناشر.

ب: نشریه: نام خانوادگی (شهرت)، نام (سال انتشار)، عنوان مقاله. نام نشریه، دوره (شماره)، صفحات مقاله (۲۵-۴۵).

ج: مجموعه مقالات: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان مقاله. نام گردآورنده یا ویراستار، نام مجموعه مقالات، محل نشر: نام ناشر، شماره صفحات مقاله (۲۵-۴۵).

د: سایت‌های اینترنتی: نام خانوادگی، نام (آخرین تاریخ)، عنوان موضوع: نام و نشانی اینترنتی به صورت ایتالیک.

ه: لوح فشرده: نام خانوادگی، نام (سال انتشار)، عنوان، نام لوح فشرده، محل نشر، نام ناشر

۱۵. مقاله باید حداکثر ۲۵ صفحه و هر صفحه در ۲۳ سطر تنظیم شود.

۱۶. مقاله باید از طریق سایت فصلنامه ارسال شود.

۱۷. اسامی خاص و اصطلاحات لاتین و ترکیبات خارجی بلافاصله پس از فارسی آن داخل پرانتز در متن مقاله ذکر شود.

۱۸. مقالات مستخرج از پایان‌نامه باید تأیید استاد راهنما را همراه داشته باشد.

۱۹. مقالات ارسالی به‌هیچ‌وجه برگردانده نمی‌شود.

۲۰. مقاله نباید در هیچ مجله یا همایشی ارائه شده باشد.

یادآوری: مجله در پذیرش یا نپذیرفتن مقاله همچنین ویراستاری آن آزاد است.

دریافت مقاله از طریق سایت فصلنامه انجام می‌گیرد.

یادآوری: مشخصات تمامی نویسندگان در بخش مورد نظر در سایت ذکر شود.

را، مبرد

سال سی و یکم - شماره چهارم - پیاپی یکصد و پنجم - زمستان ۱۴۰۱

فهرست مطالب

مدلسازی ساختاری تفسیری راهبردهای کارآفرینی سیاسی

یوسف پاشازاده، میثم جعفری و مهدیه ویشلقی / ۵۶۳

صورت‌بندی مسئله نظارت در امر حکمرانی

محمد رضا اسماعیلی گیوی، معصومه سروندی، مهدی عبدالحمید و سحر شادرام / ۵۸۵

تنگناها و الزام‌های راهبردی ج.ا.ایران برای تعامل و همکاری با گروه ویژه اقدام مالی (FATF) و گروه اگمونت (EGMONT)

محمد رضا حسینی / ۶۰۹

چیستی نظریه‌پردازی فقهی در حوزه قانون‌گذاری

سید محمد حسینی، نرجس‌خاتون همتی بخشکندی و محمود ویسی / ۶۳۵

راهبردها و فرایندهای احراز شایستگی قضات در تمدن اسلامی

غلامرضا منتظری و مصطفی منتظری / ۶۶۳

ناسازواری رویه بین‌المللی دولت‌ها در پیوند به عدم شناسایی حکومت طالبان با تأکید به راهبرد ایران

احمد رضا توحیدی و محمدامیر قاسمی شاهی / ۶۹۵



مدلسازی ساختاری تفسیری راهبردهای کارآفرینی سیاسی

یوسف پاشازاده

استادیار گروه مدیریت، دانشکده مدیریت، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران.

y.pashazadeh@urmia.ac.ir

id 0000-0000-0000-0000

میثم جعفری

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه لرستان، لرستان، ایران
(نویسنده مسئول).

jafari.me@fc.lu.ac.ir

id 0000-0000-0000-0000

مهديه ويشلقی

دانشجوی دکتری مدیریت دولتی، دانشکده علوم اقتصادی و اداری، دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.

m_vishlaghi@semnan.ac.ir

id 0000-0002-5809-1086

چکیده

کارآفرینی سیاسی نیروی محرکه ایجاد تحولات نهادی بوده که امکان تغییر فرایندهای منسوخ را ایجاد می کند. کارآفرینان سیاسی با هدف ایجاد تغییر در روند سیاست گذاری نقش اساسی را برعهده داشته و می توانند با ارائه راهبردهای سیاسی ابعاد مختلف اقتصادی و اجتماعی را دگرگون سازند. اجماع افراد کلیدی و بانفوذ سیاسی در موضوع کارآفرینی در کشور می تواند روند توسعه برنامه ها را تسریع و چالش های فرایندی را برطرف سازد. ازاین رو شناسایی راهبردهای توسعه کارآفرینی سیاسی و تقویت حضور این افراد، آنها منجر به خلق ارزش و رشد اقتصادی و اجتماعی می شود. براین اساس هدف از انجام پژوهش حاضر، مدل سازی ساختاری تفسیری راهبردهای کارآفرینی سیاسی است. شناسایی راهبردهای کارآفرینی سیاسی از طریق مصاحبه های نیمه ساختاریافته با روش تحلیل محتوای کیفی بر پایه روش اشباع نظری و روش نمونه گیری هدفمند با ۲۴ نفر از اساتید کارآفرینی، خط مشی گذاری و مدیریت انجام گرفت. روایی و پایایی مصاحبه ها به ترتیب با روش روایی محتوایی نسبی و شاخص کاپای کوهن تأیید شد. کدگذاری مصاحبه ها با استفاده از نرم افزار MAXQDA 2020 منجر به شناسایی ۱۱ راهبرد شد. به منظور سطح بندی راهبردهای شناسایی شده از نظرهای ۹۴ نفر از کارآفرینان و مدیران ارشد سازمان های دولتی با روش نمونه گیری تصادفی طبقه ای و به کمک پرسشنامه استفاده شد. روایی و پایایی پرسشنامه به ترتیب با بهره گیری از روایی محتوا و روش آزمون - پس آزمون تأیید شد. راهبردهای

شناسایی شده با روش ساختاری تفسیری منجر به تشکیل پنج سطح شد که شبکه‌سازی سیاسی اثرگذارترین و جریان‌سازی اثرپذیرترین عوامل بودند.

کلیدواژه‌ها: کارآفرینی سیاسی، سیاست‌گذاری، خلق ارزش، رویکرد ساختاری تفسیری.

شاپای الکترونیک: ۲۵۸۸-۶۵۲۵ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد

[CC BY 4.0](#)



10.22034/RAHBORD.2023.368256.1499

مقدمه و بیان مسئله

کارآفرینان با شناسایی و درک فرصت‌ها، منابع را بسیج کرده، زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و رفتارهای کارآفرینانه را توسعه داده و ظرفیت اشتغال‌زایی را ارتقا می‌بخشند (Neck, 2016, p. 203). کارآفرینان، دانش، اعتماد، قابلیت اطمینان و عناصر ناملموس را ایجاد و توسعه می‌دهند و توانایی رهبری هر طرحی در زمینه سیاست و اقتصاد را دارند (Sarabia; Romero & Nunez, 2020, p. 19). سازمان توسعه و همکاری اقتصادی اروپا، کارآفرینان را به‌عنوان عاملان ریسک‌پذیر در رشد و تغییر بیان نموده است که منجر به تسریع در تولید، توزیع و کاربرد ایده‌های بدیع و سودآور می‌شوند (Brouwer; Huitema & Biermann, 2009, p. 6). کارآفرینی یکی از مهم‌ترین عوامل در سیاست‌گذاری عمومی و ارتقای رشد و اشتغال‌زایی است (Lundestrom & Stevenson, 2005, p. 9; Autio & Holzl, 2008). در روند سیاست‌گذاری، کارآفرینان سیاسی نقش اصلی و اساسی در گردهمایی جریان‌ها، تعاملات بازیگران و اتخاذ تصمیم‌ها بر عهده دارند (Svensson, 2019, p. 1214). کارآفرینان سیاسی به سرمایه‌گذاری منابع موجود برای خلق تصمیم‌های بدیع و بررسی مشکلات در حوزه‌های سیاسی می‌پردازند و با درک بالایی که از مشکلات موجود دارند، می‌توانند بهترین راه‌حل را از میان راه‌حل‌های موجود برگزینند و به‌عنوان رهبران سیاسی، مدنی و اجتماعی از اعتبار، سرمایه مالی، پشتیبانی اجتماعی و سیاسی خود بهره‌گیرند و منجر به جلب حمایت سایر سیاستمداران و تصمیم‌گیرندگان شوند (Karlsson, 2015, p. 4). کارآفرینان سیاسی بازیگران پرانرژی‌ای هستند که جهت همکاری در داخل و پیرامون دولت برای ترویج نوآوری‌هایی در سیاست مشارکت می‌کنند (Teixeira & Silva, 2012, p. 341). با توجه به چالش‌های عظیمی که در حال حاضر بشر با آنها روبه‌رو است، نیاز است که چنین بازیگرانی در عرصه سیاست قدم بگذارند و فرایندهای قدیمی موجود را تغییر دهند. در طی سال‌های اخیر تحقیقات علمی در مورد کارآفرینان سیاسی تشدید شده است (Mintrom M., 2019, p. 312). کارآفرینان سیاسی به‌دنبال تغییر در سیاست‌ها هستند و در سراسر روند تغییر سیاست مشارکت می‌کنند و توانایی بالایی در ریسک‌پذیری دارند (Frisch Aviram; Cohen & Beeri, 2020, p. 39). با توجه به اینکه امروزه سرعت تغییر و تحولات افزایش یافته و افراد به‌دلیل آگاهی و دسترسی بالا و تسهیل در برقراری ارتباطات، خواهان تغییر و تحول و اتخاذ راهبردهای نوین

هستند، نیاز به راهبردهای بدیع و تازه بیشتر شده و این نوجویی و خلق راهبردها و سیاست‌های نو بر عهده کارآفرینان سیاسی است. نهادهای دولتی و سازمان‌های دولتی به دلیل ارائه خدمات متنوع و ارزنده به شهروندان، همواره نیازمند اتخاذ و پیاده‌سازی سیاست‌ها و راهبردهای جدید هستند تا بتوانند به صورت اثربخش مسائل و مشکلات موجود را حل و فصل نمایند و انتظارها و توقع‌های شهروندان را برآورده سازند. شکاف مطالعاتی موجود در حوزه کارآفرینی توسط سیاسیون و افراد بانفوذ در کشور نویسندگان را برآن داشت تا با استفاده از مزایای رویکردهای کیفی و کمی مطالعه‌ای جامع در این حوزه انجام دهند. به دلیل قدرت و مقبولیت بالای این افراد برنامه‌های کارآفرینی با استمرار بیشتری پیاده‌سازی شده و در زمان کمتری به نتیجه می‌رسد. کارآفرینان سیاسی در این راستا می‌توانند با خلاقیت و نوجویی سیاست‌ها و راهبردهای قدیمی را کنار بگذارند و با اتخاذ سیاست‌های نو، اهداف سازمانی و کلان اجتماعی را تحقق بخشند. کارآفرینان سیاسی با آینده‌نگری و ریسک‌پذیری بالا، می‌توانند با عزم راسخی که دارند در شرایط عدم قطعیت تصمیم‌های راهبردی و بدیعی اتخاذ کنند؛ فلذا جهت توسعه سازمان‌ها و دستیابی به اهداف راهبردها و بنیادین، تربیت و جذب کارآفرینان سیاسی در سازمان‌ها و نهادهای دولتی ضروری است. طراحی الگوی کارآفرینی سیاسی کمک خواهد کرد تا متناسب با مفاهیم مربوط به کارآفرینی و ریسک‌پذیری و اهداف و مأموریت‌های اسناد بالادستی بتوان به اهداف غایی اجتماعی و اقتصادی از طریق اتخاذ سیاست‌ها و راهبردهای بدیع دست یافت. نوآوری پژوهش حاضر آن است که مدیران و تصمیم‌گیرندگان سیاسی و دولتی را از اهمیت کارآفرینی سیاسی آگاه نموده و با ارائه راهبردهایی زمینه توسعه و تقویت مهارت‌ها و توانایی‌های این افراد را فراهم کرد. هدف پژوهش حاضر، مدل‌سازی ساختاری تفسیری راهبردهای کارآفرینی سیاسی می‌باشد.

۱. پیشینه پژوهش

کارآفرینان سیاسی می‌توانند بر دیگران تأثیر بگذارند و دارای هوش اجتماعی بالایی هستند. ویژگی بعدی بسیار مهم کارآفرینان سیاسی، جامعه‌پذیری است، یعنی توانایی کنار آمدن با دیگران و سرسختی و مقاومت نیز یکی دیگر از ویژگی‌های مهم آنان است (Cairney P. , 2018, p. 202). کارآفرینان سیاسی ریسک‌پذیری بالایی دارند و جهت ادامه در مسیر پیش‌رو باید تسلیم ناملایمت‌ها نشوند. ویژگی‌های

جاه‌طلبی و سرسختی برای کسانی که به دنبال کسب مهارت‌های جدید هستند ضروری است. علاوه بر ویژگی‌های بیان شده، کارآفرینان سیاسی باید دارای مهارت‌های متعددی باشند تا بتوانند در تعاملات با افراد دیگر از این مهارت‌ها استفاده کنند (Cairney p. , 2021, p. 15). کارآفرینان سیاسی دارای انرژی بالایی هستند و متعهدانه اهداف خود را دنبال می‌کنند. افرادی که آمادگی ایفای این نقش‌ها را داشته باشند باید با چشم‌اندازهای بزرگ‌تری برای آینده بهتری و با انگیزه بیشتری تلاش کنند (Collins, 2001, p. 57). کارآفرینی سیاسی تفسیری شهودی از رفتارهای استثنایی است که نتیجه ترکیبی بسیاری از علل است. اغلب بازیگران کارآفرین به عنوان افرادی انعطاف‌پذیر که به دنبال فرصت‌ورزی و بهره‌گیری از فرصت‌های موجود عمل می‌کنند (Kingdon, 1984; Christopoulos & Ingold, 2011). مینتروم (۲۰۰۰) مدعی است کارآفرینان سیاسی نقش قابل توجهی در تغییر سیاست‌ها دارند و در فرایند سیاست‌گذاری دقیقاً همانند کارآفرینان اقتصادی و تجاری عمل می‌کنند (Brouwer; Huitema & Biermann, 2009, p. 10). کارآفرین سیاسی فردی است که در شناسایی مشکلات سیاسی، بسیج ائتلاف‌های حمایتی، برنامه‌های تغییر و اجرای تغییرهای سیاسی نقش کلیدی ایفا می‌کنند (Kingdon, 1984). کارآفرین سیاسی می‌تواند هم به عنوان به یک فرد خودی و هم یک فرد خارجی سیاسی ایفای نقش نماید. کارآفرینی سیاسی زمانی اتفاق می‌افتد که فرد فرصت سود سیاسی را مشاهده کرده و بر اساس آن عمل نماید. در کارآفرینی تجاری، اقدام‌های کارآفرینانه مستلزم آن است که ابتدا فرصت سودآوری وجود داشته باشد، دوم اینکه شخص به اندازه کافی هوشیار باشد تا فرصت‌های موجود را تشخیص دهد و سوم اینکه فرد تمایل داشته باشد تا از این فرصت استفاده کند (Mintrom M. , 2019, p. 312). هر یک از این سه شرط عناصر مشترک کارآفرینی سیاسی و تجاری هستند؛ اما در هر یک از این الزام‌ها تفاوت‌های ظریف و اساسی بین کارآفرینی تجاری و سیاسی وجود دارد. تفاوت‌های اساسی با این واقعیت که مبادلات تجاری بر اساس توافق داوطلبانه انجام می‌شود و عاقلانه است (Sarabia; Romero & Nunez, 2020, p. 20)، درحالی که اقدام‌های سیاسی همیشه یک عنصر اجبار را به همراه دارند، این واقعیت که می‌توان از نیرو برای ایجاد نتایج سیاسی استفاده کرد (Christopoulos & Ingold, 2011, p. 40). نتایج پژوهش‌های صورت گرفته در خصوص کارآفرینی سیاسی به شرح جدول (۱) می‌باشد:

جدول (۱): پیشینه پژوهش

ردیف	مطالعات انجام شده	عنوان پژوهش	نتایج
۱	(Cairney P., 2021)	سه عادت کارآفرینان سیاسی موفق	کارآفرینان سیاسی به دنبال تعقیب اهداف بلندپروازانه هستند و برای سیاست‌گذاری مبتنی بر شواهد مستلزم ایجاد چهارچوب برای حل یک مشکل، آماده‌سازی و ارائه راه‌حل‌های متعهد و استفاده از انگیزه و فرصت‌ورزی سیاسی و انتخاب بهترین راه‌حل هستند. کارآفرینان سیاسی موفق هرگز از ادامه راه مایوس نمی‌شوند و برای تغییر سیاست از دانش، قدرت و فرصت‌های کلیدی موجود استفاده می‌کنند و وقت و منابع خود را عاقلانه برای پاداش و سودآوری در آینده سرمایه‌گذاری نموده و دارای مهارت‌های کلیدی بسیاری هستند که به آنها کمک می‌کند تا به‌خوبی با محیط خود سازگار شوند و تطبیق یابند.
۲	(Jarvis & He, 2020)	کارآفرینی سیاسی و تغییر نهادی: چه کسی، چگونه و چرا؟	در طول دهه‌های گذشته کارآفرینی سیاسی به‌عنوان یک مفهوم تحلیلی کلیدی ظاهر شده است که به تغییرهای نهادی و سیاسی کمک می‌کند. به لحاظ نظری این موضوع دارای محدودیت‌هایی است و نیازمند بررسی بیشتر می‌باشد. در کشورهای در حال توسعه بیشتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. علاوه بر شکاف نظری دارای شکاف تجربی نیز می‌باشد. کارآفرینان سیاسی افرادی هستند که دارای مهارت‌هایی همچون فن مذاکره، شبکه‌سازی و ایجاد ائتلاف‌های قدرتمند و توان تغییر سیاست‌ها و خط‌مشی‌های موجود را دارند.
۳	(Sarabia; Romero & Nunez, 2020)	کارآفرینی سیاسی و جانشینی رهبری	در طی این مطالعه به بررسی رابطه بین کارآفرینی سیاسی و جانشینی رهبری در اسپانیا پرداخته شده است. کارآفرینی سیاسی مفهومی تقریباً قدیمی است که توسط شومپتر ^۱ در سال ۱۹۱۲ بیان شده است و بین کارآفرین تجاری و کارآفرین سیاسی تفاوتی قائل نیست و کارآفرینان را افرادی می‌داند که با درک فرصت‌های موجود منابع را بسیج نموده و زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، سیاسی رفتارهای کارآفرینانه را توسعه می‌دهند و به دنبال ارتقا صنعت جدید هستند. کارآفرینان سیاسی دارای هوش و ذکاوت اجتماعی بالایی هستند و از طریق ایجاد تغییرهای نهادی به دنبال افزایش سود و درآمد هستند.

ردیف	مطالعات انجام شده	عنوان پژوهش	نتایج
۴	(Lensch, 2019)	کارآفرینی سیاسی	در کتاب خود بیان نموده است کارآفرین سیاسی ایده‌های بدیع خود را در شرایط عدم قطعیت مطرح نموده و از منابع و زمان موجود برای ارزش‌آفرینی استفاده می‌نماید. کارآفرینان سیاسی قدرت تغییر نهادهای سیاسی و بخش عمومی را دارند. کارآفرینان سیاسی افرادی باهوش، ماهر و خلاق و درعین حال انعطاف‌پذیرند که خواهان ایجاد تغییرهای بنیادین هستند و با اعمال خلاقانه خود جهت و جریان سیاست را تغییر می‌دهند. توانمندسازی کارآفرینان سیاسی در همه سطوح می‌تواند از طریق دوره‌های آموزشی متعدد انجام گیرد.
۵	(Svensson, 2019)	کارآفرینان سیاسی رسمی به عنوان یک ابزار حکومتی برای ادغام سیاسی	بیان داشت کارآفرینان سیاسی می‌توانند با پاسخ‌های کاملاً منطقی به مشکلات پیچیده و خط‌مشی‌گذاری براساس شرایط موجود اقدام به تغییر سیاست‌ها نمایند و بتوانند از مزایای رسمی و غیررسمی این نوع تغییرها استفاده نمایند. کارآفرینان سیاسی موفق دارای مهارت‌هایی همچون چهارچوب‌سازی، ارتباطات و شایستگی‌های ارتباطی هستند. همچنین دارای عناوینی همچون راهبرددانشناس، هماهنگ‌کنندگان و توسعه‌دهندگان هستند که در سطوح مختلف دولتی یافت می‌شوند. آنها عمدتاً بر یکپارچه‌سازی سیاست‌های توسعه‌ای برای رشد و شمول اجتماعی تمرکز دارند. رفتار کارآفرینان سیاسی شامل ویژگی‌های غیررسمی همچون یافتن متحدان از طریق شبکه و برقراری ارتباطات راهبردانه و حفظ روابط اجتماعی راهبردانه است، همچنین شامل رفتارهای اداری سیاسی رسمی همچون رعایت سلسله‌مراتب سازمانی، روال‌ها، انصاف و عدالت رویه‌ای و... است که به عنوان اصول تعیین‌کننده نظام مردم‌سالارانه در نظر گرفته می‌شوند.
۶	(Mintrom M., 2019)	بنابراین می‌خواهید کارآفرین سیاسی باشید؟	کارآفرینان سیاسی بازیگران پرنرزی هستند که برای ترویج نوآوری‌های سیاسی در تلاش‌اند. با توجه به چالش‌های عظیمی که بشریت با آنها روبه‌رو است چنین بازیگرانی در عرصه‌های سیاسی ضروری هستند تا بتوانند فرایندهای تغییر را تحریک نموده و منجر به تغییرهای اساسی و بنیادین شوند. نهادهای جمعی، کارکنان حرفه‌ای را که به ترویج نوآوری‌های سیاسی می‌پردازند پرورش و تربیت می‌کنند تا تبدیل به

ردیف	مطالعات انجام شده	عنوان پژوهش	نتایج
			کارآفرینان سیاسی نمایند که دارای مهارت‌ها، ویژگی‌ها و راهبردهای سیاسی خاصی هستند که آنها را از سایر کارآفرینان متمایز می‌نماید.
۷	(Neubauer-shani & Shamir, 2018)	کارآفرینی سیاسی و تغییر سیاست در اسرائیل	استفاده رایج از واژه کارآفرینی تقریباً به اقتصاد و دنیای تجارت مرتبط است و تعجب‌آور نیست که در این اصطلاح در اقتصاد فرانسه حدود ۳۰۰ سال پیش به وجود آمده است. محققان معاصر کارآفرین را فردی می‌دانند که به دنبال فرصتی برای تغییر و ایجاد ارزش است. کارآفرینان سیاسی به عنوان افرادی بیان شده‌اند که به بسیج ایده‌ها و نوآوری‌های مختلف در سیاست‌گذاری و تغییرهای نهادی و حل تعارض‌ها در داخل و بین مفاهیم خط‌مشی‌گذاری و هدایت و اجرای ایده‌های سیاسی در فرایند حکمرانی چندسطحی پرداخته‌اند. کارآفرینان سیاسی شامل آن دسته از شخصیت‌هایی هستند که در درون نظام‌های سیاسی رسمی قرار دارند یعنی سیاستمداران و بورکرات‌هایی که در زمینه نوآوری در عرصه سیاسی حرکت می‌کنند. کارآفرینان سیاسی در تمام سطوح حکمرانی از سطوح محلی تا سطوح ملی و بین‌المللی فعال هستند. همچنین می‌توانند در نظام‌ها و فرهنگ‌های سیاسی (لیبرال، غیرلیبرال، نظام‌های مردم‌سالارانه، فدرال و پارلمانی) یافت شوند و در انواع مسائل مربوط به سیاست از سیاست اقتصادی گرفته تا سیاست خارجی فعال باشند.

با بررسی پیشینه پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که هیچ پژوهشی به سطح‌بندی راهبردهای توسعه کارآفرینی سیاسی در نهادهای دولتی نپرداخته است. از این رو پژوهش حاضر تلاش می‌کند به شناسایی و سطح‌بندی راهبردهای کارآفرینی سیاسی با استفاده از رویکرد ساختاری تفسیری بپردازد.

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر بر پایه رویکرد آمیخته و به صورت کیفی و کمی در پارادایم قیاسی - استقرایی است. پژوهش حاضر در دو گام انجام گرفته است. راهبردهای کارآفرینی سیاسی با روش کیفی و مدل‌سازی آن با روش ساختاری تفسیری انجام خواهد گردید. جامعه آماری این پژوهش در بخش کیفی اساتید کارآفرینی، خط‌مشی‌گذاری

و مدیریت بود که نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند و با استفاده از روش گلوله برفی و به تعداد ۲۴ نفر انجام شده است. تعیین حجم نمونه با استفاده از اصل اشباع نظری صورت گرفته است. درمجموع پس از مصاحبه با بیست‌ودو و بیست‌وسه، مقوله جدیدی استخراج نشد و درنهایت فرایند مصاحبه با نفر بیست‌وچهار به پایان رسید. مصاحبه‌ها در بخش کیفی به‌صورت چهره‌به‌چهره و با سؤال‌های باز انجام شد و سپس با استفاده از فرایند کدگذاری راهبردهای کارآفرینی شناسایی شدند. برای اطمینان از صحت کدگذاری و استخراج مفاهیم، کدهای به‌دست آمده از مصاحبه‌ها مجدداً در اختیار مصاحبه‌شوندگان قرار گرفت تا از تأیید کدهای استخراج شده توسط مصاحبه‌شوندگان اطمینان حاصل شود. هدف رسیدن به ایده اصلی مصاحبه‌شونده است. جامعه آماری پژوهش در بخش کمی کارآفرینان و مدیران ارشد سازمان‌های دولتی می‌باشند که با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای حجم نمونه ۹۴ نفر تعیین شده است. ابزار گردآوری اطلاعات در بخش کمی پرسشنامه بود که روایی و پایایی با استفاده از شاخص CVR، آزمون کاپای کوهن و آزمون مجدد تأیید شد. برای سنجش شاخص CVR، میزان ضروری بودن مفاهیم مورد سؤال قرار گرفت. نتایج فرمول برای همه عوامل بالاتر از $0/73$ بوده که حکایت از روایی محتوایی مناسب دارد. در آزمون کاپا کوهن نیز با توجه به میزان عدد معنی داری و مقدار آزمون که بالاتر از ۶۰ درصد است نشان‌دهنده پایایی لازم است. کدگذاری داده‌های حاصل از مصاحبه با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA2020 انجام شد که منجر به شناسایی ۱۱ راهبرد در این زمینه شد.

در گام بعدی، مدلسازی راهبردهای کارآفرینی سیاسی با استفاده از نظریات کارآفرینان و مدیران ارشد سازمان‌های دولتی انجام شد. برای این منظور از نظریات ۹۴ نفر از کارآفرینان و مدیران با بهره‌گیری از نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای بهره گرفته شد. داده‌های مورد نیاز با استفاده از پرسشنامه مقایسه زوجی جمع‌آوری شد. باتوجه به اینکه برای تعیین روایی پرسشنامه روش‌های متعددی وجود دارد در این پژوهش به‌دلیل ماهیت آن از روش روایی محتوا استفاده شد. پی از شناسایی راهبردهای کارآفرینی سیاسی از روش کیوسرت بهره برده شد که هر یک از عوامل شناسایی شده بر روی کارتی جداگانه نوشته شدند. کارتها به دو گروه پُرارزش و کم‌ارزش تقسیم شده و سپس این دو گروه مجدداً تقسیم شدند و چهار گروه بسیار پُرارزش، پُرارزش، کم‌ارزش و بسیار کم‌ارزش حاصل شد. در مرحله بعد یک گروه متوسط ارزش به این گروه‌های چهارگانه اضافه می‌شود. پس از آن گزینه‌هایی از بین

گروه پُرازش و بسیار پُرازش انتخاب می‌گردد. در گام بعدی تنظیم پرسشنامه‌ای در صفحه گسترده اکسل با نظرخواهی از اساتید دانشگاهی متخصص در حوزه پژوهش جهت تعیین عوامل برگرفته از مصاحبه برای دستیابی به روایی محتوایی استفاده می‌شود (Serfass & Sherman, 2013, p. 856). نتایج تحلیل داده‌های جمع‌آوری‌شده از پنج نفر از خبرگان منجر به تأیید اهمیت عوامل استخراج‌شده راهبردهای کارآفرینی سیاسی شد. جهت سنجش پایایی از روش آزمون - پس‌آزمون استفاده شده و پرسشنامه در بازه زمانی سه هفته بعد مجدداً برای اساتید دانشگاهی و تعدادی از خبرگان باتجربه و آگاه در حوزه پژوهش ارسال شد. همبستگی پاسخ‌ها به میزان ۷۱ درصد برآورد شد که نشان از تأیید پایایی پرسشنامه دارد.

جدول (۲): آزمون پایایی کاپا کوهن

معنی‌داری	Approx. T	خطا	ارزش	
.000	6.125	.106	.652	Kappa Measure of Agreement

جدول (۳): نسبت روایی محتوا و شاخص کاپا کوهن به تفکیک

متغیر	کاپا	روایی محتوا
بهره‌گیری از ظرفیت ائتلاف‌ها	۰/۶۸	۰/۷۳
تعامل‌های اثربخش با بازیگران کلیدی	۰/۷۱	۰/۷۶
واکاوی تحولات گذشته	۰/۷۲	۰/۷۸
ریسک‌پذیری	۰/۶۸	۰/۷۳
گروه‌سازی	۰/۷۰	۰/۷۴
سرمایه ارتباطی	۰/۷۴	۰/۷۳
جریان‌سازی	۰/۶۶	۰/۷۵
توانایی مذاکره و چانه‌زنی	۰/۸۲	۰/۸۰
فرصت‌ورزی	۰/۷۷	۰/۷۴
شبکه‌سازی سیاسی	۰/۷۱	۰/۷۸
مقبولیت	۰/۷۸	۰/۷۹

پروتکل مصاحبه با خبرگان در جدول زیر ارائه شده است:

جدول (۴): پروتکل مصاحبه

بسمه تعالی

با سلام و احترام؛ فرم پیشرو پیرامون پژوهش علمی با عنوان «شناسایی و سطح‌بندی راهبردهای کارآفرینی سیاسی با استفاده از روش ساختاری تفسیری» می‌باشد. لازم به یادآوری است که پاسخ‌های جنابعالی محرمانه بوده و صرفاً در کشف مفاهیم، مقوله‌ها و روابط بین آنها مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

شماره مصاحبه:	تاریخ مصاحبه:
---------------	---------------

الف. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی (دموگرافیک) مصاحبه شونده:

جنسیت: ☐ ۱. مرد ☐ ۲. زن

سابقه خدمت:

تحصیلات:	۱. کارشناسی ☐	۲. کارشناسی ارشد ☐	۳. دکتری تخصصی ☐
----------	--------------------------------------	---	---

ب. سؤالات مصاحبه

۱. به نظر شما راهبردهای توسعه و پیشبرد کارآفرینی سیاسی چیست؟
۲. چه شاخص‌هایی بایستی در توسعه کارآفرینی سیاسی در نظر گرفته شود؟
۳. به نظر شما موانع موجود در کارآفرینی سیاسی چیست؟
۴. کارآفرینان سیاسی چگونه می‌توانند موجبات تغییر و تحول در سیاست‌ها را فراهم نمایند؟

۳. یافته‌ها

۳-۱. یافته‌های جمعیت‌شناختی

ویژگی‌های جمعیت‌شناختی مصاحبه‌شوندگان به شرح جدول زیر است.

جدول (۵): ویژگی‌های جامعه آماری پژوهش در بخش کیفی

جنسیت	تحصیلات	تخصص	سابقه کار	جنسیت	تحصیلات	تخصص	سابقه کار
مرد	دکتری	خط‌مشی‌گذاری	۱۱	مرد	دکتری	مدیریت راهبردی	۱۴
زن	دکتری	کارآفرینی	۱۲	مرد	دکتری	مدیریت کسب‌وکار	۱۱
مرد	دکتری	مدیریت دولتی	۹	مرد	دکتری	سیاست‌گذاری عمومی	۱۳

جنسیت	تحصیلات	تخصص	سابقه کار	جنسیت	تحصیلات	تخصص	سابقه کار
مرد	کارشناسی ارشد	کارآفرینی	۱۹	مرد	دکتری	خط‌مشی‌گذاری	۱۴
مرد	دکتری	کسب‌وکار	۱۴	مرد	کارشناسی ارشد	کارآفرینی	۱۷
مرد	کارشناسی	کارآفرینی	۱۱	مرد	کارشناسی ارشد	مدیریت دولتی	۲۲
مرد	دکتری	مدیریت	۱۰	مرد	دکتری	کسب‌وکار	۶
مرد	کارشناسی	کسب‌وکار	۱۴	مرد	دکتری	اقتصاد	۴
مرد	کارشناسی ارشد	کارآفرینی	۱۵	مرد	دکتری	سیاست‌گذاری عمومی	۹
زن	دکتری	خط‌مشی‌گذاری	۱۴	مرد	دکتری	مدیریت دولتی	۱۹
مرد	دکتری	خط‌مشی‌گذاری	۱۷	مرد	دکتری	کارآفرینی	۲۱
مرد	دکتری	کارآفرینی	۱۳	مرد	دکتری	مدیریت دولتی	۱۲

۳-۲. یافته‌های کیفی

کدگذاری داده‌های حاصل از مصاحبه با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA انجام شد که منجر به شناسایی ۱۱ مقوله اصلی و ۵۱ کد محوری شد. کدگذاری مربوط به راهبردهای کارآفرینی سیاسی در جدول ۶ بیان شده است.

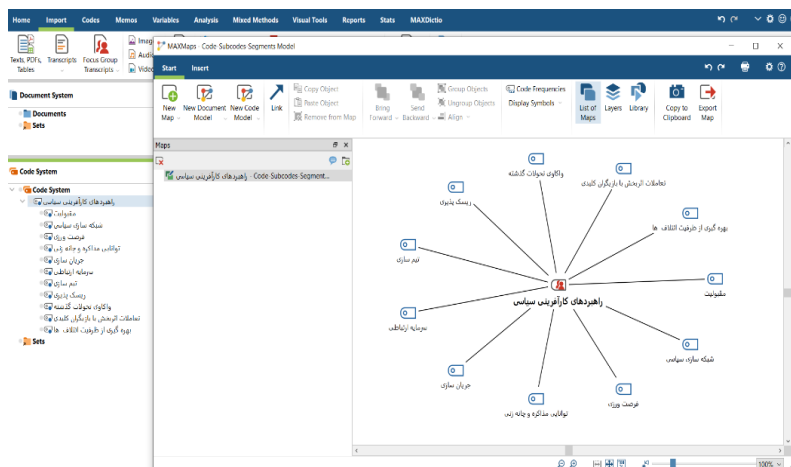
جدول (۶): کدگذاری راهبردهای کارآفرینی سیاسی

کدهای نهایی (راهبردها)	کدهای محوری
بهره‌گیری از ظرفیت ائتلاف‌ها	ائتلاف‌سازی، اعمال نفوذ در موقعیت‌های گوناگون، شناخت عقاید و نگرش افراد، شناسایی کانال‌های سودمند ارتباطی، آگاهی از نحوه کار سیستم، آگاهی از منبع تصمیم‌ها و تغییرها
تعاملات اثربخش با بازیگران کلیدی	توجه به جایگاه و توانایی‌های افراد، درک اهمیت مبادله، هوشمندی در تعاملات، هدف‌محوری تعاملات
واکاوی تحولات گذشته	تحلیل تجارب پیشین، بررسی اقدام‌های مشابه قبلی
ریسک‌پذیری	لازمه کارآفرینی قبول ریسک، ریسک معقول
گروه‌سازی	دعوت از افراد کلیدی حوزه سیاست‌گذاری، نزدیک کردن نگرش‌ها
سرمایه ارتباطی	روابط با مسئولان از بخش‌های گوناگون، روابط با کارآفرینان
جریان‌سازی	همراه کردن افراد با ایده‌های توسعه‌ای، متقاعد ساختن (اقتناع)،

کدهای نهایی (راهبردها)	کدهای محوری
	نهادینه کردن تفکر خلاق، تثبیت نگرش کارآفرینی از طریق سیاست‌گذاری
توانایی مذاکره و چانه‌زنی	فراگیری روش‌های نفوذ، فنون مذاکره، توانایی ترغیب
فرصت‌ورزی	تحلیل دقیق مسائل، اقدام به موقع
شبکه‌سازی سیاسی	شناسایی ذی‌نفعان کلیدی، فعالیت در راستای جلب‌نظر طیف وسیعی از سیاست‌یون
مقبولیت	فراگیری مهارت‌های گوناگون در جهت استحکام جایگاه ائتلاف، روابط عمومی قوی و تسهیل ارتباطات

کدگذاری مقولات اصلی با استفاده از نرم‌افزار Maxqda به شرح شکل ۱ ارائه

شده است.



شکل (۱): کدگذاری مقولات اصلی با Maxqda

۳-۳. مدل‌سازی ساختاری تفسیری

اولین گام در روش مدل‌سازی ساختاری تفسیری، تشکیل ماتریس خودتعاملی است. در این مرحله روابط بین راهبردهای کارآفرینی سیاسی به‌صورت زوجی بر پایه فراوانی پاسخ‌های خبرگان با استفاده از نمادهای استاندارد (V, A, X, O) تعریف می‌شود. ماتریس خودتعاملی راهبردهای کارآفرینی سیاسی به شرح جدول (۷) می‌باشد:

جدول (۷): ماتریس خودتعالی

توانایی مذاکره و چانه زنی	فرصت‌ورزی	شبکه‌سازی سیاسی	مقبولیت	پهره‌گیری از ظرفیت اتلاف‌ها	تفاعلات اثر بخش با بازیگران کلیدی	واکاوی تحولات گذشته	ریسک‌پذیری	گروه‌سازی	سرمایه ارتباطی	جریان‌سازی
X	A	X	O	X	X	X	X			
V	A	X	A		X	X	X			
V	A	V	X			X				
V	V	X	V				X			
V	V	V	V							
V	V	V	X							
V	V	V	X							
X	A	V	X							
X	X	V	X							
X	X	A	X							

مقبولیت	شبکه‌سازی سیاسی	فرصت‌ورزی	توانایی مذاکره و چانه‌زنی	بهره‌گیری از ظرفیت ابتلافاها
				تفاعلات اتریش با باز یکران کلیدی
				واکای تحولات گذشته
				ریسک پذیری
				گروه‌سازی
				سرمایه ارتباطی
				جریان‌سازی
			X	توانایی مذاکره و چانه‌زنی
		X	X	فرصت‌ورزی
	X	X	X	شبکه‌سازی سیاسی
X		X	X	مقبولیت

در ماتریس خودتعاملی، V یعنی شاخص i به j منجر می‌شود (سطر بر ستون اثرگذار است)؛ A یعنی شاخص j به i منجر می‌شود (ستون بر سطر اثرگذار است)؛ X برای نشان دادن تأثیر دوطرفه؛ و O برای نشان دادن عدم وجود رابطه بین دو شاخص استفاده شده است. در گام دوم، ماتریس دستیابی اولیه از تبدیل ماتریس خودتعاملی ساختاری به یک ماتریس دو ارزشی صفر و یک به دست آمد. جهت استخراج ماتریس دستیابی اولیه در هر سطر ماتریس خودتعاملی به جای علائم X و V از عدد یک و به جای علائم A و O عدد صفر استفاده شد. در گام بعدی ماتریس دستیابی نهایی با تکیه بر تحلیل روابط ثانویه یا غیرمستقیم میان موانع شناسایی شده بررسی شد. به این معنا که اگر X_1 منجر به X_2 شود و X_2 منجر به X_3 شود، در این صورت باید X_1 نیز منجر به X_3 شود که به اصطلاح تحت عنوان عمل سازگاری ماتریس دستیابی مطرح است. ماتریس دستیابی در جدول ۸ شرح داده شده است.

جدول (۸): ماتریس دستیابی

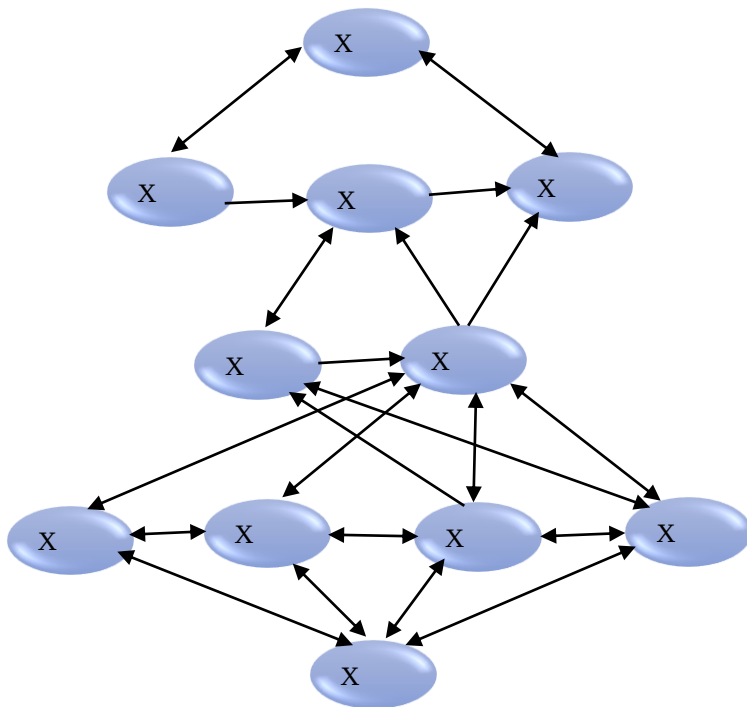
نفوذ	X11	X10	X9	X8	X7	X6	X5	X4	X3	X2	X1	
9	0	1	0	1	1	1	1	1	1	1	1	X1
9	0	1	1	1	0	1	1	1	1	1	1	X2
9	1	1	1	1	0	1	0	1	1	1	1	X3
10	1	1	1	1	1	0	1	1	1	1	1	X4
9	1	1	1	1	1	1	1	0	1	1	0	X5
9	1	1	1	1	1	1	1	1	0	0	1	X6
7	1	1	0	1	1	0	1	0	1	1	0	X7
7	1	1	1	1	1	0	1	0	0	0	1	X8
9	1	1	1	1	1	0	0	1	1	1	1	X9
9	1	1	1	1	0	1	1	0	1	1	1	X10
8	1	1	1	1	1	1	0	0	1	1	0	X11
	9	11	9	11	8	7	8	7	8	9	8	وابستگی

در مدل ساختاری تفسیری روابط متقابل و تأثیرگذاری بین معیارهای سطوح مختلف به‌خوبی نشان داده شده است که موجب درک بهتر فضای تصمیم‌گیری به وسیله مدیران و کارآفرینان می‌شود. جهت تعیین معیارهای کلیدی، قدرت نفوذ (تعداد عناصری که عنصر نام بر آنها تأثیر می‌گذارد) و وابستگی (تعداد عناصری که بر عنصر نام تأثیر می‌گذارند)، که از قدرت نفوذ و وابستگی در تحلیل میک‌مک استفاده می‌شود. پس از سازگاری و تدوین ماتریس دستیابی، قدرت نفوذ و وابستگی هر یک از راهبردها شناسایی شده و به شرح جدول ۸ بیان شده است. درنهایت در گام بعدی جهت تعیین روابط و سطح‌بندی راهبردهای کارآفرینی سیاسی در مدل ساختاری تفسیری باید مجموعه خروجی‌ها (شامل خودمعیار و معیارهایی که از آن تأثیر می‌پذیرند) و مجموعه ورودی‌ها (شامل خودمعیار و معیارهایی که بر آن تأثیر می‌گذارند) برای هر یک از راهبردهای بیان شده استخراج می‌شود. پس از تعیین مجموعه خروجی‌ها و مجموعه ورودی‌ها، اشتراک دو مجموعه محاسبه می‌شود. اولین عاملی که در آن اشتراک دو مجموعه خروجی و ورودی برابر با مجموعه خروجی باشد، سطح اول است؛ بنابراین عناصر سطح اول بیشترین تأثیرپذیری را در مدل دارند. پس از شناسایی شاخص‌های سطح اول، این عناصر حذف شده و فرایند محاسبه مجموعه خروجی و ورودی ادامه پیدا می‌کند. این فرایند تا حذف تمامی شاخص‌ها ادامه می‌یابد. سطح‌بندی راهبردهای کارآفرینی سیاسی در جدول ۹ بیان شده است.

جدول (۹): سطح‌بندی راهبردهای کارآفرینی سیاسی

LEVEL	مجموعه مشترک	مجموعه ورودی	مجموعه خروجی	ابعاد
4	1,2,3,4,6,8,10	1,2,3,4,6,8,9,10	1,2,3,4,5,6,7,8, 10	X1
4	1,2,3,4,5,9,10	1,2,3,4,5,7,9,10,11	1,2,3,4,5,6,8,9,10	X2
3	1,2,3,4,9,11	1,2,3,4,5,7,9,11	1,2,3,4,6,8,9,10,11	X3
4	1,2,3,4,9,10	1,2,3,4,6,9,10	1,2,3,4,5,7,8,9,10,11	X4
2	2,5,6,7,8,10	1,2,4,5,6,7,8, 10	2,3,5,6,7,8,9,10	X5
2	1,5,6,10,11	1,2,3,5, 6, 10,11	1,4,5,6,7,8,9,10,11	X6
1	5,7,8,11	1,4,5,6,7,8,9,11	2,3,5,7,8,10,11	X7
2	1,5,7,8,9,10,11	1,2,3,4,5,6,7,8,9,10,11	1,5,7,8,9,10,11	X8
4	2,3,4,8,9,10,11	2,3,4,5,6,8,9,10,11	1,2,3,4,7,8,9,10,11	X9
5	1,2,4,5,6,8,9,10,11	1,2,3,4,5,6,8,9,10,11	1,2,4,5,6,8,9,10,11	X10
3	3,6,7,8,9,10,11	3,4,5,6,7,8,9,10,11	2,3,6,7,8,9,10,11	X11

در گام آخر پس از تعیین سطوح هر یک از راهبردها نیاز است تا مدل ساختاری راهبردها متناسب با تعداد سطوح شکل گرفته و ارتباط بین این عوامل ترسیم شود. نگاشت‌شناختی مربوط به مدل ساختاری راهبردهای کارآفرینی سیاسی به شرح شکل ۲ ارائه شده است.



نمودار (۱): نگاشت‌شناختی راهبردهای کارآفرینی سیاسی

پس از ترسیم مدل ساختاری راهبردهای کارآفرینی سیاسی، هر یک از عوامل ۱۱ گانه براساس قدرت نفوذ و وابستگی در تحلیل MICMAC ارزیابی می‌شوند. تجزیه و تحلیل میک‌مک بر پایه قدرت نفوذ بر روی محور افقی (تعداد عناصری که عنصر λ_m بر آنها تأثیر دارد) و میزان وابستگی بر روی محور عمودی (تعداد عناصری که بر عنصر λ_m تأثیر می‌گذارند) برای هر متغیر مشخص شده و امکان بررسی بیشتر محدوده هر یک از متغیرها را فراهم می‌سازد. در این تحلیل متغیرها به چهار گروه خودمختار (متغیرهایی با میزان وابستگی و قدرت هدایت کم)؛ وابستگی (متغیرهایی با میزان وابستگی قوی و هدایت ضعیف)؛ پیوندی (متغیرهایی با میزان وابستگی قدرت هدایت بالا؛ نفوذ (متغیرهایی با میزان وابستگی کم و هدایت بالا) تقسیم می‌شوند. براین اساس تحلیل انجام گرفته MICMAC برای راهبردهای مورد بررسی در این مطالعه به شرح شکل ۲ ارائه شده است.

11	نفوذ										پیوند
10							X4				
9							X6	X1 X3 X5	X2 X9		X10
8									X11		
7								X7			X8
6											
5											
4											
3											
2											
1	خودمختار										وابسته
0	1	2	3	4	5	6	7	8	9	10	11

شکل (۲): ماتریس MICMAC راهبردهای کارآفرینی سیاسی

باتوجه به هدف پژوهش حاضر که مدل‌سازی راهبردهای کارآفرینی سیاسی بوده است کدگذاری داده‌های مصاحبه منجر به شناسایی ۱۱ مقوله اصلی به‌عنوان راهبردهای کارآفرینی سیاسی شد. مدل‌سازی انجام گرفته با رویکرد ساختاری تفسیری، راهبردهای شناسایی شده را در پنج سطح طبقه‌بندی کرده است. سطح پنجم مربوط به راهبردهایی با بیشترین اثرگذاری و سطح اول مربوط به راهبردهایی

است که بیشترین اثرپذیری را نسبت به سایر عوامل داشته‌اند. باتوجه به ماتریس MICMAC نتایج پژوهش حاکی از آن است که هیچ معیاری در بخش خودمختار قرار نگرفته است و این نشان‌دهنده این است که از بین راهبردهای کارآفرینی سیاسی، هیچ عاملی وجود ندارد که بر کارآفرینی سیاسی تأثیرگذار نباشد و همه عوامل اثرگذار هستند. همه راهبردهای شناسایی شده در بخش پیوندی که وابستگی و نفوذ بالا می‌باشد، قرار گرفته‌اند، یعنی تمام راهبردهای شناسایی شده هم از لحاظ وابستگی هم نفوذ و هدایت قدرت بالایی دارند.

بحث و نتیجه‌گیری

کارآفرینان سیاسی با ارائه طرح‌های بدیع بر فرایند سیاست‌گذاری تأثیر گذاشته و منجر به خلق ارزش و رشد اقتصادی و اجتماعی می‌شوند. شناسایی راهبردهای توسعه کارآفرینی سیاسی و تلاش در جهت تقویت این عوامل از ضرورت‌های عصر حاضر می‌باشد. با توجه به اهمیت و ضرورت این موضوع در پژوهش حاضر اقدام به شناسایی و سطح‌بندی راهبردهای مؤثر بر کارآفرینی سیاسی با استفاده از رویکرد ساختاری تفسیری نموده و سعی شده است با سطح‌بندی این عوامل، اقدام‌های لازم جهت تقویت راهبردها صورت گیرد. براساس نتایج پژوهش، راهبردهای اثرگذار بر کارآفرینی سیاسی، ائتلاف‌های قدرتمند، شبکه‌سازی سیاسی، فرصت‌ورزی، تعاملات اثربخش با بازیگران، جریان‌سازی، واکاوی تحولات گذشته، ریسک‌پذیری، گروه‌سازی، سرمایه ارتباطی، مقبولیت، توانایی مذاکره و چانه‌زنی می‌باشند. یافته‌های پژوهش بیانگر آن است که در سطح پنجم، شبکه‌سازی سیاسی بیشترین میزان اثرگذاری را نسبت به سایر مقولات دارد. شبکه‌سازی سیاسی که برقراری ارتباط با ذی‌نفعان و فعالیت در راستای جلب‌نظر طیف گسترده‌ای از ذی‌نفعان است، می‌تواند بر سایر مقولات تأثیرگذار باشد. کارآفرینان سیاسی با استفاده از شبکه‌سازی سیاسی می‌توانند تعاملات اثربخشی با افراد کلیدی داشته باشند. در سطح چهارم پژوهش، بهره‌گیری از ظرفیت ائتلاف‌ها، تعاملات اثربخش با بازیگران کلیدی، ریسک‌پذیری و فرصت‌ورزی قرار دارند که تحت تأثیر شبکه‌سازی سیاسی می‌باشند. بهره‌گیری از ظرفیت ائتلاف‌ها همچون ائتلاف‌سازی و آگاهی از منبع تصمیم‌ها و تغییرها، شناسایی مجزاهای ارتباطی سودمند می‌تواند منجر به توسعه کارآفرینی سیاسی گردد. در این راستا از جمله راهبردهایی که می‌تواند در توسعه کارآفرینی سیاسی بسیار حائز اهمیت باشد فرصت‌ورزی است. تحلیل دقیق مسائل و اقدام‌های به‌موقع

باید مورد توجه قرار گیرد؛ زیرا منجر به واکاوی و اتخاذ تصمیم‌های اثربخشی می‌شود که می‌تواند سبب تغییر و تحولاتی در عرصه سیاسی و اقتصادی گردد. شبکه‌سازی سیاسی می‌تواند بر برقراری ارتباطات و تعاملات اثربخش با بازیگران کلیدی اثرگذار باشد و منجر به هوشمندی و هدف‌محوری در تعاملات گردد. همچنین در مسیر توسعه کارآفرینی سیاسی باید متذکر شد که باید به عامل ریسک‌پذیری توجه نمود؛ زیرا سبب می‌شود بدون هراس از نتایج و عواقب با پذیرش ریسک‌های موجود اقدام به کارآفرینی سیاسی و تغییر در سیاست‌ها گردد. در سطح سوم، واکاوی تحولات گذشته و مقبولیت قرار دارند که تحت تأثیر عوامل سطوح قبلی هستند. تحلیل کردن تجارب پیشین و بررسی اقدام‌هایی که قبلاً به‌طور مشابه انجام شده است منجر می‌شود رویکرد اثربخشی برای تصمیم‌ها انتخاب کنند. داشتن روابط عمومی قوی و تسهیل در ارتباطات می‌تواند منجر به تقویت کارآفرینی سیاسی گردد. در سطح دوم راهبردهای گروه‌سازی، سرمایه ارتباطی و توانایی مذاکره و چانه‌زنی قرار دارند. این عوامل تحت تأثیر تحولات گذشته و مقبولیت هستند. آموزش فنون مذاکره و فراگیری روش‌های نفوذ موجب می‌شود کارآفرینان سیاسی بتوانند در ذی‌نفعان و سایر بازیگران کلیدی اثرگذار باشند و منجر به جلب آنها شوند. همچنین باید بتوانند با سایر کارآفرینان نیز ارتباطات اثربخشی برقرار نمایند. کارآفرینان باید قدرت تیم‌سازی داشته باشند تا بتوانند از سایر افراد کلیدی که در حوزه‌های سیاست‌گذاری هستند دعوت به همراهی و حمایت نمایند. نگرش‌هایی که در مورد سیاست‌ها وجود دارد هر چقدر در یک‌سو قرار بگیرند منجر به تسهیل در تغییر سیاست‌های قدیمی می‌شوند. درنهایت در سطح اول مدل که قدرت تأثیرپذیری بالایی دارد جریان‌سازی قرار گرفته است. کارآفرینان سیاسی باید قدرت اقناع بالایی داشته باشند که این عامل بیشتر تحت تأثیر توانایی مذاکره و چانه‌زنی، برقراری ارتباط با سایر کارآفرینان و افراد کلیدی است. متقاعد ساختن و همراه کردن افراد سبب تسهیل در تغییر سیاست‌ها می‌شود. باید در این راستا تلاش کنند از طریق سیاست‌گذاری نگرش کارآفرینی را تثبیت نمایند تا بتوانند منجر به توسعه کارآفرینی سیاسی شوند. بر این اساس کارآفرینان با تقویت راهبردهای فوق می‌توانند نظرهای سیاستمداران و افراد کلیدی را نسبت به سیاست‌های جدید جلب نموده و اجراسازی آن را امکان‌پذیر نمایند. نتایج این پژوهش با نتایج پژوهش‌های کرنی (۲۰۲۱)، جارویس و هی (۲۰۲۰)، اسونسون (۲۰۱۹) و مینتروم (۲۰۱۹) همخوانی دارد.

پیشنهادهای

بر اساس یافته‌های پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌گردد کارآفرینان سیاسی با استفاده از اهرم اقناع، افراد را با ایده‌های توسعه‌ای همراه ساخته و بستر لازم جهت آزمایش این ایده‌ها را فراهم سازند. بالطبع وجود یک آزمایشگاه خط‌مشی برای سنجش سیاست‌های کارآفرینی ضروری است. پیشنهاد می‌شود با آگاهی از منبع تصمیم‌های مربوطه، از نفوذ و شبکه‌سازی در راستای جلب نظر ذی‌نفعان کلیدی استفاده شود. توجه به جایگاه و توانایی‌های افراد نیازمند تعاملات هوشمند و تثبیت نگرش کارآفرینی در محافل سیاسی کشور است. پیشنهاد می‌گردد موضوع‌های مربوط به توسعه کارآفرینی در حوزه‌های گوناگون در برنامه جلسات به صورت مدون قرار گیرد تا از ظرفیت سیاستمداران استفاده شود. مجمع تشخیص به عنوان محفل گردهمایی افراد کلیدی نظام می‌تواند متولی محوری کارآفرینی سیاسی در کشور باشد.

یکی از محدودیت‌های پژوهش کمبود سوابق مطالعاتی می‌باشد که این پژوهش می‌تواند در توسعه ادبیات پژوهش این شکاف را رفع نماید. با توجه به اینکه تاکنون در زمینه سطح‌بندی پیامدهای کارآفرینی سیاسی پژوهشی صورت نگرفته است، پیشنهاد می‌شود با استفاده از رویکرد دیمتل به سطح‌بندی پیامدهای کارآفرینی سیاسی پرداخته شود.

References

- Autio, E. & Holzl, W. (2008). Addressing challenges for high-growth companies. *Europe Innova paper no. 6, European Commission*.
- Brouwer, S.; Huitema, D. & Biermann, F. (2009). Towards adaptive management: The strategies of policy entrepreneurs to direct policy change. In *Proceedings of the 2009 Amsterdam Conference on the Human Dimensions of Global Environmental Change*, (p. 6). Amsterdam.
- Cairney, P. (2018). Three Habits of Successful Policy Entrepreneurs. *Policy & Politics*, 199-215.
- Cairney, P. (2021). Three habits of successful policy entrepreneurs. *Practical Lessons from Policy Theories*, 13-34.
- Christopoulos, D. & Ingold, K. (2011). Distinguishing between political brokerage & political entrepreneurship. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 36-42.
- Collins, J. (2001). Good to Great: Why Some Companies Make the Leap... and Others Don't. *harperbusiness*.
- Frisch Aviram, N.; Cohen, N. & Beeri, I. (2020). Policy entrepreneurship

- in developing countries: A systematic review of the literature. *Public Administration and Development*, 35-48.
- Jarvis, D. & He, A. (2020). policy entrepreneurship and institutional change; who, how, and why? *Public Administration and Development*, 3-10.
- Karlsson, C. (2015). Political entrepreneurship, cluster policies and regional growth. *Centre of Excellence for Science and Innovation Studies*, 1-17.
- Kingdon, J. (1984). *Agendas, Alternatives, and Public Policies*. 3rd ed. Boston: Little.
- Lenrsch, J. (2019). *Political entrepreneurship: How to build successful centrist political Start-UPS*. Springer.
- Lundestrom, A. & Stevenson, L. (2005). Entrepreneurship Policy: Theory and Practice. *Chapter 2 ISEN International studies in Entrepreneurship*, Springer.
- Mintrom, M. & Norman, p. (2009). Policy Entrepreneurship and Policy Change. *Policy Studies Journal*, 649-667.
- Mintrom, M. (2019). So you want to be a policy entrepreneur? *Policy design and practice*, 307-323.
- Neck, r. (2016). The Political Entrepreneur: Deus ex Machina of Public Choice Theory?. In *Contemporary Entrepreneurship* . Springer, cham, 201-210.
- Neubauer-shani, M. & Shamir, O. (2018). Political entrepreneurship and policy change in the end of life debate in Israel. *Institutional Entrepreneurship and Policy Change*, 201-210.
- Sarabia, M.; Romero, F. & Nunez, M. (2020). Political entrepreneurship and leadership succession. *International Journal of Intellectual Property Management*, 17-34.
- Serfass, D. & Sherman, R. (2013). A methodological note on ordered Q-Sort ratings. *Journal of Research in Personality*, 853-858.
- Svensson, P. (2019). Formalized policy entrepreneurship as a governance tool for policy integration. *International Journal of Public Administration*, 1212-1221.
- Teixeira, A. & Silva, C. (2012). A new perspective on local political entrepreneurship: Evidence from Portugal. *Local Economy*, 332-354.

صورت‌بندی مسئله نظارت در امر حکمرانی

محمدرضا اسماعیلی گیوی

دانشیار گروه مدیریت دولتی دانشگاه تهران، تهران، ایران.

s.givi@ut.ac.ir

0000-0002-9452-3616

معصومه سروندی

دانشجوی دکتری مدیریت کارآفرینی، گرایش سازمان، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

sarvandiniloofar7@gmail.com

0000-0002-1571-8547

مهدی عبدالحمید

استادیار دانشکده مدیریت، اقتصاد و مهندسی پیشرفت دانشگاه علم و صنعت ایران، تهران، ایران
(نویسنده مسئول).

mahdi_abdolhamid@iust.ac.ir

0000-0003-4118-4937

سحر شادرام

پژوهشگر حوزه مدیریت، تهران، ایران.

sahar_60_sh@yahoo.com

0000-0000-0000-0000

چکیده

مهم‌ترین اقدام در حل مسئله، صورت‌بندی مسئله است. بدون صورت‌بندی صحیح از مسئله، ارائه راهکار مطلوب، ممکن نیست. در همین راستا مسائل نظارتی یکی از مهم‌ترین مسائل در نظام حکمرانی است که ضعف در صورت‌بندی این مسائل، موجب ناکارآمدی راه‌حل‌های مطرح شده در حوزه نظارت‌شده و در نهایت، کاهش سرمایه اجتماعی، فساد و ناکارآمدی نظام حکمرانی را به همراه خواهد داشت. از این رو، پژوهش حاضر در جهت صورت‌بندی مسئله نظارت در امر حکمرانی سامان داده شده است. برای جمع‌آوری داده‌ها، علاوه بر مطالعه ۱۳ سند، ۲۴ مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته با صاحب‌نظران (شامل ۱۸ کارگزار دولت و ۶ عضو هیئت علمی) صورت گرفت. برای تحلیل داده‌های کیفی جمع‌آوری شده از روش تحلیل مضمون استفاده شده است که حاصل آن، ۹۷ مضمون پایه، ۳۴ مضمون سازمان‌دهنده و ۹ مضمون فراگیر بوده است. مضامین فراگیر شامل: فقدان اثربخشی سیستم‌های نظارتی، عدم اجرا و تدوین صحیح قوانین، نبود نظارت بر حسن جریان امور، عدم پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری، فقدان شفافیت، عدم انسجام و یکپارچگی، فقدان شایسته‌سالاری و شایسته‌گزینی، عدم نظارت درونی و خودکنترلی و فقدان تصمیم‌گیری جمعی شناسایی شد که بیان‌کننده عوامل ضعف در دستگاه‌های نظارتی و کاستی‌های موجود در قوانین و مقررات حاکم است.

کلیدواژه‌ها: نظارت، نظام حکمرانی، صورت‌بندی مسئله.

شاپای الکترونیک: ۲۵۸۸-۶۵۲۵ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد

CC BY 4.0



10.22034/RAHBORD.2023.391067.1550

مقدمه و بیان مسئله

در پژوهش‌های پیشین به ماهیت، بررسی دلایل بنیادین و تعریف صحیح مسئله کمتر پرداخته می‌شود؛ اما اکنون فهم و تشخیص، بررسی ماهیت و درنهایت تعریف صحیح مسئله و ابعاد و تأثیرهای آن به‌عنوان یک ورودی، نقطه آغازین تحلیل‌های خط‌مشی عمومی قرار می‌گیرد (Spector & Kitsuse, 2001).

ساختاردهی به مسائل عمومی یکی از دشوارترین مراحل در فرایند تحلیل خط‌مشی به‌شمار آورد (پاینده و دیگران، ۱۳۹۸). ساختاردهی مسئله یک مفهوم چندبُعدی و یک ابزار مهم در تحلیل سیاست‌های عمومی است که می‌تواند به کاهش تعارض‌ها و اختلاف‌های بین مخاطبان سیاست‌گذاری کمک کند. توضیح اینکه برای خط‌مشی‌گذاری مؤثر، باید مسئله را با دقت و صحت توصیف کرد تا ابعاد و تأثیرهای آن روشن شود. یکی از دلایل شکست و ناکامی خط‌مشی‌ها، ساختاردهی نادرست مسئله است (رمضان‌پور؛ عبدالحمید و رضاییان، ۱۴۰۰). بسیاری از کارشناسان و تحلیل‌گران خط‌مشی، نخست منافع و آثار راه‌حل‌های یک مسئله را بررسی می‌کنند؛ حال آنکه به نظر می‌رسد این فرایند باید از شناسایی مسئله آغاز شود و به ساخت‌های مختلف از مسئله در برنامه‌های عمومی توجه ویژه‌ای شود (پاینده و دیگران، ۱۳۹۸). در شرایطی که افراد و گروه‌های مختلف دیدگاه متفاوتی از مسائل و ارزش‌های موجود دارند، در تعریف مسئله و تعیین منابع آن و نحوه برخورد، اختلاف‌نظر زیادی وجود دارد (یوسفی و اکبری، ۱۳۹۰). در برخی موارد حتی دولتمردان و مسئولان نیازمند نظریه‌ها و تجربه‌های عموم مردم و شهروندان هستند تا در فرایند تصمیم‌گیری و حل مسائل کشور از آنها بهره‌برداری کنند (میرباقری و رفیعی آتانی و پارسانژاد، ۱۴۰۱). در این شرایط، خط‌مشی‌گذاران با موقعیت‌هایی مواجه می‌شوند که پیچیده و مبهم بوده و هر اقدامی عواقب گسترده‌ای دارد که نیازمند ساختاردهی به مسئله است (Mingers & Rosenhead, 2004; Thissen & Walker, 2013; Mingers & Rosenhead, 2004).

هدف روش‌های ساختاردهی مسائل، باید کاهش هزینه، زمان و پیچیدگی موقعیت‌های مسئله در جهت فهم صحیح مسائل عمومی باشد. با استفاده از ساختاردهی به مسائل، مسائل پیچیده و چالش‌برانگیز در خط‌مشی‌گذاری به شکلی ساده‌تر و قابل فهم‌تر تبدیل می‌شوند که در نتیجه باعث می‌شود که خط‌مشی‌گذاران بتوانند تصمیم‌های بهتری برای حل مشکلات اجتماعی و سیاسی بگیرند. همچنین با

مشاهده و جمع‌آوری شواهد در موقعیت مسئله، دیدگاه‌ها و نظرهای متفاوت کارشناسان و خط‌مشی‌گذاران در خصوص موقعیت مسئله را تجمیع و از یک مسئله درک صحیحی ارائه داده و سیاست‌های جامع و کارآمدی را طراحی کند (Hoppe, 2012). دان^۱ بیان می‌کند تحلیل‌گران و کارشناسان خط‌مشی‌گذاری با تحلیل اشتباه مسئله و ساختاردهی و فرموله کردن نادرست مسائل به نتایج اشتباه رسیده و درنهایت یک راه‌حل اشتباه را برمی‌گزینند. این مسئله به‌طور معمول به دلیل ناکارآمدی در فرایند ساختاردهی مسئله و عدم توانایی در درک عوامل مختلفی که در یک مسئله مشارکت دارند، ممکن است ایجاد شود (Hoppe, 2012; Dunn, 2012). استفاده از روش‌های ساختاردهی به مسئله در دو دهه گذشته کمک‌های بسیاری به تصمیم‌گیران در جهت فهم بهتر مسائل با عاملان درگیر بسیار با دیدگاه‌های متفاوت، دارای منافع تا حدی متضاد و دارایی‌های نامشهود قابل توجه درگیر و عدم قطعیت‌های گیج‌کننده کرده است. این روش‌ها به دنبال بهترین راه‌حل نبوده و غالباً به دنبال کشف ابعاد مختلف و پیچیدگی‌های پنهان شده و نقاط چالش‌برانگیز هستند تا مسئله را آن‌طور که است تبیین نمایند (Eden & Ackermann, 2006; Keys, 2007). این روش‌ها برای کمک به گروه‌های تصمیم استفاده شده و مبتنی بر اجماع افراد و ذی‌نفعان مختلف هستند که برخی از مهم‌ترین و پرکاربردترین آنها عبارت‌اند از: تحلیل و توسعه گزینه‌های راهبردها^۲، روش‌شناسی سیستم‌های نرم^۳ (استفاده از رویکردهای نرم‌افزاری و سیستمی جهت حل مسائل مدیریتی و راهبردها)، نظریه درام و تحلیل تقابلی^۴ (رویکردهای مختلف برگرفته از ایده‌های فلسفی و علوم اجتماعی) (تحلیل تقابلی: بررسی رفتارها و تعاملات بین افراد و گروه‌ها و مدیریت تقابل‌های مختلف)، تصمیم‌گیری همایشی^۵ (جلسه‌های گروهی و بررسی دیدگاه‌های مختلف اعضاء در مورد مسئله)، مدل‌سازی گروهی^۶ (مدل‌های ریاضی و شبیه‌سازی بررسی رفتار و عملکرد گروه‌ها در شرایط مختلف) و رویکرد انتخاب راهبردها^۷ (Mingers J. , 2009; ALBERTOFRANCO, 2011). در مسائلی که ساختاردهی به خوبی انجام شده‌اند شناخت دقیق و نسبتاً

1. Dunn

2. Strategic Options Analysis and Development (SODA)

3. Soft Systems Methodology (SSM)

4. Drama Theory

5. Decision Conferencing

6. Group Model Building

7. Strategic Choice Approach (SCA)

کاملی پیرامون مسئله وجود دارد درحالی که در مسائلی که بد ساختاردهی شده‌اند شناخت اجمالی بوده و ممکن است نسبت به برخی متغیرها و پدیده‌ها شناخت دقیق و عمیقی وجود نداشته باشد. رویکرد ساختاردهی به مسئله تنها شامل فرمول‌های کمی و عددی نمی‌شود بلکه به عبارت دیگر، در رویکرد ساختاردهی، سعی می‌شود با استفاده از نمودارها، نمایش‌های گرافیکی و سایر اشکال، یک تصویر دقیق و قابل فهم از مسئله ارائه شود.

در این میان، موضوع نظارت در حکمرانی، یکی از موضوع‌هایی است که با توجه به تعدد ذی‌نفعان و همچنین روایت‌های متفاوت از آن و همچنین به جهت ارزش مدار^۱ بودن ماهیت آن، می‌تواند با استفاده از رویکرد ساختاردهی و صورت‌بندی مسئله مورد مذاقه قرار گیرد.

نظارت به معنای پایش و کنترل فعالیت‌های حکومتی و سیاسی است که شامل بررسی عملکرد حکومت و مسئولان، تشخیص نقض و نواقص در سیستم حکومتی، ارزیابی سیاست‌ها و برنامه‌های حکومتی، انتقاد از عملکرد مسئولان و... است. امروزه یکی از چالش‌های بزرگ در نظام حکمرانی ایران، ناکارآمدی نهادهای نظارتی است (حقیقی و دیگران، ۱۳۹۷). در حوزه کارکرد و عملکرد نهادهای نظارتی، ساخت‌های ذهنی و برداشت‌های خبرگان این حوزه از موضوع‌ها و مسائل به حدی متفاوت و چندلایه است که گاه هیچ قربانی میان توصیف‌های آنها از یک مسئله واحد وجود ندارد. همچنین نهادهای نظارتی با چالش‌های بسیاری مانند: عدم توانایی در ایجاد هماهنگی و هم‌افزایی میان نهادهای نظارتی، بروز تضاد در عملکرد این نهادها، نبود شفافیت و ناکارآمدی در اجرای قوانین، محدودیت‌های مالی و اعتباری، فساد، ناکارآمدی در انتقال اطلاعات و عدم بهره‌وری از فناوری‌های ارتباطی مواجه هستند. از این‌رو ساختاردهی مناسب به مسئله نظارت و بررسی همه‌جانبه و صحیح آن مهم‌ترین گام در جهت بهبود نظام حکمرانی کشور خواهد بود؛ بنابراین با توجه به اهمیت ساختاردهی به مسئله، پژوهش حاضر، در راستای ساختاردهی مسائل نظارتی نظام حکمرانی کشور جهت‌دهی شده است.

۱. پیشینه تجربی پژوهش

در راستای بررسی پیشینه تجربی پژوهش، مقاله‌ها و اسناد کتابخانه‌ای در زمینه حکمرانی مطلوب، نظارت اثربخش، شناخت سازوکار نظارت و لزوم تعادل در این

1. Value-laden

زمینه، بررسی ابعاد و مؤلفه‌های حاکمیت قانون در توسعه فراگیر، مطالعاتی در زمینه تحقق دولت کارآمد و نظارت کارا، چگونگی نهاد ناظر بر اجرای شاخص‌های الگوی حکمرانی خوب در دستگاه‌های اداری و... بررسی شد که در ادامه خلاصه‌ای از برخی پژوهش‌های پیشین آمده است.

جدول پیشینه تجربی پژوهش

پژوهشگر	مسئله اصلی مورد بررسی	روش / رویکرد	یافته‌ها
روزمری السیه ^۱ (۲۰۲۲)	کنترل و نظارت دولت محلی	روش کیفی توصیفی با داده‌های ثانویه (داده‌های حاصل از بررسی ادبیات و اسناد و مقررات مربوط به سیاست‌های کنترلی و نظارتی دولت محلی)	در یافته‌ها به این نتیجه رسیدند که دولت می‌تواند با ایجاد سیاست‌های مناسب کنترل و نظارت و با تأکید بر اهمیت مشارکت و برقراری ارتباط مؤثر، همکاری و هماهنگی به بهبود شرایط کمک کند. علاوه بر این، نویسنده در راستای بهبود کنترل و نظارت دولت، پیشنهاد می‌کند که دولت باید به‌طور فعال در فرایند برنامه‌ریزی و تدوین سیاست شرکت کند و همچنین با ارائه بودجه‌های مناسب و به‌روز، مسائل را تحت کنترل خود قرار دهد.
کیمیجانی (۱۴۰۰)	حکمرانی مطلوب: از ظرفیت تا فرصت	توصیفی / تحلیلی - تطبیقی / اسنادی	یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از اصول حکمرانی مطلوب که شامل پاسخگویی، شفافیت، مشارکت و حاکمیت قانون و کارآمدی است بهره برده و همچنین از ظرفیت بالقوه قانونی برای اعمال این نظریه استفاده کرده است؛ اما به‌کارگیری این فرصت و تحقیق کامل این پارادایم قالب مدیریتی - سیاسی همچنین مستلزم تقویت جامعه مدنی بوده و بر الزام تثبیت توازن و تعادل میان حکومت و جامعه مدنی نیز تأکید می‌کند.
مصطفی سالاری (۱۴۰۱)	سیاست‌گذاری مبتنی بر حکمرانی خوب در راستای مدیریت تعارض منافع و صیانت از حقوق عمومی	مصاحبه و پرسشنامه	لزوم اصلاح ساختاری، تصویب قوانین بازدارنده از تعارض منافع و ارائه مدلی با ابعاد ساختار تعارض گریز، مدیریت رفتار سازمانی، شفافیت امور، پویایی سیستم سازمانی، تحول دیجیتال، شایسته‌سالاری و شایسته‌گزینی، قابل پیش‌بینی بودن، مشارکت کارکنان، مقررات بازدارنده از تعارض منافع و پاسخگویی
ترمیر، سی.جی. (۲۰۱۹)	بررسی مفهوم مسئله پیچیده و سیاست‌گذاری		این مقاله به مسائلی که با توجه به خصوصیاتشان به‌راحتی قابل حل نیستند و

پژوهشگر	مسئله اصلی مورد بررسی	روش / رویکرد	یافته‌ها
			درک کامل آنها بسیار دشوار است و به‌عنوان مسئله پیچیده شناخته می‌شوند، اشاره می‌کند. در علوم سیاست‌گذاری، آشنایی با این مفهوم می‌تواند به سیاستمداران کمک کند تا برای رسیدن به راه‌حل‌های قابل قبول‌تر، با مشارکت افراد و نهادهای مختلف از جمله شهروندان، مسئولان، کارگزاران و صنعتگران همکاری کنند. با این حال، به دلیل وجود معایب و تحلیل دقیق مسئله، استفاده از مفهوم مسئله پیچیده باید با دقت و با توجه به شرایط موردی انجام شود.
حمید صالحی هفشجانی (۱۳۹۹)	نقش نظارت در حکمرانی خوب	روش توصیفی و تحلیلی	نظارت همگانی مؤثر و کارآمد، به‌عنوان حق مردم برای دخالت آزادانه در امور عمومی، حق مشارکت در حکومت و حق أخذ نظر آنها در امور مختلف مطرح است. نظارت همگانی همراه با مشارکت همگانی، برای جامعه بسیار مؤثر است.
کوک ^۱ (۲۰۲۳)	سیاست داده‌های پلیس؛ ظرفیت قانون‌گذاری دولتی و شفافیت سازمان‌های دولتی و فرعی	مطالعه اسناد و جمع‌آوری اطلاعات کتابخانه‌ای	نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که افزایش ظرفیت تشریعی دولت‌های ایالتی می‌تواند بهبود شفافیت در مورد امور پلیسی در سطح پایین‌تر از سطح ملی را تسهیل کند و می‌تواند در بهبود روابط بین پلیس و جامعه نقش مهمی ایفا کند؛ بنابراین، مسئله شفافیت داده‌های پلیسی در سطح ایالتی و محلی، به‌عنوان یکی از مسائل مهم و بحث‌برانگیز در زمینه قانون و نظام اجتماعی، باید به شیوه‌ای مؤثر و کارآمد مورد بررسی قرار گیرد.

با توجه به ضرورت صورت‌بندی مسئله نظارت در امر حکمرانی و با نظر داشتن پژوهش‌های پیشین و وجود خلأ پژوهشی در این زمینه، مسئله پژوهش حاضر، ساختاردهی به مسئله نظارت در امر حکمرانی در ایران است.

۲. پیشینه نظری پژوهش

۲-۱. نظارت در نظام حکمرانی

در نظام اسلامی هیچ رکنی از ارکان نظام و هیچ قوه‌ای اختیارات تام و مطلق نداشته و به‌نوعی توسط ارکان دیگر نظام کنترل و نظارت شده و قدرت آنها تعدیل می‌شود. اهمیت این اصل تا آنجاست که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، بیانات امام

1. SCOTT J. COOK

خمینی (رحمت‌الله‌علیه) و مقام معظم رهبری، بر اهمیت این اصل تأکید شده و حتی رهبری نظام نیز از ناحیه خبرگان رهبری، مورد نظارت هستند. اهمیت این موضوع به حدی است که امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) بر این باور بود که قدرت و اختیارات در دست‌هایی قرار نگیرد که برای خدمت به مردم نیستند و باید از طریق سیستمی از نظارت و کنترل برای حفظ حقوق مردم تحت کنترل قرار گیرند (رضایی و رضوانی‌فر، ۱۳۹۸).

یکی از تجلیات موضوع نظارت در امر حکمرانی، در روابط بین نهادهای حاکمیتی است. در هر سیستم حکومتی، نهادهای حاکمیتی، می‌بایست به صورت کارا و مؤثر با یکدیگر همکاری کنند. شناخت و بررسی دقیق نحوه تعامل و همکاری نهادهای حکمرانی و حاکمیتی در هر نظامی می‌بایست از نظر نظارتی و با توجه به رعایت اصل موازنه قوا و با توجه به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن کشور صورت گیرد. ضروری است تا نحوه تعامل میان نهادهای حاکمیت به صورتی تبلور یابد که از دو ویژگی مهم موازنه (تعادل) و مراقبه (نظارت) برخوردار باشد. موازنه و مراقبه دو ویژگی مهم در تعامل نهادهای حاکمیت، به صورت جداگانه و یا ترکیبی می‌توانند به ارتقای کیفیت و کارایی نهادهای حاکمیتی و بهبود روند تصمیم‌گیری و اجرای خط‌مشی‌های عمومی در یک کشور کمک کنند (راسخ و رفیعی، ۱۳۹۰). موازنه به معنای تعادل و توازن در تعامل میان نهادهای حاکمیت است که به دو صورت داخلی و خارجی برقرار می‌شود. مراقبه نیز به معنای نظارت بر فعالیت نهادهای حاکمیتی است.

معنای لغوی نظارت، داشتن نوعی تسلط یا اقتدار بر روی کسی، چیزی یا گروهی است (دهخدا، ۱۳۴۶). نظارت بر اساس قانون به منظور ایجاد تعادل در قدرت‌های مختلف دولت و حمایت از حقوق شهروندان ضروری است. چراکه عدم توازن قدرت می‌تواند به مقدمه‌ای برای بروز فساد تبدیل شود. در صورتی که برخی از مسئولان به طور ناعادلانه قدرت بیشتری داشته باشند، می‌تواند منجر به سوءاستفاده از قدرت، تصمیم‌گیری‌های ناعادلانه و ایجاد بلافاصله تأثیرگذاری در سیستم حکمرانی شود (باغباردانی و یعقوبی‌پور، ۱۴۰۰).

نظارت می‌تواند به صورت داخلی و خارجی صورت گیرد. نظارت داخلی شامل سازوکارهای داخلی هر نهاد حاکمیتی مانند بازرسی‌های داخلی و کنترل‌های مدیریتی است؛ در حالی که نظارت خارجی شامل نهادهای بیرونی مثل رسانه‌ها، سازمان‌های مستقل نظارتی و دیگر دولت‌ها است. نظارت اگر متعادل نباشد و یک

جزء از اجزای نهادهای نظارتی در مقایسه با دیگر اجزاء از وظایف و اختیارات نظارتی بیشتری برخوردار باشد، باعث تمرکز بیش از حد قدرت در دستان آن بخش شده و زمینه بروز مشکلات و مفاسدی می‌شود که نظارت به‌منظور حل آن شکل گرفته بود (راسخ و رفیعی، ۱۳۹۰)!

جدول (۱): مؤلفه‌های اثرگذار در کارآمدی نظارت در نظام حکمرانی

ردیف	نویسنده / سال	استقلال	پاسخگویی	شفافیت	هماهنگی و یکپارچگی	مقررات‌گذاری	اثربخشی
۱	کمیتجانی (۱۴۰۰)		*	*		*	*
۲	صادقی (۱۳۹۷)		*	*			*
۳	پول و آنته (۲۰۱۸)		*	*		*	
۴	مومن ^۱ (۲۰۲۰)				*	*	
۵	کوینتین، مارک (۲۰۰۲)	*	*	*	*	*	*
۶	لوبل، اورلی (۲۰۱۲)		*	*	*	*	*
۷	جلیلی (۱۳۸۹)		*				*
۸	فلاح سلوکلائی و کدخدایی (۱۳۸۸)				*	*	*
۹	مصطفی سالاری (۱۴۰۱)		*	*	*	*	
۱۰	مسعود نادری (۱۴۰۰)	*	*	*		*	*
۱۱	سید فاطمی (۱۳۸۶)	*	*	*	*	*	*
۱۲	حمید صالحی هفشجانی (۱۳۹۹)		*	*	*	*	
۱۳	حسین‌پور ^۲ (۲۰۲۰)			*	*	*	*
۱۴	گودی ^۳ (۲۰۱۹)				*	*	
۱۵	وفادار و همکاران (۱۳۹۵)		*	*	*		

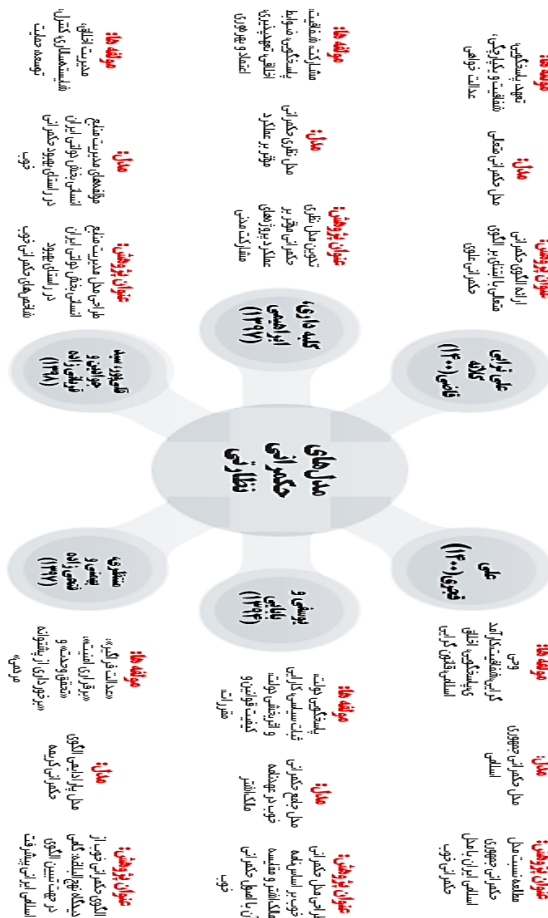
منبع: (برگرفته از مقاله‌های پژوهشگران این حوزه)

۳. مدل‌های حکمرانی و نظارت

از بررسی مدل‌های حکمرانی و نظارت مشخص شد که مؤلفه‌هایی نظیر استقلال (عدم تحت تأثیر بودن و یا تحت فشار بودن افراد و ارگان‌های مسئول)، پاسخگویی، شفافیت و یکپارچگی برای ایجاد حکمرانی نظارتی کارا و اثربخش بسیار تأثیرگذار خواهد بود. در حکمرانی مؤثر، مشارکت، ضوابط اخلاقی، تعهدپذیری و اعتماد، سبب افزایش بهره‌وری و کمک به پیاده‌سازی حکمرانی مطلوب خواهد شد (Svensson, 2019). در راستای بهبود حکمرانی در حوزه منابع انسانی، اخلاق، لزوم

1. Nurul Momen
2. David Hasibuan
3. Mattia Guidi

شایسته‌سالاری، کنترل بهینه و توسعه و حمایت اثربخش، مؤثر خواهد بود. همچنین از دیدگاه نهج/البلاغه برای حکمرانی مطلوب، لزوم «عدالت فراگیر»، «برقراری امنیت»، «تحقق وحدت» و «برخورداری از پشتوانه مردمی» مؤلفه‌هایی اثربخش هستند (انصاریان، ۱۳۷۹، صص. ۷۶-۷۸). در شکل زیر انواع مدل‌های حکمرانی نظارتی آورده شده است.



شکل (۱): مدل‌های حکمرانی نظارتی

۴. روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر با رویکردی کیفی شکل گرفته و اسناد و مصاحبه عمیق و نیمه‌ساختاریافته با خبرگان، از طریق روش تحلیل مضمون (تم^۱) (خانی و خائف الهی، ۱۳۹۷ و میرزایی، ۱۳۸۸) تحلیل شده است.

برای اطمینان از روایی پژوهش (الوانی؛ آذر و دانایی‌فرد، ۱۳۹۰). به‌منظور دقیق بودن نتایج، بازبینی اعضاء و بررسی توسط همکار دیگر انجام شده است. دو محقق مجموعه داده‌های کدگذاری شده را که شامل ۹۷ مضمون پایه بود، بررسی کرده و شباهت‌ها و تفاوت‌ها را مورد بحث قرار دادند و در پایان نیز اختلافات را برطرف نمودند. از شاخص کاپا کوهن برای محاسبه توافق بین دو ارزیاب که داده‌ها را تنظیم کرده بودند استفاده شد. مقدار شاخص کاپا $kappa = Pi = (PAo - PAE) / (1 - PAE)$ برابر با ۰/۸۹۶ به‌دست آمده است.

پس از اجماع در مورد مضامین توسعه‌یافته، آنها با متن مصاحبه مقایسه شدند تا از تفسیر دقیق داده‌ها اطمینان حاصل شود. مضامین فرعی با معانی جامع مشابه ترکیب شد و نه مضمون پایانی را تشکیل داد. این مطالعه صحت تحقیق را بر اساس چهار معیار روایی، قابلیت انتقال، قابلیت اعتبار و قابلیت اطمینان ارزیابی کرد (Krefting, 1991). این مطالعه توسط پژوهشگرانی که هیچ ارتباطی با شرکت کنندگان نداشتند انجام گرفت؛ بنابراین، شرکت کنندگان تحت تأثیر عوارض جانبی قرار نگرفتند تا یک پاسخ اجتماعی مطلوب ارائه کنند (Pope & Ziebland, 2000). اقدام دیگری برای اطمینان از اعتبار و قابلیت اطمینان استفاده از دو محقق مستقل برای تجزیه و تحلیل داده‌ها بود. برای جلوگیری از تفسیر نادرست و افزایش اعتبار (Opdenakker, 2006). از شرکت کنندگان خواسته شد تا رونوشت‌های خود را بررسی کنند و همسان بودن گفته‌هایشان با رونویس‌ها را تأیید کنند. سندی متشکل از داده‌های خام، فرایند تجزیه و تحلیل داده‌ها، درخت کدگذاری و مصاحبه‌ها به‌منظور صحت قابلیت اطمینان ایجاد شد. طرح پژوهش حاضر، از حیث موضوعی و هم از حیث روش در حوزه منابع پژوهش (خبرگان) دارای نوآوری است.

۵. یافته‌های پژوهش

حین انجام مصاحبه، تمامی توضیح‌ها و نظرهای مصاحبه‌شوندگان ضبط و نگهداری

شده و نظرهای آنان به همراه مشاهدات پژوهشگران و برداشت آنها و درنهایت تحلیل و یکپارچه‌سازی یافته‌ها، به متن تبدیل شد. پس از هر مصاحبه تحلیل صورت گرفت و مبتنی بر حساسیت نظری برآمده از مصاحبه پیشین و با استفاده از روش گلوله‌برفی، مصاحبه‌شونده بعدی انتخاب و مصاحبه‌صورت می‌گرفت. این فرایند تا رسیدن به اشباع نظری ادامه یافت. طبق بررسی متون مصاحبه و تجزیه و تحلیل داده‌ها، ۹۷ مضمون پایه، ۳۴ مضمون سازمان‌دهنده و ۹ مضمون فراگیر به شرح ذیل، احصا شده است:

جدول (۵): مضامین اصلی ظهور یافته

مضامین فراگیر (ابعاد)	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه (مؤلفه‌ها)	مصاحبه‌ها و اسناد بررسی شده
فقدان اثر بخشی سیستم‌های نظارتی	- ضعف سازمان دهی در دستگاه‌های نظارتی - عدم تدوین سیاست‌های کلان و جامع نظارت و ارزیابی - عدم بازنگری قوانین توسط دستگاه‌های نظارتی - وجود الگوهای غیریکپارچه و بخشی در نظام اداری - چندگانگی در ماهیت نظام حکمرانی کشور - عدم اتخاذ روش‌های نو با بهره‌گیری از فناوری‌های پیشرفته و استفاده از آخرین تجارب جهانی	- ضعف سازمان‌دهی در دستگاه‌های نظارتی؛ عدم بازنگری در قوانین توسط دستگاه‌های نظارتی؛ عدم بررسی و تحلیل جامع مسائل کشور؛ فقدان سازوکار مناسب نظارت؛ فقدان سامانه پایش؛ ضعف عمل به اصول سنجش دینی مدیران؛ فقدان برنامه‌ریزی و اجرا؛ نبود نظارت بر سوءمدیریت‌ها به‌ویژه از سوی سازمان بازرسی کشور؛ ضعف کنترل قبل از عمل؛ کنترل در حین اجرا و کنترل بعد از عمل؛ ضعف مدیریت سیستمی و یکپارچه؛ عدم پایبندی به قانون و اجتناب از اعمال سلیقه در فرایند نظارت؛ نبود نظارت فراگیر؛ فقدان هدفمندی؛ ضعف نقش تنظیم‌گری و هماهنگی؛ عدم نظارت جدی بر اثربخشی کار و وزا؛ فقدان حسابرسی رئیس‌جمهور به‌منظور ایفای مسئولیت‌ها	- م ۱- م ۴- م ۵- م ۶- ۹ - م ۱۰- م ۱۱- م ۱۲- ۱۳- م ۱۴- م ۱۶ - م ۱۷- م ۱۹- م ۱- ۲- م ۳- م ۴- ن - ن ۵- م ۶- ن ۷- م ۴- ۸- م ۹- م ۱۰- ۱۱- م ۱۲- م ۱۳- م ۱۴- م ۱۵- م ۱۶- م ۱۷- م ۱۸- م ۱۹- م ۲۰- م ۲۱- م ۲۲- م ۲۳- م ۲۴- م ۲۵- م ۲۶- م ۲۷- م ۲۸- م ۲۹- م ۳۰- م ۳۱- م ۳۲- م ۳۳- م ۳۴- م ۳۵- م ۳۶- م ۳۷- م ۳۸- م ۳۹- م ۴۰- م ۴۱- م ۴۲- م ۴۳- م ۴۴- م ۴۵- م ۴۶- م ۴۷- م ۴۸- م ۴۹- م ۵۰- م ۵۱- م ۵۲- م ۵۳- م ۵۴- م ۵۵- م ۵۶- م ۵۷- م ۵۸- م ۵۹- م ۶۰- م ۶۱- م ۶۲- م ۶۳- م ۶۴- م ۶۵- م ۶۶- م ۶۷- م ۶۸- م ۶۹- م ۷۰- م ۷۱- م ۷۲- م ۷۳- م ۷۴- م ۷۵- م ۷۶- م ۷۷- م ۷۸- م ۷۹- م ۸۰- م ۸۱- م ۸۲- م ۸۳- م ۸۴- م ۸۵- م ۸۶- م ۸۷- م ۸۸- م ۸۹- م ۹۰- م ۹۱- م ۹۲- م ۹۳- م ۹۴- م ۹۵- م ۹۶- م ۹۷
عدم آرا و تدوین صحیح قوانین	- بازنگری و اتقان قوانین - فقدان سیستم نظارتی مدون - مدیریت جزیره‌ای و ناهماهنگی در شاخص‌ها و روش‌ها - مقاومت و کار شکنی دستگاه‌ها و نهادهای اجرایی و اداری، ممانعت و عدم‌پذیرش نظارت	- ضعف در اتقان قوانین؛ فقدان معیار قانون در اجرای امور؛ ضعف در بازنگری قوانین؛ ضعف ساختار اجرایی قانون؛ نبود نظارت بر مغایرت و تضاد یا عدم انطباق قوانین با سیاست‌های کلی نظام؛ عدم چابک‌سازی، متناسب‌سازی و منطقی‌سازی ساختار با قوانین؛ فقدان پایبندی به قانون و اجتناب از اعمال سلیقه در فرایند نظارت	م ۲- م ۳- م ۴- م ۷- ۸- م ۹- م ۱۰- م ۱۱- م ۱۲- م ۱۳- م ۱۴- م ۱۵- م ۱۶- م ۱۷- م ۱۸- م ۱۹- م ۲۰- م ۲۱- م ۲۲- م ۲۳- م ۲۴- م ۲۵- م ۲۶- م ۲۷- م ۲۸- م ۲۹- م ۳۰- م ۳۱- م ۳۲- م ۳۳- م ۳۴- م ۳۵- م ۳۶- م ۳۷- م ۳۸- م ۳۹- م ۴۰- م ۴۱- م ۴۲- م ۴۳- م ۴۴- م ۴۵- م ۴۶- م ۴۷- م ۴۸- م ۴۹- م ۵۰- م ۵۱- م ۵۲- م ۵۳- م ۵۴- م ۵۵- م ۵۶- م ۵۷- م ۵۸- م ۵۹- م ۶۰- م ۶۱- م ۶۲- م ۶۳- م ۶۴- م ۶۵- م ۶۶- م ۶۷- م ۶۸- م ۶۹- م ۷۰- م ۷۱- م ۷۲- م ۷۳- م ۷۴- م ۷۵- م ۷۶- م ۷۷- م ۷۸- م ۷۹- م ۸۰- م ۸۱- م ۸۲- م ۸۳- م ۸۴- م ۸۵- م ۸۶- م ۸۷- م ۸۸- م ۸۹- م ۹۰- م ۹۱- م ۹۲- م ۹۳- م ۹۴- م ۹۵- م ۹۶- م ۹۷
نظارت بر حسن جریان امور	- معیار نبودن قانون در اجرای امور - فقدان نظارت بر اجرای صحیح قوانین - گستردگی و فربگی نظام اداری کشور - اکتفا به نظارت بعد از اجرا و غفلت از سایر مراحل نظارت - فقدان ضمانت اجرایی - وجود برخی نارسایی‌های اداری و نبود برنامه مشخص	- ضعف در بررسی و تحلیل جامع مسائل کشور؛ نبود سازوکار مناسب نظارت؛ ضعف ساختار اجرایی قانون؛ ضعف عمل به اصول سنجش دینی مدیران؛ نبود نظارت بر سوءمدیریت‌ها به‌ویژه از سوی سازمان بازرسی کشور؛ ضرورت کنترل پیش از اجرا، ضعف در کنترل در حین و بعد از اجرا؛ فقدان مدیریت سیستمی و یکپارچه؛ عدم چابک‌سازی، متناسب‌سازی و منطقی‌سازی ساختار با قوانین؛ نبود اجرای کنترل غیررسمی و سیاست‌کنترلی پوششی اثربخش؛ نبود چهارچوب نظارتی مشخص بر سیاست‌گذاری؛ عدم برنامه‌ریزی و اجرا؛ لزوم نظارت دقیق و دستورالعمل صریح برای اجرای سیاست	م ۵- م ۶- م ۷- م ۸- م ۹- م ۱۰- م ۱۱- م ۱۲- م ۱۳- م ۱۴- م ۱۵- م ۱۶- م ۱۷- م ۱۸- م ۱۹- م ۲۰- م ۲۱- م ۲۲- م ۲۳- م ۲۴- م ۲۵- م ۲۶- م ۲۷- م ۲۸- م ۲۹- م ۳۰- م ۳۱- م ۳۲- م ۳۳- م ۳۴- م ۳۵- م ۳۶- م ۳۷- م ۳۸- م ۳۹- م ۴۰- م ۴۱- م ۴۲- م ۴۳- م ۴۴- م ۴۵- م ۴۶- م ۴۷- م ۴۸- م ۴۹- م ۵۰- م ۵۱- م ۵۲- م ۵۳- م ۵۴- م ۵۵- م ۵۶- م ۵۷- م ۵۸- م ۵۹- م ۶۰- م ۶۱- م ۶۲- م ۶۳- م ۶۴- م ۶۵- م ۶۶- م ۶۷- م ۶۸- م ۶۹- م ۷۰- م ۷۱- م ۷۲- م ۷۳- م ۷۴- م ۷۵- م ۷۶- م ۷۷- م ۷۸- م ۷۹- م ۸۰- م ۸۱- م ۸۲- م ۸۳- م ۸۴- م ۸۵- م ۸۶- م ۸۷- م ۸۸- م ۸۹- م ۹۰- م ۹۱- م ۹۲- م ۹۳- م ۹۴- م ۹۵- م ۹۶- م ۹۷

مضامین فراگیر (ایجاد)	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه (مؤلفه‌ها)	مصاحبه‌ها و اسناد بررسی شده
عدم پاسخگویی و مسئولیت‌ناپذیری	عدم نظارت و کنترل مستمر بر عملکرد کارکنان عدم پیش‌بینی راهکارهای تنبیهی برای برنامه‌های نامناسب	فقدان شفاف‌سازی سیاسی؛ عدم فرهنگ‌سازی پاسخگویی و گفت‌وگو؛ نبود ایجاد سیستم پاسخگو و پاسخ‌خواه؛ ضعف، کلاسی و ناتوانی دولت در استفاده از مجراهای ارتباطی مختلف برای ایجاد شفافیت؛ ضعف در ظرفیت‌سازی مبتنی بر اصلاح و تغییر نگرش؛ فقدان نظام گزینش بر مبنای شایسته‌سالاری؛ نبود استانداردهای اخلاقی و حرفه‌ای در محیط کار؛ عدم حسابرسی رئیس‌جمهور به‌منظور ایفای مسئولیت وزیران	م ۱۶-ن ۱-ن ۱۸-ن ۱ ۳-ن ۸-س ۱-س ۲ س ۱۱
فقدان شفافیت	عدم ارزیابی عملکرد مدیران تعدد سازمان‌ها و نهادهای نظارت‌کننده و عدم تصویب قوانین برای ایجاد ارتباط سیستمی و قانونمند نبود چهارچوب نظارتی برای برنامه‌ریزی و اجرای سیاست‌ها	عدم شفاف‌سازی سیاسی؛ فقدان سیستم نظارتی درست و پیشگیرانه؛ ضعف ارزیابی سیستم‌های کنترل؛ فقدان سیستم پاسخگو و پاسخ‌خواه - نبود اجرای کنترل غیررسمی و سیاست کنترلی پوششی اثربخش؛ عدم توانایی و کارایی مؤثر دولت در راستای شفاف‌سازی؛ نبود چهارچوب نظارتی مشخص بر سیاست‌گذاری؛ عدم برنامه‌ریزی و اجرا؛ نبود نظارت دقیق و دستورالعمل صریح برای اجرای سیاست؛ فقدان انسجام و یکپارچگی برنامه‌ریزی توسعه، نبود شاخص‌های رفتاری برای حمایت از شفافیت عملکرد مدیران	م ۱-م ۴-م ۵-م ۶-۹ م ۱۰-م ۱۱-م ۱۲-۱۳ م ۱۴-م ۱۶ م ۱۷-ن ۱۹-ن ۱-ن ۲-ن ۳-ن ۴-ن ۵-ن ۶-ن ۷-ن ۴-س ۸-س ۹-س ۱۰-س ۱۱-س ۱۲-س ۱۳-۱۴
عدم انجام و یکپارچگی	خودمحوری در سطوح خرد و کلان فقدان برنامه‌ریزی جلسات منظم جهت ارزیابی عملکرد سطوح مختلف مدیریتی عدم تفاهم بر روی برخی مفاهیم ریشه‌ای عدم آگاهی و شناخت کافی مردم از دستگاه‌های اداری	ضعف در یکپارچگی سطوح مدیریتی و سرمایه انسانی؛ عدم پایبندی به قانون و عدم اجتناب از اعمال سلیقه در فرایند نظارت؛ عدم توجه به کاربست صحیح ظرفیت‌های مدیریتی؛ ضرورت لزوم اجرای سریع فرصت‌های تحول؛ فقدان نظارت فراگیر؛ نبود نظارت بر حسن انجام کار وزیران؛ فقدان حسابرسی رئیس‌جمهور به‌منظور ایفای مسئولیت وزیران؛ ضعف در کارآمدی دولت و حکمرانی مطلوب؛ عدم نظارت پیوسته، جامع و سیستمی	م ۵-م ۶-م ۷-م ۸-م ۱۰-م ۱۲-م ۱۳-۱۴ م ۱۵-م ۱۶-م ۱۸-۱۹ م ۱۹-ن ۱-ن ۲-ن ۴-ن ۵-ن ۷-ن ۸-ن ۱-س ۱-س ۲-س ۳-س ۴-س ۵-س ۷-س ۸-س ۱۰-س ۱۱-س ۱۳-۱۴
فقدان شایسته‌سالاری، شایستگی‌ناپذیری	فقدان معیار مناسب جهت انتخاب مدیران نبود نظارت بر استخدامی‌های هر دوره و معیارهای آن عدم توجه به توانایی و کارآمدی مدیران برای ارتقا	عدم به‌کارگیری ارزش‌های اخلاقی؛ ضعف در شایستگی حل مسئله؛ فقدان گزینش برطبق معیارها و صلاحیت‌ها؛ عدم ظرفیت‌سازی اجتماعی؛ فقدان گزینش بر اساس معیارهای الهی؛ عدم کاردانی، پاک‌ی و آراستگی؛ فقدان لیاقت و تدبیر؛ عدم شایستگی ارتباطات	م ۱-م ۴-م ۵-م ۶-۹ م ۱۰-م ۱۱-م ۱۲-۱۳ م ۱۴-م ۱۶ م ۱۷-م ۱۹-ن ۱-ن ۲-ن ۳-ن ۴-ن ۵-ن ۶-ن ۷-ن ۴-س ۸-س ۹-س ۱۰-س ۱۱-س ۱۲-س ۱۳-۱۴

مضامین فراگیر (ایجاد)	مضامین سازمان‌دهنده	مضامین پایه (مؤلفه‌ها)	مصاحبه‌ها و اسناد بررسی شده
عدم نظارت درونی، خودکنترلی	- غلبه شدید نگاه سلبی بر نگاه ایجابی در نظارت - عدم تکیه بر نظارت درون‌زا و اعتماد به افراد - وجود نگرش تقلایی به‌جای تعاملی و عدم ایجاد و توسعه فرهنگ نظارت‌پذیری	نبود شاخص‌های رفتاری برای حمایت از شفافیت عملکرد مدیران؛ فقدان ظرفیت‌سازی مبتنی بر اصلاح و تغییر نگرش‌ها؛ نبود استانداردهای اخلاقی و حرفه‌ای در محیط کار؛ عدم شفاف‌سازی سیاسی؛ فقدان فرهنگ و گفت‌وگو؛ پاس‌خوایی؛ ضعف در ارزیابی سیستم‌های کنترل؛ فقدان ایجاد سیستم پاسخگو و پاسخ‌خواه	- م ۱- م ۴- م ۵- م ۶- م ۹- - م ۱۰- م ۱۱- م ۱۲- م ۱۳- م ۱۴- م ۱۶- - م ۱۷- م ۱۹- ن ۱- ن ۲- ن ۳- ن ۴- ن ۵- ن ۶- ن ۷- س ۴- - س ۸- س ۹- س ۱۰- - س ۱۱- س ۱۲- س ۱۳- س ۱۴-
فقدان تصمیم‌گیری جمعی	- عدم جذب مشارکت مردم در امور نظارتی - افزایش اعمال سلیقه در تصمیم‌گیری و اجرا - دیوان‌سالاری شدید و نامناسب	ضعف حکمرانی مشارکتی؛ فقدان دولت کارآمد و حکمرانی مطلوب؛ عدم نظارت پیوسته، جامع و سیستمی؛ عدم پابندی به سیاست‌های کلی در تصمیم‌گیری؛ فقدان تغییر روش حاکمیت، عدم تغییر نقش دولت و مدیریت غیرمستقیم	- م ۵- م ۶- م ۷- م ۸- - م ۱۰- م ۱۲- م ۱۳- م ۱۴- - م ۱۵- م ۱۶- م ۱۸- - م ۱۹- ن ۱- ن ۲- ن ۴- ن ۵- ن ۷-

جدول فوق شامل مضامین احصا شده بر پایه تحلیل نمونه متن‌های استخراج شده از مصاحبه با خبرگان، تحلیل اسناد و... است که بیان‌کننده عوامل ضعف در دستگاه‌های نظارتی و کاستی‌های موجود در قوانین و مقررات در این حوزه، سوءمدیریت‌ها، عدم وابستگی برنامه‌ها و عملکرد مدیران در این حوزه و ضرورت وجود سازمان‌دهی و عملکرد مناسب است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در پژوهش حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیل مضمون، ۹ مضمون فراگیر فقدان اثربخشی سیستم‌های نظارتی، عدم اجرا و تدوین صحیح قوانین، نبود نظارت بر حسن اجرای امور، ضعف قوانین و ضوابط نظارتی، عدم پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری، فقدان شفافیت، فقدان شایسته‌سالاری و شایسته‌گزینی، فقدان نظارت درونی و خودکنترلی، و فقدان تصمیم‌گیری جمعی استخراج شد که در ادامه به‌صورت مختصر تشریح می‌شود.

مضمون فقدان اثربخشی سیستم‌های نظارتی: مفهوم این مضمون ضرورت سازمان‌دهی در دستگاه‌های نظارتی را بیان می‌کند. بی‌نظمی و ناکارآمدی در تقسیم وظایف نظارتی و سازمان‌دهی ضعیف، تداخل در وظایف و مسئولیت‌ها بین نهادهای نظارتی و سیاسی، نداشتن قوانین و مقررات کافی برای حمایت از سیستم‌های

نظارتی و همچنین تأثیر نفوذگری و فشارهای سیاسی می‌تواند باعث کاهش هماهنگی و هم‌افزایی دستگاه‌های نظارتی و درنهایت کاهش اثربخشی سیستم‌های نظارتی شود. برای ارتقاء اثربخشی سیستم‌های نظارتی می‌بایست اصل شفافیت و انتشار اطلاعات فرایندهای نظارتی، اصل مقابله با تداخلات سیاسی و فشارهای نفوذگری و اصل ممانعت از ورود دستگاه‌های غیر تخصصی در امر نظارت به‌عنوان اصول اساسی در سیستم‌های نظارتی در نظر گرفته شود. همچنین از آنجاکه سیاست‌های کلی نظام، چهارچوب و مبنای جهت‌گیری کلی کشور در همه عرصه‌های حاکمیتی را مشخص می‌سازد و نقص در فرایند پیاده‌سازی سیاست‌های کلی، سبب عدم تبدیل سیاست‌ها به راهبرد و قانون بهینه عملیاتی می‌شود؛ بنابراین لزوم تعیین سازوکار نظارت بر سیاست‌های ابلاغی برای رفع این مشکل بسیار مهم خواهد بود.

مضمون عدم اجرا و تدوین صحیح قوانین: به این مسئله اشاره دارد که قوانین و مقررات، آیین‌نامه‌ها و ضوابط اضافی و ناهمخوان سبب ایجاد خطاها و تضادهای در قوانین شده و زمینه را برای تخلفات و فساد کارکنان فراهم نموده است. اجرای صحیح قوانین بدون طراحی ساختار مناسب که لازمه اجرای قوانین است میسر نخواهد بود. تولید و تدوین برنامه برای ساختارهای اصلاح نشده موجود بدون ایجاد ساختارهای جدید و همساز با سیاست‌های تدوین‌شده کاری از پیش نخواهد برد؛ بنابراین اصلاح ساختار برای اجرای قوانین باید در نظر گرفته شود. تدوین قوانین صحیح باید بر اساس نیازهای واقعی جامعه و با توجه به تحولات فناوری و اجتماعی به‌روز باشد اگر قوانین به‌روز نشوند و با چالش‌های جدید مواجه نشوند، نمی‌توانند قابل اجرا باشند و منجر به کاهش اعتماد عمومی و فساد در سیستم‌های نظارتی می‌شوند.

همچنین در مضمون ضعف و ناکارآمدی فرایند و سازوکار تدوین و تصویب قوانین: باید در تدوین قوانین و مقررات نسبت به قوانین موجود آگاهی کامل وجود داشته باشد تا از تکرار قانون‌گذاری پرهیز شود. قانون‌گذاری جدید نباید سبب ایجاد ابهام و تعارض شود که منجر به تضییع حقوق مردم و ناکارآمدی نظام خواهد شد، بنابراین به‌روز کردن قوانین کشور باید با رویکرد تدوین «قوانین جامع» صورت بگیرد.

مضمون نبود نظارت بر حسن جریان امور: اجرای سیاست‌های نظارتی و پیشگیری و مبارزه با جرم و فساد به همکاری حوزه‌های مختلف تصمیم‌گیری،

قانون‌گذاری، اجرایی، نظارتی و قضایی نیازمند است. سالم‌سازی دستگاه‌های نظارتی و همکاری قاعده‌مند و نظام‌مند حوزه‌های مذکور می‌تواند انگیزه‌های فساد را تضعیف کرده و سبب پیشگیری نظام‌مند از وقوع جرائم شود.

مضمون ضعف قوانین و ضوابط نظارتی: ساختارها و ضوابط ناکارآمد، ضعف در مدیریت، ضعف در تدوین و اجرای قوانین و نداشتن قدرت کافی برای اجرای قوانین و مقررات، گریزگاه‌هایی برای دورزدن قوانین توسط مجریان و قانون‌گذاران ایجاد می‌کند که لزوم بازنگری و اصلاح قوانین را نشان می‌دهد.

مضمون عدم پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری: حکومت از نهادهای بسیاری تشکیل شده که هر کدام دارای مسئولیت‌ها و اختیارات قانونی در حوزه کار و وظایف مشخص شده خود هستند. پاسخگویی مدیران یک ارزش عمومی مثبت تلقی می‌شود و امر نظارت در حکمرانی را بهبود می‌بخشد.

مضمون فقدان شفافیت: شفافیت به معنای افزایش فزاینده جریان به‌موقع و معتبر اطلاعات است. دسترسی آزادانه به اطلاعات و علنی بودن آن شرط مقدم مقابله با فساد و تقویت عملکرد مقام‌های مسئول است. دلایل متعدد عدم شفافیت می‌تواند ممانعت عمدی از دسترسی آزاد به اطلاعات، ناکارآمدی عملکرد سیستم‌های پاسخگو و پاسخ‌خواه، نبود چارچوب‌های نظارتی مشخص بر سیاست‌گذاری و عدم اجرای بهینه برنامه‌ریزی‌های انجام شده باشد. فقدان شفافیت و ارائه اطلاعات ناقص، ناکافی و مخدوش یا دستکاری شده سبب می‌شود عملکرد و تصمیم‌گیری‌ها و دستورها و قوانین، اعتبار ناکافی داشته و موجب ضعف نتایج امور گردند. تصمیم‌گیری و پاسخگویی نادرست زمینه ایجاد بحران‌ها و مسائلی بعدی و مشکلات پیچیده‌تر در آینده را فراهم خواهد کرد؛ بنابراین شفافیت و دسترسی به‌موقع به اطلاعات پاسخ‌گویی را افزایش داده، زمینه نظارت مؤثرتر را فراهم می‌کند و قلمرو فساد را کاهش می‌دهد.

مضمون فقدان شایسته‌سالاری و شایسته‌گزینی: یکی از عواملی که نظارت در حکمرانی را با مشکل مواجه می‌کند فقدان شایسته‌سالاری و عدم توجه به توانایی و کارآمدی منصوبان است که مدیران را متمایل به انجام رفتارهای فاسد می‌کند. فساد مدیران را می‌توان «سوءاستفاده از مناصب دولتی برای منافع خصوصی» دانست. ضعف در شایسته‌سالاری منشأ همه فسادها نیست؛ اما قطعاً عامل بسیار مهمی است. برای مبارزه با فقدان شایسته‌گزینی باید امکان نفوذ ذی‌نفعان بر مدیران دولتی و

نبود نظارت بر استخدامی‌های هر دوره که لازمه مؤثرترین عملکرد با توجه به معیارهای اثربخشی و کارآمدی است به حداقل برسد. یکی از مصادیق چنین اقدامی، عدم اجازه رابطه‌گری و حمایت‌های احزابی در استخدام مدیران به‌عنوان رؤسای ادارات است. این درنهایت باعث تضعیف نفوذ ذی‌نفعان و ورود مدیران کارآمد بر مناصب دولتی خواهد شد و نظارت و حکمرانی را اثربخش‌تر خواهد کرد.

مضمون فقدان نظارت درونی و خودکنترلی: وجود نگرش تقابلی به‌جای تعاملی، عدم ایجاد و توسعه فرهنگ نظارت‌پذیری و همچنین وجود ضعف اخلاقی برخی مدیران که به مادیات و پست و مقام دلبستگی دارند، زمینه را برای ایجاد فساد و نظارت‌گریزی فراهم می‌آورد. به‌کارگیری و امکان اصلاح و گزینش نیروی انسانی شایسته که نگرش و اندیشه‌های متعالی و دوراندیشانه دارند، به‌ویژه هم در منصوبان مدیریتی و هم در مناصب نظارت و بازرسی، امری ضروری است و باید مورد توجه حکمرانان نظارتی قرار گیرد.

مضمون فقدان تصمیم‌گیری جمعی: عدم پاسخگویی مدیران و عدم شفافیت در اطلاع‌رسانی و نبود امکان بررسی عملکرد آنان می‌تواند منجر به بی‌اعتمادی و تضعیف مشارکت گردد. شفافیت عملکرد، دفاع از اندیشه مردم‌سالارانه، باور به نقد و نقدپذیری، نفی تمرکزگرایی و تأسیس سازمان‌های مردم‌نهاد و فراهم‌سازی امکان حضور فعالان بی‌طرف، حرفه‌ای، آگاه و عمل‌گرا زمینه را برای نظارت مؤثرتر و مبارزه با فساد توسط حکمرانان را فراهم می‌سازد و از تضییع حقوق شهروندان و پوشش‌دهی عملکرد ضعیف مدیران فاقد شایستگی جلوگیری می‌کند.



شکل (۲): شبکه مضامین اصلی پژوهش

طبق توضیح‌های ارائه شده هر یک از این مضامین و عوامل به‌صورت چرخ‌دنده‌هایی در نظام حکمرانی کشور در امر نظارت هستند. فقدان و نبود هر یک از این چرخ‌دنده‌ها باعث اختلال در عملکرد دیگر چرخ‌دنده‌ها می‌شود از این‌رو طبق توضیح‌های مذکور می‌توان نتیجه گرفت که عملکرد هر یک از این عوامل در گرو عملکرد دیگر عوامل شناسایی شده بوده که در کنار یکدیگر به مسئله نظارت در امر حکمرانی کشور ساختاری مناسب می‌بخشد.

در این مطالعه با استفاده از مرور اسناد و مصاحبه عمیق نتایج ذکر شده، یافت شد. از این جهت با توجه به روش به‌کارگرفته‌شده در این پژوهش پیشنهاد می‌شود برای مطالعات آتی با استفاده از روش‌های کمی، مضامین شناسایی شده رتبه‌بندی شده و میزان اثرگذاری هر یک از آنها در مسئله امر نظارت در حوزه حکمرانی مشخص گردد. همچنین می‌توان میزان تأثیر هر یک از این عوامل نسبت به دیگر عوامل شناسایی شده. همچنین می‌توان با مطالعه عمیق‌تر در اسناد و مطالعات کشورهای دیگر با استفاده از روش فراترکیب دسته‌بندی جامعی از عوامل در مطالعات انجام شده را شناسایی نمود که هر چند این امر، ناظر به امر حکمرانی در کشورمان نیست؛ اما می‌تواند تصویر کلی از مسئله نظارت در امر حکمرانی را مشخص نماید. همچنین با توجه به مسئله مورد بررسی در این پژوهش پیشنهاد می‌شود مطالعاتی در حیطه راهکارها به‌منظور برطرف نمودن موانع انجام شود و یا با

استفاده از پرسش‌نامه‌های تهیه شده، نظر مردم را نیز در این حیطه مورد بررسی قرار داده و ارتباط و تأثیر میان آنها را مورد بررسی قرار دهند.

همچنین بررسی شود چه مراحلی برای اعمال نظارت در حکومت وجود دارد؟ چه ابزارهایی برای اعمال نظارت مانند رسانه‌ها، قوه قضائیه و گزارشگری مردمی برای نظارت وجود دارد؟ مطالعه و بررسی کیفیت نهادهای نظارتی، ارزیابی عملکرد آنها و مشکلات موجود مانند چگونگی نحوه انتخاب مدیران نظارتی را نیز پیشنهاد می‌شود. همچنین می‌توان به مطالعه مقایسه‌ای سیستم‌های نظارتی حکومت‌های متفاوت پرداخت و مزایا و معایب هر سیستم، نحوه اعمال اصول و معیارهای بین‌المللی نظارت در حکومت‌ها را مطالعه کرد.

قوانین و مقررات مربوط به نظارت و حاکمیت بررسی و بازنگری شود. قوانین باید جامع، متعادل و قابل اجرا باشند و تأکید بر شفافیت، پاسخگویی، مسئولیت‌پذیری و شایسته‌سالاری داشته باشند. سازمان‌های نظارتی باید با منابع کافی و قدرت اجرایی مناسب تجهیز شوند. نیاز است که سازمان‌های نظارتی دارای استقلال عملکردی باشند تا بتوانند به‌صورت مؤثر بر اجرای قوانین و مقررات، نظارت کنند. توسعه سیاست‌ها و مقرراتی که شفافیت در تصمیم‌گیری و عملکرد دستگاه‌های نظارتی را تضمین کنند، بسیار مهم است. عمومی‌سازی اطلاعات و افزایش دسترسی عمومی به آنها، از جمله اطلاعات مالی و عملکرد سازمان‌های نظارتی، به‌عنوان ابزارهایی برای افزایش شفافیت می‌توانند مورد استفاده قرار بگیرند. برنامه‌ریزی برای ارتقاء توانمندی‌های کارکنان نظارتی و به‌روزرسانی دانش آنها در زمینه‌های مرتبط با نظارت، ضروری است. باید فرهنگ نظارت درونی و خودکنترلی در سازمان‌ها ترویج یابد. ایجاد سیستم‌ها و فرایندهایی که کارکنان را تشویق به گزارش نقص‌ها و تخلفات و اعمال تصحیحی فوری کند، می‌تواند کمک کند تا مسائل در دستگاه نظارتی شناسایی و برطرف شوند. در تدوین و اجرای قوانین و مقررات نظارتی، نیاز است به مشارکت و شرکت عموم در فرایند تصمیم‌گیری. ایجاد فرصت‌ها برای شنیدن نظرها و ایده‌های عمومی و مشارکت آنها در ایجاد و تدوین سیاست‌ها، می‌تواند بهبودی مهمی در قوانین و مقررات نظارتی به همراه داشته باشد.

فهرست منابع

- الوانی، مهدی؛ آذر، عادل و دانایی‌فرد، حسن (۱۳۹۰). روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت: رویکردی جامع. تهران: انتشارات اشراقی.
- پاینده، رضا؛ دانایی‌فرد، حسن؛ امامی، سید مجتبی و رحمتی، محمد (۱۳۹۸). نقش ساختاردهی به مسائل اجتماعی در طراحی برنامه‌های عمومی؛ مطالعه موردی: شبکه بازرسی و نظارت مردمی. سیاست‌گذاری عمومی، ۵(۴)، ۳۳-۵۶.
- جلیلی، سودابه (۱۳۸۹). پاسخگویی و اثربخشی نظام‌های نظارتی. خط‌مشی‌گذاری عمومی در مدیریت (رسالت مدیریت دولتی)، ۱(۱)، ۱۱۹-۱۵۴.
- حسینی، سید حسین و بایگی موسوی، سید علی (۱۳۹۰). نهادهای نظارتی حاکم بر قراردادهای مالی دولتی و چالش‌های آن. اقتصاد پولی، مالی، سال اول، (۱).
- حقیقی، مهری؛ ابدی، سعیدرضا؛ عربیان، اصغر و جلالی، محمد (۱۳۹۷). مؤلفه‌های کارآمدی دولت در نظارت مالی کارآ و کاهش جرایم و تخلفات مالی در دستگاه‌های اجرایی. دانش حسابرسی، سال هجدهم، (۷۲).
- خانی، احمد؛ دلخواه، جلیل و خائف‌الهی، احمدعلی (۱۳۹۷). واکاوی دلایل و عوامل چسبندگی شغلی: پژوهشی آمیخته. مدیریت دولتی، ۱۰(۳)، ۴۵۹-۴۸۰.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۴۶). لغت‌نامه. به قلم جمعی از نویسندگان، زیر نظر محمد معین، تهران: سیروس.
- رضایی، مهدی و رضوانی‌فر، محمدمهدی (۱۳۹۸). دستورگرایی و سیاست‌گذاری عمومی؛ تحلیلی بر جایگاه و کارکرد سیاست‌گذاری عمومی در منظومه حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. پژوهش حقوق عمومی، ۲۱(۶۳)، ۹-۴۱.
- راسخ، محمد و رفیعی، محمدرضا (۱۳۹۰). نسبت حکومت با زندگی مطلوب «نگرشی به رویکرد کمال‌گرایی». حقوق اسلامی، ۸(۳۰)، ۵۹-۷۶.
- رمضان‌پور، دانیال؛ عبدالحمید، مهدی و رضائیان، علی (۱۴۰۰). ساختاردهی به مسئله عدم مشارکت نخبگان در تدوین سیاست‌های عمومی نظام جمهوری اسلامی ایران. سیاست‌های راهبردی و کلان، ۹(۳۶).
- صالحی‌هفشجانی، حمید؛ عطریان، فرامرز و مسعود (۱۳۹۹). نقش نظارت در حکمرانی خوب. جامعه‌شناسی سیاسی ایران، ۱۲(۳)، ۲۲۸۸-۲۲۹۸.
- صادقی جقه، سعید (۱۳۹۷). شفافیت، نظارت و کارآمدی. فصلنامه مطالعات راهبردی، ۲۱(۸۲)، ۷-۳۴.

فلاح سلوک‌لایی، محمد و کدخدایی، عباسعلی (۱۳۹۰). نظام تشویق و تنبیه کارگزاران حکومتی در اسلام. حکومت/اسلامی، سال شانزدهم، (۳)، پیاپی ۶۱. کیمیجانی، علی و عیوضی، محمدرحیم (۱۴۰۰). سیمای حکمرانی مطلوب در ایران: از ظرفیت تا فرصت. فصلنامه علمی راهبرد، ۳۰(۳)، ۴۱۷-۴۶۵. میرزایی، خلیل (۱۳۸۸). پژوهش، پژوهشگری و پژوهش‌نامه‌نویسی. تهران: انتشارات جامعه‌شناسانه.

میرباقری، سید محسن؛ رفیعی آتانی، عطاءالله و پارساانژاد، محمدرضا (۱۴۰۱). طراحی الگوی مفهومی حکمرانی مشارکتی در ایران: رویکرد داده بنیاد. فصلنامه علمی راهبرد، ۳۱(۲)، ۱۹۵-۲۱۸.

یوسفی، علی و اکبری، حسین (۱۳۹۰). تأملی جامعه‌شناختی در تشخیص و تعیین اولویت مسائل اجتماعی ایران. نشریه مسائل اجتماعی ایران، ۲(۱)، ۱۹۵-۲۲۳. علی بن ابی‌طالب، امام اول (علیه‌السلام) (۱۳۷۹). نهج‌البلاغه. ترجمه حسین انصاریان، تهران: انتشارات پیام آزادی.

وفادار، زهرا؛ تقوی‌فرد، محمدتقی؛ رحیمی، مهدی و آقای، مجتبی (۱۳۹۵). تحلیلی بر چرخه انسجام سیاستی در نظام حکمرانی فناوری اطلاعات و ارتباطات ایران. مطالعات مدیریت کسب‌وکار هوشمند، ۴(۱۶)، ۱-۳۳.

Albertofranco, L. (2009). Problem structuring methods as intervention tools. Reflections from their use with multi-organisational teams. In *Omega*, 37(1), 193-203.

Attride-Stirling, J. (2001). Thematic networks: an analytic tool for qualitative research. *Qualitative research*, 1(3), 385-405.

Cook, S. J. & Fortunato, D. (2022). The Politics of Police Data: State Legislative Capacity and the Transparency of State and Substate Agencies. *American Political Science Review*, 1-16.

Dunn, William N. (2015). *Public policy analysis*: Routledge.

Eden, C. & Ackermann, Fran (2006). Where next for problem structuring methods. In *The Journal of the Operational Research Society*, 57(7), 766-768.

Elsye, R. (2022). Local Government Control And Supervision. *Journal of Positive School Psychology*, 6(8), 6967-6974.

Elsye, R. (2022). Local Government Control And Supervision. *Journal of Positive School logy*, 6(8), 6967-6974.

Fisher, M. A. & Milliken, L. K. (2022). Crowdsourcing Science and Technology Expertise to Empower Legislative Branch Oversight and Policymaking. *Digital Government: Research and Practice*.

Hoppe, Robert A. (2012). *The governance of problems. Puzzling, powering, participation*. Bristol, England: Policy Press.



- Hong, Namsu Shin (1998). *The relationship between well-structured and ill-structured problem solving in multimedia simulation: The Pennsylvania State University*.
- Krefting, L. (1991). Rigor in qualitative research: The assessment of trustworthiness. *American Journal of Occupational Therapy*.
- Keys, P. (2007). Developing a design science for the use of problem structuring methods. *Systemic Practice and Action Research*, (20), 333-349.
- Krefting, L. (1991). Rigor in qualitative research: The assessment of trustworthiness. *The American journal of occupational therapy*, 45(3), 214-222.
- Mingers, John (2011). Soft OR comes of age-but not everywhere! *In Omega*, 39(6), 729-741.
- Mingers, J. & Rosenhead, J. (2004). Problem structuring methods in action. *European journal of operational research*, 152(3), 530-554.
- Mingers, J. & Rosenhead, J. (2004). Problem structuring methods in action. *European journal of operational research*, 152(3), 530-554.
- Mays, N. & Pope, C. (2000). Assessing quality in qualitative research. *Bmj*, 320(7226), 50-52.
- Opdenakker, R. J. G. (2006). Advantages and disadvantages of four interview techniques in qualitative research. *Forum: Qualitative Social Research*, 7(4), 1-13.
- Opdenakker, R. (2006, September). Advantages and disadvantages of four interview techniques in qualitative research. *In Forum qualitative sozialforschung/forum: Qualitative social research*, 7(4).
- Pope, C.; Ziebland, S. & Mays, N. (2000). Qualitative research in health care: Analysing qualitative data. *BMJ: British Medical Journal*, 320(7227), 114.
- Spector, M. & Kitsuse, J. I. (2001). *Constructing Social Problems*. New Brunswick. Transactions Publisher.
- Svensson, A. B. (2019). The fuzzy concept of collaborative governance: A systematic review of the state of the art. *Central European Journal of Public Policy*, 13(2): 28-39.
- Salari, M. (2023). Policy Making based on Good Governance in Order to Manage Conflicts of Interest and Protect Public Rights (A Case Study of The Social Security Organization). *Iranian Journal of Public Policy*, 8(4), 170-185.
- Termeer, C. J.; Dewulf, A. & Biesbroek, R. (2019). A critical assessment of the wicked problem concept: relevance and usefulness for policy science and practice. *Policy and Society*, 38(2), 167-179.
- Thissen, W. A. & Walker, W. E. (2013). *Public policy analysis. Public Policy Analysis (1st ed.)*. Springer, Boston, MA. <https://doi.org/10.1007/978-1-4614-4602-6>.
- Zondi, S. I. (2021). *Assessment of oversight mechanisms to enhance goodgovernance in local government: a case study of Okhahlamba Local Municipality (Doctoral dissertation)*.

References

- Albertofranco, L. (2009). Problem structuring methods as intervention tools. Reflections from their use with multi-organisational teams. In *Omega*, 37(1), 193-203.
- Attride-Stirling, J. (2001). Thematic networks: an analytic tool for qualitative research. *Qualitative research*, 1(3), 385-405.
- Cook, S. J. & Fortunato, D. (2022). The Politics of Police Data: State Legislative Capacity and the Transparency of State and Substate Agencies. *American Political Science Review*, 1-16.
- Dehkhoda, A. (1967). dictionary, written by a group of writers, under the supervision of Dr. Mohammad Moin, Tehran: Siros, November 1967. (In Persian)
- Dunn, William N. (2015). *Public policy analysis*: Routledge.
- Eden, C. & Ackermann, Fran (2006). Where next for problem structuring methods. In *The Journal of the Operational Research Society* 57(7), pp. 766-768.
- Elsye, R. (2022). Local Government Control And Supervision *Journal of Positive School logy*, 6(8), 6967-6974
- Elsye, R. (2022). Local Government Control And Supervision. *Journal of Positive School Psychology*, 6(8), 6967-6974.
- Elwani, M.; Azar, A. & Danai Fard, H. (2011). *Qualitative research methodology in management: a comprehensive approach*. Tehran: Ishraghi Publications. (In Persian)
- Fisher, M. A. & Milliken, L. K. (2022). Crowdsourcing Science and Technology Expertise to Empower Legislative Branch Oversight and Policymaking. *Digital Government: Research and Practice*.
- Haghighi, M.; Abdi, S.; Arabian, A. & Jalali, M. (2017). The components of government efficiency in effective financial supervision and reducing crimes and financial violations in executive bodies. *Auditing Knowledge*, 18(72), 125-147. (In Persian)
- Heidar, A. (2017). Describing Elements of Good Governance in Policy Making of Budgeting System in Iran, *Journal Strategic Studies of Public Policy*, 6(21), 31-52. (In Persian)
- Hong, Namsoo Shin (1998). The relationship between well-structured and ill-structured problem solving in multimedia simulation: The Pennsylvania State University.
- Hoppe, Robert A. (2012). *The governance of problems. Puzzling, powering, participation*. Bristol, England: Policy Press.
- Hosseini, S. H. & Moosavi Baygi, S. A. (2012). Regulatory Bodies Overseeing State Financial Contracts and Their Challenges. *Monetary & Financial Economics*, 18(1). (In Persian)
- Jalili, S. (2010). Accountability and effectiveness of supervisory systems. *Public Policy In Administration*, 1(1), 120-156. (In Persian)
- Kadkhudāi, A. & Fallāh Salukolāi, M (2011). The System of Encouraging and Punishing Governmental Officials in Islam, *Journal of Islamic government*, 16(3), 79. magiran.com/p965113. (In Persian)

- Keys, P. (2007). Developing a design science for the use of problem structuring methods. *Systemic Practice and Action Research*, (20), 333-349.
- Khani, A.; Kharfi, J. & Khaef Elahi, A. (2017). Analyzing the reasons and factors of job attachment: a mixed research. *Public Administration*, 10(3), 459-480. (In Persian)
- Komijani, A. & Eivazi, M. (2021). The Profile of Good Governance in Iran: From Capacity to Opportunity. *Strategy*, 30(3), 427-465. (In Persian)
- Krefting, L. (1991). Rigor in qualitative research: The assessment of trustworthiness. *American Journal of Occupational Therapy*.
- Krefting, L. (1991). Rigor in qualitative research: The assessment of trustworthiness. *The American journal of occupational therapy*, 45(3), 214-222.
- Loyal, Z.; Pious, M. & Rahimi, M. (2015). An analysis of the policy coherence cycle in Iran's information and communication technology governance system. 4(16), 1-33. (In Persian)
- Mashhadi, A. & Jalili Murad, A. (2018). Criteria for judicial supervision of the discretionary powers of administrative officials. (In Persian)
- Mays, N. & Pope, C. (2000). Assessing quality in qualitative research. *Bmj*, 320(7226), 50-52.
- Mingers, J. & Rosenhead, J. (2004). Problem structuring methods in action. *European journal of operational research*, 152(3), 530-554.
- Mingers, J. & Rosenhead, J. (2004). Problem structuring methods in action. *European journal of operational research*, 152(3), 530-554.
- Mingers, John (2011). Soft OR comes of age-but not everywhere! In *Omega*, 39(6), 729-741.
- Mirbagheri, S. M.; Rafiei Atani, A. O. & Parsanejad, M. (2022). Designing a Conceptual Model of Participatory Governance in Iran: A Grounded Theory Approach. *Strategy*, 31(2), 195-218. (In Persian)
- Mirzaei, Kh. (2009). Research, researcher and research paper writing. Tehran: Sociological publications. (In Persian)
- Opdenakker, R. (2006, September). Advantages and disadvantages of four interview techniques in qualitative research. In *Forum qualitative sozialforschung/forum: Qualitative social research*, 7(4).
- Opdenakker, R. J. G. (2006). Advantages and disadvantages of four interview techniques in qualitative research. *Forum: Qualitative Social Research*, 7(4), 1-13.
- Payandeh, R.; Danaei Fard, H.; Emami, M. & Rahmati, M. (2018). The role of structuring social issues in the design of public programs; Case study: Public inspection and monitoring network. *Public Policy*, 6(4), 33-56. (In Persian)
- Pope, C.; Ziebland, S. & Mays, N. (2000). Qualitative research in health care: Analysing qualitative data. *BMJ: British Medical Journal*, 320(7227), 114.
- Qolipour, R.; Darvishzadeh, M. & Pirannejad, A. (2018). Investigating the methods, sources and obstacles of achieving sustainable urban income (case study: Urmia municipality). *Public Administration*, 11(1), 151-

178. (In Persian)
- Ramzanpour, D.; Abdulhamid, M. & Rezaian, A (2021). Structuring the issue of non-participation of elites in formulating general policies of the Islamic Republic of Iran. *Strategic and macro policies*, 9(36), 748-772. (In Persian)
- Rasekh, M. & Rafeei, M. (2014). Government and the Good Life: Study of the Neutrality Approach. *Jurisprudence and Islamic Law*, 1(1), 109-131. (In Persian)
- Rezaei, M. & Rizvanifar, M. (2018). agenda orientation and public policy; An analysis of the position and function of public policy in the system of fundamental rights of the Islamic Republic of Iran. *Public Law Research*, 21(63), 9-41. (In Persian)
- Sadeghi Jakeh, S. (2017). Transparency, supervision and efficiency. *Strategic studies*, 21(4), 7-34. (In Persian)
- Salahi, S. & Bahadri Jahormi, A. (2012). Ways of work and means of monitoring governance in Islamic government. *Islamic State Legal Studies*, (4), 9-38. (In Persian)
- Salari, M. (2023). Policy Making based on Good Governance in Order to Manage Conflicts of Interest and Protect Public Rights (A Case Study of The Social Security Organization). *Iranian Journal of Public Policy*, 8(4), 170-185.
- Spector, M. & Kitsuse, J. I. (2001). *Constructing Social Problems*. New Brunswick. Transactions Publisher.
- Svensson, A. B. (2019). The fuzzy concept of collaborative governance: A systematic review of the state of the art. *Central European Journal of Public Policy*, 13(2), 28-39.
- Termeer, C. J.; Dewulf, A. & Biesbroek, R. (2019). A critical assessment of the wicked problem concept: relevance and usefulness for policy science and practice. *Policy and Society*, 38(2), 167-179.
- Thissen, W. A. & Walker, W. E. (2013). *Public policy analysis. Public Policy Analysis* (1st ed.). Springer, Boston, MA. <https://doi.org/10.1007/978-1-4614-4602-6>.
- Translator: Hossein Ansarian, Payam Azadi Publications, Nahj al-Balagheh, 4th edition, 2000. (In Persian)
- Yousefi, A. & Akbari, H. (2011). Sociological reflection on identifying and determining the priority of Iran's social issues, *Iranian Social Issues Journal*, 2(1), 195-223. magiran.com/p1589729. (In Persian)
- Zhaleh baghbadorani, M.; Yaghoubipoor, A. & Fathizadeh, A. (2022). Designing a Participatory Governance Model in Order to Reduce Corruption with a Mixed Approach (Case study: Ahvaz Governor's Office). *Strategy*, 30(4), 829-863. (In Persian)
- Zondi, S. I. (2021). Assessment of oversight mechanisms to enhance goodgovernance in local government: a case study of Okhahlamba Local Municipality (Doctoral dissertation).



تنگناها و الزامهای راهبردی ج.ا.ایران برای تعامل و همکاری با گروه ویژه اقدام مالی (FATF) و گروه اگمونت (EGMONT)

محمد رضا حسینی

دانشیار حقوق بین الملل، گروه حقوق بین الملل، دانشکده امنیت ملی، دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ایران.

rezahsn88@gmail.com

id 0000-0000-0000-0000

چکیده

پولشویی، تأمین مالی تروریسم و اشاعه تسلیحات کشتار جمعی از مهم‌ترین دغدغه دولت‌ها و نهادهای مالی بین‌المللی است. در عرصه بین‌المللی ارگان متولی مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم، «گروه ویژه اقدام مالی» (FATF) است که از ظرفیت‌های کارشناسی گروه «واحدهای اطلاعات مالی» (FIUs) به نام «گروه اگمونت» (EGMONT) استفاده می‌کند تا از طریق تجزیه و تحلیل اطلاعات مالی کشورها، بتواند با تهدیدهای نظام مالی بین‌المللی مبارزه کند. در حقیقت گروه اگمونت مهم‌ترین بازوی اجرایی و فنی «افای‌تی‌اف» است. سؤال اصلی پژوهش این است که ضرورت‌ها و تنگنای راهبردی ج.ا.ایران در تعامل با افای‌تی‌اف و گروه اگمونت کدامند؟ و پذیرش توصیه‌ها و الزام‌های افای‌تی‌اف و اجرای روش‌های تبادل داده‌های مالی اگمونت چه آثار و تبعاتی حقوقی و امنیتی برای ایران در پی دارد؟ پژوهش حاضر که با رویکرد کیفی و با روش توصیفی انجام گرفته، با بررسی توصیه‌های چهل‌گانه افای‌تی‌اف، چرایی تعامل و همکاری ایران با این دو گروه را مورد نقد و تحلیل قرار داده و ضمن توجه به موانع و ظرفیت‌های ناشی از اجرای الزام‌های حقوقی آنها، راهکارهایی برای تعامل بیشتر با این دو نهاد بین‌المللی ارائه نموده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد تبعیت ایران از توصیه‌های چهل‌گانه در قالب اجرای «برنامه اقدام» ایران، فرصت‌های متعددی برای برقراری شفافیت در نظام اقتصادی، مالی و بانکی کشور ایجاد می‌کند؛ اما تضمین کافی و سازوکار لازم برای صیانت از اطلاعات مالی کشورها وجود ندارد که می‌تواند منجر به تهدید علیه امنیت ملی و افشای روش‌های دورزدن تحریم‌ها شود.

کلیدواژه‌ها: ایران، پولشویی، تأمین مالی تروریسم، گروه اگمونت، گروه ویژه اقدام مالی، واحدهای اطلاعات مالی، برنامه اقدام.



مقدمه و بیان مسئله

«گروه ویژه اقدام مالی» (FATF)^۱ یکی از مهم‌ترین نهادهای بین‌الدولی پیش‌رو در زمینه مبارزه با پولشویی به‌شمار می‌رود که توسط «گروه جی ۷»^۲ در سال ۱۹۸۹ ایجاد شد. این گروه علاوه بر مقابله با پولشویی، به‌صورت تخصصی در زمینه خشکاندن منابع مالی تروریسم و تقویت نظام عدم اشاعه فعالیت می‌کند. درواقع این نهاد بین‌الدولی است که در قالب یک کارگروه تخصصی در درون «سازمان همکاری و توسعه اقتصادی»^۳ (OECD) موسوم به تأسیس شده که درعین حال مستقل از این سازمان فعالیت می‌کند. این گروه - افای‌تی اف - یک نهاد سیاست‌گذار تلقی می‌شود که در راستای انجام اصلاحات قانونی و حقوقی در سطح ملی از طریق نظارت مستمر بر کشورهای مورد نظر و عضو، در زمینه مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم همکاری‌های بین‌المللی را توسعه می‌دهد (ناظمی اردکانی و رحمانی، ۱۳۸۹، ص. ۸۸).

این گروه وظایف و مأموریت‌های ذاتی خود را از طریق «تعیین استانداردها و توصیه‌های اجرایی مؤثر، ضوابط حقوقی و فنی لازم برای نیل به اهداف اساسی (مقابله با پولشویی و تروریسم) و سایر تهدیدهای علیه یکپارچگی نظام مالی بین‌المللی» انجام می‌دهد (Krieger, 2011, p. 11). درواقع، مأموریت خاص این گروه «توسعه و ارتقاء یک سازوکار مؤثر برای مبارزه با پولشویی، تأمین مالی تروریسم و عدم اشاعه» است. این نهاد اولین نسخه استانداردها و توصیه‌های خود را در سال ۱۹۹۰ منتشر نمود که تعداد آن ۴۰ توصیه بود و در سال ۱۹۹۶ این توصیه‌ها را بازنگری نمود. بعد از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ م با هدف خشکاندن منابع مالی تروریست‌ها و دولت‌های حامی تروریسم، ۹ توصیه را به ۴۰ توصیه قبلی اضافه کرد (۴۰ توصیه در حوزه پولشویی و ۹ توصیه برای مقابله با منابع مالی تروریسم) (Krieger, 2011, p. 12). سپس از سال ۲۰۰۸ همزمان با اوج گرفتن مباحث مربوط به پرونده هسته‌ای ایران و کره شمالی، این نهاد وظیفه «مقابله با تأمین مالی اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی» را به مأموریت‌های

1. The Financial Action Task Force (FATF)

۲. کشورهای فرانسه، آلمان، بریتانیا، ایتالیا، ژاپن، ایالات متحده آمریکا و کانادا «گروه هفت» را تشکیل می‌دهند.

۳. سازمانی است بین‌المللی، دارای ۳۷ عضو، که اعضای آن متعهد به اصول مردم‌سالاری و اقتصاد آزاد هستند. این سازمان به تعبیری عمده‌ترین سازمان بین‌المللی تصمیم‌گیرنده اقتصادی است. مقر اصلی این سازمان در شهر پاریس فرانسه است.

4. The Organization for Economic Cooperation and Development (OECD)

قبل از خود اضافه شد (Financial Action Task Force, 2010). افای تی اف در سال ۲۰۱۲ تمام توصیه ها قبل از (۹+۴۰) را باهم ادغام و تعداد ۴۰ توصیه را به اشتراک گذاشت. به علاوه، با توجه به توسعه فضای سایبر و تسهیل امکان پولشویی و تأمین مالی تروریسم از طریق رمزارزها و احتمال سوءاستفاده از ارزهای دیجیتال، افای تی اف در سال ۲۰۲۰ مأموریت خود را به عرصه نظارت بر «ارزهای مجازی» نیز گسترش داد (Buckley, 2017, p. 57).

به لحاظ حقوقی، توصیه های چهارگانه افای تی اف یک مجموعه استانداردهای جهانی به شمار می روند که به عنوان «قواعد هنجاری غیر الزام آور» برای شفافیت مالی به رسمیت شناخته می شوند. این استانداردها عموماً فاقد «قدرت الزام آوری»^۱ هستند و معمولاً در قالب «حقوق نرم»^۲ تلقی می شوند که دولت ها برای عضویت در افای تی اف باید گام های لازم را در تدوین قوانین ملی و اجرای توصیه های چهارگانه افای تی اف بردارند^۳ (حسینی و فداله، ۱۳۹۹، ص. ۵۴).

در چهارچوب ماهیت ارکان سازمان های بین المللی، «افای تی اف» به عنوان یک سازمان بین المللی واقعی محسوب می شود و دارای ۴ رکن اصلی و ۷ رکن فرعی است^۴ و از حیث عضوگیری در ردیف سازمان های با صلاحیت جهانی است که اهداف و محور فعالیت آن توسعه یک دیدگاه بین المللی مبتنی بر نیاز جامعه بین المللی است؛ اما به لحاظ «شخصیت حقوق بین المللی» فاقد آثار مترتب بر سازمان های بین المللی است چراکه «دارای سند تأسیس» نیست (حبیبی و زرنشان، ۱۴۰۰، ص. ۵۴۹).

از منظر کارکردی، «افای تی اف» به منظور انجام مأموریت مقابله با پولشویی و تأمین مالی تروریسم، از کارگروه اجرایی دیگری بنام «گروه اگمونت» بهره می گیرد که این کارگروه مرکب از «واحدهای اطلاعات مالی» (FIUs) کشورهای عضو افای تی اف است. گروه اگمونت به عنوان بازوی اجرایی جمع آوری، تحلیل و مبادله اطلاعات مالی بین دولت ها و سازمان های بین المللی، نقش مؤثری در ایفای مأموریت خطیر افای تی اف برعهده دارد. این نهاد با ایجاد تعامل و همکاری بین واحدهای

1. Binding rules

2. Soft law

۳. در توصیه شماره «۳» و FATF «کشورها باید بر مبنای موافقت نامه های وین، پالرمو، پولشویی را جرم انگاری کنند» و در توصیه شماره ۴ FATF «کشورها باید اقدام هایی مانند آنچه در موافقت نامه های «وین»، «پالرمو» و «تأمین مالی تروریسم» مقرر شده است از جمله اقدام هایی در زمینه قانون گذاری انجام دهند».

4. fatf mandate, 2012-2020

اطلاعات مالی کشورها می‌کوشد بین ماهیت حساس افشای اطلاعات مالی و حفاظت از محرمانه بودن چنین افشاگری تعادل برقرار نماید و موارد مشکوک را پس از بررسی و تجزیه و تحلیل دقیق در واحد اطلاعات مالی کشورها، حسب مورد به مراجع ذیصلاح برای تحقیقات، پیگرد قانونی، یا محاکمه گزارش کند.

از این رو، نظارت بر شفافیت مالی در سطح ملی و بین‌المللی و تحلیل داده‌های حاصل از گزارش‌های رسمی واصله از کشورهای مختلف از کارویژه اگمونت و افای‌تی‌اف است تا دولت‌ها بتوانند براساس ارزیابی‌های انجام شده، ریسک سرمایه‌گذاری خود را در کشورهای هدف کاهش داده و در مراودات بانکی و تعاملات با کشورهای مشکوک «فهرست سیاه» احتیاط کنند (عباسی، ۱۳۸۶، ص. ۱۵۲).

آثار مثبت و منفی اجرای توصیه‌ها و سازوکارهای افای‌تی‌اف و پذیرش روش‌های تبادل داده‌های مالی در «گروه اگمونت»، یکی از مباحث مهم در میان مخالفان و موافقان اجرای استانداردهای ابلاغی نهادهای مالی بین‌المللی است؛ لذا بررسی و ارزیابی فرصت‌ها و تهدیدهای ناشی از همکاری ج.ا.ایران با این دو نهاد و تبعیت از اسناد مربوطه، ضرورت علمی غیرقابل انکار است. از این رو، پرسش‌های اساسی که این پژوهش به دنبال پاسخگویی به آنهاست این است که اجرای الزام‌ها و توصیه‌های ۴۰ گانه «افای‌تی‌اف» و «برنامه اقدام» ایران و تن دادن به سازوکارهای «گروه اگمونت» چه تنگناها و ضرورت‌های راهبردی برای منافع ملی ج.ا.ایران در پی دارد؟ آثار مثبت و منفی الحاق ج.ا.ایران به اسناد و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی مورد نظر افای‌تی‌اف (پالرمو و CFT) چیست؟ در این راستا پژوهش حاضر ضمن تحلیل عملکرد این دو گروه و روابط آنها با یکدیگر، به بررسی آثار و پیامدهای اجرای استانداردها و سازوکارهای افای‌تی‌اف و اگمونت به‌ویژه در حوزه امنیتی از قبیل شناسایی اطلاعات مالی حساس، نحوه تبادلات مالی بین‌المللی می‌پردازد. در نتیجه هدف اصلی این تحقیق، در گام اول تبیین جایگاه این دو نهاد بین‌المللی در عرصه مقابله با پولشویی و جرایم منشأ مرتبط و تأمین مالی تروریسم است و در گام دوم چالش‌ها و فرصت‌هایی که همکاری ایران با افای‌تی‌اف و اگمونت می‌تواند برای منافع ملی در حوزه مالی و بانکی کشور را احصاء نماید.

۱. ادبیات نظری

۱-۱. مفهوم شناسی

۱-۱-۱. واحد اطلاعاتی مالی (FIU)

مرکز اطلاعات مالی، یک مرکزی ملی در داخل نظام اقتصادی کشورهاست که وظیفه رصد و پایش، دریافت و تحلیل گزارش‌های تراکنش‌های مشکوک و سایر داده‌های مربوط به منابع مالی پولشویی و تروریسم را برعهده دارد و نتایج به‌دست آمده به مراجع ذی‌صلاح قضایی ارسال می‌کند. در ایران، طبق قانون مبارزه با پولشویی، واحد اطلاعاتی مالی به‌عنوان واحدی مستقل زیرنظر وزارت اقتصاد و امور دارایی قرار دارد.

۱-۱-۲. گروه اگمونت (EGMONT)

کارگروه موسوم به «واحد اطلاعات مالی اگمونت» متشکل از نمایندگان واحدهای اطلاعات مالی دولت‌های عضو اف‌ای‌تی‌اف است که به‌طور دوره‌ای با یکدیگر همکاری دارند، اطلاعات جمع‌آوری شده از نهادهای مالی خود را به اشتراک می‌گذارند. نام این گروه مأخوذ از «کاخ سلطنتی در بروکسل»^۱ است که اولین بار این گروه در آنجا تشکیل جلسه داد. هدف از این کارگروه، ایجاد مرکزی عمومی و یکپارچه برای واحدهای اطلاعات مالی دولت‌ها و اشتراک داده‌های مالی و یافته‌های دولت‌های عضو در زمینه مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم است.

۱-۱-۳. تأمین مالی تروریسم

تأمین مالی تروریسم به‌معنای فراهم‌آوردن انواع منابع مالی و لجستیکی، همچنین هر گونه تسهیلات دائمی و موقتی برای تروریست‌ها به‌منزله یکی از مصادیق بارز حمایت دولت‌ها از تروریسم است.

۲-۱. پیشینه تاریخی

در اوایل دهه ۱۹۹۰ گروه «کشورهای جی ۷» در پاسخ به نگرانی جامعه بین‌المللی ناشی از تجارت مواد مخدر و با هدف مبارزه با پول‌های کثیف ناشی از تجارت مواد مخدر، «گروه ویژه اقدام مالی» (اف‌ای‌تی‌اف) را بنا نهادند و به‌منظور کشف، جلوگیری و مجازات سوءاستفاده‌کنندگان از نظام مالی بین‌المللی استانداردهایی

1. Egmont-Arenberg Palace

(توصیه‌ها)^۱ را تدوین کردند. ابتدا مقرر شده بود که فعالیت گروه ویژه تا سال ۲۰۰۴ ادامه داشته باشد؛ اما طبق توافق اعضاء در سال ۲۰۰۴ فعالیت آن برای ۸ سال دیگر تمدید شد (زارع قاجاری و قائم مقامی، ۱۳۹۲، ص. ۱۱).

ایجاد این گروه یک ابتکار جهانی در قالب یک سازمان بین‌الدولی است که به‌عنوان مرکز بررسی و پایش مستمر نظام مالی بین‌المللی، تهدیدها و چالش‌های حوزه مالی و بانکی را احصاء و در جهت افزایش امنیت و ثبات عملیات بانکی در کشورها و به حداقل رساندن آثار منفی پولشویی و تأمین مالی تروریسم می‌کوشد (لارنت چتین، ۱۳۹۲، ص. ۱۷). پس از بروز پدیده شوم «تروریسم» و خطرهای ناشی از توسعه و گسترش آن در جامعه بین‌المللی، مقوله «مبارزه با تروریسم» به یکی از دغدغه‌ها و نگرانی دولتها تبدیل شد. یکی از راه‌های مبارزه با پدیده تروریسم، مبارزه با تأمین مالی آن است. به این منظور کشورها خود به‌طور مستقیم یا از طریق سازمان ملل متحد و نهادهای مالی بین‌المللی مبادرت به مسدود نمودن راه‌های تأمین مالی تروریسم نموده‌اند؛ لذا به‌منظور محو تروریسم، همکاری در زمینه خشکاندن منابع مالی آنها در دستور آنها قرار گرفت. در این راستا، پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م، مبارزه با تأمین مالی تروریسم جزو مأموریت‌هایش قرار گرفت و از سال ۲۰۰۳ این گروه علاوه بر تراکنش‌های بانکی کشورها، فعالیت‌های غیرمالی مهم دیگری مانند قمارخانه‌ها، مراکز فروش طلا و دفاتر اسناد رسمی و... را نیز به این علت که این مراکز نقش مؤثری در پولشویی دارند مورد رصد و پایش قرار داد و به‌نوعی گستره فعالیت‌های خود را توسعه بخشید (دهقان، ۱۳۹۷، ص. ۴۵).

از سال ۲۰۰۸ به‌دنبال پُررنگ شدن موضوع‌های هسته‌ای ایران در محافل بین‌المللی، مأموریت دیگری به‌نام مقابله با تأمین مالی اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی مانند سلاح‌های هسته‌ای نیز به مأموریت‌های قبلی این گروه اضافه شد.^۲ همچنین با توجه به توسعه فضای سایبر، اف‌ای‌تی‌اف در سال ۲۰۱۴ با انتشار گزارشی تحت عنوان «ارزهای مجازی: تعاریف کلیدی و ریسک‌های بالقوه ضد پولشویی/تأمین مالی تروریسم»^۳، موضوع ارزهای مجازی را مدنظر قرار

۱. این استانداردها معیار چگونگی مبارزه با پولشویی و پاسخ جامعه جهانی به تهدیدهای نظام مالی بین‌المللی بود.

۲. برای کسب اطاعات بیشتر رجوع کنید به پایگاه اینترنتی گروه ویژه اقدام مالی به آدرس:

<http://www.fatf-gafi.org/pages/aboutus/membersandobservers>

3. Financial Action Task Force, Money Laundering Using New Payment Methods, FATF Report, Paris, October 2010.

داد. این گزارش تصریح کرد: «دسترسی جهانی به ارزهای مجازی موجب شده این ارزها در دنیای دیجیتال و خارج از اعمال نظر دولتی خاص به حیات خویش ادامه دهند و تولید رمز ارزها را به دلیل خطرناختگی را ابزاری آسیب‌رسان به نظام مالی بین‌المللی» ارزیابی کرد؛ بنابراین، در حال حاضر این گروه دارای چهار مأموریت مقابله با پولشویی، مقابله با تأمین مالی تروریسم، مقابله با تأمین مالی اشاعه، مبارزه با منابع ارزهای دیجیتال در شبکه ارزهای مجازی برای حمایت از تروریسم^۲ است که برای انجام این مأموریت‌ها، نظارت گسترده‌ای را بر عملکرد شبکه بانکی در سطح جهانی و کشورها اعمال می‌کند (کخدایی و نوروزپور، ۱۳۹۹، ص. ۱۵).

۳-۱. مأموریت و ساختار FATF

۱-۳-۱. مأموریت

این گروه در حوزه نظارت بر نظام مالی بین‌المللی مسئولیت تدوین استانداردهای بین‌المللی در چهار حوزه «مبارزه با پولشویی، مبارزه با تأمین مالی تروریسم و عدم اشاعه و ارزهای دیجیتال» را برعهده دارد. همان‌گونه که پیشتر اشاره شد، در حدها فصل دهه ۱۹۹۰ تا سال ۲۰۰۰، تعداد ۴۰ توصیه برای مبارزه با پولشویی تدوین شد. پس از واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م، تعداد ۹ توصیه ویژه، برای مقابله با تأمین مالی تروریسم و از سال ۲۰۰۸ موضوع عدم اشاعه را توصیه‌های خود اضافه نمود. گروه ویژه، در سال ۲۰۱۲ در توصیه‌های چهل‌ونه‌گانه خود بازنگری و تعداد آنها را به ۴۰ توصیه کاهش داد. این گروه از سال ۲۰۱۴ توجه خود را فضای سایبر معطوف و در سال ۲۰۲۰ ارزهای مجازی را به مأموریت خود اضافه نمود (Treeck, Martin, & Char, 2021, p. 57).

۲-۳-۱. ساختار

ساختار افای‌تی‌اف دارای ارکان مختلفی است که شامل ۴ رکن اصلی و ۷ رکن

1. Financial Action Task Force, Virtual Currencies: Key Definitions and Potential AML/CFT Risks, FATF Report, June 2014, <http://www.fatf-gafi.org/media/fatf/documents/reports/Virtual-currency-keydefinitions-and-potential-aml-cft-risks.pdf>. (visited: 10/10/2022)
2. Financial Action Task Force, "FATF FinTech and RegTech Initiative", website of the FATF: [http://www.fatf-gafi.org/fintech-regtech/?hf=10&b=0&s=desc\(fatf_releasedate\)](http://www.fatf-gafi.org/fintech-regtech/?hf=10&b=0&s=desc(fatf_releasedate)). (visited: 02/5/2023)

فرعی است. ارکان اصلی آن شامل؛ مجمع عمومی، حوزه ریاست، گروه مشورتی و نظارتی، دبیرخانه است. همچنین ارکان فرعی آن شامل ۷ اداره که شامل: اداره هماهنگی نهادهای منطقه‌ای، اداره بازنگری و همکاری‌های بین‌المللی، اداره بهبود روش‌ها و سیستم‌ها، اداره توسعه سیاست‌های سازمانی، اداره ارزیابی و انطباق‌سازی، اداره پشتیبانی و امور اداری، اداره تأمین نیروی انسانی و تعاملات می‌باشد. ارکان فرعی همگی زیرنظر دبیرخانه انجام وظیفه می‌کنند^۱؛ بنابراین، دبیرخانه، نقش مؤثری در عملکرد گروه ویژه دارد. ساختار دبیرخانه خود متشکل از ۵ گروه اجرایی است:

(۱) **گروه ارزیابی و انطباق**^۲: وظیفه این گروه، بررسی فرایندها، نظارت و ارزیابی اعضاء از طریق تعیین میزان مؤثر بودن سازوکارهای کشورهای عضو در حوزه مبارزه با پولشویی، تأمین مالی تروریسم و اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی است. این گروه همچنین، مسئولیت رصد انطباق فنی اجرای توصیه‌های گروه ویژه اقدام مالی از جانب کشورها را برعهده دارد.

(۲) **گروه توسعه سیاست**^۳: این گروه وظیفه دارد در راستای بهبود استانداردها و توسعه توصیه‌ها با هدف مبارزه با پولشویی، تأمین مالی تروریسم و اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی اقدام نماید.

(۳) **گروه ارزیابی ریسک، روندها و روش‌ها**^۴: کشف، شناسایی و تحلیل فرایند پولشویی، تأمین مالی تروریسم و دیگر تهدیدها علیه یکپارچگی نظام مالی بین‌المللی بر عهده این گروه قرار دارد.

(۴) **گروه بررسی و همکاری بین‌المللی (ICRG)**^۵: تعیین و معرفی کشورهای با ریسک بالا و غیرهمکار و مشخص کردن کشورهایی که در مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم و اشاعه دارای خلأ در حوزه سیاست‌گذاری، فنی و قانونی هستند از مسئولیت‌های مهم این گروه می‌باشد.

(۵) **گروه هماهنگی شبکه جهانی**^۶: مسئولیت اصلی این گروه اجرای کامل و مؤثر توصیه‌های افای‌تی‌اف توسط تمامی کشورها از طریق

1. fatf-gafi.org

2. Evaluations and Compliance Group

3. Policy Development Group

4. Trends and Methods Group

5. International Co-operation Review Group

6. Global Network Co-ordination Group

هماهنگی میان نهادهای منطقه‌ای و سازمان‌های بین‌المللی است. در حال حاضر، ۳۹ کشور و دو سازمان منطقه‌ای بین‌الدولی به عنوان عضو اصلی و ۹ سازمان منطقه‌ای در پیشبرد اهداف این گروه مشارکت می‌کنند.^۱

۴-۱. محتوای توصیه‌های افای‌تی‌اف

توصیه‌های ۴گانه افای‌تی‌اف را می‌توان به دو دسته تقسیم نمود: دسته اول که از آن به عنوان «توصیه‌های محوری»^۲ یاد می‌شود ناظر به «ایجاد شفافیت» است که محوری‌ترین توصیه آن توصیه شماره ۱۰ مربوط به «شناسایی کافی مشتری و ذی‌نفع واقعی» است. دسته دوم تحت عنوان «توصیه‌های کلیدی»^۳ ناظر به همکاری و اجرای تعهدهای بین‌المللی است که اصلی‌ترین آن، «اجرای قطعنامه‌های شورای امنیت» است.

در گام اول، این نهاد به منظور رصد و ارزیابی اجرای توصیه‌ها توسط کشورهای مختلف، افای‌تی‌اف ۱۱ خروجی (گزارش) از کشورها می‌خواهد. برخی از این خروجی‌ها، شامل گزارش‌دهی معاملات مشکوک، نظارت بر مؤسسه‌های مالی و غیرمالی^۴، اقدامات انجام شده ضد پولشویی و تأمین مالی تروریسم توسط بانک‌ها و مؤسسه‌های مالی و همچنین وجود همکاری‌های بین‌المللی برای ارائه اطلاعات مناسب می‌شود. براساس خروجی‌های ۱۱گانه فوق، افای‌تی‌اف کشورهای مورد نظر را در ۴ سطح زیر طبقه‌بندی می‌کند:

- کشورهای با همکاری بالا و مؤثر (سازگار).
- کشورهای با همکاری قابل توجه (به‌طور زیادی سازگار).
- کشورهای با همکاری متوسط (تقریباً سازگار).
- کشورهای با همکاری پایین (غیرسازگار).^۵

۱. گروه اوراسیا (EAG) - گروه آسیا/اقیانوس آرام (APG) - گروه حوزه کشورهای دریای کارائیب (CFATF) - کمیته کارشناسان ارزیابی اقدام‌های ضد پولشویی و تأمین مالی تروریسم شورای اروپا (MONEYVAL) - گروه شرق و جنوب آفریقا (ESAAMLG) - گروه حوزه کشورهای آمریکای لاتین (GAFILAT) - گروه اقدام‌های بین‌دولتی علیه پولشویی در غرب آفریقا (GIABA) - گروه ویژه اقدام مالی خاورمیانه و شمال آفریقا (MENAFATF) - گروه ویژه پولشویی در آفریقای مرکزی (GABAC).

2. Core recommendation Key

3. recommendation Security

4. Designated non-financial businesses and professions (DNFBP)

5. FATF manual evaluation, 2015

There are no shortcomings	C	Compliant (سازگار)
There are only minor shortcomings	LC	Largely compliant (به‌طور زیادی سازگار)
There are moderate shortcomings	PC	Partially compliant (تقریباً سازگار)
There are major shortcomings	NC	Non-compliant (غیرسازگار)
A requirement does not apply, due to the structural, legal or institutional features of a country	NA	Not applicable (نامناسب)

۵-۱. گروه اگمونت

به‌عنوان بخشی از فعالیت‌های جامعه جهانی در مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم، دولت‌ها در طول سه دهه گذشته واحدها یا مراکزی را تأسیس کرده‌اند که هدف آنها «تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات مالی است». این مراکز که تحت عنوان «واحدهای اطلاعات مالی» (FIUs)^۱ یاد شود، به‌عنوان هسته مرکزی در برنامه‌های ملی مبارزه با پولشویی عمل می‌کنند؛ زیرا این واحدها هستند که وظیفه تبادل اطلاعات مالی بین نهادهای مالی و نهادهای مجری قانون در کشورهای عضو را برعهده دارند. از آنجایی که مبارزه با پولشویی صرفاً محدود به قلمرو دولت‌ها نبوده و در سطح بین‌المللی هم مقررات مربوط به آن مورد متابعت است، تبادل اطلاعات مالی در بین دولت‌ها از اهمیت خاصی برخوردار است و همین ضرورت است که موجب شده است تا واحدهای اطلاعات مالی امروزه بخش جدایی‌ناپذیر مبارزه با پولشویی در سطح ملی و بین‌المللی باشند (فارسیانی و دیگران، ۱۳۹۹، ص. ۱۹۸).

سیر تحول تاریخی آن نشان می‌دهد در سال ۱۹۹۵ تعدادی از واحدهای اطلاعات مالی کشورهای عضو اف‌ای‌تی‌اف که با یکدیگر همکاری و تبادل و به اشتراک‌گذاری اطلاعات داشتند، در کاخ سلطنتی «اگمونت»^۲ در بروکسل تشکیل جلسه دادند و کارگروهی موسوم به «گروه اگمونت»^۳ را ایجاد کردند. فلسفه تشکیل چنین گروهی تاکنون از سوی نهادهای بین‌المللی مختلف مورد حمایت قرار گرفته است؛ برای مثال، در کنوانسیون ۲۰۰۰ ملل متحد علیه جرایم سازمان‌یافته فراملی (پالرمو) (UNTOC) و کنوانسیون ۲۰۰۳ ملل متحد علیه فساد (مریدا) (UNCAC) قویاً کشورهای جهان را به ایجاد واحدهای اطلاعات مالی تشویق کرده‌اند. امروزه کشوری که خود را تابع مقررات اف‌ای‌تی‌اف می‌داند، موظف به تأسیس چنین

1. Financial Intelligent Units (FIUs)

2. Egmont-Arenberg Palace

3. Egmont

واحدی است. طبق الزامهای افای تی اف، کشورها باید برای دریافت، تجزیه و تحلیل، انتشار نتایج تجزیه و تحلیل گزارش های مالی مشکوک و اطلاعات مرتبط با پولشویی و تأمین مالی تروریسم و جرایم مرتبط با آن بایستی «واحد اطلاعات مالی» (FIU) را در داخل کشور خود دایر کنند. این واحدها باید قادر باشند هم اطلاعات مورد نیاز را دریافت و نتایج پژوهش های خود را از طریق «گروه اگمونت» در سطح بین المللی به اشتراک بگذارند.

گروه اگمونت درواقع از متشکل شدن واحدهای اطلاعات مالی کشورهای مختلف ایجاد شده است. هدف این گروه، ایجاد یک تالار اجتماعات برای واحدهای اطلاعات مالی است تا برنامه های ملی و درس آموخته های آنها درخصوص مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم مورد تبادل نظر قرار گیرد. اعضای این گروه در قالب گروه های منطقه ای و فرامنطقه ای با همدیگر همکاری دارند. کمیته های ۸ گانه در اگمونت منطبق با تقسیم بندی منطقه ای در افای تی اف است که شامل: آمریکا، آسیا و اقیانوسیه، جنوب و شرق آفریقا، آفریقای مرکزی و غربی، اوراسیا، اتحادیه اروپا به علاوه ایسلند و نروژ می باشد (Duyne C. van & Levi, 2005, p. 6).

۱-۵-۱. نحوه عضویت و ساختار

برای عضویت در گروه اگمونت، ابتدا باید «واحد اطلاعات مالی» (FIU) یک کشور باید الزامها و ضوابط گروه اگمونت را راجع به عملکرد خود را بپذیرد؛ بنابراین، واحدهای اطلاعات مالی ضمن اینکه ملی هستند، برای همکاری در قالب گروه اگمونت بایستی استانداردهای بین المللی مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم را در داخل کشور نهادینه کنند. اصل رازداری و محدودیت در استفاده از اطلاعات از اصول اساسی حاکم بر اگمونت است. این گروه داده های استخراج شده از فعالیت واحدهای اطلاعات مالی را تحلیل و در اختیار اعضای دیگر قرار می دهد. اگمونت به طور مستمر روش های مربوط به مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم را از واحدها دریافت و به بانک اطلاعاتی خود اضافه می کند (حبیبی، ۱۴۰۲، ص. ۲۵).

واحد اطلاعات مالی دولتی که تمایل به عضویت در گروه اگمونت دارد، ابتدا باید دستورالعمل و سیاست های تعریف شده این گروه را مورد پذیرش قرار داده و سپس مطابق با تعریفی که اسناد بین المللی از «واحدهای اطلاعات مالی»^۱ ارائه می نماید

۱. در ماده ۷ کنوانسیون مبارزه با جرایم سازمان یافته، در تعریف واحد اطلاعات مالی این گونه آمده است:

فعالیت‌های خود را ساماندهی کند. تعریفی که اگمونت از واحد اطلاعات مالی ارائه داده است به این گونه است: «یک واحد مرکزی و نماینده ملی یک کشور که مسئولیت أخذ اطلاعات مالی، تجزیه و تحلیل این اطلاعات و نیز انتقال این اطلاعات به مقامات صلاحیت‌دار را برعهده دارد. انتشار اطلاعات مالی که:

- ۱- در آنها ظن بالقوه نسبت به تأمین مالی تروریسم وجود دارد؛
- ۲- اطلاعاتی که مقامات ذیصلاح جهت مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم از این واحد اطلاعات مالی درخواست می‌کنند از وظایف ذاتی گروه‌های اطلاعات مالی خواهد بود.^۱

دولت‌های عضو اگمونت متعهد می‌شوند تا «تبادل اطلاعات بین واحدهای اطلاعات مالی»^۲ که شامل «ضوابط مربوط به تبادل اطلاعات»^۳، «محدودیت در استفاده از اطلاعات گردآوری شده»^۴ و «محرمانگی اطلاعات»^۵ را رعایت نمایند. امروزه تعداد اعضای گروه اگمونت شامل ۹۴ کشور است که در تبادل اطلاعات مالی از یک تارنمای امن استفاده می‌کنند. گروه اگمونت هیچ‌گونه مجمع عمومی و دبیرخانه‌ای نداشته و حتی محل دائمی جهت استقرار را نیز در اختیار ندارد. بالاین حال از نظر کارکردی، یکی از مهم‌ترین سازوکارهای مؤثر در مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم در عرصه بین‌المللی را برعهده دارد. اگمونت برای انجام وظایفش ۲ نوع نشست برگزار می‌کند: یکی «نشست سالانه» با حضور تمامی اعضا است و دیگری نشست‌های «گروه‌های کاری» که ۳ بار در سال برگزار می‌شود. موضوع عضویت اعضای جدید، در نشست سالانه تصمیم‌گیری می‌شود. درحقیقت رکن سیاست‌گذار و تصمیم‌گیر این گروه، «نشست سالانه» آن است. باتوجه به فقدان یک دبیرخانه مستقل، هماهنگی بین اعضا جهت حضور در نشست‌های سالانه و نشست‌های گروه‌های کاری به سادگی امکان‌پذیر نیست، این گروه با تشکیل کمیته‌ای موسوم به «کمیته اگمونت»^۶ هماهنگی بین مقام‌های واحدهای اطلاعات

(دولت‌ها) بدون لطمه به مواد ۱۸ و ۲۷ موافقت‌نامه، تضمین خواهند نمود که مقام‌های اداری، نظارتی، انتظامی و سایر مقام‌های صلاحیت‌دار بتوانند همکاری و اطلاعات مربوط را در سطوح ملی و بین‌المللی تحت شرایطی که قوانین داخلی آنها تجویز می‌نماید و دراین‌راستا تشکیل واحد اطلاعات مالی را به‌عنوان مرکز گردآوری، تجزیه و تحلیل و انتشار اطلاعات مربوط به پولشویی احتمالی را مدنظر قرار خواهند داد.

1. http://www.egmontgroup.org/info_paper_final_092003.pdf

2. Principles for Information Exchange Between Financial Intelligence Units

3. conditions for the exchange of information

4. limitation on permitted uses of information

5. confidentiality

6. Egmont committee

مالی دولت‌ها و نیز هماهنگی بین گروه‌های کاری را در فواصل بین نشست‌های سالانه مدیریت و تسهیل کرده است (Wilkins, 2014, p. 117).

۱-۵-۲. مأموریت

هدف از ایجاد گروه اطلاعات مالی اگمونت، ایجاد مرکزی عمومی و یکپارچه برای واحدهای اطلاعات مالی دولت‌ها و به‌اشتراک‌گذاری داده‌ها و تجارب دولت‌های عضو پیرامون «آموزش و تربیت نیروی متخصص در زمینه مبارزه با پولشویی»، «ایجاد راه‌های ارتباطی امن از طریق فناوری‌های نوین برای تبادل اطلاعات» و «تلاش برای افزایش سطح کیفی فعالیت‌های مراکز اطلاعات مالی دولت‌ها» است.

مأموریت اصلی از تشکیل گروه اگمونت، کمک به افای‌تی‌اف جهت نظارت و پالایش اطلاعات مالی دولت‌ها و سازمان‌ها و نیز مشارکت دادن نهادهای غیردولتی و خصوصی در جهت مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم است. گروه اگمونت به‌عنوان نهاد هماهنگ‌کننده واحدهای اطلاعات مالی دولت‌ها در صحنه بین‌المللی با توافق دولت‌های میزبان می‌تواند از هر طریقی به جمع‌آوری اطلاعات اقدام نماید و نتایج حاصل از آن را در اختیار مقامات صلاحیت‌دار و سایر اعضاء قرار دهد.^۱ اطلاعات گردآوری شده توسط این گروه اغلب اطلاعاتی «به‌روز» و «متقن» و «مهم» هستند.

در نظام حقوق ایران، به موجب آیین‌نامه اجرایی ماده ۳۸ قانون مبارزه با پولشویی، «مرکز اطلاعات مالی» به‌عنوان یک نهاد ملی، مسئولیت دریافت، تجزیه و تحلیل گزارش‌های تراکنش‌های مشکوک و اطلاعات مربوط به پولشویی، جرایم منشأ مربوط به تأمین مالی تروریسم و ارسال نتایج به‌دست آمده به مراجع ذیصلاح را برعهده دارد.^۲ از این رو، واحد اطلاعات مالی باید بتواند اطلاعات مشکوک را از مراجع ارسال‌کننده گزارشات دریافت کرده و دسترسی لازم به اطلاعات مالی، اداری و اجرایی داشته باشد. این گزارش‌ها شامل گزارش‌های

1. The FIU should be able to disseminate, spontaneously and upon request, information and the results of its analysis to relevant competent authorities. Dedicated, secure and protected channels should be used for the dissemination.

۲. در بیانیه ۱۹ فوریه ۲۰۱۹ گروه ویژه اقدام مالی از دولت جمهوری اسلامی ایران خواسته شده است تا نسبت به ایجاد یک واحد اطلاعات مالی مستقل و کارآمد اقدام نماید.

-In February 2019, the FATF noted that there are still items not completed and Iran should fully address:

(4) ensuring the full operational independence of the Financial Intelligence Unit and clarifying that the submission of STRs for attempted TF-related transactions are covered under Iran's legal framework.

مربوط به معاملات مشکوک و اطلاعات مربوط به جرایم منشأ پولشویی و تأمین مالی تروریسم می‌شود (یوسفی صادقلو و دانشجو، ۱۳۹۵، ص. ۶۲).

۲. روش‌شناسی

پژوهش حاضر از منظر پارادایم پژوهش از نوع تفسیری و تطبیقی می‌باشد و از نظر رویکرد در زمره تحقیقات کیفی است که از روش توصیفی و تحلیل اسناد استفاده می‌شود. منظور از پارادایم تفسیری آن است که مقررات و استانداردهای ۴۰ گانه افای‌تی‌اف و موافقت‌نامه‌های مربوط به مقابله با پولشویی و تأمین مالی تروریسم و قوانین داخلی کشورمان سنجیده می‌شود. تحلیل اسناد، نیز روشی برای شناخت، تحلیل و گزارش وضعیت موجود است. این روش، فرایندی برای تحلیل داده‌های متنی است و داده‌های پراکنده و متنوع را به داده‌هایی غنی و مفید تبدیل می‌کند و در اکثر رویکردهای کیفی کاربرد دارد. برای گردآوری داده‌ها از روش کتابخانه‌ای استفاده شده که با مراجعه به منابع و مآخذ علمی موجود در کتابخانه‌ها، اسناد و نشریات حقوقی مرتبط با موضوع تحقیق اطلاعات مورد نیاز پژوهش گردآوری رجوع شده و سپس قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران در این خصوص بررسی و نقد شده است. ضمناً ابزار گردآوری اطلاعات نیز از روش فیش‌برداری و برای تحلیل مضامین از ابزار رایانه شده است.

۳. تجزیه و تحلیل

مسئله همکاری جمهوری اسلامی ایران با افای‌تی‌اف و اگمونت، در طول چند سال گذشته در کانون توجه مسئولان عالی کشورمان بوده و می‌باشد. برخی مقام‌ها متمایل بر همکاری با این دو گروه هستند و دلیل آن را نیز ضرورت‌های بین‌المللی ایجادشده در سال‌های اخیر و رفع موانع تجاری و مالی در شرایط تحریم می‌دانند؛ اما عده‌ای دیگر به دلیل عملکرد مبهم و امنیتی که این دو گروه و تحت سیطره بودن ارکان آنها از سوی هیئت حاکمه آمریکا در شرایط خروج ایالات متحده از برجام، همکاری با این نهاد را به صلاح منافع ملی نمی‌دانند و معتقدند که از نظر امنیتی و اطلاعاتی همکاری با این گروه می‌تواند برای کشور صدمات جبران‌ناپذیری تحمیل نماید. هر یک از این دو دیدگاه می‌تواند فرصت‌ها یا چالش‌هایی برای همکاری کشورمان با افای‌تی‌اف و اگمونت ایجاد نماید که در ادامه به بررسی مهم‌ترین آنها می‌پردازیم:

۳-۱. ظرفیت‌ها و فرصت‌ها

بررسی‌ها نشان می‌دهد اجرای توصیه‌های ۴۰ گانه و همکاری با افای‌تی‌اف و بازوی عملیاتی آن یعنی گروه اگمونت، مزیت و فرصت‌هایی برای نهادهای مالی و بانکی کشور و نیز پرستیژ بین‌المللی ج.ا.ایران وجود دارد. از جمله این مزیت‌ها عبارت است از:

۳-۱-۱. حمایت از گروه‌های مقاومت

یکی از موضوع‌هایی که از بدو انقلاب اسلامی در عرصه بین‌المللی برای کشورمان مطرح بوده، حمایت مالی و معنوی از گروه‌های مقاومت در اقصی‌نقاط جهان بوده است. بر اساس اصل سوم قانون اساسی^۱، نظام جمهوری اسلامی موظف است از گروه‌هایی که در راستای مبارزه با امپریالیسم و استعمارگری تشکیل شده است حمایت نماید. در راستای ایفای این وظیفه قانونی، نظام جمهوری اسلامی باید از تمامی مستضعفان جهان و گروه‌های جهادی در برابر تجاوزگری‌های استکبار جهانی حمایت نماید (Naim, 2009).

از آنجایی که بیش از ۲۵ درصد اقتصاد جهانی در اختیار دولت آمریکا قرار دارد، طبیعی است که شرکت‌ها و بانک‌ها و نهادهای مالی بین‌المللی حسب منافی که در این اقتصاد بزرگ دارند، از سیاست‌های ظالمانه آن پیروی کنند. از این‌رو، ایالات متحده همواره این نهادهای بین‌المللی را تحت فشار گذاشته تا ضمن معرفی کشورهای هدف به‌عنوان کشورهای دارای ریسک بالا، از ارائه خدمات مالی به آنها و گروه‌های مقاومت خودداری نمایند. از نظر ایالات متحده گروه‌های مقاومت حامی تروریسم هستند و بر مبنای مقررات افای‌تی‌اف دولت‌ها و نهادهای مالی بین‌المللی موظف هستند تا از همکاری با آنها خودداری ورزیده و به دولت حامیشان هم خدمات مالی ارائه ندهند^۲؛ لذا همکاری ایران با افای‌تی‌اف می‌تواند بهانه‌جویی و اتهام‌های این دولت را از بین ببرد و می‌تواند به‌صورت علنی و با شفافیت تراکنش‌های مالی بین‌المللی خود جهت حمایت گروه‌های مقاومت اعلام دارد.^۳

۱. دولت اسلامی جمهور ایران موظف است نیل به اهداف مذکور در اصل دوم همه امکانات برای خود را به امور زیر به کار برد: «تنظیم سیاست خارجی کشور بر اساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان».

۲. زمانی دولت ایالات متحده آمریکا، ایران، سوریه و کره شمالی را به‌عنوان کشورهای یاغی معرفی کرده بود.

۳. <https://www.ima.ir/news/83275639>

۳-۱-۲. مبارزه با قاچاق سازمان یافته سلاح و مواد مخدر

دومین فرصتی که از همکاری با افای تی اف و گروه اگمونت متصور است، تأسیس واحد اطلاعات مالی (FIU) مستقل و پاسخگو به گروه اگمونت است. در نتیجه همکاری با افای تی اف و اگمونت می توان انتظار داشت شفافیت لازم در تراکنش های بانکی و مالی پدید آید و فساد و رشوه و قاچاق کالا به نحو چشمگیری کاهش یابد. خصوصاً اینکه گروه اگمونت با تجزیه و تحلیل دقیق اطلاعات مالی می تواند در سریع ترین زمان ممکن نسبت به شناسایی متهمین به پولشویی که در کار قاچاق مواد مخدر و یا سلاح و یا سایر جرائم فعالیت دارند، اقدام نمایند. همچنین از آنجا که کشور ایران در مسیر ترانزیت مواد مخدر از افغانستان به اروپا و کشورهای عربی حاشیه خلیج فارس قرار دارد، رصد تراکنش های مالی مشکوک و تعقیب منشأ پول می تواند در مبارزه با مواد مخدر و جرایم سازمان یافته مفید واقع شود. هر چند جرایم سازمان یافته اعم از قاچاق عمده مواد مخدر و سلاح در سطح بین المللی موضوعی است که بعضاً خود دولت ها عاملان اصلی آن هستند (Amrani, 2015, p. 121).

۳-۱-۳. اصلاح نظام بانکی کشور

از مزایای همکاری با افای تی اف اصلاح معیارها و استانداردهای نظام بانکی کشور بویژه در بخش شفافیت مالی حساب های مشتریان و زدودن مقررات سفت و سخت مربوط به «محرمانگی بانکی» است که امکان دسترسی راحت به اطلاعات مشتریان را جز به دستور مقام قضایی و آن هم طی فرایندی طولانی و زمان بر نمی دهد. تعامل نزدیک با افای تی اف و اگمونت - به عنوان نهادهای استانداردها ساز که توصیه های آنها مورد متابعت بانک های بین المللی معتبر است - می تواند زمینه ساز اصلاح نظام بانکی ایران و تسهیل کننده همکاری ها و ارتباطات مالی بین بانکی (سوئیفت)^۱ در سطح بین المللی باشد.

۳-۱-۴. ارتقای جایگاه و وجهه بین المللی ایران

مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم به دلیل منافعی که برای ثبات جامعه بین المللی دارد مورد علاقه سازمان های بین المللی و دولت ها است. در این راستا، عدم

۱. سوئیفت (SWIFT) یک شبکه جهانی انتقال پول است. سوئیفت به طور کلی مانند شباه در بانک های ایران است. در حال حاضر ۹۷۰۰ بانک در ۲۰۹ کشور مختلف تحت سیستم سوئیفت مشغول به کار هستند.

همکاری با افای‌تی‌اف موجب سوءظن سایر دولت‌ها می‌شود و همیشه این دیدگاه وجود دارد که دولت خارج از مقررات افای‌تی‌اف و ارزیابی‌های اگمونت، مظنون به تأمین مالی گروه‌های تروریستی هستند. این سوءظن موجب می‌شود تا این دولت‌ها در سازمان‌های بین‌المللی همچون بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول که اتخاذ تصمیم در آنها بر مبنای رأی‌گیری است، در اعطای وام و تسهیلات به دولت خارج از افای‌تی‌اف سنگ‌اندازی و ممانعت نمایند؛ بنابراین همکاری با این دو نهاد می‌تواند هم مزایای سیاسی و منابع مالی سازمان‌های بین‌المللی را در پی داشته باشد و هم به تبیین دیدگاه‌های جمهوری اسلامی در خصوص تروریسم و شناساندن ماهیت واقعی گروه‌های تروریستی کمک کند. مجموع این موارد موجب می‌شود تا وجهه بین‌المللی کشور بیش از پیش در عرصه بین‌الملل تقویت شود.

۳-۱-۵. امکان استفاده از منابع مالی صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی

افای‌تی‌اف و اگمونت در زمینه مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم روابط تنگاتنگی با نهادهای پولی و مالی بین‌المللی خصوصاً بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول دارند. این دو نهاد بین‌المللی جهت اعطای تسهیلات به دولت‌ها، شفافیت در نظام پولی و بانکی دولت‌ها را به‌عنوان پیش‌شرط تعیین نموده‌اند. براین‌اساس چنانچه افای‌تی‌اف در گزارشی به این دو نهاد اعلام نماید که کشور مربوطه در نظام پولی و بانکی خود شفافیت‌های لازمه را نداشته و توصیه‌های این گروه را نیز نپذیرفته و اجرا نمی‌نماید، قطعاً بهره‌مندی از تسهیلات مالی آنان امکان‌پذیر نخواهد بود. از این‌رو، همکاری با افای‌تی‌اف به‌صورت غیرمستقیم جهت دریافت تسهیلات و استفاده از ظرفیت‌های این دو نهاد مالی اثرگذار است.

۳-۲. تهدیدها و تنگناها

از منظر مخالفان، استدلال‌های مطرح شده به‌عنوان فرصت‌های ناشی از همکاری و پیوستن به افای‌تی‌اف بسیار آرمانی و انتزاعی و به دور از واقعیت‌های موجود در عرصه بین‌المللی است. مخالفان همکاری با افای‌تی‌اف و اگمونت بیشتر بر روی مسائل امنیتی و سیاسی موضوع تأکید دارند و همواره «نتیجه» این همکاری را مدنظر قرار می‌دهند. از نظر آنها در صورت تعامل و همکاری با افای‌تی‌اف و اگمونت می‌تواند تبعات و پیامدهای منفی زیر را به‌دنبال داشته باشد:

۳-۲-۱. افزایش «تهدیدهای امنیت ملی»

هر چند وظیفه اصلی افای‌تی‌اف و اگمونت مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم است؛ اما نه تنها در خصوص تعریف تروریسم و اوصاف آن در بین دولت‌ها اتفاق نظری وجود ندارد؛ این مفهوم یکی از متشکک‌ترین مفاهیم عرصه حقوق و روابط بین‌الملل است که موجب بروز اختلاف‌های عمیق در بین کشورها شده است. با این وصف، همکاری با افای‌تی‌اف و پذیرش توصیه‌های این نهاد از سوی ایران و همکاری با آن، پذیرش ضمنی تعریف تروریسمی است که آمریکا در عرصه بین‌الملل آن را ترویج داده و در این تعریف گروه‌های مقاومتی همچون سازمان جهاد اسلامی فلسطین، حزب‌الله لبنان و گروه‌های مقاومت مردمی در یمن که همگی بر علیه تجاوز خارجی در حال جنگ هستند را تروریست اعلام نموده است.^۱ از این رو، در صورت همکاری ایران با افای‌تی‌اف این امکان وجود دارد که در آینده منافع ملی کشورمان در خصوص تعریف و دامنه شمول و مصادیق تروریسم، مورد تهدید جدی قرار گیرد (Joseph, 2006).

۳-۲-۲. رویکرد سیاسی FATF در مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم

در صورت شفاف نبودن مبادلات بانکی، تراکنش‌های غیرقانونی و مبادلات مالی گروه‌های تروریستی و مجرمان جرایم سازمان‌یافته اقدام به پولشویی می‌کنند که با شفافیت تراکنش‌های بانکی و همکاری با افای‌تی‌اف همه مبادله‌های غیرقانونی و فعالیت‌های تروریستی قابل شناسایی خواهد بود؛ اما واقعیت امر این است که این فعالیت‌های مجرمانه گاهی دور از دید دولت‌ها و گاهی نیز توسط خود دولت‌ها اتفاق می‌افتد. گزارش‌های متعددی در خصوص حمایت مالی دولت‌ها از گروه‌های تروریستی وجود دارد که در آن افای‌تی‌اف نتوانسته است اقدام شایسته‌ای انجام داده و یا حداقل نام دولت نقض‌کننده را به صورت عمومی اعلام نماید (Scott, Jackson & Eamo, 2010, p. 110). از این نظر همکاری با این نهادهای بین‌المللی افای‌تی‌اف و اگمونت، نه تنها از نظر کارآمدی عملکردی غیرقابل دفاع داشته‌اند بلکه از نظر صداقت و بی‌طرفی حرفه‌ای نیز محل خدشه هستند و تحت نفوذ کشورهای بزرگ به‌ویژه آمریکا قرار دارند و با ملاحظه‌های سیاسی گزارش می‌دهند.

۱. در زمان نگارش این پژوهش، خبرگزاری‌ها اعلام کردند که دولت بریتانیا نیز کلیت حزب‌الله لبنان را در فهرست سازمان‌های تروریستی این دولت قرار داده است. قبل از دولت انگلیس، دولت کانادا و شورای همکاری خلیج فارس و اتحادیه عرب نیز این گروه را سازمانی تروریستی اعلام کرده بودند.

۳-۲-۳. مسدود شدن راه‌های دورزدن تحریم و افشای اطلاعات مالی کشور

در شرایط فعلی که ج.ا.ایران از سوی دولت آمریکا تحریم است و اتحادیه اروپا نیز با اقدام‌های شکننده خود نتوانسته است مسیری برای تبادلات مالی با ایران پیدا نماید، همکاری با افای‌تی‌اف و واگذاری تمامی اطلاعات مالی کشور در دسترس اگمونت، از نظر اقتصادی می‌تواند مسیرهای فعلی تراکنش‌های مالی را شناسایی و مسدود نماید. پرواضح است که افشای میزان تراکنش‌های بانکی بین‌المللی و اطلاعات شرکای تجاری ایران در اقصی‌نقاط جهان، می‌تواند به تنگ‌تر شدن حلقه تحریم بینجامد. لازمه تحریم هم شناسایی منابع درآمدی حساس دولت و انسداد آن است. ازاین‌رو اگر هم در شرایط عادی همکاری با افای‌تی‌اف مورد مخالفت نباشد، ولی در شرایط فعلی که کشور دشمن به دنبال انسداد کامل منابع مالی ایران است، قطعاً همکاری با افای‌تی‌اف زمینه نفوذ هدفمند ایالات متحده آمریکا و شناسایی مسیرهای دورزدن تحریم‌ها را فراهم خواهد ساخت.

۳-۲-۴. مغایرت با اصول قانون اساسی و مبانی مذهبی

تنظیم سیاست خارجی ایران براساس تعالیم اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان ازجمله سیاست‌های عمومی و کلی است که محدود به زمان خاصی نیست. اهداف و کارکرد گروه ویژه اقدام مالی و اگمونت با مبانی و اصول قانون اساسی در خصوص «عدم استیلای دولت غیرمسلمان بر جامعه اسلامی» و «قاعده نفی سبیل»^۱ در تعارض است. در حقیقت با همکاری با افای‌تی‌اف و اگمونت و گزارش عملکرد مالی دولت جمهوری اسلامی ایران به آنها، راه سلطه و استیلای دولت خارجی بر اقتصاد و سیاست و نظام سیاسی بازمی‌شود و ازاین‌رو جامعه اسلامی در معرض تهدید و سلطه قرار می‌گیرد (هاشمی، ۱۳۸۶، ص. ۳۹۰). پرواضح است که اعمال نفوذ جهت تغییر سیاست و اعمال فشار در زمینه عدم حمایت کشور از ملت‌های مسلمان مخالف اصول قانون اساسی و مخالف با موازین شریعت می‌باشد. در همین ارتباط شورای نگهبان قانون اساسی بارها به صراحت اعلام نموده که نفوذ اجانب بر کشور و تسلط بر اقتصاد، مغایر با قانون اساسی می‌باشد.^۲

۱. به موجب قاعده نفی سبیل که از بنیان محکمی در اندیشه اسلامی برخوردار است، مفاد این اصل قابل توجه است. هر یک طرفین قرارداد با در نظر گرفتن منافع ملی و استقلال کشور مبادرت به انعقاد قرارداد بنماید. دولت و مجلس در جریان تهیه متن قرارداد، امضاء و تصویب آن با توجه به برخورداری از نوع حقانیت مردمی، درواقع مجری مصالح جمعی ملت و استقلال کشور خواهند بود.

۳-۲-۵. الزام به ارائه اطلاعات مالی به اگمونت و سوءاستفاده از آن

آن گونه که پیشتر نیز اشاره شد، واحد اطلاعات مالی می تواند برای جمع آوری اطلاعات مالی مشکوک به هر نهاد و یا ارگانی مراجعه نماید. چنانچه این اطلاعات مربوط به یک نهاد و یا سازمان دولتی باشد اغلب از یک سازوکار ویژه ای پیروی می کند؛ ولی چنانچه اطلاعات موجود در اختیار اشخاص حقیقی یا حقوقی غیردولتی باشد واحد اطلاعات مالی به صورت مستقیم می تواند به فرد رجوع نموده و فرد مکلف به ارائه اطلاعات است. در این خصوص برخی اشخاص مانند: وکلا، سردفتران، دارندگان مؤسسه های خیریه، انجمن ها و حتی هیئت های مذهبی ملزم هستند تا دقیقاً منشأ پول در اختیار و یا حتی جابه جا شده توسط آنها را در اختیار واحد اطلاعات مالی قرار دهند.^۱ رجوع به همه این اشخاص می تواند زمینه های سوءاستفاده از اطلاعات جامعه را در پی داشته باشد. درحقیقت گردآوری اطلاعات به شیوه ای که افراد وابسته به دولت های خارجی انجام می دهند (جاسوسان)، در این حالت به صورت قانونی از طریق واحد اطلاعات مالی انجام شده و بعد از تجزیه و تحلیل در اختیار اگمونت و دولت های عضو افای تی اف قرار داده می شود. تهدید امنیتی این وضعیت زمانی ملموس می شود که بدانیم حفاظت از محرمانگی اطلاعات در اگمونت ضمانت اجرایی و حقوقی نداشته و دسترسی افراد فاقد صلاحیت به آن به سادگی امکان پذیر است.

۳-۲-۶. الزام حقوقی برای پیوستن به موافقت نامه های بین المللی

به طور کلی فرایند ارزیابی کشورها در افای تی اف بدین صورت است که پس از مطرح شدن مسائل با «گروه بررسی همکاری بین المللی» (ICRG)، کاستی ها و ضعف های هر کشور در خصوص مبارزه با تأمین مالی تروریسم و مبارزه با پولشویی مشخص می شود. این نهاد از طریق «ارزیابی مشترکی»^۲ که برای کشورهایی انجام می دهد، کشورهای با «ریسک بالا» را تعیین می کند.^۳ این مسائل در نهایت به ابلاغ

۱. توصیه شماره ۲۲ گروه ویژه اقدام مالی

2. jurisdiction's mutual evaluation

۳. ایران از سال ۲۰۰۷ در فهرست سیاه گروه ویژه اقدام مالی قرار گرفت و از سال ۲۰۰۹ به طور رسمی مقررات «اقدام های متقابل» علیه تهران وضع شد تا کشورها در مراوده های مالی و بانکی با ایران احتیاط کنند؛ اما ایران توانست از تیرماه ۱۳۹۵ گروه ویژه اقدام مالی را به تعلیق ایران از فهرست سیاه متقاعد کند. گروه ویژه اقدام مالی، ایران را در «فهرست سیاه» یا «کشورهای پرریسک و غیرهمکار» قرار داده و به کشورها توصیه می کند در رابطه با آنها اقدام های احتیاطی مضاعف انجام دهند.

«برنامه اقدام»^۱ هر کشور منتهی می‌شود.

بر اساس توصیه شماره ۳۶ دولت‌ها باید به ۵ موافقت‌نامه بین‌المللی بپیوندند که این مهم در «برنامه اقدام» ۴۱ بندی ج.ا.ایران پیش‌بینی شده است. در این برنامه مصرانه از ایران تقاضا شده تا هر چه سریع‌تر فرایند الحاق به موافقت‌نامه‌های پالرمو و مبارزه با تأمین مالی تروریسم را طی نموده و قوانین داخلی خود را مطابق توصیه‌های این نهاد اصلاح کند. طبق بررسی‌های اف‌ای‌تی‌اف، چهار مورد از کاستی و ضعف‌های نظام قانونی ایران شامل موارد زیر است:

– **دو مورد اصلاح قانون داخلی** (مبارزه با پولشویی – اصلاح قانون تأمین مالی تروریسم)؛

– **دو مورد مربوط به الحاق به کنوانسیون‌ها** (موافقت‌نامه مبارزه با جرائم سازمان‌یافته فراملی (پالرمو) و موافقت‌نامه مقابله با تأمین مالی تروریسم (CFT)) می‌باشد.

در ارتباط با ۲ لایحه اصلاح قانون داخلی، یکی «قانون مبارزه با پولشویی سال ۱۳۸۶» و آیین‌نامه‌های اجرایی آنکه مطابق استانداردهای بین‌المللی اصلاح شد و در اختیار بنگاه‌های مالی قرار گرفت. همچنین در مورد «قانون مبارزه با تأمین مالی تروریسم» که این قانون توسط مجلس تصویب شد و در ۱۳ اسفندماه سال ۱۳۹۴ پس از تأیید شورای نگهبان لازم‌الاجرا شده است.

در مورد ۲ لایحه الحاق ایران به موافقت‌نامه‌های پالرمو و CFT، هنوز فرایند الحاق به انتها نرسیده و با چالش‌های حقوقی جدی روبه‌روست. این دو لایحه هر چند در مجلس تصویب و راهی شورای نگهبان شده‌اند؛ اما هنوز به تأیید نهایی نرسیده و تبدیل به قانون نشده‌اند. البته نباید فراموش کرد که پذیرفتن آنها هم نمی‌تواند به تنهایی کمک چندانی به بهبود وضعیت ایران بکند، همان‌گونه که کره شمالی هم این موافقت‌نامه‌ها را پذیرفته است و مانند ایران در «فهرست سیاه» یا «کشورهای پرریسک و غیرهمکار» قرار دارد.

نتیجه‌گیری

اف‌ای‌تی‌اف نهادی بین‌الدولی است که مأموریت آن به تناسب بروز تهدیدهای نظام مالی بین‌المللی قابل گسترش می‌باشد. در حال حاضر این نهاد در ۴ حوزه (مبارزه با پولشویی، تأمین مالی تروریسم، تأمین مالی اشاعه و ارزش‌های مجازی) استانداردها و

مقررات فنی و حقوقی را تدوین کرده که توسط اغلب دولت‌ها پذیرفته شده‌اند. تاکنون ۳۹ کشور به عضویت این گروه درآمده‌اند. هدف اصلی افای‌تی‌اف و گروه اگمونت، اجرای توصیه‌های ۴۰گانه و تشویق دولت‌ها به ایجاد و توسعه «واحدهای اطلاعاتی مالی» (FIUs) در چهارچوب «گروه اگمونت»، دستیابی به تضمین‌های بیشتر و کارتر برای مقابله با پولشویی، تأمین مالی تروریسم و عدم اشاعه است.

نتایج این تحقیق حاکی از این واقعیت است که درخصوص حضور و همکاری ج.ا.ایران با افای‌تی‌اف و گروه اگمونت دو دیدگاه متفاوت وجود دارد؛ اما به‌رغم وجود برخی چالش‌ها و تهدیدها، اجرای توصیه‌ها و الزام‌های افای‌تی‌اف درمجموع به نفع منافع ملی خواهد بود، چراکه اتخاذ رویکرد جزیره‌ای در امور پولی و مالی نه تنها به نفع کشورمان نیست بلکه وجهه بین‌المللی ایران را در مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم خدشه‌دار می‌سازد. تعامل و همکاری ایران با افای‌تی‌اف و حضور فعال واحد FIU ایران در گروه اگمونت، یک پیام مهم برای جهان به ارمغان می‌آورد و آن اینکه ج.ا.ایران در مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم عزم جدی دارد. از این منظر، قرار گرفتن ایران در لیست کشورهای با ریسک بالا (فهرست سیاه) و تجویز «اقدام‌های مقابله‌ای» علیه ایران از سوی افای‌تی‌اف سناریویی به نفع آمریکا و متحدان غربی‌اش قلمداد می‌شود و قرار داشتن در این فهرست آثار مخرب اقتصادی متعددی بر سرمایه‌گذاری بلندمدت در کشور خواهد داشت؛ لذا همراهی و همکاری با این دو نهاد منافع فراوانی برای کشور به‌همراه دارد که این منافع در مقایسه با تهدیدهای احتمالی، از اهمیت راهبردی بالاتری برخوردارند.

موافقان همکاری ایران با افای‌تی‌اف و گروه اگمونت معتقدند؛ مباحث مطرح شده در اجلاس‌های اخیر این دو نهاد نشان می‌دهد که آمریکا و تمام مخالفان جمهوری اسلامی ایران برای متقاعد کردن دیگر کشورها جهت وادار کردن به «اقدام مقابله‌ای» یا «متقابل» از هیچ کوششی دریغ نخواهند کرد که نتیجه آن می‌تواند برای همکاری‌های مالی و بانکی کشورمان با دیگر کشورها و نیز سازمان‌های مالی بین‌المللی تنگناهایی ایجاد کند؛ لذا ایران باید نسبت به برطرف کردن کاستی‌ها و اجرای قوانین، و خروج از فهرست سیاه اقدام نماید؛ اما در مقابل نباید به برآیند نظرهای مخالفان بی‌توجه بود چراکه از نظر سیاسی پیوستن به افای‌تی‌اف در مقابل آرمان‌های انقلاب تعریف می‌شود و پیوستن به این نهاد در جهت منویات آمریکا و دیگر دشمنان قرار دارد و درنهایت موجب خودتحریمی، افشای اطلاعات مالی کشور و نقض قوانین جاری کشور ازجمله قانون اساسی می‌شود.

پیشنهادهای

با عنایت به تحلیل‌های ارائه شده، درمجموع موارد زیر پیشنهاد می‌شود:

الف) با لحاظ نمودن حق شرط‌هایی به موافقت‌نامه پالرمو و CFT ملحق شده تا از پیامدهای منفی آن جلوگیری نموده و زمینه را برای خروج ایران از فهرست سیاه یا همان «کشورهای غیرهمکار با ریسک - اقدام متقابل» خارج شود.

ب) جمهوری اسلامی ایران می‌تواند با اصلاح و تقویت قوانین داخلی خود و اجرای ۴۱ بند مربوط به «برنامه اقدام» ایران، با توسل به روش‌های حقوقی و سیاسی ضمن پرهیز از مواجهه با مشکلات و خطرهای محتمل، از فرصت‌هایی که همکاری با افای‌تی‌اف و گروه اگمونت در اختیارش می‌گذارد؛ در عرصه بین‌المللی بهره‌برد.

ج) هر چند باتوجه به رویکرد سیاسی که در این دو گروه وجود دارد، حتی در فرضی که ایران از فهرست دولت‌های پرخطر و کشورهای غیرهمکار خارج شود؛ اما مشکلات مربوط برچسب تروریسم از پیشانی کشور زدوده نخواهد شد و بخشی از این مشکلات، به قوت خود باقی خواهند ماند. بااین‌حال، حتی کاهش بخشی از مشکلات مالی و بانکی کشور نیز فی‌نفسه برای رفع برخی تنگنایهای موجود مطلوبیت دارد.

فهرست منابع

- حبیبی، ح. (۱۴۰۲). *گروه ویژه اقدام مالی (FATF) در نظام حقوق بین‌المللی*. تهران: شهر دانش.
- حبیبی، ح. و زرنشان، ش. (۱۴۰۰). *بررسی مشروعیت بین‌المللی گروه ویژه اقدام مالی (FATF) و اعتبار مقررات آن از دیدگاه اسناد بین‌المللی و رویه دولت‌ها*. *فصلنامه مطالعات حقوق تطبیقی*. پاییز و زمستان، ۱۲(۲)، ۵۴۵-۵۶۵.
- حسینی، احمد و فداله، سیدمحمد (۱۳۹۹). *ابعاد حقوقی پیوستن ایران به گروه ویژه اقدام مالی (FATF)*. *فصلنامه علمی مطالعات بین‌المللی پلیس، تابستان*، ۱۱(۴۲)، ۷۸-۵۰.
- دهقان، ی. (۱۳۹۷). *بررسی راهکارهای مبارزه تأمین مالی تروریسم در حقوق بین‌الملل*. (پایان‌نامه کارشناسی ارشد). دانشگاه آزاد واحد تهران شمال، تهران، ایران.

زارع قاجاری، ف. و قائم مقامی، ع. (۱۳۹۲). *استانداردهای بین‌المللی مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم، توصیه‌های چهل‌گانه گروه ویژه اقدام مالی*. تهران: نشر تاش.

عباسی، ا. (۱۳۸۶). معرفی گروه اقدام مالی علیه پولشویی. *پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی*، ۲(۵).

فارسینانی، م. و دیگران (۱۳۹۹). رویکرد متقابل ایران و گروه ویژه اقدام مالی از منظر اسناد بین‌المللی. *پژوهشنامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، اسفند، ۱(۹)، ۱۳۹-۲۱۸. کدخدایی، ع. و نوروزپور، ح. (۱۳۹۹). چالش ارزهای مجازی در مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم با تأکید بر اقدامات و توصیه‌های کارگروه ویژه اقدام مالی (FATF). *مجله حقوقی بین‌المللی*، بهار و تابستان، (۶۲)، ۷-۲۹.

لارنت چتین، پ. (۱۳۹۲). *پیشگیری از پولشویی و تأمین مالی تروریسم - راهنمای عملی برای ناظران بانکی*. تهران: انتشارات تاش.

ناظمی اردکانی، م. و رحمانی، ح. (۱۳۸۹). توصیه ۹+۴۰ در مبارزه با پولشویی و تأمین مالی تروریسم. *حسابرس*، (۴۹)، ۸۸-۹۸.

هاشمی، س. (۱۳۸۶). *حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصول و مبانی کلی نظام*. جلد اول، تهران: انتشارات میزان.

یوسفی صادقلو، ا. و دانشجو، ح. (۱۳۹۵). چالش‌ها و کاستی‌های مبارزه با پولشویی در حقوق ایران. *فصلنامه تحقیقات حقوق خصوصی و کیفری*، (۲۹)، ۵۳-۷۲.

Amrani, H. (2015). Anti-money Laundering as International Standards and the Issue of State Sovereignty. *Journal Hukum Internasional, Indonesian Journal of International Law*, (12), 31-160.

Buckley, R. P. (2017). FinTech, RegTech, and the Reconceptualization of Financial Regulation. *Northwestern Journal of International Law & Business*, 37(3), 48-62.

Duynne C.; van, P. & Levi, M. (2005). *Managing the Drug Trade and Crime Money in Europe*. UK.: Routledge publication.

Financial Action Task Force (2010). *Money Laundering Using New Payment Methods*. FATF Report, Paris, October 2010.

Financial Action Task Force (2014). *Virtual Currencies: Key Definitions and Potential AML/CFT Risks*. FATF Report, June.

Joseph, elie alagha (2006). *The shifts in Hizballah's ideology: religious ideology, political ideology and political program*. Amsterdam University press. (n.d.).

Krieger, T. a. (2011). *Terrorist financing and money laundering*. Germany, 11.

Naim, M. (2009). *Minilateralism: The Magic Number to Get Real*



- International Action. *Foreign Policy*. Nolte, G., & pr. Byers. (2003). "United states hegemony and foundations international law". *Cambridge University Press*.
- Scott, P.; Jackson, R. & Eamo. (2010). *Contemporary State Terrorism Theory and practice*. Routledge publication, 110.
- Treeck, D.; Martin, A. & Char, A. (2021). A Global Approach to Fighting. Cybercrime Learning from the FATF Experience. *JLR*, 20(45), 299-322.
- Wilkins, R. (2014). *Years and Beyond*. (Paris: FATF site).

References

- Abbasi, Asghar. (1386), Introduction of the Financial Action Group against Money Laundering. *Journal of Law and Political Science*, 2(5). (In Persian)
- Amrani, Hanafi (2015). Anti-money Laundering as International Standards and the Issue of State Sovereignty. 12 *Journal Hukum Internasional*, Indonesian Journal of International Law, 31-160.
- Buckley, Ross P. & W. Arner, János Barberis. (2017). FinTech, RegTech, and the Reconceptualization of Financial Regulation. *Northwestern Journal of International Law & Business*, 37(3).
- Dehghan, Yunus. (2017). Examination of the strategies of combating the financing of terrorism in international law. master's thesis, North Tehran Azad University. (In Persian)
- Duyne C.; van, Petrus & Levi, Michael. (2005). *Managing the Drug Trade and Crime Money in Europe*. Routledge publication, UK.
- Farsiani, Mahmoudreza and others (2019). The mutual approach of Iran and the Special Financial Action Group from the perspective of international documents. *Iranian Journal of International Politics*, 9(1), Serial Number 17, March 2019, 139-218. (In Persian)
- Financial Action Task Force (2010). *Money Laundering Using New Payment Methods*. FATF Report, Paris, October 2010.
- Financial Action Task Force (2014). *Virtual Currencies: Key Definitions and Potential AML/CFT Risks*. FATF Report, June 2014.
- Habibi, Habibullah & Zaranshan, Shahram (1400). Examination of the international legitimacy of the Financial Action Task Force (FATF) and the validity of its provisions from the perspective of international documents and the practice of governments. *Comparative Law Studies Quarterly*, 12(2), Autumn and Winter 1400, 545 to 565. (In Persian)
- Habibi, Habibullah (1402). *Financial Action Task Force (FATF) in the International Law System*, Shahr Danesh Publishing House. (In Persian)
- Hashemi, Seyyed Mohammad (2006). *The fundamental rights of the Islamic Republic of Iran, principles and general principles of the system*, first volume, Mizan Publications, sixth edition, 390. (In

- Persian)
- Hosseini, Ahmad & Fadaleh, Seyyed Mohammad. (2019). Legal Dimensions of Iran's Joining the Financial Action Task Force (FATF), Scientific Quarterly of International Police Studies, 11th, (42), Summer 2019, 50-78. (In Persian)
- Joseph, Elie Alagha (2006). The shifts in Hizballah's ideology: religious ideology, political ideology and political program. Amsterdam University press.
- Kodkhodaei, Abbas Ali & Nowrozpour, Hossam (2019). The challenge of virtual currencies in the fight against money laundering and terrorist financing with an emphasis on the actions and recommendations of the Financial Action Task Force (FATF). International Legal Journal, Spring and Summer 2019, (62), 7-29. (In Persian)
- Krieger, Tim & Meierrieks, Daniel (2011). Terrorist financing and money laundering. University of Paderborn, Germany, 11.
- Laurent Chetin, Peter (2012). Prevention of money laundering and financing of terrorism - a practical guide for bank supervisors, translator: Maryam Keshtkar, Tehran, Tash publications. (In Persian)
- Naim, Moises. (2009). Minilateralism: The Magic Number to Get Real International Action. Foreign Policy.
- Nazmi Ardakani, Mehdi & Rahmani, Halimah (2009). Recommendation 9+40 in combating money laundering and terrorism financing. Auditor's Quarterly, (49), Summer 2019, 88-98. (In Persian)
- Nolte, Georg & pr. Byers. (2003). United States hegemony and foundations of international law. Cambridge University Press.
- Scott, Poynting; Jackson, Richard Murphy & Eamon (2010). Contemporary State Terrorism Theory and practice. Routledge publication, 110.
- Treeck, Dominik; Martin Anderson & Anthony Charrie. (2021). A Global Approach to Fighting. Cybercrime Learning from the FATF Experience. JLR, 20(45), 299-322.
- Wilkins, Roger (2014). Years and Beyond. (Paris: FATF)
- Yousefi Sadeghlou, Ahmad & Dahuje, Hamed (2016). Challenges and shortcomings of combating money laundering in Iranian law. Private and Criminal Law Research Quarterly, (29), 53-72. (In Persian)
- Zare Qajari, Ferdous & Qaim Maggi, Ali (2012). International standards for combating money laundering and terrorist financing, forty recommendations of the Special Financial Action Group, Tehran, Tash Publishing. (In Persian)



چیستی نظریه پردازی فقهی در حوزه قانون گذاری

سید محمد حسینی

دانشیار فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران، تهران، ایران (نویسنده مسئول).
hoseini.sm@ut.ac.ir  0000-0000-0000-0000

نرجس خاتون همتی بخشکندی

دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه بین المللی مذاهب اسلامی، تهران، ایران.
imaniling@gmail.com  0000-0000-0000-0000

محمود ویسی

استادیار فقه و حقوق اسلامی دانشگاه بین المللی مذاهب اسلامی، تهران، ایران.
m.veysi@mazaheb.ac.ir  0000-0000-0000-0000

چکیده

تشریع و تقنین تحت اشراف حاکم اسلامی جلوه ولایت بر منصب افتا است و نظریه پردازی فقهی نگاه نوین در حوزه قانون گذاری است. منظومه های فقهی، مجموعه ای از گزاره های فقهی، مفاهیم و اصول کلی فقهی و سازواره های هماهنگ از تبیین احکام هستند که نظریه های فقهی را تشکیل می دهند. قانون گذاری و تشریع با استناد به ادله نقلی و عقلی نزد فقه مذاهب اسلامی از شئونات ولی امر است. نوشتار حاضر به روش توصیفی - تحلیلی و گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه ای است. این مقاله در پی آن است که بداند: نظریه پردازی فقهی در حوزه قانون گذاری چگونه است؟ رویکرد و قلمرو نظریه پردازی فقهی در حوزه قانون گذاری کدام است؟ و اهمیت راهبردی دیدگاه های کلان ولی امر در نظریه پردازی فقهی در حوزه قانون گذاری از چه جهت است؟ نظریه پردازی فقهی بر اساس فتاوی ولی امر و فتاوی هماهنگ با آنها سبب انسجام و کارآمدی قوانین و نگاه کلان و اجتماعی و مصلحت اندیشانه بر قضایا شده و نیز مسائل مستحدثه ذیل نظریه های فقهی وارد شده و مانع از تشتت آرا می شود. ژرف اندیشی در نصوص و افزایش قواعد فقهی، نظریه های فقهی موثق در قانون گذاری ایجاد می کند. در این پژوهش به تبیین گستره «فقه التظیر» مبتنی بر دیدگاه ولی امر در ما لائص فیه و تقابل حکم با نص و تأثیر آن بر قانون گذاری پرداخته شده است. یافته های پژوهش: نظریه پردازی فقهی تحت حاکمیت ولی امر، رویکرد کلان و راهبردی به فرایند قانون گذاری است. نظریه پردازی فقهی، الگوسازی مناسب در حوزه قانون گذاری مقتبس از شرع با مراعات مصالح و اقتضائات زمان و مکان است.

کلیدواژه ها: قانون گذاری و تشریع، نظریه پردازی فقهی، فقه اجتماعی، ولی امر، مذاهب اسلامی.



مقدمه و بیان مسئله

فقه دانشی است که در ارتباط با جوامع انسانی هم تأثیرگذار است و هم تأثیرپذیر و به تبع آن افراط و تفریط می‌تواند در آن رسوخ کند که منتج به تحجر یا تجدد می‌شود. این تأثیرپذیری و تأثیرگذاری نشان از روزآمدی و راهبردی بودن دانش فقه در حیطه قانون‌گذاری است. تکاپو در مفاهمه از فقه در فرایند قانون‌گذاری بایستی به اندازه‌ای انعطاف‌پذیر باشد که تأمین اغراض شارع (مقاصد الشریعه) حاصل شود و این بر مبنای کلام معصوم حاصل نمی‌شود مگر با ارجاع به حکم حاکم اسلامی؛ «ینظران الی من کان منکم ممن قد روی حدیثنا» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص. ۶۷). نظریه عبارت است از کلی‌نگری جامع و همسویی گزاره‌های متعدد به شکل مجموعه‌ای درهم‌تنیده و نظریه‌پردازی فقهی گنجاندن مجموعه‌ای از گزاره‌های فقهی و اصولی تحت یک نظریه است که می‌تواند در حوزه قانون‌گذاری الگوسازی نموده و انسجام، استحکام، نظام‌مندی به قوانین اعطا نماید.

عمقی‌نگری در نصوص و نظام‌مندی در قانون‌گذاری مطابق شرع از جولان تجدد و تحجر در تفقه و تقنین ممانعت کرده و همراهی دانش حقوق خرد و کلان با اجتهاد تمدن‌ساز سبب اعتلای جامعه خواهد بود. در نوشتار حاضر به تبیین چیرستی نظریه‌پردازی فقهی^۱ در حوزه قانون‌گذاری پرداخته می‌شود.

با عنایت به گستردگی و تنوع مسائل کنونی که در خصوص آنها حکم شرعی مستنبط از ادله اربعه صادر نشده و به‌منظور عدم انباشت احکام ظاهری مستنبط از اصول عملیه و ادله دیگر که خود اختلاف در فتاوا و ورود دیدگاه فردی غیردینی فقه‌های مذاهب اسلامی را در فقه و قانون‌گذاری به ارمغان خواهد آورد، لازم است که فقها برای اغنای فقه و تقنین با رویکرد راهبردی روی به نظریه‌پردازی فقهی آورند. شایان ذکر است مذاقه در نصوص و تأسیس قواعد فقهی می‌تواند در این مسیر راهگشا باشد. از حیطه‌های مهم بحث نظریه‌پردازی فقهی جایی که نص نیست با تعبیری چون «منطقه الفراغ» (صدر، ۱۴۱۷ق، ص. ۳۸۰)، «منطقه العفوی» فقه‌های اهل سنت (محمصانی، ۲۰۰۵م، ص. ۲۲۲) و «ما لانص فیه» (نائینی، ۱۳۸۲، صص. ۱۳۴-۱۳۷) مطرح است.

مسئله مهم در راستای نیل به نظریه‌پردازی فقهی تقابل دیدگاه ولی‌امر با نص است که توسط مذاهب اسلامی به طرق مختلف توجیه شده است. از نگاه برخی فقها،

1. Jurisprudential Theorization

احکام واقعی به اعتبار ادله اثباتی و قطعی‌الدلاله بودنشان غیرقابل تغییرند. این فقها تغییر را مختص مباحث می‌دانند (طباطبایی، ۱۳۳۸، صص. ۷۰-۷۴).

برخی فقها نظر بر این دارند که برمبنای نظریه ولایت حاکم بر تقنین و تشریع^۱، اگر فقیه بخواهد در دایره اموری که شارع در آنجا حکمی الزامی - از قبیل وجوب یا حرمت - دارد، اعمال ولایت کند می‌تواند الزام شارع را غیر لازم یا خلاف آن را لازم اعلام کند (هادوی تهرانی، ۱۳۳۷، صص. ۱۳۱-۱۳۲؛ مؤمن، ۱۳۸۴، ص. ۳۶۲).

پیش از این فقها نگاه فردی به فتوا داشتند و فقه‌الاحکام پاسخگوی نیازهای فردی مکلفان در زمان خود بود، لکن در عصر حاضر با توجه به مقتضیات زمان و با لحاظ پدیده‌های متغیر و شتابان و مسائل مبتلابه و موضوع‌های نوین و درنهایت با توجه به استقرار حکومت اسلامی تحت ولایت فقیه جامع‌الشرایط، طالب آن است آرای فقهی و کلان ولی امر نظام‌مند و نظریه پردازانه در فرایند قانون‌گذاری مورد واکاوی قرار گیرد.

ولی امر به عنوان سرپرست در حکومت اسلامی حق قانون‌گذاری دارد و نقش راهبردی مستنبط و مستخرج را دارد اما گاهی حکم خدا روی موضوع کلی قرار دارد حکم خدا با حکم ولی امر تغییر نمی‌کند بلکه با توجه به عنصر زمان و مکان مصداق حکم کلی تغییر پیدا می‌کند.

هدف از طرح این مسئله آن است که با توجه به اقتضائات زمان و مکان، به منظور ممانعت از توسیع اختلاف فتاوا بین فقها و حل مشکل انتخاب فتوا توسط قانون‌گذار لازم است که قانون‌گذار با رویکرد کلان نگر نظریه‌پردازی فقهی نماید و حاصل نظریه‌پردازی فقهی صحیح، قوانین منسجم، کارآمد، کارگشا و مستحکم تحت ولایت امر، مبتنی بر مصالح و مقتضیات زمان و مکان با هدف مشترک اعتلای جامعه اسلامی است و هدف از این پژوهش، پاسخ سؤالات ذیل است نظریه‌پردازی فقهی در حوزه قانون‌گذاری چگونه است؟ رویکرد و قلمرو نظریه‌پردازی فقهی در حوزه قانون‌گذاری کدام است؟ اهمیت راهبردی دیدگاه‌های کلان ولی امر در نظریه‌پردازی فقهی در حوزه قانون‌گذاری از چه جهت است؟ این رویکرد می‌تواند جواب صواب فقه بر احتیاجات جامعه باشد. نوآوری این مقاله؛ نگاه کلان و نظام‌مند به فقه با رویکرد نظریه‌محوری در حوزه قانون‌گذاری است و در صدد تبیین چیستی نظریه‌پردازی فقهی مبتنی بر سیاست‌های کلان ولی امر و تبیین این مسئله که بسندگی صرف به

فتاوی موجود راه‌حلی ناکافی برای فقهی‌سازی حقوق است؛ بنابراین ضرورت دارد از ظرفیت‌های رویکردهای نوین فقهی در جهت الگوسازی برای قانون‌گذاری منسجم بهره جست. در نوشتار حاضر که به روش توصیفی - تحلیلی و گردآوری اطلاعات به شیوه کتابخانه‌ای است.

۱. پیشینه پژوهش

مبحث نظریه پردازی فقهی در ابتدا در آثار کتب فقهی و حقوقی اندیشمندان عرب‌زبان مطرح بوده و در فقه امامیه، شهید صدر در آثار خود مانند *الاقتصادنا* در حوزه نظریه پردازی فقهی بحث کرده است و در بین معاصران محسن اراکی نیز در حوزه نظریه پردازی فقهی و نظام‌مندی فقه آثاری دارد و احمد مبلغی از اندیشمندان معاصر در مقاله‌های متعدد با عناوین *النظریه/الفقهیه*، *پارادایم فقهی* در مورد سخن گفته است. کتاب *نظریه پردازی در فقه و اصول* شامل گفتگوی اندیشمندان در حوزه نظریه پردازی فقهی است که توسط علی شفیعی گردآوری شده و مقاله‌های تحت عنوان *درآمدی بر نظریه در فقه* به رشته تحریر درآمده است.

۲. مبانی نظری

۲-۱. مفهوم‌شناسی

۲-۱-۱. مفهوم‌شناسی نظریه

نظریه، جامع‌نگری کلی و همسویی قضایای متعدد در شکل یک مجموعه درهم‌تنیده و منطقی است که به کمک آن می‌توان برخی از پدیده‌ها را تبیین و بررسی کرد (توسلی، ۱۳۷۶، صص. ۲۴-۲۵). در تبیین معناشناختی نظریه می‌توان گفت: نظریه در مورد مسائل کلی و کلان بوده و دارای زیرمجموعه‌های خرد، قواعد و اصول متعدد است که دارای ضوابط می‌باشد و نظریه‌ای معتبر است که با نظریه‌های دیگر تناقض نداشته باشد و بر تمامی مصادیق خود تطابق داشته باشد. نظریه جنبه تبیینی دارد و بنیاد هر فعالیت علمی است (حافظ‌نیا، ۱۳۸۳، صص. ۳۴-۳۶). نظریه یک مدل و یک نگرشی را عرضه می‌کند؛ بنابراین نظریه‌ها جایگاه عملکردی دارند (ره‌نورد، ۱۳۸۰، ص. ۳۵۶).

نظریه ماحصل ارتباط داده‌ها و انگاره‌های علمی است که تجمیع شده و نظریه را تشکیل داده است. می‌توان گفت نظریه یکی از معتبرترین اسناد شناخته شده و

نتیجه کنش‌های منظم و روش‌شناختی علمی است. مجموعه‌ای از ایده‌های منظم و قاعده‌مند و بنیادین علمی راه را برای نیل به نظریه‌پردازی معتبر هموار می‌سازد.

۲-۱-۲. مفهوم‌شناسی فتوا

معنای لغوی فتوا: «فُتیا» و «فتوی» یعنی پاسخ به احکام شرعی مشکل (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص. ۳۷۳). پاسخ به اشکال‌ها در مسائل شرعی و حقوقی (مصطفی و دیگران، ۱۴۲۵ق، ج ۲، ص. ۶۷۴).

فتوا از دیدگاه فقهی: «ان الفتوی مجرد اخبار عن الله تعالی بان حکم فی هذه القضية» (شهید اول، بی‌تا، ج ۱، ص. ۳۲۰). فتوا صرفاً اخبار از سوی خداوند متعال است به اینکه حکم فلان قضیه این است. فتوا یعنی خبر دادن آن حکم شرعی که نزد خداوند ثابت است و به موضوع کلی تعلق می‌گیرد.

قابل ذکر است که واژگان دیگری در کتب فقهی مذاهب اسلامی نیز معنی فتوا را حمل می‌کنند. فقیهان در غرب سرزمین‌های اسلامی واژه «نوازل: رویدادها» را بیشتر از واژه‌های «فتواها و پاسخ‌ها» به کار برده‌اند. در مشرق‌زمین نیز «نوازل» کاربرد داشته است. حنفی‌ها واژه «واقعیات: وقایع» را به کار برده‌اند و همواره در کنار «نوازل» استفاده شده است (عبدالله ابن بیه، ۱۳۹۰، ص. ۲۰). امام بخاری نیز واژه نازله را برای توصیف مسئله به کار برده است (عبدالله ابن بیه، ۱۳۹۰، ص. ۲۱).

۳. ماهیت فتوای معیار در قانون‌گذاری و نظریه‌پردازی

فتوا و حکم و حکم حکومتی مرجع در قانون‌گذاری هستند که در تبیین چستی آنها از دیدگاه فقهی دیدگاه‌هایی است. برخی فقه‌های اهل سنت فتوا را صنعت دانسته و از عناصری مثل ادله تشکیل یافته است که سبب رسیدن به واقعیات است. فتوا یک صنعت است و صنعت فتوا از قضایای پیچیده و ترکیباتی است؛ بنابراین فتوا از چند عنصر سامان یافته است همانند دلیل، واقعیت و ایجاد هماهنگی بین دلیل با لطف گوناگونش که دور محور متن می‌چرخد و بین واقعیت با آن پیچیدگی‌هایش (عبدالله ابن بیه، ۱۳۹۰، صص. ۱۵-۱۶). هر چند فتوا و حکم هر دو به یک معنا اخبار از حکم الهی است ولی فتوا صرفاً اخبار از حکم خداوند متعال است... تفاوت حکم حکومتی و حکم شرعی از جهت مصدر است. مصدر احکام کلی الهی خداوند و انشای احکام حکومتی حکومت است (شهید اول، بی‌تا، ج ۱، ص. ۳۲۰). ارزش و اهمیت قانون از فتوا بیشتر است، به جهت اینکه تحت ولایت حاکم جعل شده و برای

اداره حکومت اسلامی است و برای همه حتی فقهای دیگر لازم‌الاتباع است علی‌رغم اینکه فتوای مخالف داشته باشد. بر مبنای فقه اهل سنت اولین قانون‌گذاری مدون به احکام‌العدلیه و در کشور ایران به قانون مدنی زمان مشروطه می‌توان اشاره نمود.

اگر فقیهی از حکمی خبر دهد که به موضوع جزئی و خاص تعلق می‌پذیرد، فتوا محسوب نمی‌شود. هر چند گاه با تسامح بدان فتوا گویند. در مقابل، حکم عبارت است از انشایی که برای نفوذ بخشیدن و اجرایی کردن حکم شرعی یا حکم وضعی یا موضوع هر یک از آنها در مورد خاص از سوی حاکم نه از سوی خداوند متعال صادر می‌شود (صاحب جواهر، ۱۳۶۲، ج ۴۰، ص. ۱۰۰). مخاطب قانون جوامع و حکومت‌ها هستند و لکن مخاطب فتوا مقلدین همان مفتی هستند.

«ان الفتوی... لا تكون حجة إلا علی من یجب علیه تقلید المفتی بها» (خویی، بی‌تا، ج ۱، ص. ۳). فتوا حجت نیست مگر بر مقلدین صاحب فتوا و با حکم فرق دارد. نواندیشی در تقنین بر مبنای فقه، قانون‌گذار را بر آن می‌دارد که نگاه عمقی، فرامذهبی و کلان به ادله اربعه و آرای فقهی مذاهب اسلامی و مراعات مصالح و اقتضائات جامعه معاصر از آن داشته باشد و این امر باعث تقریب مذاهب و اجتهاد کلان جهت قانون‌گذاری می‌شود که فراتر از صدور فتواست.

اطاعت حاکم اسلامی از قوانین الهی از بدیهیات است. تمام برنامه‌هایی که در حوزه حاکمیت جامعه و شئون و لوازم آن، جهت مرتفع نمودن نیازهای مردم اجرا می‌شود، باید مبتنی بر قوانین الهی باشد، این اصل کلی حتی در مورد پیروی از زمامداران و صاحبان منصب حکومت نیز جاری است. این امر مهم بایستی مدنظر باشد که حاکم اسلامی می‌تواند در موضوعات بنابر مصالح عامه مسلمین یا بر طبق مصلحت فردی قلمرو حاکمیت خود عمل نماید (خمینی، ۱۳۶۸، ج ۲، ص. ۴۶۱).

مفهوم تقنین در اندیشه اسلامی با مفهوم نوین آن در حقوق موضوعه متفاوت است و حدودی در تعریف تقنین موجود است که آن را از قانون‌گذاری مرسوم جدا می‌سازد و سبب آن ریشه در آموزه‌های اعتقادی مسلمانان و شیوه جهان‌بینی و هستی‌شناسی آنان دارد و در این باره می‌توان گفت بر مبنای تفکر اسلامی خداوند متعال به‌عنوان سرپرست عالم هستی ربوبیت تشریعی دارد و امر و نهی حق انحصاری اوست (سبحانی، ۱۳۷۰، ص. ۲۵۹). «أن الاحکام الموجودة لدى الفقهاء قد تكون متعارضة و مختلفة مع بعضها، وهذه حقيقة تفرضها طبيعة عملية الاجتهاد القائمة علی أساس فهم بشري لنصوص القرآن والسنة» (حسینی، ۱۳۹۳، ص. ۶۲). اختلاف

فتاوا قائم بر فهم بشری از نصوص قرآن و سنت است. در قانون گذاری منطبق با موازین شرع مسئله ای که قانون گذاران با آن مواجه هستند انتخاب فتوای مورد استناد از بین فتاوای مختلف موجود است و مقنن با وجود اختلاف در فتاوا بایستی یکی از آنها را ترجیح داده و انتخاب نماید.

درباره فتوای معیار در قانون گذاری، اقوال متعددی است. برخی صاحب نظران قائل بر رجحان فتوای مشهور فقها و برخی فتوای اعلی و برخی از فقها جانب احتیاط را در انتخاب فتوا گرفته و اندیشمندانی نیز فتوای حاکم را به عنوان معیار قانون گذاری می دانند. قول مختار در خصوص فتوای معیار در قانون گذاری، فتوای ولی امر که حجیت و اعتبار این قول ادله اثباتی ولایت فقیه جامع الشرایط بر افتا و قضا و اجرای حدود و رهبری و زعامت است.

باید افزود در عصر حاضر، با توجه به وسعت قوانین و مسائل مستحدثه دور از تصور است که قانون گذار یا فقیه نظریه پرداز در مورد کل قوانین فتوای منطبق داشته باشد. حاکم صاحب حکم حکومتی است و بایستی مصالح جامعه مسلمین را نیز رعایت نماید و لذا حاکمیت بر تقنین با نظریه پردازی منطبق بر فتوای حاکم شرع و قواعد فقهی موجود و جدید می تواند راهگشا باشد.

۴. مبانی فقهی قانون گذاری ولی امر

بر اساس ادله شرعی، منصب افتا و قانون گذاری در نزد فقه های مذاهب اسلامی از اختیارات ولی امر است. امام شافعی منزلت امام نسبت به افراد تحت حاکمیت را منزلت ولی نسبت به مولی می داند و این ولایت نیز بایستی همراه مراعات مصالح جامعه و مسلمین باشد که می توان به قاعده فقهی *کل متصرف من الغیر فعلیه ان یتصرف بالمصلحه* استناد کرد. از فقه های مذهب مالکی ذیل آیه شریف *«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ»* چنین می گوید: *اولی الامر یعنی اهل قرآن و علم و همین نظر را مالک اختیار کرده است.*

در قول فقیه شافعی در تفسیر آیه *اولی الامر منکم* آمده است؛ اجماع منعقد نمی شود مگر با قول علمایی که تمکن بر استنباط احکام خدا از متون کتاب و سنت داشته باشند. از دیدگاه ایشان اولیای امر آنان هستند که در شرع حق امر و نهی دارند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۰، صص. ۱۱۷-۱۱۸). علامه نیز در ترجمه لفظ *«اولی الامر»* زمامدار را ترجیح داده است (طباطبایی، ۱۳۷۳، ج ۴، ص. ۳۹۲).

زراره از امام صادق (علیه السلام) روایت می‌کند: ولایت برتر بر سایر امور است زیرا ولایت کلید آنها بوده و شخص والی راه‌برنده آنها می‌باشد (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۱، ص. ۱۳).

در صحیحہ عمر بن حنظلہ این روایت آمده است: «ینظران الی من کان منکم ممن قد روی حدیثنا، و نظر فی حلالنا و حرامنا و عرف احکامنا، فلیرضوا به حکماً، فانی قد جعلته علیکم حاکماً» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص. ۶۷).

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «بنگرند که کدام‌یک از شما راوی حدیث ماست و در حلال و حرام ما صاحب‌نظر است و احکام ما را به‌خوبی می‌شناسد، پس حکم خود را به او واگذار کنند و به نتیجه دآوری او خوشنود باشند؛ زیرا من چنین شخصی را بر شما حاکم قرار داده‌ام».

در مقبوله، امام (علیه السلام) مشخصات حاکم، راوی حدیث بودن، صاحب‌نظر بودن در حلال و حرام الهی و عارف به احکام بودن را بیان می‌فرماید. از لفظ حاکم در مقبوله عمر بن حنظلہ، همان تسلط مطلق متبادر است؛ یعنی امام (علیه السلام) فرمودند: «فانی قد جعلته علیکم حاکماً...» از این تعبیر استنباط می‌شود که سلطان، شخصی را در همه امور کلی و جزئی شهروندان که به تحت حاکمیت هستند، مسلط نموده است (انصاری، ۱۴۱۵ق، صص. ۸-۹). همچنین به توقیع شریف امام زمان (عج) می‌توان استناد نمود که می‌فرماید: «و اما الحوادث واقعه فارجعوا فیها الی رواة حدیثنا، فانهم حجتی علیکم و أنا حجة الله علیهم».

روایتی در خصوص اثبات امامت و ولایت حاکم اسلامی از کتب روایی اهل سنت: در کنز العمال از امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) از رسول خدا روایت است: آیا شما را دلالت نکنم به خلفای از امت و اصحابم و از انبیای پیش از من؟ آنان حاملان قرآن و احادیث از من و از انبیای پیش از من در راه خدا و برای خدایند (متقی هندی، ۲۰۱۰، ج ۱۰، ص. ۱۵۱) و در حدیثی دیگر از امام حسن (علیه السلام) روایت می‌کند: «قال رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) رحمة الله علی خلفاؤک یا رسول الله؟ قال: الذین یحیون سنتی و یعلمونها الناس» (متقی هندی، ۲۰۱۰، ج ۱۰، ص. ۲۲۹).

حکومت برای اداره کشور به قوانین خرد و کلان متعددی احتیاج دارد که باید لازم‌الاجرا باشند و گرنه اداره کشور ممکن نخواهد بود. درعین حال آنها باید از عقلانیتی برخوردار باشند؛ مثلاً اینکه درباره احکام حکومتی مطابقت با مصالح عمومی شرط شده است و این امر محقق نمی‌شود مگر با ولایت حاکم اسلامی که در طول ولایت رسول الله است.

۵. چیستی نظریه پردازی فقهی

نظریه فقهی یا فقه‌التنظیر^۱ رویکرد جدید فقها و اندیشمندان به نظام‌مندی فقه است. نظریه پردازی که از آن با الفاظی چون نظریه سازی، ساخت نظریه و تئوریزه کردن نیز ذکر می‌شود (دانایی فرد، ۱۳۸۹، ص. ۱۰). در تمامی علوم اولین مرحله در نظریه پردازی، ایده پردازی و فرضیه سازی است که دانشمند در ابتدای امر بعد از تعمق در مسائل خرد و کلان مربوط به آن علم، فرضیه‌ای ارائه می‌کند. چنانچه بتواند با ادله‌ای معتبر آن را اثبات نماید، فرضیه به نظریه تبدیل می‌شود و اگر آن فرضیه نظر مخالف و معارضی نداشته باشد و دارای اعتبار و حجیت باشد ارتقاء یافته و تبدیل به قانون می‌شود.

نظریه ارائه تبیین واحدی از مجموعه‌ای از پدیده‌هاست؛ بنابراین همیشه خواه ناخواه نظریه عام و کلی خواهد بود. (شفیعی، ۱۳۹۵، ص. ۳۰) و در تعریف فقه اگر تامل بیشتری شود «هو العلم بالاحکام الشرعیه المتعلقه بافعال مکلفین عن ادلتها» (سیوری حلی، ۱۳۶۱، ص. ۹). به تعبیر دیگر احکام شرعی است که حکم رفتار و افعال آدمی را بر مبنای ادله شرعی تبیین می‌کند. چنانچه در مباحث فقهی به افعال مکلفین اکتفا شود، این نگاه به فقه، فردی است و در آثار گذشتگان فقه به عنوان علمی بود که به اجتهاد در احکام فردی می‌پرداخت ولی نظریه‌هایی که از فقه ارائه می‌شود محدود به احکام فردی نبوده و برخورد با همه مسائل بشری با تمامی ابعاد مختلف را شامل می‌شود (جعفری، ۱۳۷۹، ص. ۱۹۲)؛ بنابراین آن پاسخی که تواناست یک مجموعه کلان فقهی و اجتماعی را تفسیر و تبیین کند نظریه پردازی است.

از این رو مراد از فقه‌التنظیر تفسیر و تبیین ادله و احکام شرعی و قواعد فقهی و مجموعه افعال مکلفین و جامعه و حکومت اسلامی در حد وسیع است که می‌تواند نگاه حاکمیتی و متمدن به فقه که ماورای نگاه فردی به فقه داشته باشد. نظریه پردازی فقهی از مجموعه‌ای از منظومه‌های فقهی تشکیل می‌شود. منظور از منظومه سازی فقهی^۲ تنظیم و جمع بندی و تبویب گزاره‌های اخلاقی و کلامی و فقهی با بررسی روابط حاکم میان آنها برای نیل به اصول اساسی و تولید دانش به روش اجتهادی است (اعرافی، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۷).

نظریه منظومه‌ای از انگاره‌ها، اصول پذیرفته شده و دستور برای روش کار و

1. The jurisprudence of theorizing

2. Jurisprudence systematization

ترابلی می‌دانند که بر پایه شناخت و دانشی قرار دارد و برای تحلیل، پیش‌بینی و توضیح سرشت یا رفتار مجموعه‌ای ویژه از پدیده‌ها به‌وجود می‌آید. منظومه‌سازی در شرایط فعلی فرصت نیست بلکه ضرورت است. منظومه‌سازی ناظر بر آن است که به منابع از زوایای گوناگون نگریسته شود که بدون تردید گهرهای مدفون علوم کشف خواهند شد (اعرافی، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۷).

مسائل مستحدثه که در حاشیه فقه قرار گرفتند و دارای نظم نمی‌باشند در صورت منظومه‌سازی در جای معین خود قرار می‌گیرند؛ لذا مجموعه مفاهیم و گزاره‌های فقهی زمانی می‌تواند منجر به نظریه‌پردازی شوند که خود سازمان‌دهی شده باشند. دومین مرحله در منظومه‌سازی تحلیل داده‌ها و گزاره‌ها و مفاهیم است که براساس قواعد و اصل فقه مورد بررسی قرار گرفته و در صورت تعارض آنها را رفع نماید تا در ذیل یک نظریه وقتی مطرح هستند انسجام داشته و این منظومه‌سازی صحیح نظریه و در سطح کلان بالاخره منجر به نظریه‌پردازی می‌شود.

در عرصه فقه آنچه را می‌شود به‌عنوان نظریه مطرح کرد و فقه‌های بزرگ ما از آنها تلقی نظریه داشته‌اند، محدود هستند. از جمله این نظریه‌ها می‌توان به نظریه حرمت یا عدم ولایت جائر اشاره کرد. یکی دیگر از نظریه‌های مطرح در فقه نظریه معاطات عقود و نظریه دیگر ولایت فقیه است (اعرافی، ۱۳۹۵، ص. ۳۱). نظریه‌پردازی فقهی و حقوقی بر مبنای عقل و نصوص به همراه رعایت مصالح جامعه و مقاصد شریعت منتج به هم‌آوردی و تعامل فقه و حقوق شده از این‌رو قوانین متحد و منسجم تحت لوای دین استخراج می‌شود.

مجموعه گزاره‌ها یا قواعد و اصولی که ارتباط نظام‌مند با هم دارند و بدین ترتیب اختراع شده‌اند که یک‌سری از واقعیات یا پدیده‌ها یا بخشی از یک پدیده یا موضوع علمی مثل فقه را تشریح می‌کنند (شفیعی، ۱۳۹۵، ص. ۱۵۲).

مفهوم کلان که شاکله یک نظام حقوقی است که در ذیل آن مسائل خرد و جزئی فراوانی موجود است که در جای‌جای فقه توزیع شده‌اند (زرقا، ۱۴۲۵ق، ص. ۴۳؛ فیض‌الله، ۱۹۸۳، ج ۲، صص. ۳۲۹-۹۴۷).

در اینجا لازم است جهت ایضاح موضوع، در خصوص تفاوت پارادایم^۱ فقهی، قواعد فقهی، ضابطه فقهی، مسئله‌ی فقهی، انظار و اشباه و تبویب با نظریه فقهی نکاتی ارائه شود:

۱. paradigm: کلان‌ترین چشم‌اندازها و چهارچوبه‌های در دسترس یک دانش (مبلغی، ۱۳۸۲، ص. ۳).

۵-۱. تمایز نظریه فقهی با مفاهیم مشابه

۵-۱-۱. تفاوت تبویب فقهی و نظریه فقهی

اگر نظریه را مجموعه‌ای از قواعد و احکام مرتبط معرفی کرد تحت عنوانی واحد جمع می‌شود، این سؤال پیش می‌آید که تفاوت ابواب فقهی با نظریه از قبیل کتاب‌الحج، کتاب‌الصلاه و امثالهم چیست؟ این سؤال مطرح است که این سرفصل‌ها نیز همچون نظریه‌ها عناوینی عام هستند که جمعی از قواعد و احکام را تحت شمول خود قرار داده‌اند. هر یک از سرفصل‌های کلی در کتب فقهی صرفاً یک مجموعه فقهی است؛ در حالی که هر نظریه، متشکل از منظومه‌های فقهی است. منظومه‌ها یک نظریه با یکدیگر پیوند خورده و ارتباطی ساختاری دارند (مبلغی، ۱۳۸۲، ص. ۶) و ابواب فقهی موضوع‌ها را از هم جدا کرده است.

فقه‌های قرن دوم از روی موارد جزئی فقه را تبویب کردند... هم‌اکنون ابواب فقه بر اساس همان تبویبی است که محقق حلی در قرن هفتم تنظیم کرده است (شفیعی، ۱۳۹۵، ص. ۲۱۶).

البته در نظام حقوق غرب نوعی تبویب مسائل است که در نظام حقوق اسلام آن گونه نیست. اگر بخواهد نظام حقوق اسلامی منطبق با نظام‌های نوین و نیازهای جهان معاصر باشد، کاری را که محقق در قرن هفتم انجام داده است باید احیا کرد. باید از درون همین بدنه که منابع در آن است، احکام کلیه‌ای را استخراج شود که احکام کلیه «لیه‌الدلیل» باشند (شفیعی، ۱۳۹۵، ص. ۲۱۶) و ایشان نظریه‌پردازی را تبویب جدید، استخراج اصول پیش‌فقهی و ماتقدم مبانی معرفی می‌کند. این در حالی است که نظریه‌پردازی تبویب نیست بلکه اصول کلی و مجموعه‌ای از منظومه‌هاست. منظومه از مرز باب یا فصلی مشترک میان مسائل مختلف عبور کرده و به حوزه‌ای گام نهاده است که موضوع‌ها و اجزاء آن - فراتر از همنشینی صرف و یا واقع شدن زیر چتری واحد، به شکلی هدفمند و پیام‌دهنده، از درون با همدیگر پیوند خورده و ارتباطی ساختاری دارند (مبلغی، ۱۳۸۲، ص. ۷).

۵-۱-۲. تفاوت قواعد فقه و ضوابط فقهی با نظریه فقهی

قواعد فقهی، قواعدی است که نص صریح بر حجیت آن وارد نشده ولی فقها و مجتهدان با بررسی آیات، روایات و احکام مختلف به قواعدی دست یافته‌اند که از مجموع آنها استنباط می‌شود. این قواعد به‌نوبه خود نقش مهمی در استنباط احکام

شرعی ایفا می‌کند (تسخیری، ۱۳۹۰، ص. ۱۵).

قواعد فقه و نظریه فقهی و ضابطه‌ی فقهی در دیدگاه برخی فقها یک معنی حساب شده ولیکن هر کدام بحثی جداست. در تفاوت ضابطه فقهی و نظریه فقهی آمده است: ضابطه فقهی محدود به پاره‌ای مذاهب فقهی است و در دیگر مذاهب امکان بهره‌گیری از آن وجود ندارد. برخلاف نظریه فقهی که فرامذهبی است (دوسری، ۱۴۲۸ق، ص. ۱۸). نظریه، فروع متعدد و ابواب فراوانی را تحت پوشش خود دارند. برخلاف ضابطه فقهی که به نظر بسیاری از اندیشمندان تنها در یک باب فقهی کاراست (دوسری، ۱۴۲۸ق، ص. ۱۳).

۵-۱-۳. تفاوت پارادایم فقهی و نظریه فقهی

تفاوت پارادایم و نظریه در شیوه عام، اثرگذاری، هویت‌بخشی است. نظریه‌ها و قواعد، تأثیرگذاری فراوان و ملموس‌تری بر گزاره‌های زیرمجموعه‌شان دارند؛ اما تأثیر پارادایم‌ها چنان کلیت دارد که تأثیرناگذاری مطلق پارادایم‌ها بر فروع مسائل به نظر می‌رسد. علت عمده به فاصله بین پارادایم و فروع مسائل برمی‌گردد که این فاصله در نظریه‌ها و قواعد فقهی و اصولی کمتر است. تفاوت دیگر؛ از جهت وجودی پارادایم‌ها از نظریه‌ها تاریخی‌تر هستند. به عبارتی، عنصر تاریخ در پارادایم‌ها از نظریه‌ها بسیار پررنگ‌تر است (مبلغی، ۱۳۹۰، صص. ۱۴۳-۱۴۴)؛ بنابراین پارادایم کلی‌تر از نظریه است و مانند نظریه‌ها بر فروع‌اتشان تأثیر می‌گذارد و اما هویت‌بخشی وجه اصلی تمایز پارادایم با هر مفهوم کلی محور دیگر است.

علاوه بر تفاوت در جایگاه، قلمروی این دو نیز متفاوت است. به جهت جایگاه مهم پارادایم، قلمروی آن نیز وسیع‌تر و از شمول بیشتری برخوردار است، نکته‌ای که مورد اشاره برخی صاحب‌نظران نیز قرار گرفته است (مبلغی، ۱۳۹۰، ص. ۱۴۳).

۵-۲. حجیت نظریه‌های فقهی برای قانون‌گذاری

تفسیر از نواندیشی دینی صحیح آن است که ما در همه زمان‌ها ضمن پایبندی به اصول، اسلام را زنده، بالنده، پویا و پاسخگو نگه داریم، از علوم و معارف بشری استفاده کنیم برای آنکه حقیقت اسلام را بهتر بفهمیم، مقصود مولا را درک کنیم و هدفمان حاکمیت ارزش‌های الهی و تحقق مولویت حق در جامعه بشری باشد. معنای حقیقی تجدید که در روایات اسلامی، بیان ائمه اهل بیت و نظرهای ائمه اهل سنت آمده است، همین است؛ نوآوری در دین با رهگیری از درونمایه‌های غنی دینی

در سایه اجتهاد قانونمند و منضبط اسلامی به منظور پاسخگویی به مسائل مستحدثه فقهی و فکری (تسخیری، ۱۳۹۰، ص. ۱۳).

با توجه به نیاز قانون گذاری بر اساس شریعت و گستره مسائل مبتلابه و عدم جوابگویی فتاوی موجود، لازم است قواعد فقهی افزون بر قواعد موجود جهت قانون گذاری با استناد بر منصوصات و عقل استخراج و تأسیس شود در حال حاضر، نظر به اختلاف فتاوا به جای روی آوردن به توجیه و تتبع رخص^۱ و تیسیرگرایی^۲ در تشریع بایسته است قانون گذار در صدد استخراج نظریات فقهی و نظام مندی فقه برآید تا قوانین منسجم تر و ردای دین برتن نمایند.

امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) می فرماید: «العدل نظام الامر» (خوانساری، ۱۳۶۶، ج ۱، ص. ۱۹۸). در روایتی دیگر آمده است که شخصی خدمت امام سجاد (علیه السلام) رسید و از حضرت تقاضا کرد تمامی شریعت های دین را به من بگو. حضرت فرمود: «قول الحق و الحكم بالعدل و الوفاء بالعهد» (ابن بابویه، ۱۳۶۲، ج ۱، ص. ۱۱۳). با توجه به این روایات و شبیه آن در نصوص دیگر معصومین نیز در روایات نظام مند و کلی نگر و گاهی به صورت خرد و جزئی مسئله را بیان می فرمایند. امام رضا (علیه السلام) وقتی راوی از ایشان پرسید: «افیونس بن رحمن ثقه اخذ عنه ما احتاج اليه من معالم الدینی؟» حضرت فرمودند: «نعم» (حرعاملی، ۱۴۱۶ق، ج ۲۷، ص. ۱۴۷). «ما من امر یختلف فیہ اثنان الا و له اصل فی کتاب الله عزوجل و لکن لا تبلغه عقول الرجال» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص. ۶۰). هیچ امری نیست که دو نفر در آن اختلاف نظر داشته باشند، مگر آنکه برای آن در کتاب خدا ریشه و بنیادی است، لکن عقل های مردم به آن نمی رسد.

۵-۳. گستره نظریه پردازی فقهی در قانون گذاری

قوانین و مقررات از احکام الهی اقتباس می شود لکن در عصر حاضر با توجه به مسائل مستحدثه و خلأ موجود نص صریح در قانون گذاری، شارع مقدس این خلأ را با ولایت امری فقیه جامع الشرایط جبران کرده است. اصلی ترین وظایف در حکومت اسلامی برعهده ولی امر می باشد ... و سایر تکالیف او در راستای تحقق امر مذکور است. قوای سه گانه تحت ولایت امر او هستند و به تعبیری اساساً مشروعیت خود را از این مقام دریافت می کنند (عمید زنجانی و موسی زاده، ۱۳۸۹، ص. ۳۶۶).

۱. برگزیدن آسان ترین حکم در مسئله واحد از هر مذهبی.

۲. آسان گرفتن و تسهیل و میانه روی در اجتهاد.

۵-۳-۱. تقابل دیدگاه ولی امر با نص در نظریه پردازی و تقنین

بر سلطان اسلام است که از جانب خداوند گمارده شده است و آنان همانا ائمه هدی از آل محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) هستند و سلطان کسی است که از سوی آنان به این امر گماره شده است، از امیران و حاکمان و فرماندهان و امامان نیز این امر را به فقهای شیعه واگذارده اند تا در صورت امکان مسئولیت اجرایی آنان را به عهده بگیرند.... زیرا ائمه اطهار (علیهم السلام) ولایت را به فقیهان واگذارده اند (مفید، ۱۴۱۷ق، ص. ۸۱۰). مراد از حاکم در زمان غیبت، نائب عام مجتمع شرایط فتوا و حکم است (محقق کرکی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص. ۲۶۶).

از دیدگاه فقه مذاهب اسلامی یکی از شئونات ولی امر ولایت بر قانون گذاری است. مسئله مهمی که در این بحث مطرح است تقابل بین آرای ولی امر با نص است. خداوند متعال می فرماید: «مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ؛ هر که رسول را اطاعت کند خدا را اطاعت کرده» (نساء / آیه ۸۰). یا در آیه ای دیگر می فرماید: «إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ؛ ای رسول مومنانی که با تو بیعت کردند به حقیقت با خدا بیعت کردند» (فتح / آیه ۱۰) و می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِيَ الْأَمْرِ مِنْكُمْ». در آیات دیگری اطاعت از رسول اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) همراه اطاعت از خدا آمده است. در آیه اخیر اطاعت از اولی الامر و حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) را با یک لفظ «اطيعوا» بیان شده است. در روایتی در خصوص تفویض اختیار به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) امام (علیه السلام) می فرمایند: «اوامر و نواهی رسول خدا مطابق اوامر و نواهی الهی شد و بر بندگان خدا واجب گردید که در مقابل پیغمبر مطیع و فرمانبردار باشند همچنان که در مقابل خداوند تبارک و تعالی هستند» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص. ۲۶۶). در صحیح حمران بن اعین روایت است: «گفت: به امام صادق (علیه السلام) گفتم: فرموده خدا: همانا آل ابراهیم را کتاب عطا نمودیم، یعنی چه؟ فرمود: مراد نبوت است. گفتم: حکمت؟ فرمود: فهم و قدرت داوری. گفتم: و آنان را ملک عظیم بخشیدیم، یعنی چه؟ فرمود: اطاعت آنان را بر مردم واجب کردیم» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص. ۲۰۶). لذا استفاد از آیات و روایات، تقنین فقط مأخوذ از احکام الهی نیست بلکه حضرت رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه اطهار (علیهم السلام) و ولی امر نیز حکم صادر می کنند و صاحب حکم هستند و بر عموم مسلمین اطاعت از آنان لازم

است و لذا در صورت تقابل حکم ولی امر با نص قرآن یا روایات، ولی امر می تواند بر مبنای رعایت مصالح جامعه و رجحان اهم بر مهم و نظریه عدالت حکم متعارض با نص صادر نماید. مراعات احکام الهی (اعم از الزامی، مباح و وضعی) و اهداف دین و مقاصد شریعت در قانون گذاری واجب است. اگر وجوب مراعات احکام شرعی در قانون گذاری با وجوب رعایت حکمی دیگر یا با وجوب رعایت اهداف دین یا مقصدی از مقاصد شریعت در تقنین تراحم گردد، و قانون گذار طرف دیگر را اهم تلقی کند، باید برای لحاظ آن، قانون را بر طبق طرف اهم وضع کند؛ اما این نظریه در موضع گیری قانون گذار در برابر حکم غیراهم است. بر اساس این نظریه باید قانونی که مربوط به حکم غیراهم است مسکوت شود یا مخالف آن و مناسب با حکم اهم وضع گردد (علی اکبریان، ۱۴۰۱، ص. ۱۱). در صورتی که مسئله ای نص بر حکم حرمت وجود دارد و در شرایط حاضر با توجه به تغییر مفهوم وجودی و کاربرد و مصالح عامه آن مباح یا واجب می شود (مثلاً خراب کردن مسجد وسط اتوبان، شطرنج، بیع خون و اعضای بدن).

در دیدگاه اهل تسنن، نظریه توسعه فقه با ابتناء بر اصول بنیادی مثل عدالت مستند به «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوِّمِينَ بِالْقِسْطِ» (نساء / آیه ۱۳۵) یا «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ» (نحل / آیه ۹۰) یا «العدل خیر الحکم» و «العدل حیاة الاحکام» (محدث نوری، ۱۴۰۸ق، ج ۱۱، ص. ۳۱۸) و غیره این تقابل قابل توجیه بوده و اساساً دیدگاه حاکم عین حق و عدل است و لو در تعارض با نص باشد و در فقه امامیه رعایت مصالح جامعه و مسلمین و نظریه عدالت و صاحب حکم بودن ولی امر و تفویض اختیار ولایت و تقنین بر ولی امر رجحان اهم بر مهم در صورت تراحم و تغییر مفاهیم و کاربرد موضوعات با توجه به مقتضیات زمان و مکان و حکم حکومتی می توان توجیه کرد.

۵-۳-۲. منطقه العفو و منطقه الفراغ و مالانص فیه

احکام ثابت شریعت که از نظر فقهی کاملاً مسلم هستند تا آنجا که به زندگی اجتماعی ارتباط پیدا می کنند، بخش ثابت حقوق اساسی را تشکیل می دهند. هر جا که شریعت، حکم الزام آور و قاطعی مبنی بر حرمت یا وجوب نداشت، قوه مقننه که از سوی مردم انتخاب می شود، می تواند هر قانونی را که مصلحت می داند وضع کند به شرط آنکه مغایر با قانون اساسی نباشد. قلمرو این گونه قوانین را منطقه الفراغ می نامند

و شامل همه مواردی می‌شود که شریعت به انسان‌ها قدرت انتخاب داده است (صدر، ۴۱۰ ق، صص. ۶۲-۶۳). در تعریف این عبارات، اشاره به منطقه‌ای شده که در آن هیچ نصی موجود نیست. منطقه الفراغ أو منطقة العفو و هی المسائل التي لا نص و لا إجماع علی أحكامها، والتي يحكم فيها بموجب النظر المصلحي و المقاصد الشرعية (خادمی، ۱۹۹۸ م، ص. ۱۷۳). منطقه الفراغ یا منطقه العفو از دیدگاه فقه اهل سنت در حیطه مسائلی است که نص و اجماع بر احکام آن نیست و به موجب مصالح و مقاصد الشریعه از طریق قیاس فرعی و کلی و استحسان و عرف در حیطه منطقه العفو حکم صادر شود.

برخی از معاصران که اهتمام به تجدید یا توسعه فقه اسلامی هستند، تلاش می‌کنند ثابت کنند که در شریعت اسلام منطقه الفراغ وجود دارد که شارع در آنجا احکامی را بیان نکرده است و به آنچه در برخی نصوص شرعی که خداوند متعال اموری را حلال کرده است. و اموری را حرام کرد و در مورد مسائلی سکوت کرده است در شریعت منطقه العفو است که منطقه العفو همان منطقه الفراغ است. از دیدگاه محمصانی منطقه العفو تسهیل و تخفیف و توسعه برای مکلف است (محمصانی، ۲۰۰۵ م، ص. ۲۲۲).

علامه نائینی در خصوص ما لانص فیه نظر می‌گوید: بی‌شک تطبیق قوانین مملکت بر احکام شرع لازم است و معظم سیاست و آنچه به تدبیر کشور بازمی‌گردد، از زمره غیرمنصوص است. در غیر منصوص و مباح، رعایت مصلحت لازم است و در واقع این حوزه، قلمرو احکام غیرمتغیر است (نائینی، ۱۳۸۲، صص. ۱۳۴-۱۳۷) و در حیطه ما لانص فیه، احکام غیرمتغیر و مباح رعایت مصالح عامه از دیدگاه علامه و برخی فقها لازم است و استدلالشان به قطعی‌الدلاله بودن نصوص است و مهم‌ترین ضابطه قوانین مجعول در حوزه غیرمنصوص در جهت اداره امور کشور حفظ نظام و مصالح جامعه و مقتضیات هر زمان و مکان است (نائینی، ۱۳۸۲، ص. ۱۳۷). زمان و مکان دو عنصر تعیین‌کننده در اجتهاد هستند که سبب پویایی فقه می‌شوند. تقنین در منطقه العفو و منطقه الفراغ و ما لانص فیه با جایی که نص است متفاوت می‌باشد. گستره نظریه پردازی خصوصاً شامل جایی که نص است و منطقه العفو و منطقه الفراغ و ما لانص فیه و تقابل حکم ولی امر با نص هم است.

نظریه پردازی متفاوت از صدور فتاواست که این مسئله در منابع آنها نمود می‌یابد.

البته رابطه‌ی آنها عموم خصوص من مطلق است. فتاوا از زیر شمول‌های نظریه فقهی است. فتوا توسط فقیه از ادله برای مکلفین استنباط می‌شود ولی نظریه‌ی فقهی (فقه‌التنظیر) از مجموعه‌ای از منظومه‌های فقهی که شامل مفاهیم کلی و عام و خرد و مجموع فتاوی هماهنگ فقها و ادله شرعی و قواعد و اصول فقهی در ارتباط منسجم باهم با رعایت مصالح و مقتضیات شرایط جامعه معاصر آن هستند. وقتی یک نظریه فقهی صحیح ایجاد شود که مولفه‌های آن که شامل اهداف و اجزا و پیوند اجزا و جایگاه آن است در ارائه نظریه حاصل شود. البته در این بین برخی از اندیشمندان بر این رأی هستند که نمی‌شود آرای فقها را ذیل یک نظریه آورده تا انسجام صورت گیرد به‌طورمثال حکمی را از فتاوا خود گرفته و حکمی دیگر از خود را همسو با فتوای اول نبیند؛ لذا به فتوای فقیه دیگر رجوع کرده و از جمع فتاوی فقها نظریه پردازی کرد. که شهید صدر بر این نظر است لکن مخالفانی نیز دارد. اگر مجتهدی در استنباطات خود به یک فتوایی برسد که آن فتوا نمی‌تواند در چهارچوب نظام اجتماعی قرار بگیرد، وی می‌تواند با توجه به فتاوی فقهای دیگر، نظام اجتماعی اسلام را برپا کند؟ ولی او در مقام اداره جامعه اسلامی به این نتیجه می‌رسد که فتوایش مناسب اداره جامعه اسلامی نیست توان مدیریت نظام اقتصادی جامعه را ندارد، در این صورت، آن فقیه می‌تواند به فتوای صاحب جواهر تمسک کند؛ چون این فقیه می‌خواهد نظام اسلامی را مدیریت کند (صدر، ۱۴۱۷ق، صص. ۴۰۰-۴۰۱).

با توجه به اینکه فقیه جامع‌الشرایط ولی امر مسلمین است در قانون گذاری حکم ولی امر بر آرای دیگر فقها رجحان دارد. در صورتی که ولی امر در مسئله‌ای فتوا نداشته باشد در نظریه پردازی فقهی دست نظریه پرداز بسیط است که از قواعد و ادله دیگر و فتاوی هماهنگ که انسجام دارند در نظریه پردازی استناد نماید.

۶. اجتهاد کلان (فقه‌النظام) برای تقنین

نگاه فقیه هنگامی که در صدد استنباط احکام شرعی (فقه‌الاحکام) است، متفاوت از نگاه او از زمانی است که به دنبال کشف نظام فقهی به‌عنوان نظامی واحد و منسجم (فقه‌النظریات) است. در صورت اول، فقیه مستنبط با مراجعه به ادله فقهاتی و اجتهادی، به استنباط احکام می‌پردازد و ماحصل آن هر چه بود، حجت برای او و مقلدانش است. درحالی که در صورت دوم به دنبال کشف نظام واحد و عامی است که مبنای احکام است؛ از این رو ضروری است احکام استنباط شده با آن

نظام متناسب باشد، نبایست ناهمگونی و عدم انسجام بین گزاره‌های فقهی باشد. از دیدگاه برخی فقها انسجام نظام و احکام تا جایی ضرورت دارد فقیه دست از نظر خود در استنباط اول بردارد، فتوایی را از فقیه دیگر انتخاب کند که با نظام و در چینش برآمده از استنباط در فقه نظریه‌ها، مناسب باشد (صدر، ۱۴۱۷ق، صص. ۳۹۸-۳۹۹).

امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) در تعریف اجتهاد می‌فرماید: «تحصیل الحکم الشرعی المستنبط بالطرق المتعارفه لدى اصحاب الفن او تحصیل العذر کذلک» (خمینی، ۱۴۲۶ق، ص. ۹) یا تعریف دیگری که آخوند خراسانی در کفایه از اجتهاد آورده است: عبارت است از ملکه‌ای که مجتهد به وسیله‌ی آن بر استنباط حکم شرعی فرعی از اصل و دلیل توانا می‌شود اعم از اینکه استنباط فعلی باشد یا در آینده حاصل شود (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹ق، ص. ۴۶۱). اجتهاد در کلام فقهای اهل سنت به معنی بذل وسع و تلاش در جهت دستیابی به حکم شرعی عملی از راه استنباط است و یا تعریفی دیگر: «الاجتهاد ملکه یقتدر بها علی استنباط الاحکام الشرعیه العلمیه من ادلتها التفصیلیه» و قاضی بیضاوی، امام شوکانی و ابوزهره بیان کرده‌اند: «الاجتهاد بذل المجتهد وسعه فی درک الاحکام الشرعیه بطریق الاستنباط» (زملی، ۱۳۹۴، صص. ۶۳۹-۶۴۰). با پیشرفت جوامع و نیازهای جامعه اسلامی آیا این اجتهاد مصطلح پاسخ‌گوی نیازهای نظام اسلامی است؟ یا نیاز به اجتهاد با نگاه کلان دارد. به‌طورمثال پیش از این وقتی در خصوص اشتغال بانوان از فقهی استفتاء می‌شد فتوایی که صادر می‌شد با فتوایی که فقهی که حاکم شرع است و در صدق تقنین می‌باشد کاملاً متفاوت است. نتیجه کلان‌نگری با رویکرد معاصر در فقه؛ فقه-النظام و اجتهاد تمدن‌ساز است. حل ریشه‌ای مسایل مختلف جامعه اسلامی، مرهون پُرکردن خلاءهای تئوریک در دو حوزه فقاقت و علوم اجتماعی است. اجتهاد و تفقه با حفظ مبانی و رویکرد روش‌شناختی خود، نیازمند توسعه در اصول استنباط و روشهای دستیابی به مضامین ژرف و گسترده دین مبین اسلام است. به‌این‌ترتیب، اجتهاد فقهی می‌تواند فراتر از استنباط احکام جزئی، به ارائه چهارچوب‌های دینی در حل همه‌جانبه مسائل جامعه کمک کند (شفیعی سروستانی، ۱۳۹۵، ص. ۲۰۷). در اجتهاد تک‌گزاره‌ای، فقیه به مجموعه نصوص می‌نگرد و به کتاب روایی که در ابواب معبر رجوع می‌کند؛ اما در منظومه‌سازی افزون بر اجتهاد تک‌گزاره‌ای و فردی در سطح کلان و وسیع‌تر به مسائل و موضوعات نگاه جامع و مجموعه‌ای خواهد داشت (اعرافی، ۱۳۹۵، ص. ۱۳۳). در فقه فردی، اجتهاد تک‌گزاره‌ای بوده ولی

منظومه‌سازی باعث کشف سؤالات تازه‌ای در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی می‌شود. با بررسی عمیق‌تر و طرح سؤال و جواب، رویکرد از فقه فردی به اجتماعی و کلان تغییر می‌کند.

راهیابی فقه سیاسی به نظریه‌ای کارآمد و هماهنگ با نیازهای زمان، به پژوهش‌های دقیق و ژرف‌اندیشی درازمدتی نیاز دارد. فقه سیاسی دارای هویتی جمعی و کارکردگرا و وظیفه‌است و سامان دادن به زندگی اجتماعی را بر عهده دارد (باقری، ۱۳۸۸، ص. ۱۲). اجتهادی که ماحصل آن تولید احکام شرعی در جواب مکلفان باشد متمایز از اجتهادی کلان‌نگر است. اجتهاد قوه‌ای است که با آن می‌توان به حکم فرعی کلی یا وظیفه عملی رسید و فروع فقهی را از اصول مربوطه و منابع استخراج نمود؛ اما معنی افتا آن است که مجتهد از حکم فرعی کلی یا وظیفه عملی که با آن به استنباط رسیده است خبر می‌دهد (ابن قدامه، ۱۹۶۸، ص. ۵۳). نظریه عین فتوایی است که در مسئله جزئی داده می‌شود. در آنجا هم تبیین بشری هست. لیکن در نظریه‌پردازی جهد بیشتری نیاز است منتها از نظر اعتبار همان اعتبار را دارد. همان اصول و ضوابط را باید رعایت بکند (اراکی، ۱۳۹۳، صص. ۴۷-۴۸). نظریه‌پرداز نمی‌تواند به خارج از ادله شرعی استناد کند که خود باعث عدم انسجام گزاره‌های نظریه و خروج نظریه از حدود دین می‌شود. دایره قلمرو و شمول نظام، فراتر از نظریه است. گاهی چند نظریه نظام را شکل می‌دهد؛ به عنوان مثال، می‌توان از نظام سیاسی در اسلام نام برد که خود شامل نظریه‌های متعدد و متفاوتی هستند (شفیعی، ۱۳۹۷، ص. ۱۸).

۷. اهمیت راهبردی نظریه‌پردازی فقهی در قانون‌گذاری

در منطقه‌الفراغ که حکم الزامی از سوی شارع مقدس وارد نشده است و قلمرو آزادی است که ولی امر می‌تواند طبق مصالح در آن قانون‌گذاری و نظریه‌پردازی کند. این مسئله از ابتکارات شهید محمد باقر صدر می‌باشد. در اعتبار نظریه‌پردازی فقهی همین بس که از ادله و گزاره‌های فقهی معتبر اخذ شده و تحت ولایت ولی امر بودن بر اعتبار آن صحه می‌گذارد.

در بعضی جوانب مذهب اقتصادی در اسلام، استنباط مستقیم و مباحثرتی از نصوص ممکن است؛ اما در بسیاری از نظریات و افکار و اندیشه‌های اساسی که مذهب اقتصادی از آنها سامان می‌یابد، به شیوه مستقیم امکان دستیابی به آنها از نصوص وجود ندارد؛ بنابراین، تنها راه دستیابی به آنها از طریق غیرمستقیم است،

یعنی بر پایه سنگ‌بنای فوقانی در عرصه اسلامی و با توجه به احکامی که اسلام عقود و حقوق را بر اساس آنها نظم داده است (صدر، ۱۴۱۷ق، صص. ۳۷۱-۳۷۲). منظور از فتوایی که توان اداره بهتر جامعه را داشته باشد، فتوایی است که قدرت حل موضوع پیش‌آمده برای جامعه را دارد و بتواند انسجام فتوایی در عرصه اجتماعی را حفظ کند. در این مواقع فقهی که درصدد استنباط نظام‌های اسلامی و مدیریت فقهی جامعه است می‌تواند از فتوای غیرکارآمد و نامتلائم خود عدول کند (ارسطا و رجایی، ۱۴۰۰، ص. ۳۳).

فتوایی باید به‌عنوان فتوای معیار برگزیده شود که با فتاوای دیگری که در وضع قوانین مورد استفاده قرار گرفته است، هماهنگی و انسجام بیشتری داشته باشد؛ به‌گونه‌ای که مجموعه آنها یک نظام منسجم را تشکیل دهند. این ویژگی برگرفته از نظام‌مندی و ساختارمندی فقه و حقوق است. به این بیان که اسلام دارای نظام‌های مختلف اجتماعی است (اراکی، ۱۳۹۳، ص. ۲). در این صورت فتوایی باید تحت نظریه برای تقنین قرار گیرد که همسو با فتاوای ولی‌امر باشد که ما حاصل آن قوانین منسجم و معتبر است.

شهید صدر می‌گوید: «من در تدوین نظام اقتصادی اسلام، فقط به فتاوای فقهی خود اکتفا نکرده‌ام؛ زیرا در برخی موارد با مسائلی مواجه شده‌ام که فتوای خودم نتوانسته رافع آن مسئله باشد یا توانایی ایجاد نظام منسجمی را نداشته است». ایشان بر این مطلب تصریح دارد که اگر خود فقیه هم در همان موضوع دارای رأی فقهی باشد، در این صورت هم می‌تواند برای ایجاد نظام‌های اسلامی أخذ به فتوای دیگری کند (صدر، ۱۴۱۷ق، ص. ۴۹).

بین نظریه فقهی و نظام فقهی بیشترین همسویی و قرابت وجود دارد (الاشقر، ۱۴۰۲ق، ص. ۲۰۸). نظام فقهی یعنی جمعی از ارکان ادله شرعی و فتوایی است که موضوع واحدی حاکم بر همه عناصر آن و بین آنها ترابط فقهی برقرار ساخته است. نظریه‌پردازی همسو با فتاوا و سیاست‌های کلان ولی‌امر بهترین علاج در مقابل اختلاف فتوا در مقوله قانون‌گذاری می‌تواند باشد. هم نوآوری داشته و هم طبق شرع مقدس قانون‌گذاری از اختیارات حاکم اسلامی است مراعات شده و هم ترابط بین احکام صورت خواهد گرفت. حکومت برای اداره کشور به قوانین خرد و کلان احتیاج دارد که باید لازم‌الاجرا باشند وگرنه اداره کشور ممکن نخواهد بود. اعتبار این قوانین تابع استنباط آنها با ادله شرعی بوده و درعین حال، آنها باید از عقلانیت و کارایی برخوردار باشند.

به‌طورمثال «نظریه حقوقی عقد»^۱ که در حقوق غرب مطرح است. در فقه نیز می‌توان نظریه مطابق آن را طرح کرد. بین قدما، نظریه عام در خصوص عقد وجود نداشت. فقه سنتی فقط عقود معینی را به‌طور جداگانه مورد واکاوی قرار داده و اندیشمندان بایستی برای نظریه عام در مورد عقد، از میان احکام متعدد این عقود، احکام واحدی را که به‌طور غالباً بر کل عقود حاکم است، به‌دست آورند (سنه‌وری، بی‌تا، صص. ۱۹-۲۰).

سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری که توسط مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) ابلاغ شد آمده است: «نظارت بر عدم مغایرت یا انطباق قوانین با سیاست‌های کلی نظام با همکاری شورای نگهبان و مجمع تشخیص مصلحت نظام و تصویب قوانین لازم برای تحقق هر یک از سیاست‌های کلی نظام» (خامنه‌ای، ۱۳۹۸).

یکی از توصیه‌های مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) به مجالس؛ علاج مشکل «تراکم قوانین» است می‌فرمایند: قوانین فراوانی تکراری متناقض و متعارض داریم که باید یک فکری برای این قوانین شود و قوانین باید تهذیب شود و می‌فرمایند: مجلس باید مسیر قانون‌گذاری خود را به شیوه‌ای تنظیم کند که رویکرد آن قوانین، بلندمدت و جامع باشد (www.khamenei.ir) و در سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری شاخصه‌های قانون را نیز بیان فرمودند و این امر با قرار دادن نظریه پردازی فقهی در فرایند قانون‌گذاری میسر می‌شود.

در پایان می‌توان بر این مطلب تصریح داشت که نظریه‌پردازی فقهی متمایز از رأی، قاعده فقه، تبویب فقهی و پارادایم فقهی است. با توجه به رشد نظریه‌پردازی حقوقی به‌منظور قانون‌گذاری در غرب بر فقه‌های مذاهب اسلامی لازم است که با جهد فراوان از منابع غنی فقه اسلامی در راستای نظریه‌پردازی فقهی در حوزه قانون‌گذاری بهره گیرند تا الگوهای فقهی مناسب برای سنجش موافقت قوانین با شرع تنظیم گردد. نظریه‌پردازی فقهی مبتنی بر سیاست‌های کلان ولی‌امر مسیر را بر قوه مقننه و شورای نگهبان در فرایند قانون‌گذاری هموار کرده و نقش راهبردی در فرایند قانون‌گذاری می‌تواند داشته باشد.

در صورتی که فقیه قانون‌گذار (فقه‌های شورای نگهبان) براساس فتوای خود نظریه‌پردازی کند هم اعتبار علمی دارد و هم اعتبار عملی دارد؛ اما اگر فتوای خود را موافق مصالح جامعه نداند و بخواهد به فتاوای فقه‌های دیگر استنباط نظریه نماید،

اعتبار علمی دارد ولیکن برای آن فقیه اعتبار عملی ندارد. از این رو تقنین و تشریع از اختیارات ولی امر است و ضروری است که نظریه پردازی برای قانون گذاری تحت ولایت حاکم اسلامی باشد. در این صورت، این فتوا هم برای همان فقیه اعتبار عملی نیز خواهد داشت.

پس می توان گفت: قانون گذاری مبتنی بر فقه این نیست که فقط از فتاوی موجود، قوانین اقتباس شود بلکه نیاز است با عمقی نگری و کلی نگری به ادله شرعی، گزاره های فقهی گسترده تری استخراج و بر اساس آن، نظریه پردازی فقهی صورت گیرد تا قوانین بر مبنای شرع مقدس، به گونه ای منسجم و مستحکم و راهبردی پاسخگوی مسائل روز و نیاز جامعه اسلامی معاصر باشد. نظریه پردازی فقهی تحت ولایت ولی امر، نگاه حاکمیتی و راهبردی و الگو مدارانه در فرایند قانون گذاری می تواند باشد.

نتیجه گیری

نظریه پردازی نگاه مجموعه ای به انگاره ها و گزاره های فقهی و مفاهیم و اصول است در صورت ارتقاء تبدیل به قانون می شود. در نظریه پردازی، کلان نگری به فقه فراتر از فقه الاحکام بوده و نظریه پرداز نگاه وسیع و اجتماعی تر و کارگشایتر دارد.

نظریه پردازی مجموعه ای از فتاوی هماهنگ و منسجم و گزاره های فقهی است که مسائل مستحدثه مبتلابه بالاتکلیف، ذیل نظریه فقهی قرار گرفته و تعیین تکلیف می شوند. در قانون گذاری استناد قانون به فقه با توجه به احتیاجات جامعه اسلامی، نیاز به نظریه های متعدد فقهی است که سبب انسجام در قوانین و ژرف نگری و تأمل در نصوص در جریان قانون گذاری با واسطه نظریه پردازی است

نظریه پردازی فقهی تحت حاکمیت ولی امر رویکردی کلان و راهبردی به فرایند قانون گذاری است و همانا تجمیع و الگوسازی مناسب در حوزه قانون گذاری مقتبس از شرع با مراعات مصالح و اقتضائات زمان و مکان است که بر اساس فتاوی ولی امر و فتاوی هماهنگ با آنها سبب انسجام و کارآمدی قوانین و نگاه کلان و اجتماعی و مصلحت اندیشانه به قضایا و ساماندهی مسائل مستحدثه ذیل نظریه های فقهی شده و مانع از تشتت آرا می شود. ژرف اندیشی در نصوص و افزایش قواعد فقهی، نظریه های فقهی موثق ایجاد کرده و تنظیم و تجمیع گزاره های فقهی موجب ایجاد الگوهای ساختارمند، کلان و نظام مند جهت تدوین قوانین منسجم و مستحکم می شود که از تدوین قوانین تکراری و متناقض و ناکارآمد و تراکم قوانین ممانعت می کند؛ بنابراین نظریه پردازی فقهی در روند تقنین در حکومت اسلامی نقش راهبردی خواهد داشت.

فهرست منابع

قرآن کریم.

آخوند خراسانی، محمدکاظم (۱۴۰۹ق). *کفایه الاصول*. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام)، لإحياء التراث.

ابن قدامه، عبدالله بن احمد (۱۹۶۸م). *المغنی*. قاهره: مکتبه القاهره.

ابن بایویه، محمد بن علی (۱۳۶۲). *خصال*. قم: جامعه مدرسین.

اراکي، محسن (۱۳۹۳). *فقه نظام سیاسی اسلام*. قم: انتشارات مجمع الفکر الاسلامی.

ارسطا، محمدجواد و رجایی، مهدی (۱۴۰۰). *فقه جامعه محور، بستر بازشناسی فتوای معیار در قانون گذاری*. حکومت اسلامی، (۱۰۰)، ۴۶-۲۳.

الاشقر، عمر سلیمان (۱۴۰۲ق). *تاریخ الفقه الاسلامی*. کویت: مکتبه الفلاح.

اعرافى، علیرضا (۱۳۹۵). *درآمدی بر اجتهاد تمدن ساز*. قم: مؤسسه اشراق و عرفان.

انصاری، مرتضی (۱۴۱۵ق). *القضا والشهادات*. قم: لجنه تراث الشیخ الاعظم.

باقری، احمد (۱۳۸۸). *اجتهاد و بسترهای نظریه پردازی در فقه سیاسی شیعه در دوران معاصر*. مطالعات/انقلاب اسلامی، (۱۶)، ۱۰۷-۱۴۰.

تسخیری، محمدعلی (۱۳۹۰). *اجتهاد و نواندیشی*. بی جا: اندیشه تقریب.

توسلی، غلامعباس (۱۳۷۶). *نظریه های جامعه شناسی*. تهران: سمت.

جعفری، محمدکاظم (۱۳۷۹). *تهدید قدرت سیاسی از دیدگاه شیعه*. راهبرد، (۱۸)، ۱۷۹-۲۰۶.

حافظنیا، محمدرضا (۱۳۸۳). *مقدمه ای بر روش تحقیق در علوم انسانی*. تهران: سمت.

حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ق). *وسائل الشیعه*. قم: لإحياء التراث.

حسینی، سیدمحمد (۱۳۹۳). *فقه المقاصد والتنظیر. ثقافتنا*، (۳۷)، ۶۶-۵۷.

خادمی (۱۹۹۸م). *الاجتهاد المقاصدی حجتہ ضابطه مجالته*. الدوحه: وزاره الاوقاف والشئون الاسلامیه.

خامنه ای، سید علی (۱۳۹۸). *سیاست های کلی نظام قانون گذاری*. بازیابی از: WWW.Khamenei.ir

خمینی، سیدروح الله (۱۳۶۸). *البیع*. قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.

خمینی، سیدروح الله (۱۴۲۶ق). *الاجتهاد و التقليد*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار الإمام الخمينی.

خوانساری، جمال الدین محمد (۱۳۶۶). *بارع جمال الدین بر غررالحکم و دررالكلم*.

تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

خویی، ابوالقاسم (بی‌تا). *مبانی تکمله المنهاج*. نجف: مطبعه الاداب.

دانایی فرد، حسن (۱۳۸۹). *نظریه پردازی؛ مبانی و روش‌شناسی*. تهران: سمت.

دوسری، مسلم بن محمد (۱۴۲۸ق). *الممتع فی القواعد الفقهی*. ریاض: دارزدنی.

راغب اصفهانی، حسین (۱۴۰۴ق). *مفردات فی غریب القرآن*. بی‌جا: دفتر نشر کتاب.

رهنورد، ف. ا. (۱۳۸۰). مدیریت فقه و نظریه‌های نوین. راهبرد، (۲۲)، ۳۵۳-۳۶۸.

زرqa، مصطفی احمد (۱۴۲۵ق). *المدخل الفقهی العام*. دمشق: دارالقلم.

زملی، مصطفی ابراهیم (۱۳۹۴). *اصول الفقه فی نسجه الجدید*. تهران: نشر احسان.

سبحانی، جعفر (۱۳۷۰). *مبانی حکومت اسلامی*. قم: انتشارات توحید.

سنهوری، عبدالرزاق (بی‌تا). *مصادر الحق فی الفقه الاسلامی*. بیروت: دارالاحیاء التراث

العربی.

سیوری حلی، مقداد بن عبدالله (۱۳۶۱). *نضد قواعد الفقهیه علی مذهب الامامیه*. قم:

کتابخانه آیت الله مرعشی.

شفیعی، علی (۱۳۹۵). درآمدی بر نظریه در فقه. *جستارهای فقهی و اصولی*.

شفیعی، علی (۱۳۹۵). *نظریه پردازی در فقه و اصول*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ

اسلامی.

شفیعی سروستانی، اسماعیل (۱۳۹۵). *فقه و قانون‌گذاری*. قم: کتاب طه.

شفیعی، علی (۱۳۹۷). درآمدی بر نظریه در فقه. *جستارهای فقهی و اصولی*، (۱۱)،

۲۹-۷.

شهید اول، محمد بن مکی (بی‌تا). *القواعد و الفوائد*. قم: کتابفروشی مفید.

صاحب جواهر، محمدحسن (۱۳۶۲). *جواهر الکلام*. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۱۰ق). *الاسلام یقود الحیاة*. بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.

صدر، سیدمحمدباقر (۱۴۱۷ق). *اقتصادنا*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۳۸). *ظهور شیعه*. قم: شریعت.

طباطبایی، سیدمحمدحسین (۱۳۷۳). *المیزان فی تفسیر القرآن*. قم: انتشارات جامعه

مدرسین.

عبدالله ابن بیه (۱۳۹۰). *صنعت فتوا و احکام اقلیت*. ترجمه عبدالظاهر سلطانی.

تهران: احسان.

علی اکبریان، حسنعلی (۱۴۰۱). مقایسه نظریه تراحم واجب شرطی در قانون‌گذاری

با نظریات دیگر. فقه، (۱)، ۳۳-۹.

عزید زنجانی، عباسعلی و موسی زاده، ابراهیم (۱۳۸۹). نظارت بر اعمال حکومت و عدالت/اداری. تهران: دانشگاه تهران.

فخر رازی، محمد بن عمر (۴۲۰ق). مفاتیح الغیب/والتفسیر الکبیر. بیروت: دارالاحیاء التراث العربی.

فیض الله (۱۹۸۳م). نظریه الضمان فی الفقه الإسلامی العام. بی جا: مکتبه التراث الاسلامی.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الاصول الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
مبلغی، احمد (۱۳۸۲). پارادایم های فقهی. فصلنامه کاوشی نو در فقه، (۳)، ۳-۲۴.
مبلغی، احمد (۱۳۹۰). النظریه الفقهی، امکاناتها و مکنوناتها. فصلنامه پژوهش های اصولی، (۱۱)، ۱۱۵-۱۴۴.

متقی هندی، علی بن عبدالملک (۲۰۱۰م). کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال. بیروت: دار الاحیاء التراث العربی.

محدث نوری، حسین (۱۴۰۸ق). المستدرک. قم: مؤسسه آل البيت (علیهم السلام) لإحياء التراث.

محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۰۸ق). جامع المقاصد. قم: مؤسسه آل البيت.
محمصانی، صبحی (۲۰۰۵م). العفو فی شریعه الاسلامیه. بیروت: نشر بیروت.
مصطفی، ابراهیم و دیگران (۱۴۲۵ق). المعجم الوسیط. قاهره: مکتبه الشروق الدولیه.
مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۷ق). مقنعه. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
مؤمن، محمد (۱۳۸۴). جایگاه احکام حکومتی و اختیارات ولی فقیه. قم: نشر صبح میثاق.

نائینی، حسین (۱۳۸۲). تنبیه الامه و تنزیه المله. قم: بوستان کتاب.
هادوی تهرانی، مهدی (۱۳۳۷). ولایت فقیه (مبانی ادله ها و اختیارات). تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

References

The Holy Quran.

Aarafi (1395). An Introduction to civilization maker Ijtihad. Qom. Eshraq and Erfan institute. (In Persian)

Abdullah ibn Abih (1390). Fatwa industry and minority rulings. (Abdulqahir Jorjani: translator). Tehran. Nashre Ehsan. (In Persian)

Addusari. (1428). Fun in jurisprudential rules. Riyaz. Dar zedni. (In Arabic)

Akhund Khorasani (1409). Sufficiency of assets. Alul-Bayt Foundation (pbut) for the revival of heritage. (In Arabic)

Alashqar (1402). history of Islamic Fiqh. Kuwait. Maktabul fallah. (In Arabic)

Aliakbarian (1401). Comparison of the theory of conditional obligatory conflict in legislation with other theories. Fiqh. 9-33. (In Persian)

Alkhademi (1998). Purposeful diligence, its argument, its controls, and its scope. Duha. The Ministry of Awqaf and Islamic Affairs. (In Arabic)

Alkolayni (1407). Alusul alkafii. Tehran. Darul kutubul islamiya. (In Arabic)

Allame Tabatabayee (1338). The Rise of Shia.Qom.Shariat. (In Persian)

Allame Tabatabayee (1373). Almizan fi tafseer alQuran. Qom. Jamee Modarresin. (In Arabic)

Alzarqa (1425). General jurisprudential introduction. Damascus.Darul Qalam. (In Arabic)

Amid Zanjani & Musazade (1389). Supervising the work of government and administrative justice.Tehran. Tehran University Press. (In Persian)

Araki (1393). Islamic Political Fiqh. Qom. Islamic Thought Academy. (In Persian)

Arasta & Rajae (1400). Social Fiqh. Reunderstanding Criterion Fatwa in Legislation. Islamic Government. 23-46.

Ayatollah Khamenei (1398). Communicating the general policies of the legislative system.Retrieved from www.khamenei.ir. (In Persian)

Danayifard (1389). Theorizing, Principles and Methodology. Tehran. Samt. (In Persian)

Fakhr Razi (1420). The keys to the unseen or the great interpretation. Beirut.Darul ihya atturas alarabi. (In Arabic)

Feyzullah (1983). The theory of guarantee in general Islamic jurisprudence (n.d). Maktab alturas alislami. (In Arabic)

Hadavi Tehrani (1337). Velayat al-Faqih (basics, arguments and authority). Tehran. Cultural institute of contemporary knowledge and thought. (In Persian)

Hafeznia (1383). An Introduction to Research methods in Humanities. Tehran. Samt. (In Persian)

Hor ameli (1416). Shiite means. Qom. revival of heritage. (In Arabic)

Hosseini (1393). Jurisprudence of objectives and theorizing.Thafaqatna. 57-66. (In Arabic)

Ibn Qudama (1968). Almuqni. Cairo. Maktabul Qahira.(in Arabic)



- Imam Khomeini (1368). Albay.Qom. Ismailian Publication. (In Arabic)
- Imam Khomeini (1426). Ijtihad and imitation.Tehran. Institution for organizing and publishing the works of Imam Khomeini. (In Persian)
- Karaki (1408). Jami almaqasid.Qom. Alulbayt. (In Arabic)
- Khansari (1366). Description of Researcher Bare Jamaledin Mohammad Khansari on Qurarulhikam and Durarulkalim. Tehran.Tehran University Press. (In Arabic)
- Mahmasani (2005). Alafv fi Sharia Alislami. Beirut. Beirut Press. (In Arabic)
- Mofid (1417). Moghnee. Qom. Alnashr Alislami Press. (In Arabic)
- Momen (1384). The position of government rulings and the authority of the legal guardian. Qom: Sobhe Misaq. (In Persian)
- Muballeqi (1382). Fiqhi Paradims.A new Research in Feqh, 3-24. (In Persian)
- Muballeqi (1390). Annazariyatul fiqhiiia,imkaniiatuha wa mokawinatuha, Usul Researches journal. 114-115. (In Arabic)
- Muhadis Noori (1408). Almustadrak. Qom. Institute of Alulbayt liihya atturas. (In Arabic)
- Musavi Khoyee (n.d). Fundamentals of Takmela Alminhaj. Najaf. Matba Aladab. (In Arabic)
- Mustafa Ibrahim, Ahmad Azzyat, Hamid Abdulqader & Muhammad Annajar (1425). Almujam ulwaseet. Cairo: Maktaba ashshuruuq adduwalia. (In Arabic)
- Muttaqi Hindi (2010). Kanzul ummal fi sunanul aqwal wal afaal. Beirut: Darul ihya atturasul arabi. (In Arabic)
- Naeeni (1382). Tanbeeh ul-umma va Tanzih ul-millah.Qom. Boostane Ketab. (In Arabic)
- Najafi (1362). Javahir ulkalam. Beirut. Darul ihya atturas alarabi. (In Arabic)
- Ragheb Isfahani (1404). Mufradat fi Qarib AlQuran.Nashrul Kitab. (In Arabic)
- Sadr (1410). Alislam yaqud ulhayat.Dar ultaaruf lilmatbuat. (In Arabic)
- Sadr (1417). Our Economy.Qom.Daftare Tablighat Eslami. (In Arabic)
- Saduq (1362). Khesal. Qom.Jamee Modarresin. (In Arabic)
- Sanhoori. (n.d). Sources of truth in Islamic jurisprudence. Beirut. Dar Al-Ahya, Arab Heritage. (In Arabic)
- Seyyed Bagheri (1388). Ijtihad and backgrounds of theorizing in Shiite political jurisprudence in contemporary circulation. Islamic Revolution Studies. 16-107-139. (In Persian)
- Shafii (1397). An Introduction to Theory in Fiqh. Fiqhi and Usuli Researches. (In Persian)
- Shafii Sarvestani (1395) Fiqh and Legislation. Qom.Taha Book. (In Persian)
- Shahide Avval (n.d). Alqavaid va lfavaid. Qom. Mofid. (In Arabic)
- Sheykh Ansari (1415). Alqaza va Alshahadat. Qom. Sheikh Al-Azam Heritage Committee. (In Arabic)
- Sobhani (1370). Islamic government buildings. Qom. Tohid Press. (In Persian)
- Soyoori (1361). Against the principles of jurisprudence based on the

- Imami Religion.Qom. Ayatullah Marashi Library. (In Arabic)
Taskhiri (1390). Ijtihad and new thinking. Thought of approximating. (In Persian)
Tavassoli (1376). Theories of sociology. Tehran. Samt. (In Persian)
Zomali (1394). The principles of jurisprudence in its new fabric.Tehran. Ehsan Press. (In Persian)



راهبردها و فرایندهای احراز شایستگی قضات در تمدن اسلامی

غلامرضا منتظری

استادیار تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی، گروه معارف اسلامی، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی، گرگان، ایران.

montazeri1404@gmail.com

id 0000-0001-8653-7543

مصطفی منتظری

استادیار علوم سیاسی، گروه آموزشی الهیات، حقوق و معارف اسلامی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه گلستان، گرگان، ایران (نویسنده مسئول).

m.montazeri@gu.ac.ir

id 0000-0001-8653-7543

چکیده

شایسته‌گزینی در مناصب، به‌ویژه در مسند قضاوت، از مهم‌ترین راهبردها در حکمرانی مطلوب و دستیابی به تمدن نوین اسلامی محسوب می‌شود. برای نیل به این مهم، بهره‌مندی از تجربه گران‌سنگ تمدن اسلامی، از اهمیت به‌سزایی برخوردار است. به‌دلیل نقش مهم دیوان قضا در تحقق عدالت اجتماعی، امنیت و رفاه عمومی، همواره در سازمان اداری و تمدن اسلامی از جایگاهی حساس برخوردار بوده است و حاکمان اهتمام ویژه‌ای در تعیین شخصیت مناسب برای این جایگاه داشته‌اند. براین‌اساس، دو پرسش اساسی در دستور کار این پژوهش قرار گرفت: نخست آنکه آیا معیارها و راهبردهایی برای انتخاب دادرسان وجود داشته است؟ در صورت مثبت بودن پاسخ، پرسش از روش‌ها و فرایندهای احراز صلاحیت افراد شایسته مطرح می‌شود. در این پژوهش، با بهره‌مندی از روش توصیفی - تحلیلی و مراجعه به اسناد کتابخانه‌ای، ابتدا به طرح سیر تاریخی منصب قضا مبادرت شده است و سپس به تبیین پاسخ‌ها به پرسش‌های موردنظر با الهام از متون مرتبط با آیین کشورداری اهتمام شده است. براین‌اساس، شروط متعددی از جمله شروط صحت داوری و ویژگی‌های شخصیتی مورد توجه زمامداران بوده است، که از آن‌میان می‌توان به تحقیق میدانی، مصاحبه حضوری، بررسی تجارب گذشته و... برای دستیابی به انتخابی احسن اشاره کرد.

کلیدواژه‌ها: راهبرد، منصب قضا، شایسته‌گزینی، تمدن اسلامی، تاریخ.



مقدمه و بیان مسئله

حکمرانی خوب، از جمله مسائلی است که به قدمت تاریخ بشر، به عنوان یکی از مهم ترین دغدغه های جامعه انسانی شده است و برای تحقق آن، اندیشمندان، سیاست ورزان و پژوهشگران بسیاری آثاری را به زیور طبع آراسته اند (آدینه وند و علیان، ۱۳۹۵). راهبرد نیز طرز نگرشی برای کشف فرصت ها و منافع نهفته در آنهاست (مسلمی و فاضلی، ۱۳۹۷). در این میان، برقراری عدالت، به عنوان یک راهبرد اساسی، در ابعاد مختلف سیاسی، اقتصادی و اجتماعی، یکی از مهم ترین انتظارات مردم از زمامداران در طول تاریخ برای تحقق نوع مطلوبی از حکمرانی بوده است. حکمرانان نیز با وقوف به سهم و نقش عدالت محوری در ثبات و مقبولیت حکومت ها، همواره در تلاش بوده اند تا خود را دوستدار و مدعی عدالت نشان دهند. از آنجاکه عدالت در بخش اجتماعی به ویژه رسیدگی به حقوق مردم، رابطه معناداری با قضات و دادرسان دارد، دو پرسش اساسی در مورد متصدیان منصب قضا، به ویژه در عصر عباسیان، مبنای این پژوهش قرار گرفته است:

یکم، چه معیارها و ویژگی ها برای تصدی این منصب در دستور کار سازمان اداری بوده است؟

دوم، از چه راهبردها و شیوه هایی برای احراز شایستگی سود می بردند؟
با پاسخ به این دو پرسش، تصویر روشن تری از میزان پایبندی حاکمان و والیان به اصل شایسته سالاری و شایسته گزینی در تاریخ تمدن اسلامی ارائه خواهد شد.

۱. پیشینه پژوهش

با بررسی های انجام شده، پژوهش هایی در مورد منصب قضا با تکیه بر سیر تاریخی و کارکردها صورت گرفته است، آثاری که بیشتر جنبه فقهی داشته و با الهام از منابع و متون اسلامی، توسط برخی از عالمان دینی، فقها و یا قضات برای استفاده حاکمان و دولتمردان اسلامی به رشته تحریر درآمده اند که از آن میان می توان به آثاری نظیر: ادب القضا نوشته ابن ابی الدم و ادب القاضی اثر ماوردی اشاره نمود. در این آثار، اطلاعات دقیق و سودمندی از سیر تاریخی دیوان قضا، شروط و حدود اختیارات قضات، منصب قاضی القضا و دیوان مظالم ارائه شده است که در پژوهش حاضر بر حسب نیاز مورد بهره برداری قرار می گیرد. علی رغم وجود چنین آثاری، اثری مستقل با رویکرد مورد نظر این پژوهش، انجام نشده است و کمتر از این منظر بدان پرداخته

شده است. به این معنا که با نگاهی مسئله‌محور، در کنار مروری مختصر بر سیر تاریخی و وظایف منصب قضا، معیارها و شاخصه‌های گزینش دادرسان و فرایند احراز شایسته‌سالاری برای داوطلبان این منصب در دستور کار قرار گرفته باشد.

۱-۱. شکل‌گیری و سیر تحول

منصب قضا از جمله مشاغل دینی است که در سازمان و تشکیلات دولتی مسلمانان همواره از ارزش و اهمیت والایی برخوردار بوده است. بر این اساس در آرای متفکران اسلامی، رجال دیوانی و یا فرامین حکومتی از آن به عنوان «کاری مهم و حساس» (نظام‌الملک طوسی، ۱۳۷۸، ص. ۵۶)، «مهم‌ترین مسئولیت دینی» (جوینی، ۱۳۲۹، ص. ۴۵)، «رکنی از ارکان استقامت مملکت» (راوندی، ۱۳۶۴، ص. ۳۸۷)، «طراوت بخش اسلام» (بغدادی، ۱۳۱۵، ص. ۶۱) و «برترین کارها در پیشگاه خدا» (ابن خلدون، ۱۳۷۵، ص. ۶۰۰) یاد شده است.

با توجه به اهمیت و حساسیت امر قضاوت^۱ در سال‌های آغازین حکومت و خلافت، رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و خلفا شخصاً به انجام این وظیفه مبادرت می‌نمودند؛ اما گسترش فتوحات و ضرورت رسیدگی به دعاوی و مشکلات مردم سبب شد تا افرادی با عنوان «قاضی» خلیفه را در انجام این مسئولیت مساعدت نمایند. عمر اولین خلیفه‌ای بود که تنی چند از افراد قابل اعتماد را به نیابت از خویش برای امر دادرسی در مدینه، بصره و کوفه تعیین نمود و در ادوار بعدی نیز، گسترش قلمرو حکومت، افزایش وظایف دیوانی و ضرورت پاسخگویی به سطح انتظارات اقشار مختلف، خلفا و حکمرانان را بر آن داشت که این مسئولیت را به افرادی امین، عادل و قابل اعتماد در بلاد مختلف محول نمایند (زیدان، ۱۴۱۵ق، ص. ۱۸۸) و همین امر سبب شد تا منصب قضا به تدریج و به اقتضای شرایط سیاسی و اجتماعی به دیوانی مستقل در تشکیلات دولتی تبدیل شود و بر جایگاه، وظایف و کارکنان آن افزوده گردد، نقطه اوج این تحول را می‌توان در عصر عباسیان - به ویژه در دوره اول و دوم - جستجو نمود؛ زیرا نظام حقوقی اسلام در این عصر تحت تأثیر عناصر فکری و فرهنگی ایرانی که در فقه اسلامی تبخّر داشتند از لحاظ علمی و

۱. از رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) روایت شده که فرمود: «هر که را به شغل قضا گماشتند گویی بی‌کارد ذبحش کردند» (ابن‌خوئه، ۱۳۶۷، ص. ۲۲۷) و نیز از امام علی (علیه‌السلام) روایت شده که به شریح قاضی فرمود: «ای شریح به تحقیق که نشسته‌ای مجلسی را که نمی‌نشیند آن را مگر پیغمبری یا وصی پیغمبری» (محقق حلی، ۱۳۴۶، ص. ۱۶۲۲).

عملی گسترش یافت و زمینه نهادینه شدن سازمان قضایی نیز فراهم آمد (امین، ۱۳۸۲، ص. ۲۱۰). پیدایش منصب «قاضی القضاة» (جونی، ۱۳۲۹، صص. ۵۱ و ۵۷ و بغدادی، ۱۳۱۵، ص. ۵۴)، تألیف آثاری با عنوان «ادب القاضی» و یا «آداب القضاة» به منظور پاسخگویی به نیازهای فقهی و حقوقی (امین، ۱۳۸۲، ص. ۲۱۰)، افزایش تعداد کارکنان و دستیاران قاضی (کندی، ۱۹۰۸م، ص. ۳۸۵؛ متز، ۱۳۶۲، ج ۱، ص. ۲۵۸؛ قلقشندی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، صص. ۲۷۹-۲۸۲ و سمعانی، ۱۴۰۱ق، ج ۱، ص. ۲۰۶)، استقلال قضایی برخی از قضاة (جهشیاری، ۱۳۴۸، ص. ۳۹۶ و ابن خلکان، ۱۴۱۷ق، ج ۲، ص. ۲۹۴) و انجام مأموریت‌های سیاسی و اجتماعی از ناحیه خلفا و سلاطین (ابن اثیر، ۱۳۶۴، ج ۹، ص. ۱۶ و ابن مسکویه، ۱۳۷۶، ج ۶، ص. ۱۲۱) را می‌توان از نشانه‌ها و پیامدهای چنین تحولی محسوب نمود.

روند دادرسی در روزگار فرمانروایی طاهریان «۲۶۰-۲۰۶هـ» صفاریان (۲۸۸-۲۴۷هـ)، سامانیان (۳۹۰-۲۰۴هـ)، آل بویه (۳۲۴-۴۴۷هـ)، غزنویان (۵۸۲-۳۵۱هـ) در قلمرو شرقی عباسیان نیز، متأثر از مرکز خلافت بوده و تفاوت‌چندانی به چشم نمی‌خورد (ساکت، ۱۳۸۲، صص. ۱۱۶-۱۱۹). تا اینکه به روزگار سلجوقیان (۵۹۰-۴۲۹هـ) و به‌ویژه در عهد ملک‌شاه سلجوقی در نتیجه اهتمام سلطان و مساعی وزیر با کفایتش - خواجه نظام‌الملک - امر دادرسی و واگذاری این منصب به افراد شایسته^۱ گام‌های مؤثرتری در جهت بهبود وضع قضایی - در مقایسه با دوره غزنویان - برداشته شد (بارتلد، ۱۳۶۶، ج ۱، ص. ۶۳۴ و امین، ۱۳۸۲، ص. ۲۸۴) و به‌منظور نظارت بر عزل و نصب قضات، منصب جدیدی به نام «قاضی القضاة» به‌وجود آمد (وطواط، ۱۳۳۸، صص. ۷۴-۷۵؛ لمبتون، ۱۳۸۰، صص. ۱۵۹-۱۶۹ و نخجوانی، ۱۳۵۷، ص. ۳۲۹) و بالاخره در عهد خوارزمشاهیان، که با سال‌های ضعف و انحطاط دولت عباسیان و حمله مغول مقارن گشته بود، نه‌تنها تحولی در امر دادرسی رخ نداد بلکه بر میزان رشوت و بی‌عدالتی دست‌اندرکاران امور قضایی - در مقایسه با ادوار پیشین - افزوده شد. به‌گونه‌ای که شیخ نجم‌الدین رازی با وجود روحیه محافظه‌کارانه‌اش، وضع موجود - در اوایل قرن هفتم - را مورد نقد قرار داده و می‌نویسد:

«این ضعیف در بلاد جهان، شرق و غرب قریب سی سال است تا می‌گردد، هیچ

۱. «باید که احوال قاضیان مملکت یگان‌یگان بدانند و هر که از ایشان عالم و زاهد و کوتاه دست باشد او را بر آن نگاه دارند و هر که چنین نبود او را معزول کنند و به دیگری که شایسته باشد بسپارند» (نظام‌الملک طوسی، ۱۳۷۸، ص. ۵۶).

قاضی نیافت که از این آفات (رشوت و کار بر مبنای نفس) مبرا و مصون باشد، آلا ماشاءالله. مع هذا اگر کسی از این خصال ناپسند پاک و مبرا باشد و به ضد این خصال حمیده موصوف، بر جاده شریعت و بدان سیرت و سریرت که شرح داده آمد، عالم عامل دل را متصف گردد... و از نادره جهان بود و به چنین قاضی تبرک نمودن و تقرب جستن واجب بود» (رازی، ۱۳۹۹، صص. ۴۹۸-۴۹۹).

۲-۱. ویژگی‌ها و شروط احراز منصب قضا

منصب قضا، از جمله مناصبی است که به دلیل صبغه دینی و نقش آن در تأمین امنیت و تحقق عدالت اجتماعی، مورد توجه بسیاری از فقها، عالمان دینی و رجال دیوانی قرار گرفته و در آثار خویش، از آداب، آیین دادرسی و معیارهای احراز این مسئولیت، سخن به میان آورده‌اند. از آن میان می‌توان به آثار ارزشمند ماوردی، فقیه و حقوقدان شافعی (د. ۴هـ) اشاره کرد که آراء و نظریه‌های او در زمینه مسائل حقوقی و حکومتی از جمله ویژگی‌های قاضی شایسته، نقش تعیین‌کننده‌ای در اندیشه فقهی عالمان بعدی داشته است، به گونه‌ای که از ویژگی‌های موردنظر وی، به عنوان شروط و ویژگی‌های مورد اتفاق فقها، به ویژه فقه‌های شافعی یاد شده است (علی الانباری، ۱۹۷۸م، ص. ۱۱۷).

از آنجاکه بسیاری از این معیارها با الهام از آموزه‌های دینی تعیین و تعریف شده‌اند؛ لذا وجه اشتراک و شباهت‌های زیادی بین آرای فقها و رجال دیوانی دیده می‌شود که به ذکر اهم آنها در دو قسمت، که یکی مکمل دیگری است، مبادرت می‌گردد.

۱-۲-۱. شروط صحت داور۱

- ۱- مرد بودن (ماوردی، ۱۴۰۶ق، ص. ۸۸؛ ماوردی، ۱۳۹۱ق، ج ۱، ص. ۶۳۵؛ ابن ابی الدم، ۱۴۰۴ق، ص. ۳۲۹؛ نرشخی، ۱۳۵۱، ص. ۶ و ابن اخوه، ۱۳۶۷، ص. ۲۲۸).
- ۲- بلوغ، یعنی رسیدن به سن تکلیف شرعی؛ بنابراین اگر مراهق (نابالغ اما نزدیک به بلوغ) از جهت استنباط احکام به درجه اجتهاد هم برسد، حق قضاوت ندارد (ماوردی، ۱۴۰۶ق، صص. ۸۸-۸۹ و نرشخی، ۱۳۵۱، ص. ۶).
- ۳- عاقل، یعنی کسی که از سلامت فکر و قدرت تعقل برخوردار باشد؛ بنابراین مجنون حق داور۱ و قضاوت ندارد (ماوردی، ۱۴۰۶ق، صص. ۸۸-۸۹ و ماوردی،

۱. این شروط بیشتر از ناحیه فقها و عالمان دینی مطرح شده و جدای از ویژگی‌های قاضی نمی‌باشد.

- ۱۳۹۱ق، ج ۱، ص ۶۱۹). اصول دادرسی جز با تجزیه و تحلیل عقلی تصورپذیر نیست. برای همین است که بسیاری از دانشمندان، عقل را مایه اصول نام نهادند (ماوردی، ۱۳۹۱ق، ج ۱، ص ۶۳۴).
- ۴- اسلام و ایمان، یعنی باور داشتن نبوت و خاتمیت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم)؛ بنابراین براساس قاعده اعتلاء «الْإِسْلَامُ يُعْلَوُ وَلَا يُغْلَى عَلَيْهِ» غیرمسلمان نمی تواند در میان مسلمانان داوری نماید (ماوردی، ۱۴۰۶ق، صص ۸۸-۸۹ و ابن اخوه، ۱۳۶۷، ص ۲۲۸).
- ۵- عدالت، یعنی عدم ارتکاب کبائر (گناهان بزرگ) و عدم اصرار بر صغائر (گناهان کوچک) به طور عادی.
- ۶- طهارت مولد (حلال زادگی) (ماوردی، ۱۴۰۶ق، صص ۸۸-۸۹؛ ماوردی، ۱۳۹۱ق، ج ۱، ص ۶۳۴ و نرشخی، ۱۳۵۱، ص ۶).
- ۷- حریت (آزاد بودن) (ماوردی، ۱۴۰۶ق، ص ۸۸).
- ۸- سلامت جسمی و روانی، یعنی تندرستی و صحت عادی در بینایی، شنوایی، گویایی و نداشتن نقص عضو جدی (از نظر بدنی) و نیز نداشتن اختلال حواس یا بیماری های روانی. در این صورت، شخص کور، کر یا لال و فراموش کار حق داوری ندارد (ابن ابی الدم، ۱۴۰۴ق، ص ۳۲۹؛ خنجی اصفهانی، ۱۳۶۴، ص ۱۲۶ و ماوردی، ۱۴۰۶ق، ص ۸۹).
- ۹- تخصص در احکام قضا (اجتهاد)، یعنی آگاه بودن از قوانین اسلام به طور عام و دانا بودن به احکام قضایی به طور خاص، به گونه ای که شخصاً قدرت استنباط احکام فرعی را با استناد به ادله اربعه فقه (قرآن، سنت، اجماع و عقل) داشته باشد (عنصرالمعالی، ۱۳۷۱، ص ۱۶۱؛ ماوردی، ۱۴۰۶ق، ص ۸۹ و ابن ابی الدم، ۱۴۰۴ق، ص ۳۲۹).

۲-۲-۱. ویژگی های شخصیتی (شروط کمالی)

- ۱- لیاقت و شایستگی (نظام الملک طوسی، ۱۳۷۸، ص ۵۲؛ عنصرالمعالی، ۱۳۷۱، ص ۱۶۱؛ جوینی، ۱۳۲۹، ص ۵۱ و زیدان، ۱۴۰۴ق، ص ۳۲).
- ۲- تقوا و پروا پیشگی (نظام الملک طوسی، ۱۳۷۸، ص ۵۷؛ عنصرالمعالی، ۱۳۷۱، ص ۱۶۱؛ جوینی، ۱۳۲۹، ص ۵۱ و بغدادی، ۱۳۱۵، ص ۴۹).
- ۳- ذکاوت و هوشمندی (عنصرالمعالی، ۱۳۷۱، ص ۱۶۱؛ ابن اخوه، ۱۳۶۷، ص ۲۲۷ و ماوردی، ۱۴۰۶ق، ص ۸۸).

- ۴- وقار و متانت (عنصرالمعالی، ۱۳۷۱، ص. ۱۶۱ و بغدادی، ۱۳۱۵، ص. ۴۹).
- ۵- استغنا و مناعت طبع (عنصرالمعالی، ۱۳۷۱، ص. ۱۶۱؛ ابن اخوه، ۱۳۶۷، ص. ۲۲۷؛ نظام‌الملک طوسی، ۱۳۷۸، ص. ۵۷ و جویی، ۱۳۲۹، ص. ۵۱).
- ۶- خردمندی (ماوردی، ۱۴۰۶ق، ص. ۸۸؛ ماوردی، ۱۳۹۱ق، ج ۱، ص. ۲۲؛ ابن ابی‌الدم، ۱۴۰۴ق، ص. ۳۲۹؛ ابن اخوه، ۱۳۶۷، ص. ۲۲۷ و عنصرالمعالی، ۱۳۷۱، ص. ۱۶۱).
- ۷- حلم و بردباری (ابن اخوه، ۱۳۶۷، ص. ۲۲۷ و عنصرالمعالی، ۱۳۷۱، ص. ۱۶۱).
- ۸- توانمندی (جویی، ۱۳۲۹، ص. ۵۱؛ بغدادی، ۱۳۱۵، ص. ۴۹ و ابن مسکویه، ج ۳، ۱۳۷۶، ص. ۴۵۴).
- ۹- پاکدامنی (نظام‌الملک طوسی، ۱۳۷۸، ص. ۵۹؛ ابن اخوه، ۱۳۶۷، ص. ۲۲۷-۲۲۸؛ جویی، ۱۳۲۹، ص. ۵۱ و بغدادی، ۱۳۱۵، ص. ۴۹).
- ۱۰- عدل و انصاف (ماوردی، ۱۴۰۶ق، ص. ۸۸؛ ۱۳۹۱ق، ج ۲، ص. ۲۲؛ ابن اخوه، ۱۳۶۷، ص. ۲۲۷ و غزالی طوسی، ۱۳۶۱، ص. ۲۱).
- ۱۱- قاطعیت در رأی (عنصرالمعالی، ۱۳۷۱، ص. ۱۶۱؛ ابن اخوه، ۱۳۶۷، ص. ۲۲۷ و راوندی، ۱۳۶۴، ص. ۲۸۷).

۳-۱. راهبردها و فرایند احراز شایستگی قضات

یکی از مسائل اساسی بعد از تعیین و تعریف شروط و ویژگی‌های لازم برای تصدی هر منصب، چگونگی و نحوه احراز صلاحیت و شایستگی داوطلبان و صاحب‌منصبان است. اگر با استفاده از روش‌های مؤثر، منطقی و قابل‌دفاع صورت پذیرد، مبنای انتصاب‌ها، گزینشی احسن خواهد بود. نتایج حاصله از این نحوه انتخاب، اسباب آرامش، اعتماد و اطمینان خاطر رهبران، زمامداران، مدیران ارشد و اقشار مختلف مردم را فراهم خواهد نمود. از این‌رو، «نحوه احراز شایستگی مدیران، کارگزاران و...» از جمله مواردی است که همواره مورد توجه نظام‌های حکومتی و سازمان‌های اداری بوده است و هر یک متناسب با اهداف خود، فرایند خاصی را برای دستیابی بدین مقصود تعریف نموده‌اند.

در دوره مورد پژوهش، عصر عباسیان - با توجه به اسناد و مدارک تاریخی، برنامه مدون و یا روش‌های معین و تعریف شده‌ای برای احراز صلاحیت قضات دیوان و مدیران وجود نداشته است که بتوان از آنها به‌عنوان شیوه‌هایی رسمی و ثابت یاد نمود بلکه برای احراز شایستگی داوطلبان برخی از مناصب، روش‌هایی اعمال می‌شد

که می‌توان از آنها به‌عنوان پشتوانه‌ها و تجارب ارزشمند مدیریتی در تمدن اسلامی یاد نمود. روش‌هایی که در عصر حاضر نیز به‌عنوان سازوکارها و شیوه‌های احراز صلاحیت در سازمان‌های اداری محسوب می‌شوند، عبارت‌اند از:

۱-۳-۱. بررسی و تحقیق از محل سکونت و نزدیکان

بررسی و تحقیق به‌منظور احراز عدالت و شایستگی قضات و کارکنان دستگاه قضایی به‌عنوان یک سنت و قاعده پسندیده در نزد برخی از خلفا و زمامداران عصر عباسیان، مرسوم و معمول بوده است که معمولاً مخفیانه انجام می‌شد. چنان‌که در بخشی از حکم انتصاب ابومحمد بن معروف از ناحیه خلیفه الطائع، به قاضی تأکید شد تا در دینداری و امانت شاهدان تحقیق و کاوش کند» (قلقشندی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، صص. ۲۸۰، ۲۷۹ و ۲۹۲).

به گفته کندی «هر گاه قضات، کسی که نزد ایشان شهادت می‌داد و به‌درستی شناخته و معروف بود، گواهی او را می‌پذیرفتند، در غیراین‌صورت برای آگاهی و شناخت بیشتر نسبت به او، به تحقیق و بررسی از همسایگان و نزدیکان او مبادرت می‌نمودند. غوث بن سلیمان، با توجه به ترویج گواهی دروغ، ناگزیر شد پنهانی در دوره گواهان بپرسند. چنانچه پس از بررسی، پرونده یکی از گواهان بسته می‌شد، در ادامه مورد استفاده قرار نمی‌گرفت و مانند یک فرد عادی، دنبال کار خود می‌رفت. مفضل بن فضاله نیز علاوه بر جستجو و تحقیق پیرامون گواهان، برای نخستین‌بار، سازمانی به‌نام صاحب مسائل را در مصر به‌وجود آورد. تا علاوه بر بررسی پرونده‌های مورد نیاز، پرسش درباره گواهان را نیز در دستور کار صاحب مسائل قرار دهد» (کندی، ۱۹۰۸م، صص. ۳۶۱ و ۳۸۵). علاوه بر قاضی، مزکی یا معدل نیز برای احراز عدالت و صداقت شهود، وضعیت و احوال آنان را بررسی می‌کرد و درنهایت نتیجه کار را گزارش می‌نمود (سمعانی، ۱۴۰۱ق، ج ۱۲، ص. ۲۲۲ و قدامه بن جعفر، ۱۳۷۵، ص. ۴۱).

۲-۳-۱. گفت‌وگو و مصاحبه با داوطلبان

الف) مردم عراق در سال ۱۸۰هـ یک مرد قریشی و یک جوان غیرعرب را برای تصدی منصب قضا به هارون پیشنهاد نمودند. هارون آن دو را فراخواند و با طرح پرسش‌های متعدد، جوان را برای تصدی منصب قضا شایسته‌تر یافت. جوان گفت: اگر امیرالمؤمنین مرا در این کار مجبور می‌گرداند، می‌پذیرم، ولی اگر مرا

مخیر گرداند راحتی و عافیت را برمی‌گزینم. رشید گفت: سزاوار نیست من کار مسلمانان را رها کنم، درحالی‌که افرادی همچون تو در میان آنان باشند (دینوری، ۱۳۸۰، صص. ۴۰۱-۴۰۲).

ب) در یک نمونه از حکم قضات که در «کتاب الخراج» قدامه بن جعفر آمده است به قاضی توصیه شده است تا برای احراز عدالت و شایستگی شهود، به گفت‌وگو و طرح پرسش‌های گوناگون با آنان مبادرت نماید تا کفایت و توانمندی آنان برای انجام این مسئولیت ثابت شود» (قدامه بن جعفر، ۱۳۷۵، صص. ۴۱-۴۲). یحیی بن اکثم قاضی القضاة مأمون نیز نامزدهای قضاوت را امتحان کرد؛ مثلاً روزی از یکی پرسید، هرگاه دو مرد که هر یک با مادر دیگری ازدواج نماید و هر یک صاحب پسری شوند، نسبت این دو پسر چیست؟ آن مرد پاسخ مناسبی نداد و یحیی به پاسخ آن مبادرت نمود» (قدامه بن جعفر، ۱۳۷۵، صص. ۴۱-۴۲).

۱-۳-۳. بررسی تجارب گذشته

یکی از راه‌های احراز شایستگی افراد، بررسی میزان موفقیت آنان در مناصب قبلی است. دقت در این پیشینه که در حکم کارنامه اجرایی و آزمون عملی کارگزاران است، امکان گزینش احسن را برای زمامداران و مدیران دستگاه‌ها و سازمان‌ها تسهیل می‌کند و امید آنان را به توفیق افراد برگزیده در مناصب بعدی، افزایش می‌دهد.

الف) ابوالحسن ماوردی، بعد از تصدی منصب قضا در شهرها و مناطق مختلف و کسب تجربه لازم به قاضی القضاتی بغداد منصوب می‌گردد (ابن اثیر، ۱۳۶۴، ج ۱۶، صص. ۱۶۷-۱۶۸؛ لمبتون، ۱۳۸۰، ص. ۱۵۹ و ساکت، ۱۳۸۲، ص. ۱۴۸).

ب) به گزارش ابن بلخی، در عصر خلیفه الرازی بالله (۳۲۲-۳۲۹هـ) قاضی عرب تبار به‌نام ابومحمد عبدالله فرازی از سوی خلیفه بغداد به قضا پارس و کرمان و عمان مأمور شد و او از نیکوسیرتی چنان بود که چون به دیلم رسید و پارس بگرفتند، او را تمکین تمام دادند، عضدالدوله او را تجربه بسیار کرد و چون دانست که بی‌نظیر است، حرمتی او را نهاد، سخت بزرگ» (ابن بلخی، ۱۹۳۱م، ص. ۱۱۷).

پ) خلیفه المسترشد بالله بعد از ذکر ویژگی‌ها و دلایل انتخاب ابی القاسم علی بن الحسین... قاضی به‌عنوان قاضی القضاة بغداد، از این انتصاب و انتخاب، به‌عنوان گزینش احسن یاد می‌نماید (قلقشندی، ۱۴۰۷ق، ج ۱۰، صص. ۲۷۳-۲۷۴) و خلیفه الطائع لله نیز بعد از وقوف به کمال و ویژگی‌های ابی محمد عبیدالله بن

احمد بن معروف، او را بارها مورد امتحان قرار داده و پس از احراز شایستگی، او را به عنوان «قاضی القضاة» و مسئولیت قضا سامرا و تکریت... انتخاب می‌نماید» (قلقشندی، ۴۰۷ ق، ج ۱۰، صص. ۲۸۶-۲۸۷).

ت) سلطان مسعود غزنوی، با اعتراف به قابلیت‌ها و شایستگی‌هایی که ابوطالب تباری، از اکابر تباریان و یگانه در ورع و فضل، در دوره تصدی منصب قضا نیشابور از خود نشان داده بود، می‌گوید: ما تو را به ری خواهیم فرستاد تا آنجا قاضی قضات باشی» (بیهقی، ۱۳۷۵، ص. ۳۰۶؛ جوینی، ۱۳۲۹، ص. ۴۶ و عتبی، ۱۳۸۲، ص. ۳۹۶).

ث) در بخشی از فرمان قضا گلپایگان آمده است: «قضا و حکومت بزرگترین شغلی است از اشغال دینی و نازک‌ترین عملی است از اعمال شرعی و ترتیب آن کردن و تیمار داشت آن به مستحقی از ائمه دین و علماء شریعت تفویض فرمودن از فرایض باشد و قاضی امام اجل مجدالدین محمد ادام الله تأییده، استحقاق این تفویض دارد که در ورع و علم از اقران خویش ممتاز است و همتا ندارد. حکم این حال قضا حکومت گلپایگان به وی تفویض گردانیده شد و بعد از استخارت این مهم دینی به اهتمام او کرده آمد...» (جوینی، ۱۳۲۹، ص. ۴۵) و در فرمان قضا مرو نیز آمده است «و هر مهمی که آنجا باشد به کسانی تفویض فرماییم از ثقات و کفات دیوان که بر اقران و اکفا فضیلت تقدیم دارند و منقبت سبق و در ملاسبت جلال امور امارت ستوده نموده باشند و در تضاعیف تصاریف روزگار مجرب و مهذب شده و بر محک اختیار پسندیده عیار آمده باشند...» (جوینی، ۱۳۲۹، صص. ۱۷-۴۶؛ نرشخی، ۱۳۵۱، صص. ۵-۶؛ وطواط، ۱۳۳۸، صص. ۷۴-۷۶ و عتبی، ۱۳۸۲، ص. ۳۹۶).

۳-۴. گزینش علمی و اخلاقی

الف) نرشخی می‌نویسد: «ابوذر بخاری از جمله اصحاب امام شافعی بود رحمة الله و با علم و زهد بود و او را بر علمای بخارا تقدیم کردند و او را بسیار بیامودند به رشوت پنهان و به هر معنی، به هیچ چیز خویشتن را آلوده نکرد بلکه هر روز عدل و انصاف از او ظاهرتر می‌شد و چون پیر شد از قضا عفو خواست» (نرشخی، ۱۳۵۱، صص. ۵-۶).

ب) بیهقی در مورد نحوه آزمون و احراز عدالت ابوالحسن بولانی می‌نویسد: «مسعود چند کیسه زر که از بتخانه‌های هندوستان به‌دست آمده بود، توسط بونصر

مشکان برای او می‌فرستد و او با همه فقر، از گرفتن آنها ابا می‌کند و می‌گوید: مرا به کار نیست و قیامت سخت نزدیک است، حساب این نتوانم داد. سپس آن را به پسرش تکلیف کردند، او نیز رد می‌کند و می‌گوید: من نیز فرزند این پدرم که این سخن گفت و علم از وی آموختم و من هم از آن حساب و توقف و پرسش قیامت می‌ترسم که وی می‌ترسد. بونصر مشکان با شنیدن سخنان این دو به گریه افتاده و می‌گوید: بزرگان که شما دو تنید» (محقق، ۱۳۷۴، ص. ۳۶).

پ) «قاضی القضاة ابو محمد در خدمت سلطان محمود، به وسائل اکید و شوافع حمید اختصاص داشت. هم از روی غزارت علم و هم از جهت کمال تقوی و ورع و منسب تدریس و مرتبت فتوا، دارالملک غزنه بدو آراسته بود و چون علم او مرتفع گشت و درجه او در ابواب فتوا و تقوا به نهایت رسید، قضا ممالک بدو تفویض فرمود» (عتبی، ۱۳۸۲، ص. ۳۹۶).

۱-۳-۵. رایزنی و مشورت با فقها و عالمان نامدار

یکی از شیوه‌های مرسوم جهت احراز صلاحیت‌ها، رایزنی و مشورت با امراء، مشاهیر و رجال دیوانی قابل اعتماد است که ریشه در اصل قرآنی «و شاورهم فی الامر» داشته و در ادوار پیشین نیز متداول بوده است. مشورت با معتمدان و بزرگان، جدای از ریشه‌های فرهنگی و دینی آن، در نگاه زمامداران این دوره نوعی عنایت نسبت به آنان نیز محسوب می‌شده است؛ اما «اصل مشورت» هم مانند دیگر شیوه‌های احراز شایستگی، که ذکر آن گذشت، جنبه رسمی و نهادی در احراز صلاحیت صاحبان مناصب نداشت بلکه امر گزینش افراد صالح و شایسته‌تر را تسهیل می‌نمود. با این وجود میزان پایبندی و اهتمام حکمرانان در بهره‌مندی از این شیوه، با توجه به دیدگاه آنان، متفاوت بوده است.

منصور دوانیقی (د ۱۵۸ هـ) برای تعیین قاضی القضاة پس از مشورت چهار تن (ابوحنیفه، سفیان ثوری، ابو عبدالله شریک بن عبدالله نخعی و مسعر) را شایسته این منصب دانست و هر چهار نفر را برای گفت‌وگو دعوت کرد» (ابن خلکان، ۱۴۱۷ ق، ج ۲، ص. ۲۹۴ و عطار نیشابوری، ۱۳۷۹، ص. ۲۴۴).

الف) خلیفه هارون الرشید، نه تنها در مسائل دینی و مالی بلکه در گماردن قضات دیگر استان‌ها و شهرستان‌ها نیز با قاضی ابویوسف، قاضی القضاة، رایزنی می‌کرد. وی قضات را نامزد می‌کرد و خلیفه او را با صدور فرمانی به دادرسی می‌گماشت»

(ساکت، ۱۳۸۲، صص. ۹۷ و ۱۰۷).

ب) نرشخی می‌نویسد: «عیسی بن موسی معروف به غنجار را پیشنهاد قضا دادند، قبول نکرد، سلطان فرمود که اهل قضا را پیش او یاد کنند، همچنان کردند و نام هر کس پیش او یاد کردند، گفتی نشاید. چون حسن بن عثمان همدانی را پیش او یاد کردند خاموش گشت، گفتند خاموشی او از وی علامت رضا باشد. حسن بن عثمان را قضا دادند و در عهد او شهرهای خراسان به علم و زهد او هیچ‌کس را نشان ندادند» (نرشخی، ۱۳۵۱، ص. ۵).

پ) ابن الندیم ضمن احوال ابن بلخی می‌نویسد: «محمد بن شجاع گفت: اسحاق بن ابراهیم مصعبی از دوستان من بود، به من گفت امیرالمؤمنین مرا پیش خود خواند و از من خواست از میان فقیهان مردی را برایش انتخاب کنم که حدیث را نوشته، در فقه به درجه اجتهاد رسیده باشد، قامتش بلند، اندامش زیبا و نژادش از خراسانیانی باشد که در دولت ما تربیت یافته و از آن پشتیبانی می‌کند تا من قضاوت را به او واگذار کنم. من به او گفتم جز محمد بن شجاع کسی را به این صفات سراغ ندارم و این امر را با وی در میان خواهم گذاشت. گفت همین کار را انجام بده، هرگاه موافقت کرد، وی را نزد ما بیاور» (ابن الندیم، ۱۴۱۷ق، ص. ۳۵۱ و مقدسی، ۱۹۰۶م، ص. ۳۲۷).

۱-۳-۶. استخاره بعد از مشورت (با هدف اطمینان بیشتر)

در بخشی از فرمان قضا ولایت طوس آمده است: «معلوم است که امیر جلال‌الدین قضا ولایت طوس و مضافات آن را میراث دارای مستحق است و مدتی مدید به فرمان ما ملابس و مباشر آن بوده است و آثار جمیل نموده... بر قضیت این مقدمات و سوابق صفات، رأی چنان دید که بعد از استخارت، قضا ولایت طوس به وی ارزانی داشتیم، و این شغل بزرگ و مهم بر وی مقرر فرمودیم» (جوینی، ۱۳۲۹، صص. ۴۶ و ۶۶ و بغدادی، ۱۳۱۵، ص. ۴۹).

۱-۳-۷. نقش مردم در گزینش و عزل دادرسان

از آنجاکه ابزار سلطه دولت‌ها در این عصر، زر و زور و شمشیر و یا به تعبیر گویای بیهقی «یکی پرنیانی و یک زعفرانی»^۱ بوده است، مردم در شکل‌گیری این

۱. ابوالفضل بیهقی با استناد به شعر معروف دقیق «یکی پرنیانی، یکی زعفرانی» ابزار مملکت‌گیری و تسلط را دو چیز دانسته‌اند «یکی پرنیانی» یعنی شمشیری که به روانی و لغزندگی ابریشم و حریر برآ باشد و «یکی

حکومت‌ها نقش مؤثری نداشته‌اند، از این رو «مردمداری» و یا توجه به آراء و انتظارات اقشار مختلف برای گزینش کارگزاران، در اولویت زمامداران نبوده است.

با توجه به سلطه سیاسی و اجتماعی خلفا و سلاطین، فقدان پایگاه مردمی آنان، و وجود دستگاه اداری و دیوانی برای انتخاب مدیران و صاحبان مناصب، شاید سخن، از نقش مردم در گزینش قضات ضرورت چندانی نداشته باشد؛ اما با این وجود در متون تاریخی نشانه‌هایی از توجه برخی زمامداران به آراء و تمایلات مردمی در عزل و نصب‌ها دیده می‌شود که ممکن است به اقتضای شرایط و یا جلب رضایت افکار عمومی صورت گرفته باشد که به ذکر چند نمونه اکتفا می‌گردد.

(الف) در سال ۱۵۵هـ.ق، پس از درگذشت ابوخریمه، نمایندگان مردم مصر، نزد منصور عباسی آمدند و به او گفتند: «خداوند پاداش شما را، در قاضی خود ابوخریمه بزرگ گرداند، خلیفه به وزیر خود ربیع گفت: برای مردم یک قاضی برگزین، یکی از نمایندگان مردم مصر به خلیفه گفت: درباره ما چه خواسته‌ای؟ خواسته‌ای تا در شهرها زبازد شویم که کسی شایسته دادرسی برای ما در شهرمان نیست؟ خلیفه گفت: پس کسی را به نام بگوئید. آن مرد، ابوسعدان یحصی را یادآور شد. منصور گفت: او از نیکان است، ولی گنگی دارد، نماینده مردم مصر گفت: پس، عبدالله بن لهیعه برگزینید و خلیفه پذیرفت» (کندی، ۱۹۰۸م، ص. ۳۶۹).

(ب) کندی در شرح رخداد‌های سال (۱۶۴ق) می‌نویسد: «وقتی اسماعیل بن یسع کندی، نخستین قاضی حنفی عراقی، از جانب مهدی خلیفه عباسی به عنوان قاضی قاهره منصوب گردید، مردم به دلیل ناراضی‌تی از وی خشم و اعتراض خود را آشکار نمودند و این وضع نگران‌کننده، استاندار مصر را به آن داشت تا به منظور جلب رضایت مردم، طی نامه‌ای برکناری او را از خلیفه خواستار شود» (کندی، ۱۹۰۸م، صص. ۳۷۱-۳۷۳).

(پ) از وکیع پرسیدند: آنگاه که تو و ابن ادریس و حفص را نزد رشید در مجلس هارون الرشید بردند، در آن مجلس چه گذشت؟ گفت: نخست مرا بخواند و

زعفرانی» یعنی طلا و یا پول. با اولی گردن‌کشان را باید زد و با دومی گردن سر به راهان را به زیر بند آورد (بیهقی، ۱۳۷۵، ص. ۴۹۶).

یکی پرنیانی، یکی زعفرانی

دگر آهن آب داده یمانی

عقاب پرنده و شیر ژبانی

ز دو چیز گیرند مر مملکت را

یکی (زر) نام ملک برنشته

که ملک شکاری است، کوه را نگیرد

هارون گفت مردمان شهر تو را، قاضی می‌باید و تو را با چند تن نام می‌بردند، چنین بینم که این شغل ترا سزد تا با ما در بردن بار امانت انباری کنی» گفتیم: «من مردی پیرم و یک چشم من بسته است و آن دیگری ضعیف است و این شغل را نشایم» و سپس ابن ادریس را طلب کردند و او سلامی به اکراه زیر لب بگفت. هارون گفت: «دانی چرا نام ترا خوانده‌ام؟ گفت: نه. گفت: اهل بلد تو قاضی خواهند و ترا با کسانی نام برده‌اند، خواهم که در امانت این امت شریک من باشی، ابن ادریس گفت: من قضا را نشایم...» (راوندی، ۱۳۶۴، ص. ۷۶ و دینوری، ۱۳۸۰، ص. ۴۰۱).

ت) عبدالله بن طاهر، در سال (۲۱۲ق) انجمنی از بزرگان مصر بر پا کرد و به آنان گفت: «شما را گردآوردم تا برای خود یک قاضی برگزینید». مردی از آن میان به نام یحیی بن عبدالله بُکیره به او گفت: ای امیر، هر کس خواهی برای دادرسی ما بر گمار، ولی از دو کس بپرهیز که بر ما دادرسی نکند: بیگانه و کشاورز» (کندی، ۱۹۰۸م، ص. ۴۳۳).

۱-۳-۸. ارزیابی از کارنامه کارکنان دستگاه قضایی

علاوه بر موارد مزبور، که بیشتر قبل از انتصاب اولیه انجام می‌گرفت، بررسی از نحوه عملکرد قاضی و کارکنان دستگاه قضایی بعد از انتصاب، به‌منظور تمدید حکم و یا انتصاب مجدد آنان نیز، مورد توجه برخی از خلفا و زمامداران بوده است. بر اساس گزارش مسعودی، «پس از آنکه مستکفی بالله به خلافت رسید، بار داد و از کار قاضیان پرسید و درباره شهود رسمی پایتخت تحقیق کرد و بگفت تا برخی از آنان را برکنار کنند و بعضی را از دروغ توبه دهند، و برخی را برقرار دارند و این به سبب چیزها بود که پیش خلافت از آنها دانسته بود. قاضیان نیز فرمان او را در این باب به‌کار بستند» (مسعودی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص. ۷۲۹).

نظام‌الملک نیز علاوه بر رعایت شایسته‌سالاری در گزینش اولیه قاضیان با تأکید، بر ارزیابی از میزان پایداری آنان به صفات شایسته در مرحله عمل، می‌نویسد: «باید که احوال قاضیان مملکت یگان‌یگان، بدانند و هر که از ایشان عالم و زاهد و کوتاه دست باشد، او را بر آن نگاه دارند و هر که نه چنین بود، او را معزول کنند و به دیگری که شایسته باشد بسپارند» (نظام‌الملک طوسی، ۱۳۷۸، ص. ۸۵).

بی‌شک اگر بعد از انتصاب افراد در مناصب مختلف، زمامداران، رهبران و مدیران ارشد سازمان‌ها و مراکز دولتی، به گزینش‌های اولیه اکتفا ننموده و ارزیابی از نحوه

فعالیت متصدیان امور را در اولویت سیاست‌های خود قرار دهند، تحول چشمگیری در سلامت و موفقیت نظام اداری و کم‌وکیف فعالیت‌ها و خدمات آنها به‌وجود خواهد آمد.

۱-۳-۹. نقش توارث در انتخاب قضات

گرچه برخورداری از شروط احراز، مبنای اصلی شایسته‌سالاری در انتخاب دادرسان بوده است؛ اما موضوع توارث نیز در گزینش آنان، نقش تعیین‌کننده‌ای در برخی از انتصاب‌ها داشته است و در نزد دولتمردان نیز به‌عنوان یک «حق» و «اصلی مقبول» مرسوم و متداول بوده است. چنان‌که فخرالدوله هنگام جلوس به تخت سلطنت به وزیرش صاحب ابن عباد می‌گوید: «همچنان‌که سلطنت حق موروثی ما است، وزارت نیز حق تو است». لازم است هر یک از ما حق خود را محفوظ دارد^۱ (ثعالبی نیشابوری، ۱۳۶۸، ج ۳، ص. ۲۲۷). خواجه نظام‌الملک نیز بر این عقیده بود که «شغل وزیر نیز مانند مقام پادشاهی باید به ارث از پدر به پسر برسد» (بارتلد، ۱۳۶۶، ج ۱، صص. ۴۹۲-۴۹۴) و براین‌اساس، اداره همه امور ایران و توران را به دوازده فرزندش واگذار نمود، به‌گونه‌ای که خشم و اعتراض سلطان ملک‌شاه را برانگیخت و برای او پیغام فرستاد که «تو مگر با من شریکی که بدل خود، ولایت به فرزندان خود می‌دهی؟ اگر ترک این شیوه نکنید، دستار از سرت می‌گیرم، یعنی بکشم. خواجه جواب فرستاد که دستار من و تاج تو در هم بسته‌اند...» (مستوفی، ۱۳۶۴، ص. ۴۳۸؛ نخجوانی، ۱۳۵۷، ص. ۲۷۹ و عقیلی، ۱۳۶۴، ص. ۲۱۰).

علاوه بر آرای دولتمردان و رجال دیوانی، منابع تاریخی و جغرافیایی نیز وجود و استمرار این سنت را در دستگاه خلافت و قلمرو حکمرانی آنان تأیید می‌نماید. به گفته ابن حوقل «... در فارس این سنت و عادت پسندیده معمول است که برای بیوتات و خاندان‌های قدیمی، فضیلت قایلند. در آنجا خاندان‌هایی هستند که کارهای دیوانی را به‌طور موروثی، از ایام قدیم تا زمان ما (نیمه اول قرن چهارم) عهده دارند، از جمله خاندان ابی صفیه، خاندان حبیب، مرزبان، صاعدیان و... (اصطخری، ۱۹۶۱م، ص. ۸۹؛ بازورث و دیگران، ۱۳۸۰، ص. ۱۷۸ و زهرانی، ۱۳۹۳، صص. ۱۷-۱۸). علاوه

۱. ابوسعید رستمی نیز چنین سروده است که:

ورث الوازراء کابداً عن کابر
مَوْصُولَه الاسناد بِالْأَسْتاد

صاحب مقام وزارت را پشت‌به‌پشت از پدرانش میراث برده و پیوندش به وزارت به‌هم‌پیوسته است.

و به گفته خوارزمی «او در دامن وزارت بار آمد و آشیانه‌ای که از آن خزید و از آن پرید همان بود و وزارت هم چون میراثی از پدر به او رسید» (ثعالبی نیشابوری، ۱۳۶۸، ج ۳، ص. ۲۲۷).

بر مورد فوق‌الذکر می‌توان از خاندان‌هایی نظیر آل برمک، آل خاقان، بنی وهب، بنی فرات آل جیهانی، آل عباد، خاندان نظام‌الملک، خاندان درگزینی و... یاد نمود که عهده‌دار مناصب مختلف دیوانی، از جمله منصب وزارت بوده‌اند.

چرایی وجود چنین تمایل و نگرشی در عصر موردنظر، از جمله مباحثی است که به بررسی و تحقیق بیشتری نیازمند است؛ اما با توجه به شواهد و قراین تاریخی، موارد زیر را می‌توان از عوامل احتمالی مؤثر در پیدایش و ترویج تفکر و گرایش موروثی بودن مناصب دیوانی به‌شمار آورد:

* الهام از سنت موروثی بودن مناصب حکومت در نزد ایرانیان باستان (قبل از اسلام)

* آمادگی و شایستگی بیشتر تربیت‌یافتگان در خاندان‌های دیوانی برای پذیرش مناصب از جمله منصب وزارت؛ زیرا آنان به‌واسطه آشنایی با آداب و آیین ملک‌داری و شناخت مشکلات و رموز این مسئولیت، در مقایسه با دیگران، موفقیت بیشتری در اداره امور خواهند داشت (اشپولر، ۱۳۷۳، ج ۲، ص. ۹۵).

* ایجاد نوعی تداوم و استمرار در تشکیلات دیوانی دولت (لمبتون، ۱۳۸۰، ص. ۳۲۴).

* حفظ قدرت در یک خاندان

* اعتمادآفرینی

از آنجاکه یکی از شروط واگذاری مناصب، اعتماد اطمینان فراوان به توانایی، امانت و صداقت داوطلبان آن است، از این‌رو به‌دلیل وجود خصیصه اعتماد در یک خاندان نسبت به یکدیگر، منصب وزارت به‌طور موروثی به فرزندان وزیر می‌رسید.

نتیجه‌گیری

تشکیلات دیوانی و سازمان‌های اداری، یکی از ارکان اساسی و میراث ارزشمند هر تمدنی به‌شمار می‌آید و به‌دلیل نقش تعیین‌کننده آن در ظهور و سقوط دولت‌ها و فراز و فرود تمدن‌ها، بخش عمده‌ای از تاریخ و تمدن هر ملتی را به خود اختصاص می‌دهد. تاریخ و تمدن اسلامی نیز با توجه به قدمت و پیشینه درخشانش از این قاعده مستثنی نیست و پژوهش در ابعادی از این تمدن، یعنی منصب قضا و دادرسی، ویژگی‌های شخصیتی قضات و فرایند احراز شایستگی آنان، به‌ویژه در عصری که از آن به‌عنوان عصر زرین فرهنگ و تمدن اسلامی یاد شده است، از اهمیت به‌سزایی برخوردار بوده و می‌تواند نتایج ارزشمندی را برای جامعه امروز و متصدیان نظام سیاسی و اداری کشور به ارمغان آورد.

با توجه به اسناد و مدارک تاریخی، به‌دلیل نقش و اهمیت منصب قضا در تحقق

عدالت اجتماعی و برقراری امنیت و رفاه مردم، زمامداران و فرمانروایان حساسیت و دقت بیشتری برای انتخاب قضات و دادرسان، در مقایسه با سایر مناصب دیوانی، داشتند. برای تحقق شایسته‌سالاری در این منصب از شیوه‌ها و راهبردهای متعددی، سود می‌بردند که برخی از آنها در سازمان‌های اداری عصر حاضر نیز، معمول و مرسوم است؛ از جمله: افکارسنجی عمومی، بررسی تجارب گذشته، بررسی صلاحیت افراد از طریق آزمون، مشورت و رایزنی با معتمدان و مشاهیر، معرفی از ناحیه نزدیکان و معتمدان و گزینش علمی و اخلاقی.

از ویژگی‌های شخصیتی و علمی دادرسان برگزیده در این دوره چنین برمی‌آید که بیشتر دولتمردان بر آن بوده‌اند که این سمت و مسئولیت دینی را به عالمان فرهیخته، دیندار و عادل محول نمایند؛ اما با این‌وجود، شواهد و نشانه‌هایی از فساد و تباهی در کارنامه برخی از قضات و نمونه‌هایی از راهیابی افراد فاقد صلاحیت و کفایت به دیوان قضا، حتی خرید و فروش منصب قضا، در اسناد تاریخی دیده می‌شود.

فهرست منابع

آجلی لاهیجی، ل. و مقتدری، ن. (۱۳۹۵). بررسی اثربخشی آموزش‌های مبتنی بر نظریه گاتمن بر کاهش تعارضات زناشویی. *سومین کنفرانس بین‌المللی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی*. باتومی گرجستان.
آخوندی، م. و لک، ف. (۱۳۹۸). بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و رضایت از زندگی زناشویی در شهر بیرجند. *فصلنامه مطالعات فرهنگی - اجتماعی خراسان*، (۵۲)، ۳۴-۱.

آدینه‌وند، ع. و علیان، م. (۱۳۹۵). حکمرانی خوب شهری در ایران: اولویت‌بندی مؤلفه‌ها و معرفه‌ها. *فصلنامه راهبرد*، ۲۵ (۸۱)، ۳۰۵-۳۳۸.
أرول. (۱۳۶۱).

آزاد ارملی، ت. (۱۳۹۲). *جامعه‌شناسی خانواده*. تهران: سمت.
ابن ابی الحدید، ف. (۱۳۸۰). *شرح ابن ابی الحدید بر نهج البلاغه*. قم: اسماعیلیان.
ابن ابی الدم، ش. (۱۴۰۴ق). *ادب القضاء*. بغداد: مطبعة الارشاد.
ابن اثیر، ع. (۱۳۶۴). *تاریخ کامل اسلام و ایران*. (ع. هاشمی حائری، مترجم) تهران: انتشارات علمی.

ابن اخوه، م. (۱۳۶۷). *آیین شهرداری در قرن هفتم هجری (معالم القرية فی احکام*

- الحسبه). (ج. شعار، مترجم)، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن الندیم، م. (۱۴۱۷ق). *الفهرست*. بیروت: دارالمعرفه.
- ابن بابویه، علی بن محمد (۱۴۱۳ق). *من لا یحضره الفقیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ابن بلخی. (۱۹۳۱م). *فارسنامه*. (گای لسرنینج، و رنلدالین نیکسون، تدوین کنندگان)، تهران: اساطیر.
- ابن خلدون، ج. ع. (۱۳۷۵). *مقدمه ابن خلدون*. (م. پروین گنابادی، مترجم)، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- ابن خلکان، ا. ب. (۱۴۱۷ق). *وقیات الاعیان و انباء الزمان*. بیروت: مؤسسه تاریخ العربی.
- ابن مسکویه، ج. ا. (۱۳۷۶). *تجارب الامم*. ج ۳ و ۶، (ع. منزوی، مترجم)، تهران: توس.
- ابن منظور، م. (۱۴۱۴ق). *لسان العرب*. بیروت: دار صادر.
- اشپولر، ب. (۱۳۷۳). *تاریخ ایران در قرون نخستین اسلامی*. (ج. فلاطوری، مترجم)، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- اصطخری، ا. (۱۹۶۱م). *المسالك والممالك*. بیروت: دارصادر.
- اکبری، ب؛ فرغت، آ؛ علی خواه، س. و مجیدی، م. (۱۳۹۸). نقش سرمایه اجتماعی و روان شناختی در پیش بینی صمیمیت زناشویی زوجین. *پژوهش های روان شناختی اجتماعی*، ۹(۳۳)، ۹۵-۱۱۴.
- امین، س. (۱۳۸۲). *تاریخ حقوق ایران*. تهران: دایرالمعارف ایران شناسی.
- اونر و همکاران. (۲۰۱۴).
- ایمان، م؛ یادعلی جمالویی، ز. و زهری، م. (۱۳۹۱). بررسی رابطه میان سرمایه اجتماعی و رضایتمندی زناشویی. *علوم اجتماعی*، ۱۷(۱)، ۱-۳۲.
- بارتلد. (۱۳۶۶). *ترکستان نامه*. تهران: آگاه.
- بازورث، د. و دیگران (۱۳۸۰). *سلجوقیان*. (ی. آژند، مترجم)، تهران: انتشارات مولی.
- بشیریه، ج. (۱۳۹۰). *انقلاب و بسیج سیاسی*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بغدادی، ب. (۱۳۱۵). *التوسل الی الترسل*. تهران: احمد بهمنیار.
- بوتومور، ت. (۱۳۵۷). *جامعه شناسی*. ترجمه سید حسن منصور و سید حسن حسینی، تهران: شرکت سهامی کتاب های جیبی.
- بوزان، ب. (۱۳۷۸). *مردم، دولت ها، هراس*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بهرامی کمیل، ن. (۱۳۹۶). *بازخوانی امنیت در فرهنگ باتمركز بر رسانه های اجتماعی*. تهران: دفتر مطالعات و برنامه ریزی رسانه ها.
- بیهقی، ا. (۱۳۷۵). *تاریخ بیهقی*. تهران: انتشارات مهتاب.

- تاجیک، م. (۱۳۸۷). رسانه و بحران در عصر فراواقعیت (با تأکید بر بحران هویت). پژوهش‌های ارتباطی، (۵۶)، ۹۴-۶۹.
- تأمین، م. (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی. ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: توتیا.
- تمیمی آمدی، ع. (۱۳۶۶). غرر الحکم و درر الکلم. قم: دفتر تبلیغات اسلامی.
- ثعالبی نیشابوری، ا. (۱۳۶۸، ج ۳). غرر اخبار ملوک الفرس و سیرهم. (م. فضائی، مترجم)، تهران: هفده شهریور.
- جوادی آملی، ع. (۱۳۹۱). جامعه در قرآن. قم: اسرا.
- جوینی، م. (۱۳۲۹). عتبه/الکتبه. (م. قزوینی، و ع. اقبال، تدوین‌کنندگان) تهران: شرکت سهامی چاپ.
- جهشیاری، م. (۱۳۴۸). کتاب الوزراء و الکتاب. (ا. طباطبایی، مترجم)، تهران: ترجمه و نشر.
- چالرز، و. (۱۳۸۹). فرهنگ و امنیت. (ر. طالبی آرانی، و م. نورمحمدی، مترجم)، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- حرعاملی، م. (۱۴۱۲). وسائل اشيعه الى تحصيل مسائل الشريعة. قم: مؤسسه آل البيت.
- حسینی، م. (۱۳۹۰). اسراف، عوامل و راهکارهای مبارزه با آن. مجله سفیر، (۲۰)، ۱۵۵-۱۸۴.
- خان‌بیگی، ح. (۱۳۹۲). میانه‌روی و اعتدال شاخص وزین تعلیم اسلامی. فصلنامه حبل المتین، (۳ و ۴).
- خمینی، ر. ا. (۱۳۷۵). ولایت فقیه. تهران: امیرکبیر.
- خنجی اصفهانی، ف. (۱۳۶۴). سلوک الملوک. تهران: خوارزمی.
- دینوری، ا. ق. (۱۳۸۰). امامت و سیاست. (س. طباطبایی، مترجم)، تهران: ققنوس.
- رازی، ن. (۱۳۹۹). مرصاد العباد. تهران: فردوس.
- راغب اصفهانی، ح. (۱۴۲۸ق). المفردات فی غریب القرآن. بیروت: دار المعرفه.
- راوندی، م. (۱۳۶۴). راحه الصدور و آیه السرور در تاریخ سلجوقی. تهران: امیرکبیر.
- رفیع‌پور، ف. (۱۳۹۲). تکنیک‌های خاص تحقیق در علوم اجتماعی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- زائرپور تملیکی، س. و زائرپور تملیکی، ط. (۱۳۹۵). تحلیل محتوای کتاب هدیه‌های آسمانی پایه سوم ابتدایی. مطالعات روانشناسی و علوم تربیتی، (۱۴)، ۱۶۰-۱۵۱.
- زهرانی، م. (۱۳۹۳). نظام وزارت در دولت عباسیان (عصر آل بویه و سلجوقیان). (س.

- عودی، مترجم)، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- زیدان، ج. (۱۴۱۵ق). مولفات جرجی زیدان الکامله (تاریخ تمدن اسلامی). بیروت: دارالجلیل.
- زیدان، ع. (۱۴۰۴ق). *نظام القضاء فی الشریعه الاسلامیه*. بغداد: مطبعه العانی.
- ساروخانی. (۱۳۹۳).
- ساروخانی، ب. (۱۳۸۵). *روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ساکت، م. (۱۳۸۲). *ددرسی در حقوق اسلامی*. تهران: میزان.
- سالاری‌فر، م. (۱۳۹۹). خانواده در نگرش اسلام و روانشناسی. قم: سمت.
- سردارنیا، خ. ا. (۱۳۸۶). آثار سیاسی فناوری‌های تازه ارتباطی - اطلاعاتی. *ماهنامه اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، ۲۲ (۵ و ۶)، ۱۰۴-۱۱۹.
- سمعانی، ا. (۱۴۰۱ق). *کتاب الانساب*. حیدرآباد: مجلس دائرة المعارف العثمانیه.
- سیدعلوی، س. م. و نقیب‌السادات، س. ر. (۱۳۹۱). حوزه عمومی در فضای مجازی: مؤلفه‌های شکل گرفته حوزه عمومی مجازی از دیدگاه کارشناسان علوم ارتباطات و علوم سیاسی در دانشگاه‌های ایران. *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۱۹ (۵۷)، ۱۱۰-۱۵۳.
- شولتز، د. (۲۰۰۵). روان‌شناسی کمال، الگوهای شخصیت، ترجمه گیتی خوشدل. تهران: پیکان.
- شولتز، ر.، گادسون، ر. و کوئیستر، ج. (۱۳۹۰). *رویکردهای جدید در مطالعات امنیتی* (جلد دوم). (س. م. متقی‌نژاد، مترجم)، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- شیخ‌زاده، م. و نیکخواه، ز. (۱۳۹۹). واکاوی مضامین راهبردی در سیاست‌های کلی نظام: کاربرد چارچوب مضمون در سیاست‌پژوهی. *فصلنامه راهبرد*، ۲۹ (۹۷)، ۳۴-۵.
- صالحی امیری، س. و باباشمس، آ. (۱۳۹۴). سنجش سرمایه اجتماعی در میان دانشجویان. *مدیریت فرهنگی*، ۲۷ (۲)، ۴۷-۵۹.
- صالحی، س.؛ فرج‌زاده، ا. و فرح‌بخش، ع. (۱۳۹۲). بررسی نقش اینترنت در جنبش اجتماعی مصر. *فصلنامه جامعه‌شناسی جهان اسلام*، ۱ (۳)، ۱-۱۶.
- طالقانی، م. (۱۳۸۱). *روش تحقیق نظری*. تهران: دانشگاه پیام نور.
- طباطبایی، م. (۱۳۹۹). *سنن النبی*. قم: بوستان کتاب.
- طبری، ا. (۱۴۰۶ق). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دار المعرفه.
- طریحی، ف. (۱۳۷۵). *مجمع البیان*. تهران: کتابفروشی مرتضوی.

- عابدینی بلترک، م. (۱۳۹۷). تربیت اخلاقی از دیدگاه ابن سینا و تحلیل محتوای کتاب‌های درسی پایه ششم ابتدایی بر اساس آن. *تاریخ پزشکی*، (۳۵)، ۷۰-۷۷.
- عربی، م. (۱۳۸۲). ترجمه تاریخ یمینی. (ا. جرفادقانی، مترجم)، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- عزتی، م. و شهریاری، ل. (۱۳۹۱). ارزیابی عملکرد کمیته امداد امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه) در زمینه جمع‌آوری زکات. *پژوهشنامه مالیات*، (۶۴)، ۳۱-۶۰.
- عطار نیشابوری، ف. (۱۳۷۹). *تذکره الاولیاء*. تهران: بهزاد.
- عظیمی، م. (۱۳۹۵). *رسانه و بعد اجتماعی/امنیت ملی*. قم: ندای الهی.
- عقیلی، س. (۱۳۶۴). *آثار الوزراء*. (م. حسینی ارموی، تدوین)، تهران: اطلاعات.
- علی الانباری، ع. (۱۹۷۸م). منصب القاضي القضاء فی الدولة العباسیه منذ نشاته حتی نهایه العصر السلجوقی. بیروت: ادار العربیه للمرساعات.
- عنصرالمعالی، ک. (۱۳۷۱). *قابوسنامه*. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- عیوضی، م. (۱۳۸۶). فرهنگ اسلامی؛ مفاهیم، ویژگی‌ها و اصول. *فصلنامه زمانه*، (۵۸).
- عیوضی، م. و کیقبادی، ع. (۱۳۹۱). تعیین قلمرو راهبرد، مأموریت، رسالت هدف و چشم‌انداز در آینده‌نگاری راهبردی. *فصلنامه مطالعات آینده پژوهی*، (۳)، ۱۳۳-۱۶۰.
- غزالی طوسی، ا. (۱۳۶۱). *نصیحه الملوک*. تهران: بابک.
- فاضل قانع، ح. (۱۳۹۲). *سبک زندگی بر اساس آموزه‌های زندگی*. قم: مرکز پژوهش‌های صدا و سیما.
- فاضلی، م. (۱۳۸۲). *مصرف و سبک زندگی*. قم: صبح صادق.
- فتحی، ک. (۱۳۹۰). *اصول و مفاهیم اساسی برنامه‌ریزی درسی*. تهران: علم استادان.
- فرانکفورد، چ. و نجمیاس، د. (۱۳۸۱). *روش‌های پژوهش در علوم اجتماعی*. ترجمه فاضل لاریجانی و رضا فاضلی، تهران: سروش.
- فراهیدی، خ. (۱۴۱۰ق). *العین*. قم: هجرت.
- فرای، رن. (۱۳۷۹). *تاریخ ایران*. (ح. انوشه، مترجم)، تهران: امیرکبیر.
- فکوهی، ن. (۱۳۸۲). *تاریخ نظریه‌های انسان‌شناسی*. تهران: نشر نی.
- فوکو، (۱۳۷۸).
- قاسمی، ح. و کاظمی، م. (۱۳۹۳). تحلیل محتوای بررسی کتاب‌های هدیه آسمانی پایه ششم و میزان انطباق آن با مبانی قرآنی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.

نوآوری‌های آموزشی.

قدامه بن جعفر. (۱۳۷۵). کتاب *الخراج*. تهران: البرز.

قرشی، م. (۱۳۶۷). *آئین شهرداری د قرن هفتم هجری*. (ج. شعار، مترجم)، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

قره‌داغی، ش.؛ مردی پیرسلطان، ف.؛ قادری ثنائی، ر. و درخشان نیا، ف. (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین سلامت اجتماعی و رضایت زناشویی در میان کارکنان بهزیستی شهر کرج. *دومین کنفرانس بین‌المللی روان‌شناسی، علوم تربیتی و سبک زندگی، مشهد*.

قلقشندی، ا. ب. (۴۰۷ ق). *صبح الاعشى فی صناعه الانشاء*. بیروت: دارالکتب العلمیه. قلی‌زاده، آ. و اسماعیلیان اردستانی، ز. (۱۳۹۳). نقش مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر رضایت زناشویی دانشجویان متأهل. *دانش و پژوهش در روان‌شناسی کاربردی*، (۵۶)، ۳۷-۴۶.

قمی، ع. (۱۴۰۲ ق). *سفینه البحار*. قم: اسوه.

کاوایانی، م. (۱۳۹۰). کمی‌سازی و سنجش سبک زندگی اسلامی. *روان‌شناسی و دین*، (۲۳).

کروتی، د. و هوینس، و. (۱۳۹۱). *رسانه و جامعه؛ صنایع، تصاویر و مخاطبان*. (م. یوسفی، و س. مرزانی، مترجم)، دانشگاه امام صادق (ع).

کرپیندورف، ک. (۱۳۸۱). *تحلیل محتوا، مبانی روش‌شناسی*. (ترجمه هوشنگ نایی)، تهران: نشر نی.

کستلز، م. (۱۳۹۴). *قدرت/ارتباطات*. تهران: دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌ها.

کلینی، م. (۱۳۶۵). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

کندی، ا. (۱۹۰۸ م). *کتاب الولاه و کتاب القضاء*. بیروت: دارالکتب العلمیه.

کوئن، ب. و فاضل، ت. غ. (۱۳۷۲). *مبانی جامعه‌شناسی*. تهران: سمت.

گودرزی، م.؛ شیر، ف. و محمودی، ب. (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش مؤلفه‌های خانواده درمانی شناختی - رفتاری بر تعارض والد - فرزندی و تعارض زناشویی. *فصلنامه روان‌شناسی کاربردی*، (۴۸)، ۵۳۲-۵۵۱.

لمبتون، ا. (۱۳۸۰). *دولت و حکومت در اسلام*. تهران: مؤسسه چاپ و نشر عروج.

ماوردی، ا. (۱۳۹۱ ق). *ادب القاضی*. بغداد: مطبعه الارشاد.

ماوردی، ا. (۱۴۰۶ ق). *احکام السلطانیه و الوالیات الدینیّه*. قاهره: مکتبه الاعلام الاسلامی.

- متز، آ. (۱۳۶۲). تمدن اسلامی در قرن چهارم هجری. تهران: امیرکبیر.
- مجلسی، م. (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- محقق حلی، ج. (۱۳۴۶). شرائع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام. (ا. یزدی، مترجم)، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- محقق، م. (۱۳۷۴). یادنامه ابوالفضل بیهقی. مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- محمدی ری شهری، م. (۱۴۰۳ق). میزان الحکمه. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- مختاری، م؛ احمدی، س. و حجتی نیا، م. (۱۳۹۵). رضایت زناشویی زنان و ارتباط آن با سرمایه فرهنگی زن و شوهر. فصلنامه خانواده‌پژوهی، (۴۸)، ۵۷۴-۵۵۵.
- مستوفی، ح. (۱۳۶۴). تاریخ گزیده. تهران: امیرکبیر.
- مسعودی، ع. (۱۳۹۰). مروج الذهب و معادن الجواهر. (ا. پاینده، مترجم)، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- مسلمی، ح. و فاضلی، س. (۱۳۹۷). مدل تحلیلی راهبرد در منظومه فکری مقام معظم رهبری. فصلنامه راهبرد، ۲۷(۸۹)، ۶۷-۹۴.
- مشایخ، ف. (۱۳۸۹). فرایند برنامه‌ریزی آموزشی. تهران: مدرسه.
- مفردنژاد، ن. و منادی، م. (۱۳۹۹). ارتباط سرمایه‌های روان‌شناختی و فرهنگی با خوشونت خانگی در زنان متأهل (مورد مطالعه: فرهنگیان بهبهان). مطالعات زن و خانواده، ۸(۱)، ۱۸۹-۲۱۴.
- مقدسی، ا. (۱۴۰۶م). احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم. بیروت: دار صادر.
- مقصودی، س؛ معیدفر، س. و توکل، م. (۱۳۹۰). بررسی جامعه‌شناختی رابطه سرمایه اجتماعی و رضایت زناشویی در زوجین شهر کرمان. مجله مطالعات اجتماعی ایران، ۵(۱)، ۱-۲۰.
- ملکی علمداری، س. و جلایی‌پور، ح. (۱۳۹۰). تحلیل و مقایسه محتوای کتاب‌های فارسی پایه دوم و سوم ابتدایی از لحاظ مؤلفه‌های رفتار مدنی در سال تحصیلی ۱۳۴۶-۱۳۸۷. مطالعات برنامه درسی.
- ملکی، ح. (۱۳۸۸). برنامه‌ریزی درسی. مشهد: پیام اندیشه.
- مندراس، ه. و پرهام، ت. ب. (۱۳۸۴). مبانی جامعه‌شناسی. تهران: امیر کبیر.
- نخجوانی، ه. (۱۳۵۷). تجارب السلف. تهران: کتابخانه طهوری.
- نرخشی، محمد بن جعفر (۱۳۵۱). تاریخ بخارا. به کوشش محمدتقی مدرس رضوی. تهران: توس
- نصرتی‌نژاد، ف؛ سخایی، ا. و شریفی، ح. (۱۳۹۴). نقش مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی بر

- رضایت زناشویی دانشجویان متأهل. *فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی - فرهنگی*، ۱۴۳-۱۶۷.
- نظام‌الملک طوسی، ابوعلی حسن (۱۳۷۸). *سیاست‌نامه*. به اهتمام هیوبرت دارک. تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- نمازی، ع. (۱۴۱۹). *مسترک سفینه البحار*. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
- نورمحمدی، م. (۱۳۹۰). نقش شبکه‌های اجتماعی مجازی در انقلاب تونس. *رسانه*، ۲۲(۳ و ۴)، ۹۳-۱۰۶.
- نوری، م. (۱۴۰۸ق). *مسترک الوسائل*. بیروت: مؤسسه آل البیت.
- نیازی، م. و کارکنان نصرآبادی، م. (۱۳۸۶). تبیین جامعه‌شناختی رابطه سرمایه فرهنگی خانواده با هویت اجتماعی جوانان. *مطالعات ملی*، (۳۱)، ۵۵-۸۰.
- واگو، ا. (۱۳۷۳). *درآمدی بر تئوری‌ها و مدل‌های تغییرات اجتماعی*. (ا. غروری زاد، مترجم)، تهران: مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی.
- وطواط، رشید (۱۳۳۸). *نامه‌های رشیدالدین وطواط*. اهتمام قاسم تویسرکانی. تهران: دانشگاه تهران.
- وکیاتو. (۲۰۱۵).
- هاکسلی. (۱۳۶۶).
- هندوشاه بن سنجر (۱۳۵۷). *تجارب السلف*. به تصحیح و اهتمام عباس اقبال آشتیانی. تهران: کتابخانه طهوری.
- یار محمدیان، م. (۱۳۹۰). *اصول برنامه‌ریزی درسی*. تهران: یادواره کتاب.
- Alianak, S. L. (2014). *The Transition Towards Revolution and Reform: The Arab Spring Realised?* Edinburgh, United Kingdom: Edinburgh University Press.
- Ashby, M. F. (2013). *Materials and the Environment, Eco-informed Material Choice*. 2nd Edition. Butterworth-Heinemann.
- Bayat, A. (2017). *Revolution without Revolutionaries: Making sense of the Arab Spring*. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Bennett, W. & Segerberg, A. (2012). The Logic of Connective Action: Digital Media and the Personalization of Contentious Politics. *Information, Communication & Society*, 15(5), 768-739.
- Bordass, B. & Leaman, A. (2013). New professionalism: Remedy or fantasy? *Building Research & Information*, 41(1), 1-7.
- Braun, V. & Clarke, V. (2006). Using Thematic Analysis in Psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101.
- Brown, S. L. (1997). The art of continuous change: Linking complexity.



- Cambridge (30 Apr 2020). *Cambridge dictionary.org*.
<https://dictionary.cambridge.org/dictionary/english>
- Castells, M. (2015). *Networks of Outrage and Hope: Social Movements in the Internet Age 2* Cambridge, United Kingdom: Polity Press.
- Creswell, J. (2016). *Essential Skills for the Qualitative Researcher*. Thousand Oaks, California: SAGE.
- Creswell, J. & Poth, C. (2018). *Qualitative Inquiry & Research Design: Choosing Among Five Approaches*. Fourth edition. Thousand Oaks, California: SAGE.
- Cunliffe, A. (2008). Orientations to social constructionism: Relationally-responsive social constructionism and its implications for knowledge and learning, *Management Learning*, 123-139.
- DeFronzo, J. (2015). *Revolutions and Revolutionary Movements 5* Boulder, CO, Westview Press.
- Della Porta, D. & Mattoni, A. (2015). Social Networking Sites in Pro-democracy and Anti-austerity Protest: Some Thoughts from a Social Movements Perspective. D. Trottier, & C. Fuchs, *Social Media, Politics and the State: Protests, Revolution, Riots, Crime and Policing in the Age of Facebook, Twitter and YouTube* (39-63). New York, NY: Routledge.
- Desideri, U. & Asdrubali, F. (2018). *Handbook of Energy Efficiency in Buildings: A Life Cycle Approach*. Butterworth-Heinemann.
- Det Udomsap, A. & Hallinger, P. (2020). A bibliometric review of research on sustainable construction, 1994-2018. *Journal of Cleaner Production*, 254, 120073. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2020.120073>
- Diamond, L. (2010). Liberation Technology. *Journal of Democracy*, 21(3), 69-83.
- Dool, L.; Hendriks, F.; Gianoli, A. & Schaap, L. (2015). *The Quest for Good Urban Governance; Theoretical Reflections and International Practices*. Urban and Regional Research International. Springer VS.
- El-Nawawy, M. & Khamis, S. (2013). *Egyptian Revolution 2.0: Political Blogging, Civic Engagement, and Citizen Journalism*. New York, NY: Palgrave MacMillan.
- Faris, D. M. & Meier, P. (2013). Digital Activism in Authoritarian Countries. A. Delwiche, & J. Henderson, *The Participatory Cultures Handbook*, 197-205. New York, NY: Routledge.
- Fiol, C. & Lyles, M. Organizational learning.
- Foot, K. A. & Schneider, S. M. (2006). *Web Campaigning*. Cambridge, MA: The MIT Press.
- Fukuyama, F. (2013). What is governance ? *Governance*, 26(3), 347-368.
- Gelvin, J. L. (2015). *The Arab Uprisings: What Everyone Needs to Know* New York, NY: Oxford University Press.
- George, D. & Mallery, P. (2003). *SPSS for Windows step by step: A simple guide and reference*. Boston: Allyn & Bacon.
- Gerbaudo, P. (2012). *Tweets and the Streets*. London, United Kingdom: Pluto Press.

- Gladwell, M. (2017). Small Change: Why the Revolution will not be Tweeted. S. Cohen 50 Essays: *A portable Anthology* 5, 169-181, Bostn, MA: Bedford/St. Martin's.
- Goodwin, J. & Jasper, J. M. (2015). Editors 'Introduction. J. Goodwin, & J. Jasper, *The Social Movements Reader: Cases and Concepts* 3, 3-7, West Sussex, United Kingdom: Wiley Blackwell.
- Growiec, K. & Growiec, J. (2013). Trusting Only Whom You Know, Knowing Only Whom You Trust: The Joint Impact of Social Capital and Trust on Happiness in CEE Countries. *Journal of Happiness Studies*, 1015-1040.
- Haeffner, M.; Leone, D.; Coons, L. & Chermack, T. (2012). The effects of scenario planning on perceptions of learning organization characteristics.
- Han, S. (2014) Social Capital and Subjective Happiness: Which Contexts Matter ?*Journal of Happiness Studies*, 241-255.
- Haunss, S. (2015). Promise and Practice in Studies of Social Media and Movements. L. Dencik & O. Leistert, *Critical Perspectives on Social Media and Protest: Between Control and Participation*, 13-31. London, United Kingdom: Rowman & Littlefield.
- Herrara, L. (2014) Revolution in the Age of Social Media: The Egyptian Popoular Insurrection and the Internet. London, United Kingdom: Verso.
- Hildingsson, R. (2015). Governing decarbonisation the state and the new politics of climate change . Lund, Sweden: Lund University.
- Hill, S.; Lorenz, D.; Dent, P. & Lu'tzkendorf, T. (2013). Professionalism and ethics in a changing economy. *Building Research & Information*, 41(1), 8-27.
- Hosseini Dehaghani, M. & Basirat, M. (2016). A Game Theory Approach to the Analysis of Urban Power Games: Analysis of Construction Building Processes in Tehran Metropolis. *Honar-Ha-Ye-Ziba: Memary va Shahrsazi*, 21(1), 91-100.
- Howard, P. N. & Hussain, M. H. (2013). *Democracy's Fourth Wave? Digital Media and the Arab Spring*. New York, NY: Oxford University Press.
- Kazemian, G. (2018) The favorable perspective of urban management on the horizon 2025. A. A. Mahaki, *New urban governance; Approaches, concepts, issues and challenges* (51-62), Tehran: Tisa.
- Kenward, R. E.; Whittingham, M. J.; Arampatzis, S.; Manos, B. D.; Hahn, T.; Terry, A.,.... Papathanasiou, J. (2011) Identifying governance strategies that effectively support ecosystem services, resource sustainability, and biodiversity. *Proceedings of the National Academy of Sciences USA*, 108(13), 5308-5312.
- Keshavarz G.; M., Kazimieras Z.; E., Turskis, Z. & Antucheviciene, J. (2016). A new combinative distance-based assessment (CODAS) method for multi-criteria decision-making. *Economic Computation and Economic Cybernetics Studies and Research*, 25-44.
- Khamis, S. (2017). Revisiting Cyberactivism Six Years after the Arab Spring:



- Potentials, Limitations, and Future Prospects. N. Lenze, C. Shriwer, & Z. Abdul Jalil, *Media in the Middle East: Activism, Politics, and Culture*, (3-19), New York, NY: Palgrave MacMillan.
- Kibert, C. J. (1994). Establishing principles and a model for sustainable construction. *the first international conference on sustainable construction* (3-12), Tampa Florida.
- Kibert, C. J. (2007). *The next generation of sustainable construction*. London: Taylor & Francis.
- Kibert, C. J. (2007). The next generation of sustainable construction. *Building Research & Information*, (3), 595-601.
- Kibert, C. J. (2016). *Sustainable construction: Green building design and delivery*. New York: John Wiley & Sons.
- Koontz, H. & Weihrich, H. (Management 1988). New York: McGraw-Hill.
- Kotus, J. & Sowada, T. (2017). Behavioural model of collaborative urban management: extending the concept of Arnstein's ladder. *Cities* (65), 78-86.
- Lawrence, E.; Rogers, R.; Zajacova, A. & Wadsworth, T. (2019). Marital happiness, marital status, health, and longevity. *Journal of Happiness Studies*, 1539-1561.
- Learner's, O. A. (30 Apr 2020). *Dictionary*. <https://www.oxfordlearnersdictionaries.com/definition/english>
- Leftwich, A. (1993). Governance, democracy and development in the Third World. *Third World Quarterly*, 14(3), 605-624.
- Li, Y.; Qiu, J.; Zhao, B.; Pavao-Zuckerman, M.; Bruns, A.; Qureshi, S.... Li, Y. (2017). Quantifying urban ecological governance: A suite of indices characterizes the ecological planning implications of rapid coastal urbanization. *Ecological Indicators*, (72), 225-233.
- Longman (30 Apr 2020). *Longman Dictionary of Contemporary English Online*. <https://www.ldoceonline.com/dictionary>
- Lorch, R.; Visscher, H.; Laubscher, J. & Chan, E. H. (2018) *Building Governance and Climate Change; Regulation and Related Policies*. New York: Routledge.
- Loury, G. (1977). A dynamic theory of racial income differences. P. Wallace, & A. Lamond in *Women, Minorities and Employment Discrimination*, (153-188). Lexington: Lexington Books.
- Lynch, M. (2014). Media, Old and New. M. Lynch, *The Arab Spring Explained: New Contentious Politics in the Middle East*, (93-109), New York, NY: Columbia University Press.
- Merriam-Webster (30 Apr 2020). *Merriam-Webster*. <https://www.merriamwebster.com/dictionary>
- Moaddel, M. (2017). The Arab Spring and Egyptian Revolution Makers: Predictors of Participation. M. Moaddel, & M. J. Gelfand, *Values, Political Action, and Change in the Middle East and the Arab Spring*. (205-247). New York, NY: Oxford University Press.

- Mol, A. P. (2009). Urban environmental governance innovations in China. *Current Opinion in Environmental Sustainability*, 1(1), 96-100.
- Morozov, E. (2011). *The Net Delusion: The Dark Side of Internet Freedom*. New York, NY: Public Affairs.
- Noller, P., Feeney, J. & Callan, V. (1994). A longitudinal study of conflict in early marriage. *Journal of Social and Personal Relationship*, 233-252.
- Pierre, J. & Peters, B. G. (2000). *Governance, politics and the state*. Hampshire, UK: Palgrave Macmillan.
- Rasoolimanesh, S. M.; Badarulzaman, N.; Abdullah, A. & Behrang, M. (2019). How governance influences the components of sustainable urban development? *Journal of Cleaner Production*, 238.
- Roof, K. & N, O. (2008). Public Health: Seattle and King County's Push for the Built Environment. *J Environ Health*, 71(1), 7-24.
- Rotberg, I. R. (2014). Good governance means performance and results. *Governance*, 27(3), 511-518.
- S.Hocking, B. (1990).
- Salem, S. (2015). Creating Spaces for Dissent: The Role of Social Media in the 2011 Egyptian Revolution. D. Trottier & C. Fuchs, *Social Media, Politics and the State: Protests, Revolution, Riots, Crime and Policing in the Age of Facebook, Twitter and YouTube*, (171-188), New York, NY: Routledge.
- Schuler, D. & Day, P. (2004). Shaping the Network Society: Opportunities and Challenges. D. Schuler & P. Day, *Shaping the Network Society: The New Role of Civil Society in Cyberspace*, (1-16), Cambridge, MA: The MIT Press.
- SCI, S. C. (2019). Information on building permits issued by municipalities in 2018. Tehran: Statistics Center of Iran.
- Seib, P. (2012). *Real-Time Diplomacy: Politics and Power in the Social Media Era*. New York, NY: Palgrave MacMillan.
- Serenko, A. (2013). Meta-analysis of scientometric research of knowledge management : discovering the identity of the discipline. . *J. Knowl. Manag.* 17(5), 773-812.
- Snelgrove, J. & Pikhart, H. (2009). A multilevel analysis of social capital and self- rated health: evidence from the British household panel survey. *Journal of Health Politics, Policy and Law*, 689-694.
- Taqipour A. A. (2021). Explanation of Tehran's Building Governance. *Master Thesis*. Tehran: Allame Tabataba'ie University, Faculty of Accounting and Management.
- Treib, O.; Bähr, H. & Falkner, G. (2007). Modes of governance: Towards a conceptual clarification. *Journal of European Public Policy*, 14(1), 1-20.
- Trottier, D. & Fuchs, C. (2015). Introduction. D. Trottier, & C. Fuchs, *Social Media, Politics and the State: Protests, Revolution, Riots, Crime and Policing in the Age of Facebook, Twitter and YouTube*, (3-38), New York, NY: Routledge.
- Tufekci, Z. (2017). *Twitter and Tear Gas: The Power and Fragility of Networked Protest*. New Haven, CT: Yale University Press.

- Turner, R.; Fitzsimmons, C.; Forster, J.; Mahon, R.; Peterson, A. & Stead, S. (2014). Measuring good governance for complex ecosystems: Perceptions of coral reef-dependent communities in the Caribbean. *Global Environmental Change*, (29), 105-117.
- Unal, O. & Akgun, S. (2020). Conflict resolution styles as predictors of marital adjustment and marital satisfaction: an actor-partner interdependence model. *Journal of Family studies*, 1-16.
- United Nations. (2015). Transforming Our World: the 2030 Agenda for Sustainable Development. UN Doc. A/RES/70/1.
- Vijscher, H., Laubscher, J. & Chan, E. H. (2016). Building governance and climate change: roles for regulation and related policies. *Building Research & Information*, (44), 461-467.
- Zhao, X.; Zuo, J.; Wu, G. & Huang, C. (2019). A bibliometric review of green building research 2000-2016, *Architectural Science Review*, 62(1), 74-88.
- Ziaee, T.; Jannati, Y.; Mobaheri, E. & et al. (2014). The Relationship between Marital and Sexual Satisfaction among Married Women Employees at Golestan University of Medical Sciences, Iran. *Iranian Journal of Psychiatry and Behavioral Science*, 44-51.
- Zou, T.; Su, Y. & Wang, Y. (2018). Examining Relationships between Social Capital, Emotion Experience and Life Satisfaction for Sustainable Community. *Sustainability*, 1-16.
- Zou'elm (2005). Reflections on the concept of the word challenge in Iranian social and cultural literature. *Andish va Tarikh Siasi Iran Mo'aser*, 36(4), 34-37.

References

- Adine Vand; Ali Asghar & Olia, Mahdi (2015). Good urban governance in Iran: prioritizing components and knowledge. *Strategy Quarterly*. 25(81), 305-338. (In Persian)
- Aghili, Saif al-Din Haji bin Nizam (1985). The works of ministers. Edited by Mirjalaluddin Hosseini Ermavi (Muhadith). second edition. Tehran: Information Publications. (In Persian)
- Ali al-Anbari, Abdul Razzaq (1978). The position of al-Qhazi al-Qhozat in al-Abbasiya from the beginning until the end of the Seljuks era. first edition Beirut: Al-Dar al-Arabiya for Al-Morseat. (In Arabic)
- Amin, Seyed Hassan (1382). History of Iranian law. First Edition. Tehran: Iranian Encyclopaedia Publications. (In Persian)
- Attar Neishaburi, Faridaldin (2000). Tazkerah Alawlia .Based on the version of Reynold Allen Nicholson, with the efforts of Tavakli. Eighth edition. Tehran: Behzad Publications. (In Persian)
- Baghdadi, Bahaoddin Mohammad ibn Moayed (1936). Al-Tavassol ela Al-Tarassol. Tehran: Ahmed Bahmanyar Publishing. (In Arabic)
- Bartold (2003). Turkestan Namah. Translated by Karim Keshavarz. Tehran: Aghaz Publications. (In Persian)

- Bayhaqi, Abulfazl (1996). Beyhaqi history. Dr. Khalil Khatib Rahbar's efforts. Tehran: Mehtab Publications. (In Persian)
- Bosworth, Darley Duran & Kahn, Lambton (2010). The Seljuks. Translated by Yaqhub Azhand. First Edition. Tehran: Molly Publications. (In Persian)
- Dinevari, Ibn Qutaibeh (2001). Imamate and politics. Translated by Seyyed Nasser Tabatabai. Tehran: Qhoghnoos. (In Persian)
- Fry, R.N. (2000). History of Iran. Translated by Hassan Anoushe. Third edition. Tehran: Amir Kabir Publications. (In Persian)
- Ghazali Tusi, Imam Muhammad ibn Muhammad (1982). The King's Advice. With corrections, footnotes, comments and an introduction by Professor Jalaluddin Homayi. Tehran: Babak Publications. (In Persian)
- Ibn Abi al-Dam, Ibrahim bin Abdullah (1984). Judicial literature. Researched and edited by: Mohi Hilal al-Sarhan. first edition. Baghdad: Al-Ershad Press. (In Arabic)
- Ibn al-Nadim, Muhammad bin Ishaq (1929). Al-Fehrest. Beirut: Dar al-Marafa. (In Arabic)
- Ibn Athir, Izz al-Din Ali (1985). The complete history of Islam and Iran. Translated by Abbas Khalili (volumes 1-15) and translated by Ali Hashemi Haeri (volume 16). Tehran: Scientific Publications. (In Persian)
- Ibn Balkhi (1931). Farsnameh. Edited by Guy Lessring and Renedalene Nicholson. Tehran: Asatir. (In Persian)
- Ibn Ekhwhah, Muhammad ibn Ahmad ibn Qureshi (1988). Municipal ritual in the 7th century of Hijri (Ma'alem al-Qurba fi Ahakam-e al-Hisbah). Translated by Dr. Jafar Shaar. Third edition. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company. (In Persian)
- Ibn Khaldoun, Abdor Rahman (1996). The Introduction of Ibn Khaldoun. Translated by Mohammad Parveen Gonabadi. Eighth edition. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company. (In Persian)
- Ibn Khallakan, Ahmad Ibn Ibrahim. (1997). Deaths of notables and news of the sons of the time. A new revised and corrected edition, indexed by Muhammad Abd al-Rahman al-Maraashli. First Edition. Beirut: Institute of Arabic History. (In Arabic)
- Ibn Meskaweih, Abu Ali (1997). Experiences of nations. Translated by Alinghi Manzavi. First Edition. Tehran: Tus. (In Persian)
- Istakhari, Ibrahim ibn Mohammad (1961). Paths and kingdoms. Beirut: Dar Sadir. (In Arabic)
- Jahshiari, Mohammad (1969). Book of Ministers and Writers. Translated by Abulfazl Tabatabayi. Tehran: Translation and publishing. (In Persian)
- Joyini, Mutjab al-Din Ali bin Ahmad Katab (1950). Otbah al-Kuobah. To the correction of Allameh Mohammad Qazvini and Abbas Iqbal. Tehran: Printing Company. (In Persian)
- Kennedy, Abi Omar (1908). The book of governors and the book of judges. Politely and correctly written by Refen Gest. Beirut: Dar al-



- Kutub Al-Elamiya. (In Arabic)
- Khonoji Esfahani, Fazlullah (1985). Behavior of kings. Tehran: Kharazmi. (In Persian)
- Lambton, A.K.A. (2001). Government and governance in Islam. Translation and research by Seyyed Abbas Salehi and Mohammad Mahdi Faqhihi. Tehran: Arouj Publishing Institute. (In Persian)
- Masoudi, Ali ibn Hossein (1390). Meadows of gold and precious metals. Translated by Abolqasem Payandeh, Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company. (In Persian)
- Mawardi, Abulhasan Ali (1973). Judge etiquette. Baghdad: Mohi Hilal al-Sharhan, head of Diwan al-Awqhaf. (In Arabic)
- Mawardi, Abulhasan Ali (1985). Sultanic rulings and religious mandates. second edition. Cairo: Islamic Studies School. (In Arabic)
- Metz, Adam (1983). Islamic civilization in the 4th century Hijri. Translation: Alireza Zakavati. First Edition. Tehran: Amir Kabir. (In Persian)
- Mohaghegh, Mehdi (1995). Abolfazl Beyhaghi's memorandum. Mashhad: Ferdowsi University Press. (In Persian)
- Mohaghegh Helli, Ja'far ibn Hasan (1967). The laws of Islam in matters of halal and haram. Translated by Abulqhasem ibn Ahmed Yazdi, by the effort of scholar Mohammad Taqi. Tehran: Tehran University Press. (In Persian)
- Moqhddasi, Abu Abdullah (1906). The best divisions in knowing the regions. Beirut: Dar Sader. (In Arabic)
- Moslemi, Hossein and Fazeli, Seyed Taher (2017). Strategy analysis model in the intellectual system of the Supreme Leader. Strategy Quarterly. 27(89). pp. 67-94. (In Persian)
- Mostofi, Hamdollah (1985). selected date. Due to the attention of Dr. Abdul Hossein. (In Persian)
- Nakhjavani, Hindushah ibn Sanjar (1979). The experiences of the predecessors. To the correction and diligence of Abbas Iqbal Ashtiani. Third edition. Tehran: Tahuri Library. (In Persian)
- Narshakhi, Muhammad ibn Jafar (1972). History of Bukhara. by the efforts of Mohammad Taghi Modares Razavi. Tehran: Toos. (In Persian)
- Nizam al-Mulk Tusi, Abu Ali Hassan (1999). Policy. To the attention of Hubert Dark. fourth edition. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company. (In Persian)
- Onsor-al Maali, Kikavus ibn Iskandar (1992). Qaboosnameh. To the attention of Gholamhossein Yousefi. Sixth edition. Tehran: Scientific and Cultural Publications. (In Persian)
- Othbi, Muhammad ibn Abdul Jabbar (2003). Translation of Yamini history. Translated by Abul Sharaf Naseh bin Zafar Jarfadghani. Corrected by Jafar Shaar. Tehran: Scientific and Cultural Publishing Company. (In Persian)
- Qalqhashandi, Ahmad ibn Ali. (1987). Sobh al-A'asha in the industry of creation. Description of Mohammad Hossein Shamsoddin. Beirut: Dar

- al-Kitab al-Alamiya. (In Arabic)
- Qodamah ibn Jafar (1996). Book of Al-Kharaj. Translation and research by Dr. Hossein Qareh Chanlou. First Edition. Tehran: Alborz Publishing. (In Persian)
- Rawandi, Muhammad ibn Ali ibn Soleiman (1985). Rahat al-Sodour and Ayah al-Sorour in Seljuk history. To try and correct Muhammad Iqbal. including footnotes and indexes with the necessary corrections of the late Mohtabi Minouei. second edition. Tehran: Amir Kabir Publications. (In Persian)
- Razi, Najmoddin. (2019). Mersad al-Ebad. Tehran: Ferdous. (In Persian)
- Saket, Mohammad Hossein (2003). Proceedings in Islamic law. Tehran: Mizan Publications. (In Persian)
- Samani, Abu Saad Abdul Karim ibn Muhammad (1980). Al-Ansab book. With the help of the Ministry of Education and Cultural Affairs of the Supreme Indian Government. first edition. Hyderabad: The Majlis of the Ottoman Encyclopaedia. (In Arabic)
- Shpoler, Bertold (1994). History of Iran in the early Islamic centuries. Translated by Javad Flatouri. fourth edition. Tehran: Scientific and Cultural Publications. (In Persian)
- Thaalabi Nishaboyi, Abu Mansour (1989). The News of the Persian kings and their biographies. With translation and introduction by Zattenbarak and preface by Mojtaba Minavi. Translation of the Arabic text by Mohammad Fazaeli. Tehran: Hefdeh Shahrivar Printing House. (In Persian)
- Watwat, Rashid (1959). Letters of Rashid al-Din and Tawat. The effort of Qasim Tuyserkani. Tehran: University of Tehran. (In Persian)
- Zahrani, Mohammad Mosfar (2013). Ministry system in the Abbasid government (Al-Buyeh and Seljuq era). The translator of Satar Oudi. Tehran: Scientific and Cultural Publications. (In Persian)
- Zeydan, Abdul Karim (1984). Judiciary system according to Islamic law. Baghdad: Al-Ani Press. (In Arabic)
- Zeydan, Jurji (1994). The complete works of Jurji Zaydan. (The History of Islamic Civilization). The third edition. Beirut: Dar al-Jil. (In Arabic)



ناسازواری رویه بین‌المللی دولت‌ها در پیوند به عدم شناسایی حکومت طالبان با تأکید به راهبرد ایران

احمد رضا توحیدی

دانشیار گروه حقوق بین‌الملل دانشگاه قم، قم، ایران (نویسنده مسئول).

ar.tohidi@qom.ac.ir

 0000-0002-3852-0920

محمد امیر قاسمی شاهی

دانش‌آموخته حوزه و دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه قم، قم، ایران.

maqasemishahi@gmail.com

 0000-0003-4196-1601

چکیده

سردرگمی سیاسی و وضعیت شکننده اقتصادی که مردم افغانستان را به ناامیدی و مهاجرت واداشته‌اند، باعث شدند پژوهش حاضر با تکیه بر نظریه مشروعیت مردم‌سالارانه حکومت که چهارچوب نظری مقاله انتخاب شده است و به‌کارگیری روش توصیفی - تحلیلی، به جواب این سؤال بپردازد که راه‌حل ناسازواری رویه بین‌المللی دولت‌ها در پیوند به عدم شناسایی حکومت طالبان از منظر حقوق بین‌الملل چیست؟ کشورهای متعدد با حکومت طالبان روابط دارند یعنی هم سفارتشان در کابل فعال هستند و هم دیپلمات از حکومت طالبان در سفارت افغانستان پذیرفته‌اند و برخی کشورها (چین، روسیه، ایران، ترکیه و ترکمنستان) حتی سفارت افغانستان را به حکومت سرپرست طالبان تحویل داده‌اند، ولی باز هم اعلان می‌کنند، آن را به رسمیت نمی‌شناسیم و روابط ما نباید به معنای شناسایی تلقی شود. بیان تفاوت شناسایی با سایر عملکردهای بین‌المللی دولت‌ها و تأکید بر راهبرد جمهوری اسلامی ایران، مهم‌ترین هدف این پژوهش می‌باشد. فرضیه‌ای این پژوهش این است که از دید جامعه بین‌المللی مشروعیت حکومت طالبان محل تردید است و صرفاً سه مؤلفه جمعیت، سرزمین و حاکمیت را برای شناسایی آن کافی نمی‌دانند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد: شناسایی برای حکومت طالبان مهم و سرنوشت‌ساز است، چون بدون شناسایی از سوی دیگر دولت‌ها؛ قادر به ورود در جامعه بین‌المللی نخواهد بود. حق حیات دولت‌ها در عرصه بین‌المللی متکی به شناسایی است که حکومت طالبان مستثنی از این امر نمی‌باشد. شناسایی یک دولت یا عدم آن توسط دولت دیگر، یک عمل و اقدام سیاسی یکجانبه و صلاح‌دیدی است که فی‌نفسه بر موجودیت یک دولت تأثیرگذار نیست و دولت صادرکننده را فقط در زمینه سیاسی متعهد می‌سازد؛ بنابراین، شناسایی یک امتیاز است نه یک حق که قصد دولت صادرکننده در آن، تعیین‌کننده می‌باشد، تنها با تکیه بر حقوق بین‌الملل نمی‌شود به‌عنوان دولت دست یافت؛ زیرا حقوق فقط به آثار

حقوقی واقعیتی سیاسی که عبارت از دولت باشد، متوجه است و چهارچوب و محدوده سیاسی این حق را معین می‌کند. جامعه جهانی معیار نوین نظریه مشروعیت مردم‌سالارانه حکومت که عبارت از پابندی به مردم‌سالاری، حاکمیت قانون، رعایت حقوق بشر و حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی و ایجاد نشدن حکومت از طریق توسل به‌زور است را مدنظر دارد، بدین‌لحاظ، تاکنون هیچ کشوری به‌رسمیت نشناخته‌اند و بدون اصلاحات به‌رسمیت نخواهد شناخت. سایر عملکرد دولت‌ها که بر اساس یک‌سری ملاحظات صورت می‌گیرند به‌معنای شناسایی نیست و آثار آن را در پی ندارد و نمی‌توانند حکومت طالبان را عضو جامعه بین‌المللی بسازند؛ بنابراین، راهی دیگری جز پابندی به مشروعیت مردم‌سالارانه حکومت، برای نجات حکومت طالبان و مردم افغانستان از این وضعیت، به‌نظر نمی‌رسد.

کلیدواژه‌ها: اعمال یکجانبه دولت‌ها، حکومت طالبان، شناسایی دوزوره، رویه بین‌المللی دولت‌ها، مشروعیت مردم‌سالارانه حکومت، ایران.

شاپای الکترونیک: ۶۵۲۵-۲۵۸۸ / پژوهشکده تحقیقات راهبردی / فصلنامه علمی راهبرد

CC BY 4.0



10.22034/RAHBORD.2023.394833.1552

مقدمه و بیان مسئله

متعاقب شنیدن از استقرار حکومت طالبان در کشور همسایه افغانستان، در ابتدای امر ممکن است در ذهن برخی‌ها این پرسش ایجاد شود که طالبان کیست، در چه زمانی و چرا شکل گرفتند؟ و شاید کمتر بدانند که این گروه اسلام‌گرا عمدتاً از بین قبایل پشتون که در دو طرف خط دیورند^۱، در افغانستان و پاکستان فعلی زندگی می‌کنند (Qureshi, 1996, p. 99; Sungur, 2016, p. 441) و یکی از چهار قوم بزرگ (هزاره، پشتون، ازبیک و تاجک) در افغانستان می‌باشند (نجفی، ۱۳۸۹، ص. ۶۳) یارگیری نموده‌اند. منشأ اصلیشان، مدارس مذهبی پاکستان بوده و با کمک آی.اس.آی، پس از توقف کاروان تجاری مربوط به تجار پاکستانی از سوی فرماندهان خودسر مجاهدین که به مقصد آسیای میانه در حرکت بود، تحت نام تأمین امنیت و ثبات و از بین بردن بی‌بندوباری‌های موجود در حکومت مجاهدین، ظهور و از مرز چمن پاکستان وارد اسپین بولدک افغانستان شدند (مولائی، ۱۴۰۰، ص. ۲).

طالبان، بار اول از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰، بر دوسوم افغانستان حاکم شدند. حضور اسامه بن‌لادن، رهبر اسبق شبکه القاعده در افغانستان، طالبان را روبه‌روی جامعه‌ای جهانی قرار داد؛ زیرا، بن‌لادن از سوی آمریکا متهم به طراحی بمب‌گذاری سفارتخانه‌های این کشور در سال ۱۹۹۸ در کنیا و تانزانیا و حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ به مرکز تجارت جهانی در نیویورک، شده بود. حمایت طالبان از اسامه بن‌لادن سبب حمله آمریکا به افغانستان شد (Shaw, 2017, pp. 863-865) و بار دیگر کابل به‌دست حکومت ربانی افتاد (۱۳۸۰/۸/۲۳). در ۱۳۸۰/۹/۶ اجلاس در شهر بُن - آلمان تحت سرپرستی سازمان ملل ترتیب و براساس توافقنامه‌ای بُن،

۱. خط دیورند که مسافتی معادل ۱۵۰۰ مایل را می‌پوشاند، از پامیر شروع و مناطق بایر جنوب نزدیک به دریای عرب را لمس می‌کند. در نتیجه توافقنامه‌ای دیورند (۱۸۹۳) میان عبدالرحمن خان پادشاه افغانستان، و سر اچ مورتیمر دیورند، وزیر خارجه بریتانیا در هند امضاء شد، به‌وجود آمد. مرز را در منطقه‌ای مشخص کرد که مردم آن ادعای وفاداری به‌هیچ‌یک از دو کشور هند بریتانیایی و افغانستان را نداشتند. طبق این قرارداد، دو طرف، متعهد شدند که در قلمروهای یکدیگر که فراتر از خط قرار دارند، «مداخله» نکنند و به توافقنامه احترام بگذارند. با این حال، انتظار می‌رفت که توافقنامه دیورند به عدم اطمینان، بی‌اعتمادی متقابل و همه‌تردیدها پایان دهد؛ اما این مرز عمدتاً به دلیل ماهیت خودسرانه مرز در دسرساز باقی ماند. این موضوع از زمان ظهور پاکستان (۱۹۴۷) پیچیده‌تر شد، پاکستان خط دیورند را به‌عنوان مرز رسمی خود با افغانستان به رسمیت می‌شناسد؛ اما دولت‌های متوالی افغانستان به‌شدت از به رسمیت شناختن خط دیورند به‌عنوان مرز رسمی خود با پاکستان دوری نموده‌اند؛ بنابراین، مسئله خط دیورند هر دو کشور را در یک رویارویی پایدار قرار داده است (Poya, 2019, pp. 1-2).

دولت موقت به ریاست حامد کرزی تشکیل گردید (کنسولگری جمهوری اسلامی ایران - هرات، بی تا). حملات طالبان از سال ۲۰۰۴ به بعد افزایش یافت به گونه‌ای که از سال ۲۰۰۸ به خونین‌ترین سال یاد شد. حکومت کرزی و نیروهای خارجی، مذاکره با طالبان را مطرح کردند و بدین منظور شورای عالی صلح افغانستان تشکیل شد؛ اما مذاکرات بجایی نرسید (حسین خانی، ۱۳۹۰، صص. ۲۲۲-۲۳۱)، در دور دوم حکومت غنی، موافقتنامه‌ای دوحه، به امضاء رسید و به تعقیب آن خروج کامل نیروهای آمریکایی آغاز، پنج هزار زندانی طالبان آزاد، جنگ شدت گرفت و حکومت عقب‌نشینی تاکتیکی کرد.

رئیس جمهور غنی، در ۱۴۰۰/۵/۲۴ به امارات متحده عربی فرار کرد و طالبان وارد کابل شد (کاوه، ۱۴۰۱)، برخی در استان پنجشیر به مخالفت با طالبان پرداختند. سرانجام طالبان در تاریخ ۱۴۰۰/۶/۱۵ استان پنجشیر را هم تصرف نمودند (یوسفی، ۱۴۰۱) و بر کل افغانستان حاکم شدند. دولت موقت خود را تحت نام امارت اسلامی افغانستان در (۱۶ شهریور ۱۴۰۰) معرفی نمودند (خبرگزاری آریانا نیوز، ۱۴۰۰)، احزاب مخالف در بیرون از افغانستان، شورای مقاومت ملی برای نجات افغانستان را تشکیل و از جبهه مقاومت که با طالبان درگیر جنگ بود حمایت نمودند. جبهه آزادی افغانستان نیز در سال ۱۴۰۲ به صورت پراکنده با طالبان وارد جنگ شده است.

هم‌اکنون (خرداد ۱۴۰۲) با سپری شدن بیش از دو سال هیچ کشوری، حکومت طالبان را به رسمیت نشناخته است. متقی وزیر خارجه طالبان، در یک کنفرانس خبری مدعی شد که به ۱۰ کشور دیپلمات اعزام کرده است (خبرگزاری تسنیم، ۱۴۰۱)، کشورهای چین، روسیه، ایران، ترکیه و ترکمنستان علاوه بر قبول نمودن دیپلمات، سفارتخانه‌ای افغانستان در کشورشان را نیز به طالبان سپرده‌اند. در عین حال، بعضاً در مجمع عمومی سازمان ملل جهت تصویب قطعنامه در پیوند به عدم شناسایی حکومت طالبان رأی داده‌اند؛ اما در موضع رسمیشان اعلان می‌کنند آن را به رسمیت نمی‌شناسیم و روابط ما نباید به معنای شناسایی^۱ تلقی شود. در چنین وضعیت که از دید نگارنده یک ناسازواری است، چون از یک سو برخی کشورها به عنوان مثال، جمهوری اسلامی ایران با حکومت سرپرست طالبان در زمینه‌های مختلف روابط دارد و از سوی دیگر در موضع رسمی‌شان اعلان می‌کند تا حکومت

فراگیر تشکیل نشود آن را به رسمیت نمی‌شناسیم و در مجمع عمومی سازمان ملل نیز رأی دادن که بدون تشکیل حکومت همه‌شمول، حکومت طالبان نباید به رسمیت شناخته شود. حال سؤال اصلی این پژوهش این است: راه‌حل این ناسازواری از منظر حقوق بین‌الملل چیست؟ تفاوت شناسایی با سایر عملکردهای بین‌المللی دولت‌ها^۱، به‌عنوان اعمال یکجانبه^۲، مهم‌ترین هدفی است که در این پژوهش دنبال می‌شود. تا نشان دهد که شناسایی و سایر عملکردهای دولت‌ها دارای چه استدلال و آثار حقوقی و غیرحقوقی هستند. هر چند در کنار این هدف کلی، به اهداف فرعی‌تری از جمله تحلیل اهداف راهبردی جمهوری اسلامی ایران نیز توجه شده است.

جهت تبیین سؤال‌های روش توصیفی - تحلیلی اتخاذ شده چون از یک طرف توصیف شناسایی و سایر عملکردهای دولت‌ها ضروری است، ازسوی دیگر توضیح و تبیین پیش‌فرض‌ها، گزاره‌ها، مفاهیم و مفروضه‌های تفاوت شناسایی و سایر عملکردهای دولت‌ها، ماهیت تحلیلی دارد. یعنی علاوه بر تصویرسازی آنچه هست به تشریح و تبیین دلایل چگونه بودن و چرایی مسئله و ابعاد آن می‌پردازد. در چنین تحقیقی، محقق برای تبیین و توجیه دلایل، نیاز به تکیه‌گاه استدلالی محکمی دارد؛ بنابراین، در این پژوهش از نظر منطقی جزئیات مربوط به مسئله‌ای تحقیق با گزاره کلی به‌نام نظریه مشروعیت مردم‌سالارانه حکومت ارتباط داده می‌شود و سپس نتیجه‌گیری می‌شوند. شیوه‌ای گردآوری اطلاعات به‌صورت کتابخانه‌ای است که بر مبنای نقد کتاب‌ها، مقاله‌ها و اسناد بین‌المللی استفاده شده است. در طراحی فرضیه پژوهش دلایل (عدم رعایت حقوق بشر؛ به‌ویژه حقوق زنان و حقوق اقلیت‌های قومی، عدم مبارزه با تروریسم؛ عدم حکومت فراگیر متشکل از مذاهب و اقوام مختلف و نظریه مشروعیت مردم‌سالارانه حکومت)، عدم شناسایی حکومت طالبان موردتوجه قرار گرفته است. مهم‌ترین مشکلی که این پژوهش به دنبال حل آن است، شرایط بسیار اسفناک، بدون رعایت حقوق مدنی و سیاسی، بدون رعایت حقوق بنیادین بشر، و وضعیت مبهم سیاسی و شکننده‌ای اقتصادی مردم افغانستان است که نسبت به ارائه یک تحلیل واقع‌بینانه و جامع‌تر گام برداشت تا مسئولیت حکومت در چهارچوب قواعد حقوق بین‌الملل به الزام‌های اساسی مردم‌سالارانه و حقوق بشر در آینده افغانستان در قالب صحیح و بهتر تبیین و پیش‌بینی شود.

۱. ادبیات پژوهش

۱-۱. پژوهش‌های داخلی

عزیزی (۱۴۰۰) در مقاله شناسایی امارت اسلامی افغانستان (طالبان) از منظر حقوق بین‌الملل، نتیجه‌گیری نموده است که امارت اسلامی افغانستان تا زمان اثبات همکاری با دیگر دولت‌ها در مبارزه با گروه‌های نظیر داعش و نیز رعایت هنجارهایی مانند: حقوق بشر و زنان و تشکیل حکومتی فراگیر، از سوی جامعه بین‌المللی به‌ویژه دول غربی شناسایی نخواهد شد.

ساوری و همکارانش (۱۴۰۱) در مقاله مشروعیت دولت طالبان از منظر حقوق بین‌الملل، به این نتیجه رسیده‌اند که مؤلفه‌های مشروعیت یک دولت از منظر حقوق بین‌الملل نوین، نسبت به حقوق بین‌الملل کلاسیک، تفاوت‌های آشکاری یافته است و جامعه بین‌المللی تا رفع نگرانی‌های حقوق بشری و بشردوستانه، و... شناسایی حقوق مردم در تعیین سرنوشت و اعمال شیوه‌های حکمرانی خوب و معیارهای شناخته شده بین‌المللی، دولتی اسلامی طالبان را به رسمیت نخواهد شناخت.

منوری و همکارانش (۱۴۰۱) در مقاله راهبرد چین جهت گسترش همکاری با طالبان پس از خروج آمریکا، نتیجه‌گیری نموده‌اند که مؤلفه‌های امنیتی و اقتصادی در رابطه چین و طالبان قبل از خروج آمریکا و در دوره حاکمیت کنونی طالبان برجسته شده و چین به دنبال مداخله سازنده و تبدیل شدن به بازیگر مؤثر در مجموعه امنیتی منطقه‌ای جنوب آسیا از طریق همکاری با طالبان است.

حسینی و همکارانش (۱۴۰۱) در مقاله مسئولیت حمایت و استیلای طالبان بر افغانستان در پرتو دیالکتیک هنجارهای بشری، به این نتیجه رسیده‌اند که حاکمیت نه تنها یک حق بلکه مسئولیتی است که به موجب آن یک دولت به مراقبت و رعایت حقوق افراد تحت صلاحیت خود متعهد می‌باشد. در زمینه حمایت و حفاظت از حقوق ملت افغانستان، ایجاد بستری مناسب برای اعمال حق تعیین سرنوشت آنها می‌تواند راهکاری برای خاتمه یافتن نابسامانی موجود در این کشور باشد. اگر دولتی قادر یا مایل به حمایت از افراد تحت صلاحیت خود نباشد، به عهده جامعه بین‌المللی می‌باشد.

طاهری (۱۴۰۱) در مقاله طالبان و تشکیل دولت لویاتان قومی - مذهبی در افغانستان (بررسی تحلیلی - انتقادی امارت اسلامی از منظر فلسفه سیاسی)، نتیجه‌گیری نموده است که طالبان با سلطه مجدد بر افغانستان دولت لویاتان قومی -

مذهبی تشکیل داده و به مبانی و مفاهیم مشروعیت‌ساز مرسوم در عرف بین‌الملل وفاداری ندارد و مبانی مشروعیت خود را مبتنی بر فقه حنفی، عرف پشتونوالی و سنت لویه جرگه می‌داند که هیچ‌کدام از آنها مبنای عام و معتبر مشروعیت در عرف ملی و بین‌المللی به‌شمار نمی‌روند.

۲-۱. پژوهش‌های خارجی

آقایان فهیم و مجیدخان (۲۰۲۲)^۱ در مقاله به رسمیت شناختن حکومت طالبان در افغانستان و جامعه جهانی، نتیجه‌گیری نموده‌اند کشورهایی که در افغانستان نقش دارند عمدتاً به دو گروه تحت رهبری آمریکا که تعامل و به رسمیت شناختن دولت طالبان را چالش برانگیزتر خواهد یافت و گروه دیگر به رهبری چین - روسیه که تلاش خواهد کرد تا خلأ راهبردی در افغانستان را که توسط آمریکا و متحدانش باقی مانده است، با تعامل فعال‌تر با دولت طالبان پر کند.

آقای هالند (۲۰۲۱)^۲ در مقاله منافع ملی پاکستان و به رسمیت شناختن رژیم طالبان افغانستان، به این نتیجه رسیده است که همکاری پاکستان با کشورهای مردم‌سالار همفکر، به‌ویژه آمریکا، کانادا، اعضای اتحادیه اروپا و بریتانیا، در مورد شرایط به رسمیت شناختن بین‌المللی حکومت طالبان، می‌تواند به کاهش نگرانی‌های غرب در مورد نفوذ فزاینده چین بر اسلام‌آباد کمک کند. اسلام‌آباد در موقعیت منحصربه‌فردی برای تحت فشار قراردادن طالبان برای دور شدن از افراطیت مذهبی و احترام به حقوق بشر از جمله ایجاد فرصت‌ها برای زنان قرار دارد.

آقایان کوگان و گیل (۲۰۲۲)^۳ در مقاله مشروعیت و توسعه بین‌المللی در افغانستان تحت سلطه طالبان، نتیجه‌گیری نموده‌اند. از آنجایی که طالبان به تحکیم قدرت در افغانستان ادامه می‌دهد، ناگزیر است که دولت‌ها و نهادها برای دسترسی افغانستانی‌ها به کمک‌های بشردوستانه با آن تعامل داشته باشد. باین‌حال، باید توجه داشت که تعامل صرفاً بازتاب درک قدرت است؛ اما نه مشروعیت.

علی‌رغم پژوهش‌های مختلف انجام شده راجع به طالبان، به‌ویژه در موضوع شناسایی و مشروعیت حکومت طالبان، کمتر به بررسی ناسازواری رویه بین‌المللی دولت‌ها پرداخته شده است و جنبه نبودن این پژوهش بیان تفاوت شناسایی با سایر عملکردهای یکجانبه دولت‌ها است.

1. Muhammad Faheem & Minhas Majeed Khan

2. Kenneth M. Holland

3. mark s. coGan& don mclain Gill

۲. چهارچوب نظری پژوهش

نظریه مشروعیت مردم‌سالارانه حکومت، چهارچوب نظری این پژوهش را تشکیل می‌دهد. نخست به اشکال شناسایی اشاره می‌شود تا روشن گردد در جامعه بین‌المللی نسبت به شناسایی چه تحولی به‌وجود آمده که حکومت طالبان با مشکل مواجه شده است.

۲-۱. اشکال شناسایی حکومت

یک حکومت بدون شناسایی، قادر به ورود در جامعه بین‌المللی نخواهد بود. هر چند شرایط دیگر را داشته باشد نیاز به مشروعیت بین‌المللی^۱ دارد که تنها از طریق شناسایی محقق می‌گردد. شناسایی انواع مختلف دارد. گاهی به‌صورت دوزوره یا رسمی و قانونی که قابل برگشت نیست، گاهی به‌صورت دوافکتو یا غیررسمی و عملی، که دولت شناسایی‌کننده بیشتر به شکل حکومت جدید توجه دارد و در صورتی اتخاذ می‌شود که قانونی بودن آن محل تردید باشد؛ با قیود و شرایطی همراه است؛ ممکن است با تحقق شرایط لازم از سوی حکومت جدید؛ این شناسایی تبدیل به شناسایی کامل یا دوزوره گردد؛ در غیر آن می‌تواند از شناسایی خود برگردد. هر چند از لحاظ عملی تعدادی از کشورها و سازمان‌های بین‌المللی به‌نحوی با حکومت طالبان در تعامل هستند که دال بر شناسایی دوافکتوی آن است؛ اما از لحاظ اعلامی تاکنون هیچ کشوری حتی این نوع شناسایی را هم اعلام نکرده است (مظاهری جبلی و بهنام‌رودسری، ۱۳۹۸، ص. ۵۶ و لطفی، ۱۳۹۸، صص. ۵۶۴-۵۶۷).

گاهی به‌صورت صریح است، مانند اظهار بیانیه و گاهی به‌صورت ضمنی که از عملی بر قصد شناسایی، ناشی می‌شود (مظاهری جبلی و بهنام‌رودسری، ۱۳۹۸، ص. ۶۱-۵۹ و عزیزی، ۱۳۹۷، ص. ۴۶۸)، گاهی به‌صورت حداقلی که دولت‌ها در صحنه بین‌المللی دنبال کسب شناسایی هستند تا حق حیات در عرصه بین‌المللی پیدا نمایند. در برابر آن، شناسایی حداکثری است، مانند تلاش روسیه شوروی برای شناسایی شدن به‌عنوان قدرت بزرگ یا ابرقدرت و یا عضو خانه مشترک اروپا (قوام و دیگران، ۱۳۹۳، صص. ۱۲-۱۵)، با جمعیت، سرزمین و قدرت سیاسی دولت جدید موجودیت پیدا می‌کند و این عمل حقوقی تلقی می‌شود، ولی به‌طور کلی شناسایی یک عمل سیاسی به‌حساب می‌آید، حداقل دو شاهد بر این مدعا می‌توان ذکر کرد:

1. International Legitimacy

۱- شناسایی از سوی مؤسسه حقوق بین‌الملل در اجلاس ۱۹۳۶، عمل سیاسی تعریف شده؛

۲- عرف بین‌المللی^۱ نیز شناسایی را یک جریان سیاسی قلمداد می‌کند (عزیزی، ۱۳۹۷، ص. ۴۶۶).

دو نظریه وجود دارند: الف) نظریه تأسیسی: یک موجودیت تنها زمانی تبدیل به یک دولت می‌شود که مورد شناسایی قرار بگیرد. به رسمیت شناختن شرط لازم است (Kohen, 2006, p. 97; Ryngaert & Sobrie, 2011, p. 469). ۱۴۰۱، صص. ۱۳۰۰-۱۳۰۱ و لطفی، ۱۳۹۸، ص. ۵۵۶). ب) نظریه اعلامی: معتقد است یک موجودیت با برآورده کردن الزام‌های واقعی، به دولت تبدیل می‌شود و به رسمیت شناختن صرفاً آن واقعیت را تصدیق و اعلام می‌کند (Kohen, 2006, p. 97; صادقی و دیگران، ۱۴۰۱، صص. ۱۳۰۰-۱۳۰۱ و لطفی، ۱۳۹۸، ص. ۵۵۷). کنوانسیون مونته ویدئو^۲ نیز در تأیید این نظریه مقرر می‌دارد: «وجود سیاسی دولت، مستقل از به رسمیت شناختن دولت‌های دیگر است...» (ماده ۳). اکثر حقوق‌دانان بین‌المللی طرفدار نظریه اعلامی هستند چون با رویه دولت‌ها همگامی بیشتر دارد، شناسایی اساساً ماهیتی اعلامی دارد و نمی‌تواند جنبه تأسیسی داشته باشد و صرفاً به منزله اعلام ورود دولت جدید به صحنه بین‌المللی است (رمضانی قوام‌آبادی، ۱۳۹۵، صص. ۴-۵).

دولت به عنوان تابع حقوق بین‌الملل بر اساس موافقت‌نامه مونته ویدئو ۱۹۳۳، دارای معیارهای جمعیت پایدار و دائمی، سرزمین مشخص، کنترل مؤثر بر قلمرو خویش و توانایی برقراری روابط با سایر دولت‌ها، است (ماده ۱). از آنجایی که حقوق بشر و تعیین سرنوشت^۳ در حقوق بین‌الملل اهمیت بیشتری پیدا کرده است؛ اخیراً پیشنهاد شده است که باید استانداردها و انتظارات جامع بین‌المللی را در مورد این موضوعها برآورده سازد. این توسعه، با به رسمیت شناختن کشورهای جدید در اروپای شرقی و اتحاد جماهیر شوروی، توسط دستورالعمل جامعه اروپایی (۱۹۹۱) مورد حمایت قرار گرفت و بعداً به یوگسلاوی سابق گسترش یافت (Kohen, 2006, p. 6).

تحول در نهاد شناسایی به وجود آمده است. در عصری که منشور در مقدمه‌ای خود از ایمان ملل متحد به حقوق اساسی بشر و... سخن گفته است. در ماده ۱ بند ۳

1. International Custom

2. Montevideo Convention on the Rights and Duties of States 1933

3. Human Rights and Self-Determination

بدون تمایز برای همگان، همکاری بین‌المللی را جزء اهداف منشور قرار داده‌اند. در ماده ۵۵ بند ۳ اعضا متعهد به «احترام جهانی و مؤثر حقوق بشر و آزادی‌های اساسی برای همه بدون تبعیض» شده‌اند. اعلامیه جهانی حقوق بشر و همچنین اعلامیه وین در مقدمه خود حمایت از اقلیت‌های قومی، مذهبی و... و در کل رعایت حقوق بشر و حقوق بشردوستانه را متذکر شده‌اند؛ بیانگر این است که دولت در فقدان ارزش‌های جهان‌شمول و قواعد بنیادین حقوق بین‌الملل معاصر، از سوی جامعه بین‌المللی مورد شناسایی قرار نخواهد گرفت (Meron & Martinus, 2007, p. 680)، «حقوق بشر، حاکمیت قانون و حکمرانی مطلوب اساس نظم عمومی بین‌المللی قلمداد می‌شوند» (عسکری و ساعدی، ۱۳۹۷، ص. ۱۸۷).

رویه دولت‌ها نشان می‌دهند که فقط مؤثر بودن، سبب ایجاد دولت نمی‌شود؛ برای مثال، در رودزیای جنوبی و نامیبیا که حاکمیت بر سرزمین از طریق انکار حق تعیین سرنوشت یک ملت به‌وجود آمد و یا تهاجم دولت عراق به‌کویت (۱۹۹۰)، که از طریق توسل به‌زور صورت گرفت، مورد شناسایی قرار نگرفتند. درمقابل، کشورهایی مانند: چکسلواکی سابق، اتریش، اتیوپی، دولت‌های منطقه بالتیک و لهستان؛ با عدم مؤثر بودن موجودیتشان را به‌عنوان دولت حفظ کردند (عسکری و ساعدی، ۱۳۹۷، صص. ۱۸۷-۱۸۸)؛ بنابراین، فقط کنترل مؤثر برای تشکیل دولت طالبان کافی نیست بلکه معیار دیگری لازم است.

۲-۲. مشروعیت مردم‌سالارانه حکومت

مشروعیت به‌معنای انطباق عملکرد و رفتار یک دولت با دیدگاه شهروندان یا سایر دولت‌ها است (Azizi, 2022, p. 6). امارت اسلامی افغانستان به‌گمان طالبان، مشروع است و از جامعه جهانی توقع دارند که به‌رسمیت شناخته شود. در خصوص نوع نظام سیاسی و ساختار قانون اساسی کشورها حقوق بین‌الملل عموماً حکمی مشخص ندارد. ویژگی مردم‌سالارانه حکومت نیز از سوی منشور سازمان ملل، شرط عضویت در این نهاد جهانی دانسته نشده است (توکلی، ۱۳۹۰، ص. ۳ و ۸، Azizi, 2022, p. 8). یک زمان است که دولت الف دولت ب را به‌رسمیت نمی‌شناسد چون دولت ب از نظر قانونی واجد شرایط نیست، این نوع عدم شناسایی اندک است. نوع دوم به‌گونه‌ای است که دولت ب از لحاظ قانونی مشکل ندارد؛ اما دولت الف به دلایل سیاسی مایل به شناسایی نیست (Brownlie, 1983, p. 198).

رویکرد منشور، برگرفته از نظام حقوق بین‌الملل سنتی بود که از نظریه و معیار

اعمال «قدرت مؤثر»^۱ بهره می‌گرفت. ارجاع صریح به این نظریه در رأی داوری تینوکو منعکس شده است. داور در این پرونده، دولت فردریکو تینوکو^۲ را یک دولت مستقل واقعی قلمداد کرد. از سوی برخی کشورهای آمریکای لاتین و اروپایی به رسمیت شناخته شد (Brownlie, 1983, p. 198). دکترین استرادا نمونه بارز و بازتاب مهم این گرایش مسلط دولت‌ها بوده است که هر دولتی در هر شرایطی باید دولت جدید را به رسمیت می‌شناخت و حق قضاوت در مورد مشروعیت دولت جدید (حتی دولتی که از طریق زور به قدرت رسیده بود) را نداشتند (Azizi, 2022, p. 8) اگر در شرایط کنونی این معیار در جامعه بین‌المللی مدنظر باشد باید حکومت طالبان به رسمیت شناخته شود، درحالی که چنین نیست.

بعد از جنگ سرد بسیاری از نویسندگان بر مؤلفه حق تعیین سرنوشت تأکید می‌کنند و استدلالشان این است که تعیین سرنوشت به این معناست که مردم حق دارند نقش فعالی در تعیین امور خود در آزادی و برابری^۳ ایفا کنند. این ویژگی اصلی و محتوای هنجاری مردم‌سالاری است (Volger, 2010, p. 661)، حکومت‌های مردم‌سالار^۴ اغلب مشروع تلقی می‌شوند و به‌ندرت جنبش‌های قدرتمندی وجود دارند که از سرنگونی نظام مردم‌سالارانه حمایت کنند. مشروعیت مفهوم پیچیده و در حال تحول است که در مکان‌ها و زمان‌های مختلف معانی متفاوت خواهد داشت، همان‌طور که منابع آن نیز از کشوری به کشور دیگر متفاوت است. شاید مشروعیت گاهی ناشی از شناسایی سایر کشورها و یا سازمان ملل و گاهی به‌خاطر حمایت صریح یا ضمنی شهروندان باشد (Center for American Progress, 2016, pp. 8-9)، رویکرد سازمان ملل نسبت به ناقضان حقوق بشر^۵ از قبیل کره شمالی، میانمار و... هم نشان می‌دهد که آنها را به‌خاطر نقض مقررات این حوزه، از سازمان ملل اخراج نکرده است. اسناد جهانی حقوق بشری به یک نحوی از حق مشارکت در حکومت یاد کرده است، به انتخابات آزاد و مشارکت در اداره امور عمومی کشور توجه نموده است (International Covenant on Civil and Political Rights, Article 25)، این اسناد به‌صورت صریح به مشروعیت مردم‌سالارانه به‌عنوان بخشی از روند شکل‌گیری یک دولت اشاره ندارند؛ لذا در شناسایی حکومت‌ها از سوی جامعه بین‌المللی، معیار سنتی

1. Effective Power

2. Frederico Tinoco

3. Freedom and Equality

4. Democratic Governments

5. Violators of Human Rights

(کنترل مؤثر)، موردتوجه قرار گرفته است.

دولت نمی‌تواند به‌تنهایی با زور حکومت کند. برای مؤثر بودن، به قانون نیاز دارد تا انطباق همیشگی و داوطلبانه رعیت را تضمین کند. نمی‌تواند به‌طور کامل یا حتی در درجه اول برای وادار کردن اطاعت به قدرت فرمانروایی یک حاکم تکیه کند. در نتیجه دولت‌ها به‌دنبال تأیید اعتبار خود به‌گونه‌ای هستند که درجه بالایی از رضایت عمومی^۱ داوطلبانه را در فرایند حاکمیت تضمین کنند. رضایت برای حاکمان سودمند است و این در حال تبدیل شدن به یکی از بدیهیات سیاسی است. در کشورهای صنعتی غرب؛ حداقل از اواسط قرن نوزدهم، چنین اعتباری به‌طور فزاینده‌ای توسط دولت‌ها جستجو و به‌دست آمده است و اکنون اکثر کشورهای جهان به‌دنبال تقلید از آن هستند (Franck, 1992, p. 48). این رویکرد جدید باعث شد که بعضاً حکومت‌های برخاسته از کودتای نظامی ازسوی دیگران مورد شناسایی قرار نگیرند. اولین تلاش بین‌المللی برای ترویج حکومت مردم‌سالارانه، در پی کودتا علیه حکومت منتخب آریستید^۲ در هائیتی بود (Marks, 2011, p. 520). این رویکرد در قاره آفریقا هم موردتوجه قرار گرفت و در واکنش به کودتاهای نظامی در کشورهای مختلف عضویت آنها را تعلیق و تحریم‌های اقتصادی علیه‌شان وضع کردند. همچنین سازمان ملل بر مشروعیت مردم‌سالارانه دولت‌های منتخب جدید در ساحل عاج (۲۰۱۱) و گامبیا (۲۰۱۷) تکیه کرد (de Wet, 2019, p. 473). پس از استعمارزدایی، کودتاها در آفریقا فراگیر بوده‌اند. درمجموع ۴۱ کشور از ۴۸ کشور با کودتای موفق یا ناموفق روبه‌رو شده‌اند (McGowan, 2003, p. 345). همچنین راجع به برکناری رئیس‌جمهور هندوراس در سال ۲۰۰۹، مجمع عمومی به اتفاق آراء خواستار بازگرداندن فوری ایشان شد و از تمامی دولت‌ها قاطعانه و صریح خواست که کودتاگران را به‌رسمیت نشناسند؛ بنابراین سازمان ملل از پذیرش اعتبارنامه نمایندگان رژیم کودتا خودداری کردند و نظریه مشروعیت مردم‌سالارانه حکومت، جایگزین رویه قبلی شد (Roth, 2010, p. 435).

از زمان تصویب منشور تا پایان جنگ سرد، ۱۵۵ کودتای موفق در جامعه بین‌المللی اتفاق افتاده‌اند و رویکرد سنتی حقوق بین‌الملل (اعمال قدرت مؤثر) در شناسایی دولت‌ها موردتوجه بوده و در طول جنگ سرد هیچ‌یک از کودتاهای نظامی، حتی کودتاهایی که علیه دولت‌های منتخب مردم انجام شدند، با محکومیت جهانی مواجه نشدند (Azizi, 2022, p. 11)؛ اما آمریکا و اعضای اتحادیه اروپا با فروپاشی اتحاد

1. General Satisfaction

2 Jean-Bertrand Aristide

شوروی سابق، راجع به شناسایی آنها علاوه بر معیارهای سنتی ایجاد دولت، پابندی به حاکمیت قانون و مردم‌سالاری، از جمله رعایت قواعد و مقررات منشور پاریس (۱۹۹۰) و سند نهایی هلسینکی (۱۹۷۵) را نیز لحاظ کردند؛ بنابراین، بعد از پایان جنگ سرد، رعایت حقوق بشر و حقوق اقلیت‌ها در گفتمان رسمی کشورها، به‌عنوان یکی از شروط شناسایی دولت‌ها مطرح شدند و در حقوق بین‌الملل معاصر ایجاد نشدن دولت از طریق توسل به‌زور، شرط دیگری است که به ایجاد دولت جدید مشروعیت می‌بخشد (عسکری و ساعدی، ۱۳۹۷، ص. ۱۸۹).

گاهی حکومت‌ها توسط انقلاب مردمی^۱ ساقط می‌گردد. از زمان تشکیل سازمان ملل، ۲۸ مورد از انقلاب‌های مردمی در جهان رخ داده‌اند. یکی از آنها انقلاب ۱۳۵۷ (۱۹۷۸) جمهوری اسلامی ایران است که از سوی اکثر دولت‌های جهان به‌رسمیت شناخته شد و نمایندگان ایران نیز در سازمان ملل مورد پذیرش قرار گرفتند (Azizi, 2022, pp. 9-10). تغییر حکومت در نتیجه‌ای جنگ داخلی، نیز از سوی جامعه جهانی مورد استقبال و نمایندگان آنها در سازمان ملل پذیرفته شده‌اند. بجز در مورد حکومت طالبان که از سال ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ به‌رسمیت شناخته نشد (Azizi, 2022, pp. 20-21-22) و همچنین از سال ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۳.

آنچه در باب مشروعیت حکومت بیان شد عام و کلی بود؛ اما به‌طور خاص در جهان اسلام راجع به مشروعیت حکومت، پس از پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم)، در میان دو گروه بزرگ شیعه و سنی که هر کدام از «مکتب امامت» و «مکتب خلافت»، دیدگاه‌های ویژه‌ای به خود گرفتند، یک موضوع اختلافی است. در میان اهل سنت چند دیدگاه عمده مطرح هستند که یکی از آنها استیلا و زور و غلبه است و راجع به حکومت طالبان همین دیدگاه صدق می‌کند (ن.ک: نجفی و دیگران، ۱۳۹۹، صص. ۲۴۲-۲۵۳؛ موسوی و دیگران، ۱۴۰۱، صص. ۹۰-۱۰۴ و دلدار، ۱۳۹۹، صص. ۱۲۵-۱۳۸).

در سال ۱۹۵۷ جان فاستر دالس^۲، وزیر امور خارجه آمریکا گفت: به‌رسمیت شناختن سیاسی همیشه یک امتیاز است نه یک حق و ما می‌دانیم که رژیم کمونیستی چین وجود دارد و در کره با ما جنگیده است؛ اما به‌رسمیت شناختن سیاسی از سوی ما به‌رژیم شناخته شده حقوق و امتیازات ارزشمند، اعتبار و نفوذ بیشتری را در داخل و خارج می‌بخشد. هیچ‌چیز به‌طور خودکار در مورد شناسایی

1. People's Revolution

2. John Foster Dulles

وجود ندارد و هرگز صرفاً با گذشت زمان مجبور به شناسایی نمی‌شود (Brownlie, 1983, p. 198)، یعنی قدرت مؤثر مدنظر قرار نگرفته است بلکه معیار دیگر (مشروعیت)، لازم است.

۳. نگاهی به اعمال یکجانبه دولت‌ها

اعمال یکجانبه دولت‌ها، از سال ۱۹۹۷ در دستور کار کمیسیون حقوق بین‌الملل^۱، قرار گرفت (کریمی، ۱۴۰۰، ص. ۲۹۹)، دولت‌ها اعمال یکجانبه با ماهیت حقوقی و سیاسی می‌توانند ایجاد کنند، میان این دو تمایز وجود دارد: اولی مشمول قوانین بین‌المللی خواهد بود و عدم رعایت آن موجب مسئولیت بین‌المللی^۲ دولت صادرکننده می‌گردد؛ اما دومی دولت را فقط در زمینه سیاسی متعهد می‌سازد، در صورت عدم رعایت تنها پیامد سیاسی دارد (DOCUMENT A/CN.4/569 and Add. 1, 2006, p. 173، محبی و دیگران، ۱۴۰۰، صص. ۳۱۰-۳۱۱ و شایگان و عبدالهی رودمعجنی، ۱۴۰۰، ص. ۶۹۷). هر عمل حقوقی ایجاب می‌کند که قصد ایجاد آثار حقوقی ناشی از آن وجود داشته باشد؛ وقتی عمل یکجانبه‌ای ابراز می‌شود، دولت ایجادکننده آن باید مطابق همان عمل رفتار نماید (محبی و دیگران، ۱۴۰۰، ص. ۳۰۵).

«عمل یکجانبه یک دولت، به معنای اعلامیه یکجانبه‌ای است که توسط یک دولت به منظور ایجاد آثار حقوقی معینی بر اساس حقوق بین‌الملل تنظیم شده است.» (DOCUMENT A/CN.4/569 and Add. 1, 2006, p. 174) یکجانبه‌بودن اعمال، این است که یک اراده برای ایجاد آثار حقوقی آن کافی است و با چنین حالتی، می‌تواند میان اعمال یکجانبه شکلی و ماهوی تمایز ایجاد کند و باعث می‌شود اعمال یکجانبه‌ایی که صرفاً از نظر شکلی یکجانبه هستند، مانند: شناسایی، اعتراض، اعلان جنگ، الحاق به معاهده، اعلامیه پذیرش صلاحیت یک نهاد قضایی همچون دیوان و... از حیطه مطالعه اعمال یکجانبه ماهوی فاصله بگیرند. چنین مفاهیمی فقط به دلیل اراده دولت صادرکننده، پدید نمی‌آیند بلکه مقررات حقوق بین‌الملل عرفی یا معاهده‌ای مانند اعلام اعتراض و جنگ، یا در جهت واکنش به یک واقعیت موجود مانند شناسایی یک وضعیت یا کشور، پدید می‌آیند (کریمی، ۱۴۰۰، الف، صص. ۳۰۰-۳۰۵؛ حدادی و کریمی، ۱۳۹۷، ص. ۲۹۲ و کریمی،

1. International Law Commission

2. International Responsibility

۱۴۰۰. ب، ص. ۹۸)، شناسایی، الحاق به یک معاهده، اعتراض و... همگی از نظر شکلی عمل یا اعلامیه یکجانبه^۱ به‌شمار می‌آیند و هر یک تابع نظام حقوقی متفاوتی هستند (حدادی و کریمی، ۱۳۹۷، ص. ۲۹۲)؛ بنابراین شناسایی جزء اعمال یکجانبه شکلی دولت‌ها به حساب می‌آید. اعمال یکجانبه سیاسی است نه حقوقی؛ که دولت صادرکننده را فقط در زمینه سیاسی متعهد می‌سازد و در صورت عدم رعایت، پیامد آن هم سیاسی خواهد بود.

۴. مواضع جامعه بین‌المللی راجع به شناسایی دوزوره حکومت طالبان

در جریان جنگ داخلی، طالبان اولین بار به‌عنوان یک گروه شورشی در سال ۱۹۹۴ در استان قندهار ظاهر شد و در ۲۷ سپتامبر ۱۹۹۶ کابل را به‌تصرف خود درآورد و امارت اسلامی افغانستان را در بخش‌هایی از کشور که تحت کنترل داشت تأسیس کرد (Gooneratne, 2014, p. 381). یک نظام حکومتداری دو مسیره، شورای رهبری سیاسی - نظامی به‌نام شورای عالی در قندهار و دفتر اجرایی به‌نام شورای وزیران در کابل تشکیل دادند. مخالفان (هزاره‌ها؛ تاجک‌ها و ازبیک‌ها)، حاکمیت طالبان را نپذیرفتند و از طریق جبهه متحد اسلامی ملی برای نجات افغانستان، معروف به اتحاد شمال به مقاومت علیه طالبان پرداختند (Ibrahimi, 2017, pp. 947-948).

سرپرست وزارت امور خارجه طالبان در ۱۰ اکتبر ۱۹۹۶ طی نامه‌ای به سازمان ملل، خواهان به رسمیت شناختن امارت اسلامی افغانستان، به‌عنوان تنها حکومت مشروع افغانستان شد؛ اما حکومت ربانی همچنان در سطح بین‌المللی به‌عنوان نماینده دولت افغانستان شناخته می‌شد (Wolfrum & E. Philipp, 2002, pp. 566-567). کمیته اعتبارنامه سازمان ملل، تصمیم‌گیری در مورد اینکه کدام طرف بعد از این نماینده افغانستان باشد، را به تأخیر انداخت و باعث شد که نمایندگی از افغانستان در مجمع عمومی سازمان ملل، کماکان برای دولت مجاهدین باقی بماند. این کمیته از فضای عمومی که در سازمان ملل وجود داشت، متأثر شد (عزیزی، ۱۴۰۰، صص. ۱۲-۱۳)؛ زیرا در این سال‌ها، عملکرد حکومت طالبان، نسبت به حقوق بشر و به‌ویژه راجع به حقوق زنان، مورد انتقاد شدید جامعه بین‌المللی قرار داشت.

ائتلاف بین‌المللی به‌رهبری آمریکا در ۷ اکتبر ۲۰۰۱، جهت سرنگونی حکومت طالبان و بیرون راندن نیروهای القاعده از افغانستان، حملات هوایی را آغاز نمودند. مبنای قانونی آنها، قطعنامه ۱۳۶۸ شورای امنیت بود که در ۱۲ سپتامبر ۲۰۰۱

1. Unilateral Declaration

به تصویب رسید. سرانجام جبهه اتحاد شمال به دور اول حکومت طالبان بدون اینکه از سوی جامعه بین‌المللی به رسمیت شناخته شود، نقطه پایان گذاشت. دولت جدید (جمهوری اسلامی افغانستان)، با کمک‌هایی مالی و فنی جامعه بین‌المللی برخی اصلاحات اساسی را به اجرا درآورد و افغانستان بین سال‌های ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۵ روند صعودی داشت و با کمرنگ شدن توجه آمریکا و متحدانش به‌ویژه پس از حمله به عراق (۲۰۰۳)، روند صعودی کاهش یافت. نیروهای طالبان با حمایت پاکستان توانستند سازمان‌دهی مجدد و حملات خود را افزایش دهند. احساس عدم اطمینان این وضعیت، همراه با کاهش شدید کمک‌ها به افغانستان و انتخابات ریاست جمهوری پُرمنافشه (۲۰۱۴)، سطح تهدیدها را افزایش دادند (Bizhan, 2018, p. 5). طالبان از یک گروه شورشی ناچیز به یک جنبش سیاسی مسلحانه با نفوذ در مناطق جنوب و شرق افغانستان تبدیل شدند. در سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ ساختارهای حکومتی، از جمله نقش استاندارها و کمیسیون‌های استانی و فرماندارها را توضیح دادند و در امور صحت و آموزش نیز وارد فعالیت شدند. در آگوست ۲۰۰۷، طالبان به سازمان بهداشت جهانی (WHO) و صندوق کودکان سازمان ملل (UNICEF)، اجازه اجرای پوشش مردمی فلج اطفال را دادند و به‌نحوی تعامل و همکاری‌شان را در امور بشردوستانه برای جامعه بین‌المللی نشان دادند (Jackson, 2018, p. 8). این فعالیت‌ها باعث شد تا آمریکایی‌ها به تدریج با طالبان وارد مذاکره و گفتگو شوند.

در یک دهه‌ای اخیر طالبان همواره در گفتگوها وانمود کردند که در پی انحصار سیاسی نیستند و اذعان داشتند که باید با جمهوری اسلامی افغانستان به توافق صلح دست یابند (Osman et al, 2016, p. 6). بدین‌لحاظ، شورای امنیت طی قطعنامه ۱۹۸۸، که در تاریخ ۱۷ ژوئن ۲۰۱۱ به تصویب رسید، با توجه به درخواست دولت افغانستان کمیته تحریم‌ها را به دو دسته تقسیم کرد: یک بخش تحریم‌ها را علیه گروه القاعده در نظر گرفت و بخش دیگر از تحریم‌ها به آن دسته از افراد و نهادهایی که به طالبان تعلق داشت و صلح و امنیت را در افغانستان به چالش می‌کشیدند، اختصاص یافت (S/RES/1988, 2011, pp. 2-3).

اولین اقدام با هدف برقراری صلح^۱ بین حکومت افغانستان و طالبان، در زمان اوباما اتفاق افتاد. از سوی آمریکا در سه سال (۲۰۱۳-۲۰۱۲-۲۰۱۱)، تلاش‌هایی صورت گرفت؛ اما نتیجه‌ای قابل توجه در پی نداشت. در تاریخ ۲۸ دسامبر ۲۰۱۴ دولت اوباما

به مأموریت جنگی نظامیان آمریکا در افغانستان نقطه پایان گذاشت و بخش بزرگی از نیروهای آن، همراه نیروهای آیساف از افغانستان خارج شدند (سهیلی نجف‌آبادی و دیگران، ۱۳۹۹، ص. ۱۷۸)، به‌صورت جدی، طرح خروج کامل نیروهای آمریکا از افغانستان و توافق با طالبان در دوران ترامپ، مطرح شد چون ایشان منتقد مداخله آمریکا در افغانستان بود (اصلانی و دیگران، ۱۴۰۰، ص. ۵۰۹)، بدین‌منظور، زلمی خلیل‌زاد پشتون‌تبار و اصالتاً افغانستانی را که با فرهنگ و زبان طالبان خوب آشنا بود، جهت مذاکرات با طالبان انتخاب کرد که بعداً حکومت بایدن مأموریت ایشان را به‌خاطر داشتن چنین ویژگی، تمدید نمود. این انتخاب به‌ضرر دیگر اقوام تمام شد.

خلیل‌زاد، دو سند مهم را به امضاء رسانید: بیانیه مشترک ایالات متحده آمریکا و جمهوری اسلامی افغانستان (فوریه ۲۰۲۰) و موافقت‌نامه دوحه میان ایالات متحده آمریکا و طالبان (۲۹ فوریه ۲۰۲۱). آمریکا عهده‌دار پیگیری اجرای مفاد این دو سند از طریق شورای امنیت شده بود که در نتیجه چنین تعهدی، مفاد این دو سند مذکور تحت عنوان ضمیمه الف و ضمیمه ب به قطعنامه شماره ۲۵۱۳، ۱۰ مارس ۲۰۲۰ شورای امنیت ضمیمه شده است (S/RES/2513, 2020, pp. 1-3) سند دومی، در واقع پیام دوباره به قدرت رسیدن طالبان و زنگ خطر علیه حکومت افغانستان بود که از سوی آمریکایی‌ها به‌صدا درآمد و تأثیرهای بسیار شدید منفی بر روح و روان نیروهای حکومتی و مردم افغانستان برجا گذاشت و به‌سرعت همه چیز دیگرگون شدند.

قطعنامه (۲۵۴۳) شورای امنیت، علاوه بر اینکه از آغاز گفتگوهای صلح در قطر استقبال کرد، در روند صلح افغانستان رعایت حقوق بشر، مشارکت سیاسی زنان، اقلیت‌های قومی و مذهبی و... را، موردتوجه جدی قرار داد (S/RES/2513, 2020, p. 4)؛ اما طالبان جنگ را شدت بخشید، شورای امنیت در ۶ اوت ۲۰۲۱ ترتیب جلسه داد و از دولت‌ها خواست که به طالبان یادآور شوند که حکومت برآمده از زور را نخواهد پذیرفت. در ۱۲ اوت ۲۰۲۱، سه روز قبل از ورود طالبان به کابل، نمایندگان چند قدرت بزرگ بین‌المللی، همسایه‌های افغانستان، چند کشور دیگر به همراه نماینده سازمان ملل و اتحادیه اروپا در یک بیانیه پایانی تأکید کردند، حکومتی را که بر اساس زور به‌قدرت برسد به‌رسمیت نمی‌شناسند (عزیزی، ۱۴۰۰، ص. ۱۷). تا اینجا جامعه بین‌المللی بر پیشبرد مذاکرات صلح و بر عدم شناسایی حکومت برآمده از زور تأکید داشتند؛ اما با فرار رئیس‌جمهور غنی، دیدگاه آنها کمی متفاوت شد.

در قطعنامه ۲۵۹۳، نشانه‌های تغییر رویکرد جامعه بین‌المللی نسبت به طالبان، مشاهده می‌شود؛ زیرا واژه عدم شناسایی حکومت طالبان به‌چشم نمی‌خورد

(S/RES/2593, 2021, para. 2-4). به نظر می‌رسد این بار، رویکرد جامعه جهانی از جمله سازمان ملل، کمی متفاوت از گذشته بوده است؛ اما شورای امنیت در قطعنامه فوق در ضمن توجه به واقعیت موجود و کنترل مؤثر طالبان در افغانستان نظریه مشروعیت مردم‌سالارانه را لحاظ کرد. بعدازآن، در قطعنامه ۲۵۹۶، مأموریت سازمان ملل را در حمایت از مردم افغانستان تمدید کرد و از دبیرکل خواست تا ۳۱ ژانویه ۲۰۲۲ گزارشی کتبی راجع به مأموریت یوناما و وضعیت موجود در افغانستان، به شورای امنیت ارائه کند (S/RES/2596, 2021)، در این قطعنامه هم به عدم شناسایی اشاره نشده است.

طالبان در مدت یکسال اول حکومتشان محدودیت‌هایی زیادی را برای زنان و دختران وضع کردند. تنها روزه‌ای امید برای آنها، بازبودن دروازه‌های دانشگاه‌ها بودند، که آن هم بر اساس تصمیم کابینه‌ای حکومت طالبان طی مکتوب شماره (۲۲۷۱) وزارت تحصیلات عالی طالبان (۲۹ آذر ۱۴۰۱)، به دانشگاه‌های دولتی و آزاد، دروازه‌های دانشگاه‌ها نیز بر روی دختران و زنان بسته شدند (ارزگانی، ۱۴۰۱)، تاکنون (خرداد ۱۴۰۲) محدودیت‌ها همچنان پابرجاست. پس از تسلط دوباره طالبان بر افغانستان، برای نخستین بار پیش‌نویس قطعنامه توسط آلمان به مجمع عمومی سازمان ملل ارائه شد و سرانجام مجمع آن را با ۱۱۶ رأی موافق در برابر هیچ رأی مخالف و ۱۰ رأی ممتنع به تصویب رسانید. در این قطعنامه رعایت قوانین بین‌المللی بشردوستانه و حقوق بشر و... موردتوجه قرار گرفتند. همچنین ضمن احتراز از شناسایی طالبان به‌عنوان دولت در افغانستان، خواستند که به تعهدهای بین‌المللی و دوجانبه افغانستان پایبند بوده و در مسیر ارتقاء رعایت حقوق بشر و تشکیل دولت فراگیر گام بردارند (Document A/77/L.11.2022).

جمهوری اسلامی ایران هم در جمع کشورهای رأی‌دهنده قرار دارد. صرف‌نظر از اینکه چه روشی به کار می‌گیرد؛ راهبرد هنری است که انسان را قادر می‌سازد در هنگام وجود دو خواست مغایر؛ اول مسائل را خوب بشناسد و بعد روشی را به کار گیرد که حداکثر بهره‌وری و کفایت را به همراه داشته باشد (افتخاری و باباهادی، ۱۳۹۸، صص. ۱۱-۱۲)، به نظر می‌رسد، با توجه بر ضرورت و حُسن همجواری، اشتراک‌های فراوان، روابط اقتصادی و تجاری و... بر اساس مدارای سیاسی به‌عنوان راهبرد رهبری در نظام جمهوری اسلامی ایران (خرمشاد و برخوردار، ۱۳۹۸، صص. ۶۲-۶۴) و با تکیه بر مقاومت که به‌عنوان یکی از اهداف کلان و جاودانه انقلاب اسلامی، همواره در جمع مؤلفه‌های سیاست خارجی ایران قرار دارد، به شکل فعال

با واکاوی تهدیدهای جدید (جمشیدیها و دیگران، ۱۴۰۰، صص. ۴۰-۴۱)، راهبرد ایران با خروج آمریکایی‌ها و یافتن فرصت؛ در مسیر تعدیل طالبان و راه‌حل مسالمت‌آمیز مسائل افغانستان، قرار دارد.

بعد از مجمع عمومی، شورای امنیت قطعنامه‌های ۲۶۲۶، ۲۶۷۸، ۲۶۷۹ و ۲۶۸۱ را در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ تصویب کرد که در این چهار قطعنامه نیز به عدم‌شناسایی اشاره نشده است؛ اما بعد از بستن دانشگاه‌ها بر روی دختران و زنان و منع کار آنها در نهاد سازمان ملل، لحن دو قطعنامه اخیر متفاوت و جدی‌تر به نظر می‌رسد. به تعقیب قطعنامه اخیر که به اتفاق آراء به تصویب رسیده است، دبیرکل سازمان ملل با نمایندگان ویژه کشورها در مورد افغانستان نشست سری را در دوحه قطر برگزار کرد و در دیدار مطبوعاتی خود افزود: این نشست در مورد توسعه یک رویکرد مشترک بین‌المللی بود نه در مورد به رسمیت‌شناختن طالبان. فریدون سینیرلی اوغلو^۱ را هماهنگ‌کننده ویژه ارزیابی انتخاب کرد تا برای برگزاری جلسه‌ای دیگر تلاش نماید (Statements, 2023)، در گزارش شورای امنیت آمده، اگرچه همه اعضای شورا برای دیدن افغانستان صلح‌آمیز و... تحت یک دولت فراگیر، متحد هستند؛ اما در مورد چگونگی دستیابی به این هدف اختلاف نظر دارند (Report, S.C 2023).

۵. ارزیابی عدم شناسایی طالبان و سایر رویه بین‌المللی دولت‌ها بر اساس حقوق بین‌الملل

اصولاً شناسایی حکومت از سوی بقیه کشورها یک حق ارادی است که برای کشور شناسایی‌کننده آزادی عمل را به همراه دارد. حقوق بین‌الملل صرفاً توانایی این را دارد تا چهارچوب سیاسی این حق را مشخص نماید. بعضاً از سوی برخی اندیشمندان این حوزه تلاش صورت گرفته است تا شناسایی را به یک عمل صرفاً حقوقی منسوب و آن را در زمره شرایط عینی شامل سازند. روش انجام کار دولت‌ها در این زمینه چنین بوده است که شناسایی یک حکومت را فقط عملی سیاسی به حساب آورند؛ مخصوصاً آن زمان که شناسایی با منافع عالی آنها در تضاد نباشد. چون شناسایی حقوق، تکالیفی را به وجود می‌آورد که ممکن است همراه با سود و زیان باشد و به سایر دولت‌ها نیز سرایت کند، بدین لحاظ، اگر دولت‌ها تشخیص دهند که یک تابع یا وضعیت، از لحاظ سیاسی نمی‌تواند آن حقوق را به دست آورد و تکالیف را به عهده گیرد، آن تابع یا

1. Feridun Sinirlioglu

وضعیت را شناسایی نمی‌کنند و از آن فاصله می‌گیرند (فلسفی، ۱۴۰۱، ص. ۴۶۸) که شاهد عینی آن، عدم شناسایی حکومت طالبان است.

در این میان حقوق عهده‌دار این است که صرفاً برای چنین اقدام‌های سیاسی محدوده‌ای مشخص پدید آورد. تکلیف به خودداری از شناسایی زود هنگام که به یک نحوی مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر است و همچنین شناسایی نکردن تجمع‌هایی که از طریق ضدیت با مقررات اساسی حقوق بین‌الملل یا زور شکل گرفته باشند، ممنوعیت شناسایی جهت تصاحب منافع ممنوع و سوءاستفاده کردن از حق، در این محدوده‌ها قرار می‌گیرند؛ بنابراین، ضروری است که در قبال شناسایی هر تجمعی، از لحاظ حقوقی وضعیت عینی آن استقرار یافته و از لحاظ سیاسی شروط مرتبط با مشروعیت آن محقق شده باشد (فلسفی، ۱۴۰۱، صص. ۴۶۹-۴۷۱)، هر چند که وضعیت عینی از لحاظ حقوقی، برای طالبان محقق شده است؛ اما از لحاظ مشروعیت سیاسی دچار مشکل است.

راجع به اصول رهنمای شناسایی دولت‌های نوظهور در اتحاد جماهیر شوروی سابق و اروپای شرقی، اعلامیه اتحادیه اروپا (۱۶ دسامبر ۱۹۹۶)، به‌وضوح بر این شرایط مُصر است. با توجه به این اعلامیه، حکومت‌های نوپا مانند حکومت طالبان قبل از شناسایی، لازم است تضمین‌هایی را برای جامعه بین‌المللی در جهت موارد ذیل عرضه بدارند: الف) رعایت مقررات منشور سازمان ملل متحد...؛ ب) تأمین حقوق گروه‌های ملی و نژادی و اقلیت‌ها...؛ ج) رعایت حدود مرزهای سرزمینی...؛ د) پذیرش تمامی تعهدهای خلع سلاح و...؛ ه) تعهد راجع به حل همه مسائل مربوط به جانشینی دولت‌ها و... (EUROPEENNE, C.P., 1991). موارد فوق در جامعه بین‌المللی به‌ویژه در نزد کشورهای غربی از اهمیت فراوان برخوردارند و با توجه به قدرت و نفوذ بیشتر آنها موجب شده است که در مورد شناسایی حکومت طالبان هیچ کشوری از بقیه پیش‌قدم نشود تا مبدا تحت افکار عمومی منفی جامعه بین‌المللی قرار بگیرد.

از منطق اصول ذکر شده در اعلامیه فوق، این مطلب به‌دست می‌آید که این شرایط همگی دربرگیرنده ماهیت سیاسی می‌باشند؛ لذا می‌تواند با شرایطی که مربوط به استقرار روابط سیاسی هستند، همخوانی داشته باشد. شناسایی دولت‌ها همانند سایر عملکرد بین‌المللی آنها نیست و آثار حقوقی ارزشمند به‌جا می‌گذارد؛ به‌عنوان نمونه، در نظام‌های داخلی کشورها، شناسایی یا عدم شناسایی قوه مجریه از دولت خارجی بر کارهای محاکم اثر می‌گذارد. افزون بر آنچه ذکر شد، شناسایی موجب این می‌شود که

هر معاهده معلق بار دیگر به اجراء درمی‌آید؛ دولت شناسایی شده بر اثر آن در محاکم داخلی حق اقامه دعوا پیدا می‌کند و مصونیت‌های لازم را نیز برایش به ارمغان می‌آورد؛ بنابراین، واضح است که همه این نتایج وابسته به انجام همان عمل ارادی دولتی است که بنا بر دلایل سیاسی اقدام به شناسایی دولت نوپا می‌کند، درحالی‌که سایر عملکردها چنین نتایجی را در پی ندارد (فلسفی، ۱۴۰۱، ص. ۴۷۲).

بر این اساس تجمع‌هایی مانند تایوان با اینکه پابرجاست و از اختیار و آزادی عمل در سرزمین خویش نیز برخوردار است؛ اما دولت مستقل به حساب نمی‌آید (فلسفی، ۱۴۰۱، صص. ۴۷۸-۴۷۹)، تصمیم دولت‌ها در این باره نقش اساسی و تعیین‌کننده دارند. از آنجایی که قاعده حقوقی اساساً ماهیتی انتزاعی و کلی دارد، توصیف وضعیت‌های عینی و گزینش مقوله‌های حقوقی مربوط به آنها کار چندان آسانی به‌نظر نمی‌رسد، به‌ویژه زمانی که مفاهیم موجود در فرضیه حقوقی در راستای ایجاد رابطه میان امر واقع و قاعده کفایت نکنند (فلسفی، ۱۳۹۹، ص. ۶۴۲)، در موارد مذکور، تأیید ماهیت حقوقی وقایع اصولاً بستگی به دیدگاه دولت‌ها یا مراجعی دارد که مصمم به اجرای قاعده حقوقی بوده‌اند؛ به‌عنوان مثال، اگر عضویت دولت را متکی بر وجود سه عنصر جمعیت، سرزمین و حاکمیت سازیم و به استقرار و دوام یافتن یک دولت حکم کنیم، به این مشکل اساسی برمی‌خوریم که تطبیق مفهوم دولت بر موارد عینی به‌خاطر عدم شفافیت حد عناصر سه‌گانه با سختی‌هایی مواجه است؛ زیرا اثبات وجود این سه عنصر فوق در تجمعاتی غیردولتی نیز ممکن است؛ بنابراین، نمی‌توان مدعی شد که موجودیت یک دولت صرفاً منوط به تصدیق واقعیات عینی ذکر شده است؛ بلکه معیار و شرایط دیگری را لازم دارد (فلسفی، ۱۳۹۹، صص. ۶۴۲-۶۴۳)، به‌همین جهت، توصیف دولت‌های ثالث از طریق شناسایی رسمی در موجودیت یافتن دولت نقش و اهمیتی ویژه یافته است. شناسایی که اصولاً عمل سیاسی تلقی می‌شود و صرفاً بر اساس مصالح و منافع آن دولت‌ها صورت می‌گیرد نه اینکه تابع واقعیات عینی باشد. به‌هرصورت، هر تشکلی ظرفیت این را دارد که دولت نامیده شود به‌شرط آنکه دولت‌های دیگر اراده به شناسایی آن بکنند؛ برای مثال، سریر مقدس (واتیکان)، به‌طور معین نه جمعیت دارد و نه سرزمین (البته دارای سرزمینی هر چند کوچک بر اساس قرارداد با دولت ایتالیا هست)، اما به اقتضای چنین مصالح و منافع امروزی مورد شناسایی قرار گرفته و یک عضو این جامعه به حساب می‌آید؛ زیرا تعداد زیادی از اعضای جامعه بین‌المللی شخصیت حقوقی سریر مقدس را همچون دولت فرض کرده‌اند (فلسفی، ۱۳۹۹، ص. ۶۴۴ و فلسفی، ۱۳۷۱، ص. ۱۸۹)، پس اراده هماهنگ

جامعه بین‌المللی نقش اساسی و تعیین‌کننده دارد.

دولتی که به شناسایی سایر دولت‌ها نرسیده است، الحاق آن به معاهده‌های چندجانبه، به عقیده غالب مستلزم شناسایی آن دولت نیست (فلسفی، ۱۳۹۸، ص. ۳۶۳)، بدین لحاظ، روابط برخی کشورها، به ویژه کشورهای همسایه افغانستان و یا حتی تفاهم‌نامه‌های کشور چین در قسمت استخراج معادن با حکومت طالبان، همان‌طور که خودشان هم اعلان می‌کنند، به معنای شناسایی نمی‌باشد. چون شناسایی دارای ویژگی خاصی است که حالت رسمی دارد و دولت شناسایی شده را عضو جامعه بین‌المللی می‌سازد که سود و زیان آن متوجه بقیه کشورها نیز خواهد بود؛ لذا برای آن، دلیلی از جمله مشروعیت مردم‌سالارانه حکومت را در نظر می‌گیرند که حکومت طالبان از آن بهره‌مند نیست؛ اما سایر عملکرد بین‌المللی دولت‌ها از چنین ویژگی و تبعاتی برخوردار نیستند؛ بنابراین، دولت‌ها براساس منافع و نیازمندی‌هایشان، اختیار آزادی عمل را برای خودشان قائل می‌شوند و با حکومت طالبان ارتباط برقرار می‌کنند که چنین روابطی حکومت طالبان را عضو جامعه بین‌المللی نمی‌سازند.

نتیجه‌گیری

در عملکردهای کشورها تناقض‌های وجود دارد که موجب طرح این سؤال شد: راه حل این ناسازواری از منظر حقوق بین‌الملل چیست؟ شناسایی برای حکومت طالبان مهم و سرنوشت‌ساز است، چون بدون شناسایی از سوی دیگر دولت‌ها، آن حکومت قادر به ورود در جامعه بین‌المللی نخواهد بود. حق حیات دولت‌ها در عرصه بین‌المللی متکی به شناسایی است. شناسایی یک دولت یا عدم آن توسط دولت دیگر، یک عمل و اقدام سیاسی یکجانبه و صلاح‌دیدی است که فی‌نفسه بر موجودیت یک دولت تأثیرگذار نیست و دولت صادرکننده را فقط در زمینه سیاسی متعهد می‌سازد؛ بنابراین، شناسایی یک امتیاز است نه یک حق که قصد دولت صادرکننده در آن، تعیین‌کننده می‌باشد. با تکیه بر حقوق بین‌الملل نمی‌شود به عنوان دولت دست یافت؛ زیرا حقوق صرفاً به آثار حقوقی واقعی سیاسی که عبارت از دولت باشد، متوجه است و چهارچوب و محدوده سیاسی این حق را معین می‌کند. جامعه جهانی معیار نوین نظریه مشروعیت مردم‌سالارانه حکومت، که عبارت از پایبندی به مردم‌سالاری، حاکمیت قانون، رعایت حقوق بشر و حقوق اقلیت‌های قومی و مذهبی و ایجاد نشدن حکومت از طریق توسل به زور است را مدنظر دارد، بدین لحاظ، تا هنوز حکومت طالبان را به رسمیت نشناخته‌اند و بدون اصلاحات به رسمیت نخواهد شناخت. سایر عملکرد دولت‌ها که بر

اساس یک‌سری ملاحظات صورت می‌گیرند به‌معنای شناسایی نیست و آثار آن را در پی ندارد و نمی‌توانند حکومت طالبان را عضو جامعه بین‌المللی بسازند. از آنجایی که به‌نظر می‌رسد، سیاستمداران مخالف حکومت طالبان خواهان مذاکره همه‌جانبه؛ برای تشکیل یک حکومتی که بر مبنای مردم‌سالاری و انتخابات، شامل همه مذاهب و اقوام باشد، هستند. در صورتی که طالبان تن به این خواست آنها بدهد و خود افغانستانی‌ها با هم‌پذیری و با تکیه بر مردم افغانستان واقع‌بینانه دنبال راه‌حل باشند، امید برای حل و فصل مسالمت‌آمیز مسائل افغانستان در آینده وجود دارد. در غیر آن باتوجه به شواهد تاریخی و تعارض منافع قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای، سرنوشت آینده سیاسی افغانستان تاریک خواهد بود؛ زیرا، اگر طالبان در کام کشورهای غربی به‌ویژه آمریکا فرو رود همان‌طور که گمانه‌زنی‌ها وجود دارد، کشورهای شرقی به‌شمول چین، روسیه، ایران، هند و... دیر یا زود از مخالفان طالبان حمایت خواهند کرد و یا بالعکس که در چنین حالت احتمال جنگ داخلی دیگر، بعید نخواهد بود.

فهرست منابع

- ارزگانی (۳۰ آذر ۱۴۰۱). مسدود شدن دانشگاه‌ها بر روی دختران؛ «شرم‌آورترین روز / افغانستان...» - <https://nimrokhmedia.com/2022/12/21/blocking-Ibna-universities-on-girls/>
- اصلانی، عباس؛ قاسمی‌طاری، زینب و سجادپور، سید محمدکاظم (۱۴۰۰). تغییر در ادراک آمریکا از تهدید در افغانستان و پیامدهای راهبردی برای ایران. *فصلنامه راهبرد*، (۱۰۰)، ۴۹۵-۵۳۰.
- افتخاری، اصغر و باباهادی، محمدباقر (۱۳۹۸). راهبردها و سیاست‌های ارتقای کارآمدی نظام اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی). *فصلنامه راهبرد*، (۹۰)، ۳۳-۵.
- توکلی، علی (۱۳۹۰). مشروعیت دموکراتیک و تحول در مفهوم شناسایی کشورها و حکومت‌ها. *نشریه پژوهش حقوق عمومی*، (۳۲)، ۳۰-۱.
- جمشیدپها، غلامرضا؛ محمدی، سبحان و مکرمی‌پور، محمدباقر (۱۴۰۰). بایستگی «مقاومت فعال» در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران (الگوی کنش ایرانی - اسلامی در سیاست خارجی). *فصلنامه راهبرد*، (۹۸)، ۳۷-۶۶.
- حدادی، مهدی و کریمی، سیامک (۱۳۹۷). اعمال یکجانبه دولت‌ها به‌عنوان منبع تعهد

- بین‌المللی در حقوق بین‌الملل. نشریه تحقیقات حقوقی، (۸۱)، ۲۸۹ - ۳۱۴.
- حسین‌خانی، الهام (۱۳۹۰). امنیت افغانستان و مسئله قدرت‌یابی دوباره طالبان. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، (۱۶)، ۲۰۶-۲۴۰.
- خبرگزاری آریانا نیوز (۱۶ شهریور ۱۴۰۰). رونمایی از لیست کامل کابینه طالبان + اسامی وزرا: <https://ariananews.co/news/>. Ibna
- خبرگزاری تسنیم (۱۵ بهمن ۱۴۰۱). وزیر خارجه طالبان به ۱۰ کشور دیپلمات جدید اعزام کرده‌یم: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1401/11/15/2848126>. Ibna
- خرم‌شاد، محمدباقر و برخورداری، یاسر (۱۳۹۸). کاربست مؤلفه مدارای سیاسی در راهبرد رهبری امام خمینی (رحمت‌الله‌علیه). فصلنامه راهبرد، (۹۰)، ۵۹-۸۶.
- دلدار، علی (۱۳۹۹). مشروعیت حکومت و مداخله نظامی از طریق دعوت در اسلام (سنی) و حقوق بین‌الملل با تأکید بر مشروعیت مقام دعوت‌کننده. نشریه جریان‌شناسی دینی معرفتی در عرصه بین‌الملل، (۴)، ۱۲۱-۱۵۲.
- رمضانی قوام‌آبادی، محمدحسین (۱۳۹۵). از شناسایی دولت فلسطین تا عضویت در دیوان کیفری بین‌المللی. نشریه دولت پژوهی، (۷)، ۱-۴۰.
- سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران - هرات (بی‌تا). تاریخ افغانستان در یک نگاه: <https://herat.mfa.ir/portal/generalcategoryservices/12570>. Ibna
- سهیلی نجف‌آبادی، سهیل؛ حسین‌خانی، الهام و عمویی، حامد (۱۳۹۹). بررسی آینده پژوهانه حضور ناتو در خاورمیانه و محیط پیرامونی ایران و تأثیر آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه مطالعات بین‌المللی، (۱)، ۱۶۹-۱۹۳.
- شایگان، فریده و عبدالحی رودمجنی، مجتبی (۱۴۰۰). کارکرد قواعد آمره در حوزه اعمال یکجانبه دولت‌ها. فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، (۲)، ۶۹۵-۷۱۴.
- صادقی، محمد مهدی؛ راعی، مسعود و رئیس‌سی، لیلا (۱۴۰۱). حاکمیت مردم و شناسایی دولت‌ها. نشریه مطالعات حقوق عمومی، (۳)، ۱۲۹۹-۱۳۱۷.
- عزیزی، آریا (۱۳۹۷). شناسایی از دیدگاه حقوق بین‌الملل اسلام و حقوق بین‌الملل معاصر. نشریه قانون یار، (۶)، ۴۵۷-۴۸۳.
- عزیزی، ستار (۱۴۰۰). شناسایی امارت اسلامی افغانستان (طالبان) از منظر حقوق بین‌الملل. نشریه مطالعات بین‌المللی، (۷۰)، ۷-۲۲.
- عسکری، پوریا و ساعدی، بهمن (۱۳۹۷). تحولات جایگاه نهاد شناسایی در ایجاد دولت جدید: بررسی ادعای داعش مبنی بر ایجاد دولت اسلامی. نشریه مطالعات حقوق عمومی، (۱)، ۱۸۱-۲۰۰.

فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۷۱). روش‌های شناخت حقوق بین‌الملل، شناخت منطقی حقوق بین‌الملل. *مجله تحقیقات حقوقی*، (۱۰)، ۱۴۹-۱۹۰.

فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۹۸). *حقوق بین‌الملل معاهدات*. تهران: فرهنگ نشر نو.

فلسفی، هدایت‌الله (۱۳۹۹). *سیر عقل در منظومه حقوق بین‌الملل*. تهران: فرهنگ نشر نو.

فلسفی، هدایت‌الله (۱۴۰۱). *صلح جاویدان و حکومت قانون*. تهران: نشر نو.

قوام، عبدالعلی؛ برزگر، کیهان و روان‌بد، امین (۱۳۹۳). سازوکارهای شناسایی و تقویت بنیادهای صلح در روابط بین‌الملل. *نشریه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، (۳۷)، ۳۲-۹.

کاوه، امین (۱۵ آذر ۱۴۰۱). ممنوعیت سفر خارجی طالبان؛ آیا فیصله شورای امنیت سازمان ملل نقض شده است؟: <https://8am.media/ban-on-foreign-Ibna-travel-of-the-taliban-has-the-decision-of-the-un-security-council-been-violated/>

کریمی، سیامک (۱۴۰۰ الف). مبانی نظری التزام دولت‌ها به اعمال یکجانبه در ساختار مفهومی حقوق بین‌الملل. *پژوهش‌نامه ایرانی سیاست بین‌الملل*، (۱)، ۳۲۱-۲۹۷.

کریمی، سیامک (۱۴۰۰ ب). مشروعیت خاتمه ارادی اعمال یکجانبه دولت‌ها در حقوق بین‌الملل. *فصلنامه علمی پژوهشی حقوق عمومی*، (۷۲)، ۹۵-۱۲۵.

لطفی، فروزان (۱۳۹۸). مفهوم شناسایی دولت‌ها و حکومت‌ها در نظام حقوق بین‌الملل. *نشریه قانون‌یار*، (۱۲)، ۵۵۱-۵۷۰.

محبی، محسن؛ موسی‌زاده، رضا؛ هرمیداس‌باوند، داود و سلیمی‌مقدم، مهدی (۱۴۰۰). چالش‌ها و ضعف‌های اصول رهنمای ۲۰۰۶ در مورد اعمال یکجانبه دولت‌ها در حقوق بین‌الملل. *پژوهشکده حقوق*، (۵۱)، ۳۲۹-۲۹۵.

مظاهری جبلی، شاهین و بهنام‌رودسری، یکتا (۱۳۹۸). چگونگی شناسایی و عدم شناسایی یک دولت (برخی ملاحظات کاربردی). *نشریه پژوهش ملل*، (۵۰)، ۶۹-۵۵.

موسوی، سیدهدادی؛ دیرباز، عسکر و قدسی‌فر، نصیبه (۱۴۰۱). مبانی منشائیت و مشروعیت حکومت اسلامی از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای. *نشریه تحقیقات بنیادین علوم انسانی*، (۲۶)، ۸۷-۱۰۸.

مولائی، مرتضی، (۱۴۰۰). شناخت تهدیدها و فرصت‌های پیرامون جمهوری اسلامی

- ایران (مطالعه موردی طالبان در افغانستان). همایش تخصصی «تهدیدات نوپدید نظامی در گام دوم انقلاب اسلامی». تهران: بازیابی از: <https://civilica.com/doc/1421732>
- نجفی، علی (۱۳۸۹). تنوع قومی، فرهنگی و زبانی در افغانستان ۱. پژوهش‌های منطقه‌ای، (۵)، ۳۹-۸۰.
- نجفی، محمدجواد؛ رحمان ستایش، محمدکاظم و ژرفی یگانه، زهرا (۱۳۹۹). مبانی مشروعیت حکومت از دیدگاه مفسران فریقین. نشریه پژوهش‌های تفسیر تطبیقی، (۱۲)، ۲۳۷-۲۵۸.
- یوسفی (۱۲ شهریور ۱۴۰۱). داستان سقوط پنجشیر. Ibna. <https://8am.media/the-story-of-the-fall-of-panjshir/>
- Assembly, UN General (1966). *International Covenant on Civil and Political Rights*. <https://www.ohchr.org/sites/default/files/ccpr.pdf>
- Azizi, S. (2022). Democratic Legitimacy of Governments: From Theory to Practice. *The Journal of Human Rights*, 16(2), 5-28.
- Bellal, A.; Giacca, G. & Casey-Maslen, S. (2011). *International law and armed non-state actors in Afghanistan (1607-5889)*. Retrieved from <http://ui.daneshlink.ir>
- Bizhan, N. (2018). *Building legitimacy and state capacity in protracted fragility: The case of Afghanistan*. Retrieved from <https://ssrn.com/abstract=3166985>
- Brownlie, Ian. (1983). RECOGNITION IN THEORY AND PRACTICE. *British Yearbook of International Law*, 53(1). 197-211. file:///C:/Users/EDRIS/Downloads/daneshLink10.1093_bybil_53.1.197.pdf
- Center for American Progress (2016). State Legitimacy, Fragile States, and U.S. National Security. By the CAP National Security and International Policy Team, 1-38. <https://cdn.americanprogress.org/wp-content/uploads/2016/09/08062435/StateLegitimacy-report.pdf>
- de Wet, E. (2019). The role of democratic legitimacy in the recognition of governments in Africa since the end of the Cold War. *International Journal of Constitutional Law*, 471-478.
- DOCUMENT (1998). The Universal Declaration of Human Rights. *Health and Human Rights*, 3(2), Fiftieth Anniversary of the Universal, 177-183. <http://ui.daneshlink.ir>
- DOCUMENT A/77/L.11. (2022). The situation in Afghanistan. United Nations General Assembly Retrieved from file:///C:/Users/EDRIS/Downloads/A_77_L.11-EN.pdf
- DOCUMENT A/CN.4/569 and Add.1. (2006). UNILATERAL ACTS OF STATES. [Agenda item 6], Ninth report on unilateral acts of States, by Mr. Víctor Rodríguez Cedeño, Special Rapporteur. <https://legal.un.org>
- DOCUMENT. (1993). *Vienna Declaration and Programme of Action*.



- Adopted by the World Conference on Human Rights in Vienna.
<https://www.ohchr.org>
- DOCUMENT. (2020). *Agreement for Bringing Peace to Afghanistan between the Islamic Emirate of Afghanistan which is not recognized by the United States as a state and is known as the Taliban and the United States of America*. <https://www.state.gov/wp-content/uploads/2020/02/Agreement-For-Bringing-Peace-to-Afghanistan-02.29.20.pdf>
- DOCUMENT. (2020). *Joint Declaration between the Islamic Republic of Afghanistan and the United States of America for Bringing Peace to Afghanistan*. <https://www.state.gov/wp-content/uploads/2020/02/02.29.20-US-Afghanistan-Joint-Declaration.pdf>
- EUROPÉENNE, C.P. (1991). *Declaration sur les "lignes directrices sur la reconnaissance des nouveaux Etats en Europe orientale et en Union Soviétique"*. CPE Retrieved from <https://ec.europa.eu/dorie/fileDownload.do?docId=391691&cardId=391691>
- Franck, T.M. (1992). The Emerging Right to Democratic Governance. *The American Journal of International Law*, 86(1), 46-91.
- Gooneratne, J. (2014). Facing the Taliban: Experiences of a UN Woman Aid Worker in Taliban Controlled Afghanistan by Anoja Wijeyesekera. *Strategic Analysis*, 38(3), 381-382.
- Ibrahimi, S.Y. (2017). The Taliban's Islamic Emirate of Afghanistan (1996–2001): 'War-Making and State-Making' as an Insurgency Strategy. *Published online: 30 Oct 2017.*, 28(6), 947-972.
- Jackson, A. (2018). *Life under the Taliban shadow government*. Retrieved from <https://cdn.odi.org/media/documents/12269.pdf>
- Kohen, M.. (2006). *Secession; International Law Perspectives*. New York: Cambridge University Press: <https://www.corteidh.or.cr>
- Marks, S. (2011). What has Become of the Emerging Right to Democratic Governance. *The European Journal of International Law*, 22(2), 507-524.
- McGowan, P.J. (2003). African military coups d'état, 1956–2001: frequency, trends and distribution. *The Journal of Modern African Studies*, 41(3), 339-370.
- Meron, L. & Martinus, B. (2007). The Humanization of International Law. *The American Journal of International Law*, (101), 680-684.
- Nations, C. o. t. U. (1945). *Charter of the United Nations*. Retrieved from <https://treaties.un.org>
- Osman, B.; Gopal, A., & Rubin, B. (2016). *Taliban Views on a Future State: Center on International Cooperation*. file:///C:/Users/a/Downloads/Taliban_Views_on_a_Future_State.pdf
- Poya, p. (2019). The Status of Durand Line under International Law: An International Law Approach to the Pakistan-Afghanistan Frontier Dispute. *Journal of Borderlands Studies*, 35(2), 1-15.
- Project, M. C. J. T. D. (1933). *Montevideo Convention on the Rights and Duties of States*. Retrieved from, <https://www.jus.uio.no>
- Qureshi, S. M. M. (1996). *Pakhtunistan: The Frontier Dispute Between*

- Afghanistan and Pakistan. *Pacific Affairs*, 39(½), 99-114.
<http://ui.daneshlink.ir>
- Report, S. C. (2023). *Monthly Forecast-Afghanistan*. Retrieved from https://www.securitycouncilreport.org/atf/cf/%7B65BF9B-6D27-4E9C-8CD3-CF6E4FF96FF9%7D/2023_06_forecast.pdf
- Roth, B. R. (2010). *Secessions, Coups, and the International Rule of Law: Assessing the Decline of the Effective Control Doctrine*. Melbourne Journal of International Law, (11), 393-440.
<https://digitalcommons.wayne.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1241&context=lawfrp>
- Ryngaert, C. & Sobrie, S. (2011). Recognition of States: International Law or Realpolitik? The Practice of Recognition in the Wake of Kosovo, South Ossetia, and Abkhazia. *Leiden Journal of International Law*, 24(2), 467-490.
- S/RES/1988. (2011). *Adopted by the Security Council at its 6557th meeting*. The Security Council Retrieved. from <https://documents-dds-ny.un.org/>
- S/RES/2513. (2020). *Adopted by the Security Council at its 8742nd meeting*. The Security Council Retrieved from [file:///C:/Users/EDRIS/Downloads/S_RES_2513_\(2020\)-EN.pdf](file:///C:/Users/EDRIS/Downloads/S_RES_2513_(2020)-EN.pdf)
- S/RES/2543. (2020). *Adopted by the Security Council at its 8759th meeting*. The Security Council Retrieved. from <https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N20/238/05/PDF/N2023805.pdf?OpenElement>
- S/RES/2593. (2021). *Adopted by the Security Council at its 8848th meeting*. The Security Council Retrieved from <https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N21/238/85/PDF/N2123885.pdf?OpenElement>
- S/RES/2596. (2021). *Adopted by the Security Council at its 8862nd meeting*. The Security Council Retrieved from <https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N21/256/08/PDF/N2125608.pdf?OpenElement>
- S/RES/2626. (2022). *Adopted by the Security Council at its 8997th meeting*. The Security Council Retrieved from <https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N22/291/52/PDF/N2229152.pdf?OpenElement>
- S/RES/2678. (2023). *Adopted by the Security Council at its 9283rd meeting*. The Security Council Retrieved from [file:///C:/Users/EDRIS/Downloads/S_RES_2678_\(2023\)-EN.pdf](file:///C:/Users/EDRIS/Downloads/S_RES_2678_(2023)-EN.pdf)
- S/RES/2679. (2023). *Adopted by the Security Council at its 9283rd meeting*. The Security Council Retrieved from <https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N23/078/09/PDF/N2307809.pdf?OpenElement>
- S/RES/2681. (2023). *Adopted by the Security Council at its 9314th meeting*. The Security Council, Retrieved from <https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N23/121/49/PDF/N2312149.pdf?OpenElement>



ement

Shaw, M.N. (2017). *International law, United Kingdom, Eighth edition*, Cambridge University Press. Britain: Cambridge University Press. <https://dokumen.pub>

Human Rights Quarterly, 7(1), 132-154. <http://ui.daneshlink.ir>

Statements (2023). *Secretary-General's press encounter on Afghanistan*.

Retrieved from Doha, Qatar <https://www.un.org/sg/en/content/sg/press-encounter/2023-05-02/secretary-generals-press-encounter-afghanistan>

Summary, M. (2010). *Recognition of States: the Consequences of Recognition or Non- Recognition in UK and International Law*.

Retrieved from CHATHAM HOUSE: <https://www.chathamhouse.org>

Sungur, Z. T. (2016). Early Modern State Formation in Afghanistan in Relation to Pashtun Tribalism. *Studies in Ethnicity and Nationalism*, 16(3), 437-455. <http://ui.daneshlink.ir>

VOLGER, H. E. (2010). *A Concise Encyclopedia of the United Nations (Second Revised Edition ed.)*: MARTINUS NIJHOFF PUBLISHERS. <http://ui.daneshlink.ir>

Wolfrum, R. & Philipp, C. E. (2002). *The Status of the Taliban: Their Obligations and Rights under International Law*, 559-597. Max Planck UNYB, <http://ui.daneshlink.ir>

References

Askari, P. & Saedi, B. (2017). Changes in the position of the identification institution in the creation of a new state: examining ISIS's claim to create an Islamic state. *Nashreia Motaleaat Hoqq Aomoumi*, (1), 181-200. (In Persian)

Aslani, A.; Ghasemitar, Z. & Sajjadpour, S. M. K (2021). The change in America's perception of the threat in Afghanistan and the strategic implications for Iran. *Faslnameh Rahbord*, (100), 495-530. (In Persian)

Assembly, UN General (1966). *International Covenant on Civil and Political Rights*. <https://www.ohchr.org/sites/default/files/ccpr.pdf>

Azizi, A. (2017). Identification from the perspective of Islamic international law and contemporary international law. *Nashreia Ganon Yar*, (6), 457-483. (In Persian)

Azizi, S. (1400). Identifying the Islamic Emirate of Afghanistan (Taliban) from the perspective of international law. *Nashreia Motaleaat Baynoulmelali*, (70), 7-22. (In Persian)

Azizi, S. (2022). Democratic Legitimacy of Governments: From Theory to Practice. *The Journal of Human Rights*, 16(2), 5-28.

Bellal, A.; Giacca, G. & Casey-Maslen, S. (2011). International law and armed non-state actors in Afghanistan (1607-5889). Retrieved from <http://ui.daneshlink.ir>

Bizhan, N. (2018). Building legitimacy and state capacity in protracted fragility: The case of Afghanistan. Retrieved from <https://ssrn.com/abstract=3166985>

Brownlie, Ian (1983). *RECOGNITION IN THEORY AND PRACTICE*.

- British Yearbook of International Law, 53(1). 197-211. file:///C:/Users/EDRIS/Downloads/daneshLink10.1093_bybil_53.1.197.pdf
- Center for American Progress (2016). State Legitimacy, Fragile States, and U.S. National Security. By the CAP National Security and International Policy Team, 1-38. <https://cdn.americanprogress.org/wp-content/uploads/2016/09/08062435/StateLegitimacy-report.pdf>
- de Wet, E. (2019).). The role of democratic legitimacy in the recognition of governments in Africa since the end of the Cold War. International Journal of Constitutional Law, 471-478.
- Deldar, A. (2019). Legitimacy of government and military intervention through invitation in Islam (Sunni) and international law with emphasis on the legitimacy of the calling authority. Nashreia Jaryan Shounasi Diny Marefati dar aarse Baynoulmelali, (4), 121-152. (In Persian)
- DOCUMENT A/77/L.11. (2022). The situation in Afghanistan. United Nations General Assembl Retrieved from file:///C:/Users/EDRIS/Downloads/A_77_L.11-EN.pdf
- DOCUMENT A/CN.4/569 and Add.1. (2006). UNILATERAL ACTS OF STATES. [Agenda item 6], Ninth report on unilateral acts of States, by Mr. Víctor Rodríguez Cedeño, Special Rapporteur. <https://legal.un.org>
- DOCUMENT. (1998). The Universal Declaration of Human Rights, Health and Human Rights. 3(2), Fiftieth Anniversary of the Universal, 177-183, <http://ui.daneshlink.ir>
- DOCUMENT. (2020). Agreement for Bringing Peace to Afghanistan between the Islamic Emirate of Afghanistan which is not recognized by the United States as a state and is known as the Taliban and the United States of America. <https://www.state.gov/wp-content/uploads/2020/02/Agreement-For-Bringing-Peace-to-Afghanistan-02.29.20.pdf>
- DOCUMENT. (2020). Joint Declaration between the Islamic Republic of Afghanistan and the United States of America for Bringing Peace to Afghanistan. <https://www.state.gov/wp-content/uploads/2020/02/02.29.20-US-Afghanistan-Joint-Declaration.pdf>
- DOCUMENT.(1993). Vienna Declaration and Programme of Action. Adopted by the World Conference on Human Rights in Vienna. <https://www.ohchr.org>
- Eftekhari, A. & Babahadi, M. B. (2019). Strategies and policies to improve the efficiency of the Islamic system in the thought of the Supreme Leader (Madazlah al-Ali). Fasalnameh Rahbord, (90), 5-33. (In Persian)
- EUROPEENNE, C.P. (1991). Declaration sur les "lignes directrices sur la reconnaissance des nouveaux Etats en Europe orientale et en Union Sovietique. CPE Retrieved from <https://ec.europa.eu/dorie/fileDownload.do?docId=391691&cardId=391691>
- Franck, T.M. (1992). The Emerging Right to Democratic Governance. The American Journal of International Law, 86(1), 46-91.
- Gooneratne, J. (2014). Facing the Taliban: Experiences of a UN Woman Aid Worker in Taliban Controlled Afghanistan by Anoja Wijeyesekera. Strategic Analysis, 38(3), 381-382.



- Haddadi, M. & Karimi, S (2018). Unilateral acts of states as a source of international obligation in international law. *Nashreia Tahqiqat Hoqqi*, (81), 289-314. (In Persian)
- Hosseinkhani, E. (2011). Afghanistan's security and the issue of Taliban regaining power. *Fasalnameh Takhassusi Aolom Seyasi*, (16), 206-240. (In Persian)
- Human Rights Quarterly, 7(1), 132-154. <http://ui.daneshlink.ir>
- Ibrahimi, S.Y. (2017). The Taliban's Islamic Emirate of Afghanistan (1996–2001): 'War-Making and State-Making' as an Insurgency Strategy. Published online: 30 Oct 2017, 28(6), 947-972.
- Jackson, A. (2018). Life under the Taliban shadow government. Retrieved from <https://cdn.odi.org/media/documents/12269.pdf>
- Jamshidiha, Gh. R.; Mohammadi, S. & Makramipour, M. B. (2021). The importance of "active resistance" in the foreign policy of the Islamic Republic of Iran (the model of Iranian-Islamic action in foreign policy). *Fasalnameh Rahboud*, (98), 66-37. (In Persian)
- Karimi, S. (2021a). Theoretical foundations of governments' commitment to unilateral actions in the conceptual structure of international law. *Pazoheshnameh Irani seyasat Baynolmelal*, (1), 297-321.
- Karimi, S. (2021b). Legitimacy of voluntary termination of unilateral acts of governments in international law. *Fasalnameh almi Pazohishi Hoqq Amomi*, (72), 95-125. (In Persian)
- Kaveh, A. (6 December, 2022). ban on foreign travel of the Taliban; Has the decision of the UN Security Council been violated?. *Ibna*. <https://8am.media/ban-on-foreign-travel-of-the-taliban-has-the-decision-of-the-un-security-council-been-violated/> (In Persian)
- Khabargozari Ariana News (7 September 2021). Unveiling the full list of the Taliban cabinet + the names of the ministers. *Ibna*. <https://ariananews.co/news> (In Persian)
- Khabargozari Tasnim (4 February 2023). Taliban Foreign Minister: We have sent new diplomats to 10 countries. *Ibna*. <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1401/11/15/2848126> (In Persian)
- Khorramshad, M. B. & Barkhordari, Y (2020). Application of the political tolerance component in the leadership strategy of Imam Khomeini (RA). *Fasalnameh Rahbord*, (90), 59-86. (In Persian)
- Kohen, M. (2006). *Secession; International Law Perspectives*. New York: Cambridge University Press: <https://www.corteidh.or.cr>
- Lotfi, F. (2018). The concept of identifying states and governments in the international law system. *Nashreia Qanonyar*, (12), 551-570. (In Persian)
- Marks, S. (2011). What has Become of the Emerging Right to Democratic Governance. *The European Journal of International Law*, 22(2), 507-524.
- Mazaherijabali, Sh. & Behnam Rudsari, Y. (2018). How to recognize and not recognize a state (some practical considerations). *Nashreia Pazohesh Melal*, (50), 55-69. (In Persian)
- McGowan, P.J. (2003). African military coups d'état, 1956-2001: frequency, trends and distribution. *The Journal of Modern African*

- Studies, 41(3), 339-370.
- Meron, L. & Martinus, B. (2007). The Humanization of International Law. *The American Journal of International Law*, (101), 680-684.
- Mohebi, M.; Musizadeh, R.; Harmidasbavand, D. & Selimi Moghadam, M. (2021). Challenges and weaknesses of the 2006 Guiding Principles on unilateral acts of states in international law. *Pzoheshkadeh Hoqoq*, (51), 295-329. (In Persian)
- Moulai, M. (2021). Recognizing the threats and opportunities around the Islamic Republic of Iran (a case study of the Taliban in Afghanistan). Homayesh Takhassosi "Tahdidat Naw Padid Nezami Dar Gam Doum Aenqelab Islami". Tehran: Retrieved from <https://civilica.com/doc/1421732> (In Persian)
- Mousavi, S.h.; Deirbaz, A. & Qudsifar, N. (2022). The foundations of the origin and legitimacy of the Islamic government from the point of view of Ayatollah Khamenei. *Nashreia Tahqiqat Bonyadin Alom Aensani*, (26), 87-108. . (In Persian)
- Najafi, A. (2010). Ethnic, cultural and linguistic diversity in Afghanistan - 1-. *Pazoheshhayeh Mantakaei*, (5), 39-80. (In Persian)
- Najafi, M. J.; Rahman Sataish, M. K. & Jarfi Yeganeh, Z. (2019). The foundations of the legitimacy of the government from the point of view of the commentators of the parties. *Nashreieh Pazoheshhayeh Tafser Tatbiqi*, (12), 237-258. (In Persian)
- Nations, C. o. t. U. (1945). Charter of the United Nations. Retrieved from <https://treaties.un.org>
- Osman, B.; Gopal, A. & Rubin, B. (2016). Taliban Views on a Future State: Center on International Cooperation. file:///C:/Users/a/Downloads/Taliban_Views_on_a_Future_State.pdf
- Phalsaphi, H. (1371). Methods of understanding international law, logical understanding of international law. *Majalleh Tahqiqat Hoqoqi*, (10), 149-190. (In Persian)
- Phalsaphi, H. (2018). International law of treaties. Chap Shashoum, Tehran: Farhang Neshrno. (In Persian)
- Phalsaphi, H. (2019). The course of reason in the international law system. Chap dowom, Tehran: Farhang Neshrno. (In Persian)
- Phalsaphi, H. (2022). Eternal peace and the rule of law. Chap sewom, Tehran: Nashrno. (In Persian)
- Poya, p. (2019). The Status of Durand Line under International Law: An International Law Approach to the Pakistan-Afghanistan Frontier Dispute. *Journal of Borderlands Studies*, 35(2), 1-15.
- Project, M. C. J. T. D. (1933). Montevideo Convention on the Rights and Duties of States. Retrieved from, <https://www.jus.uio.no>
- Qawam, A. A.; Barzegar, K. & Rovabad, A. (2014). Mechanisms for identifying and strengthening peace foundations in international relations. *Nashreia Rahyafthaei Seyasi wa Bainolmelali*, (37), 9-32. (In Persian)
- Qureshi, S. M. M. (1996). Pakhtunistan: The Frontier Dispute Between



- Afghanistan and Pakistan. *Pacific Affairs*, 39(½), 99-114.
<http://ui.daneshlink.ir>
- Ramezani-Qavamabadi, M. H. (2015). From the recognition of the Palestinian state to membership in the International Criminal Court. *Nashreia Dawlat Pazohi*, (7), 1-40. (In Persian)
- Report, S. C. (2023). Monthly Forecast- Afghanistan. Retrieved from https://www.securitycouncilreport.org/atf/cf/%7B65BFCF9B-6D27-4E9C-8CD3-CF6E4FF96FF9%7D/2023_06_forecast.pdf
- Roth, B. R. (2010). Secessions, Coups, and the International Rule of Law: Assessing the Decline of the Effective Control Doctrine. *Melbourne Journal of International Law*, (11), 393-440.
<https://digitalcommons.wayne.edu/cgi/viewcontent.cgi?article=1241&context=lawfrp>
- Ryngaert, C. & Sobrie, S. (2011). Recognition of States: International Law or Realpolitik? The Practice of Recognition in the Wake of Kosovo, South Ossetia, and Abkhazia. *Leiden Journal of International Law*, , 24(2), 467-490.
- S/RES/1988. (2011). Adopted by the Security Council at its 6557th meeting. The Security Council Retrieved. from <https://documents-dds-ny.un.org/>
- S/RES/2513. (2020). Adopted by the Security Council at its 8742nd meeting. The Security Council Retrieved from file:///C:/Users/EDRIS/Downloads/S_RES_2513_(2020)-EN.pdf
- S/RES/2543. (2020). Adopted by the Security Council at its 8759th meeting. The Security Council Retrieved. . from <https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N20/238/05/PDF/N2023805.pdf?OpenElement>
- S/RES/2593. (2021). Adopted by the Security Council at its 8848th meeting. The Security Council Retrieved from <https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N21/238/85/PDF/N2123885.pdf?OpenElement>
- S/RES/2596. (2021). Adopted by the Security Council at its 8862nd meeting. The Security Council Retrieved from <https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N21/256/08/PDF/N2125608.pdf?OpenElement>
- S/RES/2626. (2022). Adopted by the Security Council at its 8997th meeting. The Security Council Retrieved from <https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N22/291/52/PDF/N2229152.pdf?OpenElement>
- S/RES/2678. (2023). Adopted by the Security Council at its 9283rd meeting. The Security Council Retrieved from file:///C:/Users/EDRIS/Downloads/S_RES_2678_(2023)-EN.pdf
- S/RES/2679. (2023). Adopted by the Security Council at its 9283rd meeting. The Security Council Retrieved from <https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N23/078/09/PDF/N2307809.pdf?OpenElement>

- S/RES/2681. (2023). Adopted by the Security Council at its 9314th meeting. The Security Council, Retrieved from <https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N23/121/49/PDF/N2312149.pdf?OpenElement>
- Sadeghi, M. M., Rai, M., & Raisi, L (2022). The sovereignty of the people and the identification of governments. *Nashreia Motaleaat Hoqoq Aomoumi*, (3), 1299 - 1317. (In Persian)
- Sarconsulgarī Jamhory Islami Iran-Herat (BiTA). The history of Afghanistan at a glance. Ibna. <https://herat.mfa.ir/portal/generalcategoryservices/12570> (In Persian)
- Shaw, M.N. (2017). *International law*, United Kingdom, Eighth edition, Cambridge University Press. Britain: Cambridge University Press. <https://dokumen.pub>
- Shaygan, F. & Abdollahirud Moajeni, M (2021). The function of mandatory rules in the field of unilateral acts of governments. *Fasalnameh Motaleaat Hoqoq Aomomi*, (2), 695-714. (In Persian)
- Sohaili-Najafabadi, S.; Hosseinkhani, E. & Amoui, H. (2019). Prospective study of NATO's presence in the Middle East and Iran's surrounding environment and its impact on the national security of the Islamic Republic of Iran. *Fasalnameh Motaleaat Baynoulmelali*, (1), 169-193. (In Persian)
- Statements (2023). Secretary-General's press encounter on Afghanistan. Retrieved from Doha, Qatar <https://www.un.org/sg/en/content/sg/press-encounter/2023-05-02/secretary-generals-press-encounter-afghanistan>
- Summary, M. (2010). Recognition of States: the Consequences of Recognition or Non- Recognition in UK and International Law. Retrieved from CHATHAM HOUSE: <https://www.chathamhouse.org>
- Sungur, Z. T. (2016). Early Modern State Formation in Afghanistan in Relation to Pashtun Tribalism. *Studies in Ethnicity and Nationalism*, 16(3), 437-455. <http://ui.daneshlink.ir>
- Tavakoli, A. (2011). Democratic legitimacy and evolution in the concept of identifying countries and governments. *Nashreia Pazohesh Hoqoq Amomi*, (32), 1-30. (In Persian)
- Uruzgani (21 December 2022). Blocking universities on girls; "Afghanistan's most shameful day". Ibna. <https://nimrokhmedia.com/2022/12/21/blocking-universities-on-girls/>. (In Persian)
- VOLGER, H. E. (2010). *A Concise Encyclopedia of the United Nations* (Second Revised Edition ed.): MARTINUS NIJHOFF PUBLISHERS. <http://ui.daneshlink.ir>
- Wolfrum, R. & Philipp, C. E. (2002). The Status of the Taliban: Their Obligations and Rights under International Law, 559-597. *Max Planck UNYB*, <http://ui.daneshlink.ir>
- Yousefi (3 September, 2022). The story of the fall of Panjshir. Ibna. <https://8am.media/the-story-of-the-fall-of-panjshir/>. (In Persian)

The Paradox in International Government Practices Regarding the Non-Recognition of the Taliban Government, with a Focus on Iran's Strategy

Ahmad Reza Tohidi

Associate Professor of the International Law Department of Qom University, Qom, Iran (Corresponding author).

ar.tohidi@qom.ac.ir

 0000-0002-3852-0920

Mohammad Amir Qasemishahi

Learned of religious Sciences and PhD student of public international law of Qom University, Qom, Iran.

maqasemishahi@gmail.com

 0000-0003-4196-1601

Abstract

The prevailing political turmoil and the fragile economic conditions compelling Afghans to desperation and migration serve as backdrop for this research. Anchored in the theory of democratic government legitimacy, this study employs a descriptive-analytical approach to address the perplexing paradox in international government practices concerning the non-recognition of the Taliban government within the realm of international law. Many countries maintain relations with the Taliban government; with active embassies in Kabul and diplomatic engagements with its officials. Some countries such as China, Russia, Iran, and Turkey as well as Turkmenistan have entrusted the Afghan embassy to the caretaker government of the Taliban. Yet, these nations officially refrain from granting recognition and insist that their interactions should not be construed as such. A primary objective of this research is to elucidate the distinction between recognition and other international functions of governments, with a particular emphasis on the strategy of the Islamic Republic of Iran. The central hypothesis posits that the international community views the legitimacy of the Taliban government with skepticism, deeming population, territory, and sovereignty as insufficient indicators of its legitimacy. The research findings underscore the pivotal importance of recognition for the Taliban government because, as without recognition, it remains excluded from the international community. The existence and stand of governments in the international arena hinge on recognition, a principle applicable to the Taliban government as well. Recognition or non-recognition by another government is a unilateral and discretionary political action that does not affect the existence of a government. Instead, it carries political implications for the recognizing state. Therefore, recognition is a privilege rather than an inherent right, contingent on the intention of the recognizing state. It cannot be attained solely through adherence to international law, as the law concerns itself with the legal consequences of a political reality—the state. The framework and political context determine this right. The international community holds the contemporary standard of democratic government legitimacy, characterized by adherence to democracy, the rule of law, respect for human rights, the rights of ethnic and religious minorities, and the non-establishment of government through the use of force, as the criterion for recognition. The Taliban government must align with these principles to secure international recognition. Other governments' actions, guided by various considerations, do not constitute recognition, and does not entail its legal implications, and do not grant the Taliban government membership in the international community. Therefore, adherence to the principles of democratic government legitimacy appears as the sole viable path to rescue both the Taliban government and the Afghan people from their current predicament.

Keywords: Unilateral Acts of Governments, Taliban Government, Recognition de jure, International Governments Procedures and Democratic Legitimacy of Government.

E-ISSN: 2588-6525 / Center for Strategic Research / The Scientific Journal of Strategy

Journal of "The Scientific Journal of Strategy" © 11 years by Center for

Strategic research is licensed under [CC BY 4.0](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/)



10.22034/RAHBORD.2023.394833.1552

Approaches and Procedures for Assessing Judges Competence in Islamic Society

Gholamreza Montazeri

Assistant Professor of History of Islamic Culture and Civilization, Department of Islamic Studies, University of Agricultural Sciences and Natural Resources, Gorgan, Iran.

montazeri1404@gmail.com

 0000-0001-8653-7543

Mostafa Montazeri

Assistant Professor, Political Science, Department of Theology, Law, and Islamic Education, Faculty of Humanities, Golestan University, Gorgan, Iran (Corresponding author).

m.montazeri@gu.ac.ir

 0000-0001-8653-7543

Abstract

Merit-based selection for positions, especially within the judiciary, is considered as a paramount strategies for promoting good governance and advancing a modern Islamic civilization. To attain this objective, leveraging the invaluable experiences of Islamic civilization is of utmost significance. Given the pivotal role of the Court of Justice in upholding social justice, public security and welfare, it has always held a sensitive position within the administrative framework of Islamic civilization. Rulers have consistently prioritized appointing individuals of the utmost suitability for this role. Therefore, this research endeavors to address two fundamental questions: firstly, were there specific criteria and strategies for appointing judges? If the answer is affirmative, the subsequent question pertains to the methods and processes for equipping qualified individuals for this role. This research adopts a descriptive-analytical approach and relies on library documents. it begins by tracing the historical development of the judicial role and subsequently delves into explicating the responses to these questions, drawing inspiration from texts related to the state administration. Within this context, various requirements, encompassing qualifications for sound judgment and personal attributes, have been meticulously considered by the leaders. These include elements such as field research, face-to-face interviews, reviews of past experiences, among others, aimed at achieving the most judicious selection.

Keywords: Strategy, Judicial Role, Merit-Based Selection, Islamic Civilization and Historical Development.

Research paper

The Essence of Jurisprudential Theorization in Legal Frameworks

Seyyed Muhammad Hosseini

Associate Professor of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Tehran University, Tehran, Iran (Corresponding author).

hoseini.sm@ut.ac.ir

 0000-0000-0000-0000**Narjes Khatoon Hemmati Bakhshkandi**

Ph.D student of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Mazaheb University, Tehran, Iran.

imaniling@gmail.com

 0000-0000-0000-0000**Mahmood Veysi**

Assistant Professor of Jurisprudence and Fundamentals of Islamic Law, Mazaheb University, Tehran, Iran.

m.veysi@mazaheb.ac.ir

 0000-0000-0000-0000

Abstract

Legislation under the dominance of the Islamic ruler is the manifestation of the guardianship over giving fatwa, and jurisprudential theorization is a new look at jurisprudence and law. Jurisprudential systems are a collection of jurisprudential propositions, concepts, and general jurisprudential principles, and coordinated systems of elucidating rulings that form jurisprudential theories. The current research, characterized as descriptive-analytical and reliant on library-based data, seeks to address the following inquiries: What defines jurisprudential theorization in legal framework? What are the methods and boundaries of the jurisprudential theorization in legal framework? Furthermore, it explores the strategic significance of holistic perspectives held by legal guardians in jurisprudential theorizing within legal framework. Jurisprudential theorizing based on the fatwas of the legal guardian and the fatwas coordinated with them has resulted in the coherence and efficiency of the laws and a macro-social and expedient view of cases. Also, the emerging issues will be introduced under the jurisprudential theories to avoid vote division. Deep thinking in the texts and an increase in jurisprudence rules create reliable jurisprudential theories in legal framework. In this research, the scope of Fiqh-ut-tanzir based on the perspective of the legal guardian in Ma-la-nass-u-fiih and the comparison of the ruling with the text and its impact on legal framework have been explained. Jurisprudential theorizing involves the suitable framework for legislating based on religious principles while considering the contemporary needs of time and location.

Keywords: Legal Framework, Jurisprudential Theorization, Social Jurisprudence, Legal Guardian, and Islamic Religions.

Strategic Bottlenecks and Requirements of I.R. Iran's for Collaboration with the Financial Action Task Force (FATF) and the Egmont Group of Financial Intelligence Units (EGMONT)

Mohammad Reza Hosseini

Associate Professor of International Law, International Law Group, School of National Security, Supreme National Defense University, Tehran, Iran.

rezahsn88@gmail.com

 0000-0000-0000-0000

Abstract

Money laundering, terrorism financing, and the proliferation of weapons of mass destruction are among the most important concerns of states and international financial institutions. In the international arena, the body combating money laundering and terrorist financing is the Financial Action Task Force (FATF), which uses the expert and technical services of the Financial Intelligence Units (FIUs) called the Egmont Group to analyze the financial information of states to fight against the threats of the international financial system. The main question of this research is: what are the bottlenecks and strategic needs of Iran's J.A. in interaction with FATF and Egmont Group? In addition, by accepting FATF recommendations and requirements and implementing Egmont's financial data exchange methods, what are the security implications for Iran's national interests? The present study, which was conducted with a qualitative approach and a descriptive method, by examining the 40 recommendations of FATF, analyzed why Iran interacts and cooperates with these two groups' while paying attention to the obstacles and capacities resulting from the implementation of their legal requirements. The research results show that, on the one hand, Iran's compliance with FATF's recommendations and "Iran's Action Plan" will create opportunities for transparency in Iran's economic, financial, and banking system. On the other hand, there is no guarantee for the protection of financial information, and it is not possible to imagine a clear perspective of the implementation of the requirements of these two institutions and the disclosure of the methods of bypassing sanctions.

Keywords: Iran, Money Laundering, Terrorism Financing, Egmont Group, FATF, Financial Intelligence Units and Action Plan.

Defining Challenges in Governance Oversight

Mohammadreza Esmaeili Givi

Associate Professor; Department of Public Administration, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran.

s.givi@ut.ac.ir

 0000-0002-9452-3616

Masoomeh Sarvandi

Ph.D Student of Entrepreneurship Management, Faculty of Entrepreneurship, University of Tehran, Tehran, Iran.

sarvandiniloofer7@gmail.com

 0000-0002-1571-8547

Mahdi Abdolhamid

Assistant Professor, School of Management, Economics, and Progress Engineering, Iran University of Science and Technology, Tehran, Iran (Corresponding author).

mahdi_abdolhamid@iust.ac.ir

 0000-0003-4118-4937

Sahar Shadram

Management Researcher, Tehran, Iran.

sahar_60_sh@yahoo.com

 0000-0000-0000-0000

Abstract

The cornerstone of problem-solving lies in defining challenges properly. Without defining a well-structured challenge, finding an optimal solution becomes unattainable. This study focuses on the critical matter of oversight within the governance system. Weakness in the framing oversight-related issues has led to inefficiencies in oversight and ultimately resulted in the erosion of social capital, corruption, and the governance system inefficiencies. Therefore, the current research aims to formulate the issues related to oversight in governance. To collect data, thirteen documents were examined, and 24 in-depth and semi-structured interviews were conducted with experts, including 18 government officials and 6 faculty members. Qualitative data were analyzed using thematic analysis, which revealed 97 basic themes, 34 organizing themes, and 9 global themes. Based on the coding, the global themes such as the ineffectiveness of oversight systems; improper implementation and formulation of laws; lack of oversight in the smooth flow of affairs; absence of accountability and responsibility, transparency deficits, coherence and integrity shortcomings; meritocracy and merit selection issues; internal oversight deficiencies and self-oversight gaps; and absence of collective decision-making were identified. These findings point to weaknesses within regulatory bodies and inadequacies in governing laws and regulations.

Keywords: Oversight, Governance System, Defining Challenges.

Analyzing Political Entrepreneurship Strategies Through Structural Modeling

Yousef Pashazadeh

Assistant Prof. Faculty of Economics and Management, Urmia University, Urmia, Iran.
y.pashazadeh@urmia.ac.ir

 0000-0000-0000-0000

Meysam Jafari

Ph.D Candidate in Public Administration, Faculty of Economics and Administrative Sciences, Lorestan University, Lorestan, Iran (Corresponding author).

jafari.me@fc.lu.ac.ir

 0000-0000-0000-0000

Mahdieh Vishlaghi

Ph.D Candidate in Public Administration, Faculty of Economics and Administrative Sciences, Semnan University, Semnan, Iran.

m_vishlaghi@semnan.ac.ir

 0000-0002-5809-1086

Abstract

Political entrepreneurship is the driving force behind creating institutional changes that make it possible to change outdated processes. Political entrepreneurs have played an essential role in the policy-making process to create policy changes, and they can create different economic and social dimensions by presenting political strategies. The consensus of key and politically influential people on the issue of entrepreneurship in the country can accelerate the process of program development and solve process challenges. Therefore, identifying the development strategies of political entrepreneurship and strengthening the presence of these people leads to value creation and economic and social growth. Therefore, this research aims to interpret the structural modeling of political entrepreneurship strategies. Political entrepreneurship strategies were identified through semi-structured interviews with a qualitative content analysis method based on the theoretical saturation technique and purposeful sampling method with 24 entrepreneurship, policy-making, and management professors. The validity and reliability of the interviews were confirmed by the methods of relative content validity and Cohen's kappa index, respectively. Coding interviews using MAXQDA2020 software led to the identification of 11 strategies. In order to level the identified strategies, the opinions of 94 entrepreneurs and senior managers of government organizations were used with the stratified random sampling method and with the help of a questionnaire. The validity and reliability of the questionnaire were confirmed using content validity and the test-post-test method. The strategies identified by the interpretative structural method led to the formation of five levels, where political networking was the most effective and streamlining was the most impressionable factor.

Keywords: Political Entrepreneurship, Policy-Making, Value Creation, Interpretive Structure Modeling.

Contents

Analyzing Political Entrepreneurship Strategies Through Structural Modeling.....	563
<i>Yousef Pashazadeh, Meysam Jafari and Mahdieh Vishlaghi</i>	
Defining Challenges in Governance Oversight.....	585
<i>Mohammadreza Esmaeili Givi, Masoomeh Sarvandi, Mahdi Abdolhamid and Sahar Shadram</i>	
Strategic Bottlenecks and Requirements of I.R. Iran's for Collaboration with the Financial Action Task Force (FATF) and the Egmont Group of Financial Intelligence Units (EGMONT). 609	
<i>Mohammad Reza Hosseini</i>	
The Essence of Jurisprudential Theorization in Legal Frameworks . 635	
<i>Seyyed Muhammad Hosseini, Narjes Khatoon Hemmati Bakhshkandi and Mahmood Veysi</i>	
Approaches and Procedures for Assessing Judges Competence in Islamic Society	663
<i>Gholamreza Montazeri and Mostafa Montazeri</i>	
The Paradox in International Government Practices Regarding the Non-Recognition of the Taliban Government, with a Focus on Iran's Strategy	695
<i>Ahmad Reza Tohidi and Mohammad Amir Qasemishahi</i>	



Institute for Strategic
Research

Publisher
Institute for Strategic
Research
Expediency Council

Managing Director
Dr. Mohammadreza
Majidi

Editor-in-Chief
Dr. Mohammadrahim
Eivazi

Internal Director
Afifeh Abedi

Layout and Graphics
Reza Abdollahi Bejandi

Editor
Reza Diba

ISSN: 1028-3102
Electronic ISSN
2588-6525

Publication
Information for
Strategic Research

Quarterly of The Scientific Journal of Strategy 104

Vol. 31 - No. 4 - Issue. 105 - winter 2023

Editorial Board

Dr. Mohammadrahim Eivazi

Dr. Ebrahim Begzadeh

Dr. Ezzatullah Naderi

Dr. Ali Bigdeli

Dr. Aliasghar Pourezat

Dr. Soheila Parveen

Dr. Ali Morshedizad

Dr. Mojtaba Amiri

This journal is printed according to letter No. 90/25595, dated 12 December 2011.

According to letter No 2/18/3511, dated 2 June 2013 of the Ministry of Science, Research and Technology, The Scientific Journal of Strategy has been accredited as a scientific-research Journal since spring 2012.

Address: No. 10, between 4th and 65th alley, North Mossadegh St, Mirdamad, Tehran, Iran.

Postcode: 1591816911

Tel: +98 21 22258921

Fax: +98 21 22258921

Website: <http://rahbord.csr.ir>

Email: rahbordcsr@gmail.com

Price: 200000 Rials